

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# مطالعہ فرد

امیر حسین بانک پور فرد



سرشناسه: بانکی پور فرد، امیر حسین، ۱۳۴۹ -  
عنوان و نام پدیدآور: مطلع مهر، راهکارهای جامع و کاربردی  
برای انتخاب همسر / امیر حسین بانکی پور فرد.  
مشخصات نشر: اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.؛ رقعی.  
شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۵-۲۳-۸۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
عنوان دیگر: راهکارهای جامع و کاربردی برای انتخاب  
همسر.  
یادداشت: کتابنامه: ص ۵۱-۴۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
موضوع: زناشویی (اسلام).  
موضوع: زناشویی - راهنمایی و مشاوره.  
موضوع: همسرگزینی.  
رده بندی کنگره: ۲۴۲ب/۲۵۸/PB  
رده بندی دیویی: ۸۴۴/۷۲۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۳۱۷۸۰



**ناشر: حدیث راه عشق**  
**مؤلف: امیر حسین بانکی پور فرد**  
**سال انتشار: ۱۳۸۸**  
**نوبت چاپ: هفتم**  
**شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه**  
**شمارگان قبلی: ۳۰۰۰۰ نسخه**  
**جلد و صفحه آرایی: حاشیه گرافیک**  
**چاپ و اجرا: چاپ و نشر سطر**  
**قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال**

---

تقدیم به مادر  
با صفا و مهربانم

---





## فهرست اجمالی

مقدمه

گفتار اول: فوریت ازدواج/ ۱

گفتار دوم: احراز شرایط اولیه برای ازدواج/ ۳۹

گفتار سوم: معیارهای انتخاب همسر/ ۶۵

گفتار چهارم: آداب خواستگاری/ ۱۱۳

گفتار پنجم: ضرورت تحقیق در ازدواج/ ۱۶۹

گفتار ششم: تصمیم گیری/ ۱۸۷

گفتار هفتم: نقش مهریه در ازدواج/ ۲۲۵

گفتار هشتم: بهترین انتخاب/ ۲۴۳

منابع/ ۲۵۵





# فهرست

## مقدمه

### گفتار اول: فوریت ازدواج/۱

وجوب ازدواج در دوران کنونی/۴

ضرورت تحصیل مقدمه‌ی واجب/۷

وظیفه‌ی همگانی جهت تسهیل ازدواج/۸

رفع موانع ازدواج/۱۰

تحصیلات و ازدواج/۱۲

سن/۱۶

سربازی/۱۷

مشکلات اقتصادی/۱۸

مشکلات خانوادگی/۲۰

عدم وجود خواستگار مناسب/۲۳

توهّمات/۲۵

مشکلات عاطفی/۲۷

روش کنترل غرایز تا هنگام ازدواج/۲۸

چهل حدیث در اهمیت و فوائد ازدواج/۲۹

نمودار موانع ازدواج/۳۶

### گفتار دوم: احراز شرایط اولیه

#### برای ازدواج/۳۹

برنامه‌ریزی نه شتاب‌زدگی/۴۲

مطالعات اولیه/۴۳

تحصیل آمادگی ازدواج/۴۵

شرایط لازم برای ازدواج/۴۵

بلوغ اشدّ/۴۶

شما بهتر است ازدواج نکنید!/۴۸

رشد عقلانی/۵۲

توانمندی اقتصادی/۵۹

راه‌های احراز انواع دیگر بلوغ / ۶۰

بلوغ عاطفی/۶۱

بلوغ جنسی/۶۲

بلوغ اجتماعی/۶۲

بلوغ فرهنگی/۶۳

## گفتار سوم: معیارهای انتخاب همسر/۶۵

- مشکلات و پیچیدگی تعیین معیارها/۶۷
- ابهام مفاهیم/۶۸
- تفاوت معیارها/۶۸
- ضریب اهمیت معیارها/۶۹
- هدف از ازدواج/۷۰
- کفویت و همتایی/۷۱
- ابعاد خودشناسی/۷۳
- آرامش حقیقی در ازدواج/۷۸
- ایمان/۷۹
- اخلاق/۸۰
- تفاوت آسایش با آرامش/۸۰
- آرامش ساز یا آرامش سوز/۸۲
- تطابق فرهنگی/۸۵
- بزرگترین معطل ازدواج دانشجویی/۸۵
- مبنای کل نگری/۸۶
- تأثیر کل نگری در شناخت/۸۷
- مشکل تطابق فرهنگی بین دانشجویان/۸۷
- تأثیر اساسی هویت فرهنگی/۸۹
- فرهنگ‌های خاص/۹۰
- فاصله از فرهنگ دینی/۹۱
- ترجیح تطابق فرهنگی بر احساسات/۹۱
- فرهنگ خانواده/۹۲
- احساس خوشایندی/۹۳

## معیارهای انتخاب همسر از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام)/۹۴

- معیارهای مشترک/۹۵
- معیارهای انتخاب زن/۹۶
- خصوصیات زن بد/۹۹
- معیارهای انتخاب شوهر/۱۰۱
- خصوصیات مرد بد/۱۰۵
- نمودار جامع معیارها/۱۰۶
- گفتار چهارم: آداب خواستگاری/۱۱۳**
- جایگاه قلب و عقل در انتخاب/۱۱۶
- دلدادگی/۱۱۷
- آشنایی‌های مستقیم/۱۲۰
- غلبه احساسات در آشنایی‌های  
مستقیم/۱۲۰
- تأثیر روان ناخودآگاه در تعلق زن و  
مرد/۱۲۱
- شیوه برخورد با آشنایی‌های  
مستقیم/۱۲۳
- آشنایی از طریق چت کردن/۱۲۴
- خواستگاری غیرمستقیم/۱۲۵
- خصوصیات مشابه و معرف/۱۲۵
- آشنایی از طریق عکس/۱۲۶
- نکاتی در مورد انواع خواستگاری  
رسمی و غیررسمی/۱۲۷



## گفتار پنجم: ضرورت تحقیق در

### ازدواج/۱۶۹

زمان تحقیق/۱۷۲

منابع تحقیق/۱۷۳

خصوصیات محقق/۱۷۵

شیوه‌ی تحقیق/۱۷۷

نکات مهم در تحقیق/۱۸۰

سؤالات تحقیق/۱۸۲

نمودار تحقیق/۱۸۵

## گفتار ششم: تصمیم‌گیری/۱۸۷

جایگاه قسمت در ازدواج/۱۹۰

قضا و قدر/۱۹۰

اختیار و سرنوشت/۱۹۱

حق انتخاب در ازدواج/۱۹۲

جزئی برخورد نکردن در ازدواج/۱۹۳

سرنوشت همسر فرعون/۱۹۵

ازدواج با حجت خدا/۱۹۵

تلاش و پاکی، مؤثر در سرنوشت/۱۹۶

توجه به اصلاح‌کننده سرنوشت/۱۹۷

توکل/۱۹۸

معنای توکل/۱۹۸

توکل مانع ترس/۱۹۹

بخل‌زدایی/۲۰۱

جایگاه استخاره در ازدواج/۲۰۳

مجلس خواستگاری/۱۲۹

نکاتی در مورد آداب خواستگاری/۱۳۰

نمودار روش‌های خواستگاری و آداب

خواستگاری/۱۳۳

گفتگو/۱۳۵

گفتگوی خواستگاری را چگونه آغاز

کنیم/۱۳۵

استفاده از دیدگاه‌های خانواده پس از

اولین جلسه/۱۳۷

نمودار وظایف خانواده/۱۳۸

شیوه گفتگوی دو نفری/۱۳۹

شناسایی از روی سؤالات فرد/۱۴۲

شیوه سؤال کردن/۱۴۴

تشخیص صداقت/۱۴۵

بیان اسرار زندگی در خواستگاری/۱۴۷

نکات قابل توجه در مورد گفتگوهای

خواستگاری/۱۴۸

سؤالات گفتگو/۱۵۰

احکام و آداب خواستگاری در نگاه اهل

بیت علیهم‌السلام/۱۶۲

نمودار گفتگوهای خواستگاری/۱۶۶

## گفتار هفتم: نقش مهریه در

### ازدواج/۲۲۵

- فلسفه مهریه/۲۲۸
- میزان مهریه/۲۲۹
- مهرالسنه/۲۳۲
- عوامل بالا رفتن مبلغ مهریه/۲۳۲
- احکام مهریه/۲۳۴
- مجلس مهریه برون/۲۳۶
- مهریه از نظر اهل بیت علیهم السلام/۲۳۷
- جدول مهریه/۲۴۲

## گفتار هشتم: بهترین انتخاب/۲۴۳

### منابع/۲۵۵

معنای استخاره حقیقی/۲۰۳

استخاره مرسوم/۲۰۳

تفاوت استخاره با فال گیری/۲۰۴

شیوه استخاره/۲۰۵

استخاره های بی جا/۲۰۵

مشورت با خدا/۲۰۶

تخلف از استخاره/۲۰۶

نکات در مورد استخاره/۲۰۶

مشاوره/۲۰۷

مشورت و مشاوره از نگاه اهل بیت علیهم السلام/۲۱۰

جدول مهریه/۲۴۲

شیوهی ارزیابی ملاک ها/۲۱۴

نکات پزشکی/۲۱۵

دوری از شتاب زدگی/۲۱۶

نکات اساسی در تصمیم گیری/۲۱۷

جدول تصمیم گیری/۲۲۴

## مقدمه

قال رسول الله ﷺ: مَنْ نَكَحَ اللَّهَ وَأُنْكَحَ اللَّهَ اسْتَحَقَّ وِلَايَةَ اللَّهِ<sup>۱</sup>.

هر که برای خدا ازدواج کند و برای خدا کسی را به ازدواج دیگری درآورد، سزاوار ولایت و دوستی خداست..

ازدواج یک امر پسندیده است که مطابق طبیعت، فطرت، شرع، عقل، حافظ بقای نسل، پاکی نسل، سنت رسول اکرم ﷺ، امر مقدّس، نشاط بخش و نشانه‌ی خدا است. پس باید به هنگام، هرچه زودتر و بهتر به آن پرداخت. با این حال، در جامعه‌ی ما وضعیت ازدواج برای بعضی چهره‌ای دیگر یافته است. در نزد اطرافیان امری است مشکل، پرخطر، اضطراب آور، اختلاف‌زا، تنش آفرین، هزینه‌بر و پر دردسر؛ پس در نهایت بهتر آن است که تا حد ممکن به تأخیر انداخت یا از خیر آن گذشت.

درباره‌ی پیدایش این طرز تلقی از ازدواج بحثهای نظری مختلف و ایده‌های متفاوتی وجود دارد. بعضی علت را در تحول جمعیتی دهه‌ی ۶۰ میدانند که با یک توده‌ی جمعیتی روپرو شدیم این توده در هر دوره‌ای که قرار گرفته است، برای آن دوره به حساب کثرت نفرات بحران به بار آورده است و هم اکنون به دوره‌ی ازدواج رسیده است.

بعضی هم علت را تحولات فرهنگی دهه‌ی گذشته می‌دانند که جوانان را به سمت ارتباطات باز اجتماعی کشاند که نتیجه‌ی آن عدم رغبت به ازدواج یا آشنایی‌های مخرب قبل از ازدواج و در نتیجه انتخاب‌های احساسی یا به بیان بهتر اجباری است که منجر به تنش‌های بعد از ازدواج می‌گردد.

به نظر گروهی بالا رفتن سطح توقعات، ازدواج جوانان را با مشکل مواجه کرده است. بعضی هم تکنولوژی رسانه‌ای جدید را عاملی می‌دانند که به توسعه‌ی ارتباطات نامطلوب و فساد ذهنی و حریم‌شکنی انجامیده است که مقدمه‌ی سایر ناهنجاری‌ها است. و همین باعث شده که مسیر مطالبات جوانان از سمت ازدواج و ضروریات زندگی به سمت آزادی‌های اجتماعی سوق داده شود، آن هم با دستورالعمل‌های غربی و در مقابل هم حرکتی جدی در جهت رسیدگی و حفاظت از این نهاد فرهنگی به عمل نیامده است.

اما همه‌ی این اتفاق‌ها در برابر فرهنگ غنی دینی مردم این مرز و بوم نمی‌تواند جز لایه‌های ظاهری جامعه را در زمان کوتاهی تحت تأثیر قرار دهد و با عنایت الهی و تمسک به سنت نبوی و قرآن و اهل بیت (می‌توان براحتی این بحران‌ها را پشت سر گذاشت. همانطور که بارها ملت ایران این امر را ثابت کرده‌اند.

در مورد ازدواج جوانان نیز در سال‌های اخیر خیزش‌های خوبی در حوزه‌های مختلف از نهادهای مردمی گرفته تا مسئولین، از قوانین مجلس گرفته تا حمایت‌های دولتی شروع شده است، ولی در بین همه‌ی این‌ها باید توجه داشت که علی‌رغم نیاز به حمایت‌های اقتصادی برای رفع مشکلات ازدواج جوانان، مشکل اصلی به جنبه‌های فرهنگی برمی‌گردد و باید برای حل این بحران همگان دست به اصلاح فرهنگی جامعه در امر ازدواج بزنند.

ما نیاز به فرهنگ‌سازی در همه‌ی عرصه‌های ازدواج داریم. ازدواج مثل هر امر مهم دیگری با تحولات اجتماعی فعلی نیاز به بازخوانی و تعلیم دقیق به جوانان دارد و باید واحدهای درسی و کلاس‌های مفصلی در محیط‌های علمی، دانشگاهی، نظامی،

مذهبی و عمومی گذاشته شود تا جوانان با آموزش صحیح و دقیق و کاربردی با اطمینان خاطر به این امر مقدس مبادرت ورزند.

کتاب «مطلع مهر» گامی است در این جهت تا جوانان را در انتخاب شایسته که مرحله اول است یاری کند. در این زمینه نشست‌های فراوان و تیم‌های تحقیقاتی زیادی راه‌اندازی شد. مجموعه‌ی این نشست‌ها که طی دو سال با حضور صاحب‌نظران این عرصه به بیش از پنجاه جلسه در حضور بیش از هزار جوان رسید، همچنین در قالب سی‌دی‌هایی با همین نام همزمان با چاپ کتاب به جوانان عزیز تقدیم شد.

نگارنده افتخار دارد که متجاوز از یک دهه، در محیط‌های دانشگاهی به بحث و بررسی و پرسش و پاسخ درباره‌ی ازدواج مبادرت داشته است. بخشی از نکات این نشست‌ها به انضمام تحقیقات وسیعی که به کمک همکاران گرامیم از بیش از ۳۰۰ جلد کتاب، ۶۰ عنوان سخنرانی، سایت‌های اینترنتی، مقالات مجلات و همایش‌ها به‌دست آمده، به فضل الهی در کتاب مطلع مهر به‌طور منسجم ارائه گردیده است. کتاب مطلع مهر حاوی یک برنامه جامع، کاربردی و گام به گام برای جوانان در آستانه‌ی ازدواج است. مطالب آن در برگیرنده‌ی فوریت ازدواج، شرایط، موانع، معیارها، آداب خواستگاری، گفتگوها، شیوه‌ی تحقیق، تصمیم‌گیری و مهریه است. در این کتاب به چهار شیوه مطالب ارائه گردیده است:

شیوه‌ی اول نمودارهای جامع از کل عناوینی است که در هر بخش باید به آن توجه شود. در این جداول سعی شده تا مطالبی از قلم نیفتند و فرد بداند باید به چه موضوعاتی توجه کند که معمولاً در آخر فصل آورده‌ایم. این جداول، علاوه بر جوانان برای محققین و سخنرانان هم می‌تواند بسیار مفید باشد.

شیوه‌ی دوم نکاتی کلیدی در هر مبحث است که هرکدام تأثیر کاربردی و اساسی دارد و مربوط به اساسی‌ترین عناوین می‌باشد. بخشی از این نکات حاصل جستجو در منابع یاد شده است که البته بعضی با تغییراتی ارائه گردیده و نهایتاً مطالبی مقبول، کاربردی و مفید ارزیابی شده که باید مرتب آن‌ها را مورد توجه و دقت قرار داد.

طبیعی است که برای تمامی عناوین نمی‌توانستیم نکات مربوطه را ذکر کنیم؛ چرا که حجم کتاب اقتضا نداشت، بنابراین تنها عناوین مهم‌تر، مورد نظر قرار گرفت. شیوه‌ی سوم ارائه‌ی توصیفی محوری‌ترین مطلب در هر بخش می‌باشد که باید به طور کامل برای خواننده تفهیم شود. طبیعی است که اگر این توضیحات برای تمام نکات و عناوین به این حد می‌خواست ارائه گردد، چندین مجلد می‌شد و شاید انشاءالله در آینده به آن مبادرت شود؛ اما خواسته‌ایم خواننده‌ی محترم با کمک این توضیحات و تفکر و مشورت با خردمندان؛ خود به توضیح مطالب دیگر برسد.

شیوه‌ی چهارم جان کلام تمامی نکات، عناوین و توضیحاتی است که در فصل هشتم به عنوان بهترین انتخاب آورده شده است. لذا این فصل لب‌اللباب کل کتاب است. توصیه می‌شود در خلال مطالعه‌ی اولیه‌ی کتاب نکاتی که مورد توجه‌تان قرار می‌گیرد را علامت زده تا بعدها باز بتوانید در هر مرحله به آن مراجعه نمایید.

از تمامی کسانی که در مرکز فرهنگی حدیث راه عشق و مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه در ارائه‌ی این اثر اینجانب را یاری نمودند تشکر وافر دارم. و برای تمامی آن‌ها اجر جزیل خواستارم.

خدا را شاکرم که توانستم این آرزوی دیرینه را در ایام ولادت مسعود حضرت امام رضا علیه السلام در کتابخانه‌ی حرم مطهر ایشان به پایان برسانم و به مناسبت ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهما السلام منتشر نمایم. امیدوارم این اثر مرضی نظر آقا امام زمان علیه السلام واقع شود و تأثیر بسزایی در انتخاب صحیح و مناسب برای جوانانمان داشته باشد.

و من الله التوفیق

امیرحسین بانکی پورفرد

## مقدمهٔ چاپ هفتم

خدا را شکر می‌کنم که کتاب مطلع مهر با عنایت او مورد توجه کثیری از جوانان آماده به ازدواج و مشاوران و فرهیختگان قرار گرفت و بحمدالله در فاصلهٔ کمی به کرات چاپهای مختلف آن در اقصا نقاط میهن اسلامیمان پخش شد و توانست کمکی به بهگزینی جوانان ما در عرصه ازدواج داشته باشد در طول دو سالی که از چاپ اول این اثر می‌گذرد نقدها و اصلاحاتی از جانب هم کارشناسان، هم جوانان گرامی برای اینجانب ارسال شد که ضمن تشکر از همهٔ آنها سعی شد در چاپ جدید کتاب حتی المقدور همهٔ پیشنهادات اعمال گردد لذا چاپ جدید با اصلاحات اساسی همراه شد. مضافاً بر این که بخش‌های مربوط به احادیث ازدواج تجدید نظر اساسی شد؛ به نحوی که با مرور بر بیش از هزار حدیث موارد کاربردی که مناسب حال مخاطب باشد ارائه گردید.

همچنین گفتار اول که بمثابة چکیده تمام مطالب کتاب بود، به آخر کتاب منتقل شد که پس از خواندن کتاب به عنوان یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قابل فهم و استفاده بهتری قرار گیرد. در بین اصلاحات بیشترین بهره را از نظریات عزیزانی بردم که بر خود فرض می‌دانم بپاس تشکر وافر از همه آنان نامشان را در پایان ذکر نمایم.

مهندس رضا کازرونی، حجه الاسلام باقری، استاد انصاری، استاد روشنفر، مهندس ظهیری، دکتر تقی اژه‌ای، دکتر غلامعلی بانکی پورفرد، دکتر سید منصور علوی، خانم احمدی، زهرا زارعی، لیلا فاضل نجف آبادی، نسیم کریمی، مریم فداکار، مریم حسین زاده،

امیر حسین بانکی پور فرد

اول ذیحجه ۱۴۳۰

سالروز ازدواج امیرالمومنین علیه السلام و فاطمة زهرا علیها السلام



## باتشکر از برادران:

- مهندس حمیدرضا نظری مسؤول گروه‌های تحقیقاتی
- سید مهدی صدری مدیر سازمان ملی جوانان جهت حمایت از چاپ این اثر
- مهدی کلانتری مدیرعامل انتشارات حدیث راه عشق
- مختار رنجکش ویراستاری متن و حمیدرضا امینی صفحه آرایی

## و خواهران

- اعظم فروغی ابری مدیر هماهنگی و اجرا
- سمیه ذوالفقاری، مریم تیموری، ربابه جعفری تدوین نکات و عناوین بحث مهریه
- فاطمه هادیان، نفیسه کرباسیون، لیلا عسگری، فاطمه عطایی، سمیه ترکی مقدم، فرشته هوشیدر تدوین نکات و عناوین آداب خواستگاری و تحقیق
- مرضیه گرامی پور، حمیده میرزادارانی، نجمه فرزانه خو تهیه و تنظیم شرایط و موانع ازدواج
- ملیحه نقش‌زن، تایپ مطالب و بقیه‌ی محققین مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه





# گفتار اول /

فوریت از دوا سچ



در این گفتار برآنیم با تأکید بر فوریت ازدواج و اینکه جوانان عزیز باید این امر مقدّس را در وقت خودش و در اوج شور و نشاط جوانی انجام دهند، به موانع تحقّق ازدواج و شرایطی که یک جوان برای ازدواج باید دارا باشد بپردازیم و در این زمینه نقش خانواده و جامعه را نیز مشخص کنیم.

## ۱-۱ وجوب ازدواج در دوران کنونی

اولین مرحله برای فراهم شدن زمینه‌های یک ازدواج آسان و با موفقیت، تبیین موضوع وجوب ازدواج برای جوانان است. شاید مناسب باشد که قبل از پرداختن به این مبحث، ازدواج را از نظر احکام اسلام مورد بررسی قرار دهیم؛ یعنی بر اساس احکام پنج‌گانه‌ی واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام، بدانیم ازدواج در زمره‌ی کدامیک قرار می‌گیرد؟

در نگاه اولیه ازدواج «یک مستحب مؤکد» جلوه می‌نماید، اما با نگاه دقیق‌تر در می‌یابیم فقهای اسلام در هر پنج بخش احکام خمس، به مسأله‌ی ازدواج پرداخته‌اند؛ یعنی ازدواج گاهی واجب، گاهی مستحب، گاهی مباح، گاه مکروه و گاه حرام گردیده است! زیرا ازدواج در شرایط و افراد مختلف حکم متفاوتی پیدا خواهد کرد. چنانکه ازدواج با محارم «حرام» است و در مقابل اگر کسی به دلیل عدم کنترل گزینه‌ی جنسی به معصیت بیفتد، ازدواج بر او «واجب» است.

در شرایط کنونی جامعه و با توجه به توسعه‌ی ارتباطات و تهاجم فرهنگی رسانه‌ها، می‌توان امر ازدواج را از اهم واجبات به شمار آورد؛ زیرا متأسفانه لغزشگاه‌های فراوانی بر سر راه جوانان کشورمان ایجاد گردیده است به طوری که در این شرایط واقعاً «در جوانی پاک بودن شیوه‌ی پیغمبری است». بر این اساس اگر جوانی احساس کند قادر به کنترل غرایز جنسی خود نیست، امر ازدواج بر او واجب است و به‌طور طبیعی طبق فتوای فقها، این جوان راهی جز مبادرت به ازدواج ندارد. به عبارت دیگر، فرصتی برای تصمیم‌گیری در این زمینه نیست که بگوید من باید فکر کنم که آیا خوب است ازدواج کنم یا نه؟

با این مقدمه می‌توان گفت برای طیف وسیعی از جوانان، ازدواج حکم واجب را دارد. البته نباید به گناه و خطا افتادن را صرفاً در مسائل جنسی و گناهان کبیره دانست؛ زیرا تأثیر منفی مجرد ماندن جوانان و غلیان شهوت در وجود ایشان موجب

می‌شود با حالات ناشی از این مسأله در واجباتشان خللی ایجاد شود. مثلاً جوشش غریزه‌ی جنسی، توفیق کسب علم و یا عبادتی با حضور قلب را به او نمی‌دهد و گاه در پی سرخوردگی‌ها و بیم به گناه افتادن، از روابط اجتماعی خود می‌کاهد و رفته‌رفته تأثیرات روانی این رفتار، موجب عصبی شدن و تندخویی او می‌گردد.

از تأثیرات جانبی ناشی از این مسأله می‌توان بی‌میلی به کار و فعالیت، به درس و مطالعه و بی‌میلی به معاشرت و مصاحبت با همسالان، اقوام و دوستان نام برد. هر چند موارد یاد شده از گناهان به شمار نمی‌آید، اما این ناهنجاری‌ها مقدمات گناهدانی را در انسان بوجود می‌آورد.

باید خاطر نشان شد که سوابق دینی، مذهبی، تقوا و رشد فکری ما نمی‌تواند همیشه نگاهدارنده‌ی ما از لغزش‌ها باشد. هر چند تقوا در شرایط معمولی مانع از لغزش انسان‌ها می‌شود، ولی در شرایط بحرانی کنونی که میدان لغزش‌ها بسیار گسترده است، نه تنها صاحبان تقوا، بلکه دارندگان عصمت هم توانایی مقاومت در برابر آن را در خود نبینند چنانکه در قرآن به این نکته صریحاً اشاره شده است.

حضرت یوسف علیه السلام که از معصومین و پیامبران الهی است و از درجه‌ی خلوص و عبادت بسیار بالایی برخوردار است و با اینکه وسوسه‌های شیطانی در انبیاء راه ندارد و حضرت یوسف علیه السلام از امتحانی بزرگ سرفراز و موفق بیرون آمد و به همگان اثبات شد او جوانی عقیف و پاک است، اما هنگامی که زلیخا در آن محفل زنانه به ملامتگران خویش اعلام می‌کند هر چند یوسف علیه السلام دفعه‌ی قبل به خواهش من تن در نداد، ولی من آخر او را وادار به این گناه می‌کنم؛ حضرت یوسف علیه السلام در پاسخ به او نمی‌گوید تو توانایی چنین کاری نداری و من امتحانم را با سربلندی پشت سر گذاشتم؛ زیرا من معصوم هستم، بلکه از حضرت حق می‌خواهد برای رهایی از چنگ حيله‌های زلیخا زندان را نصیث گرداند. می‌فرماید: پروردگارا! زندان نزد من

محبوب‌تر است از آنچه این‌ها مرا به سوی آن می‌خوانند؛ و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من بازگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.<sup>۱</sup>

یعنی حضرت یوسف علیه السلام از پیش آمدن صحنه‌ای دیگر مانند صحنه‌ی پیشین احساس هراس و نگرانی می‌کند؛ زیرا در چنین شرایطی معلوم نیست بتواند در مقابل آتش شهوت از خود مقاومت نشان دهد.

نقل کرده‌اند از مقدّس اردبیلی! پرسیدند: اگر در خانه‌ای بین شما و خانمی خلوتی ایجاد شد چه می‌کنید؟ مقدّس اردبیلی گفت: من به خدا پناه می‌برم که چنین امتحانی را به سرم نیاورد.

در روایت آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به همه‌ی زنان سلام می‌کردند در حالی که برای حضرت علی علیه السلام - که از زمره‌ی جوانان اصحاب پیامبر بودند - ناخوشایند بود به زنان جوان سلام کنند. حضرت می‌فرمودند: می‌ترسم صدای ایشان دلم را بلرزاند و آنچه از [بدی] برایم بوجود می‌آید بیش از ثوابی باشد که کسب می‌کنم!<sup>۲</sup> از این مطلب می‌توان به اهمیت موضوع بیش‌تر پی برد. هر چند امیرمؤمنان علیه السلام عصمت کبری دارند، ولی باید بگونه‌ای رفتار کنند که الگو باشند؛ وانگهی آن دختر جوان که معصوم نیست و ممکن است دچار لغزش شود.

انسان در شرایط کنونی به طریق اولی نمی‌تواند به گذشته‌ی خویش اطمینان کند و تکیه داشته باشد و با خود بگوید با وجود این ماهواره‌ها، وسایل ارتباط جمعی، تلفن‌های تصویری و... من دچار لغزش نمی‌شوم!

کلام حضرت یوسف علیه السلام که فرمود: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»<sup>۳</sup> هشداری تکان دهنده برای همه‌ی جوانان عزیز است.

این کلام را زمانی حضرت یوسف علیه السلام بیان می‌کند که معصومیت و بی‌گناهی او

۱. یوسف (۱۲)/۳۳: «قَالَ رَبِّ السُّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ»

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۸

۳. یوسف (۱۲)/۵۳



بر همگان ثابت شده است و عزیز مصر و زنان ملامتگر مصری و دوستان یوسف علیه السلام در زندان به پاکی و صداقت و عفت یوسف علیه السلام اذعان دارند. یعنی ای کسانی که به پاکی من اقرار و اذعان دارید، با این وجود من نفس آماره‌ی خود را تبرئه نمی‌کنم. نفس من مرا به بدی دعوت می‌کند و اگر نجات یافتم فقط به دلیل رحمت و نظر لطف پروردگار بود.

اگر جوانی توفیق صیانت نفس خود را داشته است، نشانه‌ی رحمت خداوند است و بدیهی است که این رحمت برای ما زمانی تداوم می‌یابد که بر اساس قاعده‌ی لطف و رحمت او حرکت کنیم و پیش برویم. خلاصه‌ی مطلب اینکه با احساس و خوب ازدواج دیگر معنی در اصل قضیه نداشته باشیم.

### ۲-۱ ضرورت تحصیل مقدمه‌ی واجب

پس از اینکه جوانی و خوب امر ازدواج را در وجود خویش احساس کرد - به طوری که اکنون این وضعیت در جامعه‌ی فعلی در مورد بسیاری از جوانان ما صادق است - باید شرایط آن واجب را نیز بوجد آورد.

در بعضی واجبات اگر شرایط و خوب حاصل گردید، آن امر واجب می‌شود. بطور مثال حج که یک فریضه و از واجبات و فروع دینی ما مسلمانان به شمار می‌آید و از اهمیت بالایی برخوردار است، شرایطی دارد که از جمله شرایط آن «استطاعت» است و فقها در خصوص استطاعت، چهار استطاعت «مالی»، «جسمی»، «امنیتی» و «زمانی» را شرط و خوب حج تمتع دانسته‌اند. اما آیا مستطیع شدن نیز از واجبات است؟ یعنی آیا شما باید خود را به مشقت بیندازید که به استطاعت برسید تا حج بر شما واجب شود؟!

پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا چنانچه مستطیع شدید، حج بر شما واجب می‌شود و شارع مقدس شما را موظف به مستطیع شدن ننموده است.

اما برخی دیگر از واجبات که بر همه‌ی افراد مسلمان واجب است؛ در عین حال،

آن واجبات شرایطی دارند که تحصیل شرایطشان نیز واجب است. مثلاً نماز بر همه واجب است ولی شرط ابتدایی اقامه‌ی نماز، طهارت و وضو است. پس اینک که شرط نماز صحیح، داشتن طهارت و وضو است، بر شما واجب می‌گردد وضو بگیرید و سپس نماز را اقامه کنید.

کسی نمی‌تواند نماز بخواند به این دلیل که وضو ندارد. درست است که انسان بی‌وضو نمی‌تواند نماز بخواند، ولی بر او واجب است وضو بگیرد و نماز بخواند یعنی مقدمه‌ی آن نیز واجب است.

### ۱-۳ وظیفه‌ی همگانی جهت تسهیل ازدواج

حال این سؤال مطرح می‌شود که ازدواج جزء کدام دسته‌ی واجبات است؟ در پاسخ باید گفت: قطعاً شرایط ازدواج نیز مانند شرایط نماز است. اگر بر جوانی ازدواج واجب شد، تحصیل شرایط ازدواج هم بر او واجب می‌شود. البته یک فرق عمده در وجوب ازدواج جوانان با دیگر واجبات وجود دارد و آن این است که تحصیل شرایط و مقدمات ازدواج صرفاً تکلیف خود جوان نیست؛ بلکه بنا بر آیه‌ی «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»<sup>۱</sup> مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید همچنین غلامان و کنیزانی که شایستگی ازدواج را دارند. خداوند نه تنها به جوانان، که به دیگر مسلمانان نیز تحصیل شرایط ازدواج واجب است. مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید همچنین غلامان و کنیزانی که شایستگی ازدواج را دارند.

بطور مثال اگر در جامعه بر یک میلیون جوان امر ازدواج واجب باشد، بر دولتمردان و دیگر افراد مسؤول و توانمند نیز واجب است که شرایط ازدواج آنان را فراهم نمایند. بر نمایندگان مجلس و قانونگذاران است که قوانین تسهیل ازدواج جوانان را به تصویب برسانند. بر اعضای شوراهای شهر و روستاست که امکانات

۱. نور(۲۴)/۳۲

شهر و روستا را در جهت ازدواج جوانان مهیا نمایند. بر پدر و مادر و بزرگان آن جوان است که زمینه‌ی ازدواج جوانشان را مهیا سازند.

پیامبر فرمودند: از حقوق فرزند بر پدرش، این سه چیز است: نام نیکو بر او بنهد، به او سواد بیاموزد، و هنگامی که بالغ شد، او را همسر بدهد<sup>۱</sup> و در جای دیگر تأکید کردند: هر کس فرزندش به سن ازدواج برسد و توان ازدواج دادن او را داشته باشد، (ولی این کار را نکند) و از فرزندش لغزشی سرزند، گناهش به گردن اوست.<sup>۲</sup>

با این توصیف، این شرط از شرط واجب نماز هم بسیار قوی‌تر است. در نماز، شرایط اقامه‌ی آن فقط بر شخص نمازگزار واجب می‌گردد. اما در امر ازدواج، دیگران نیز در فراهم آوردن شرایط مسؤول هستند. یعنی هر فردی با امکاناتی که در اختیار دارد باید در حلّ این مهم و واجب تلاش نماید. کسانی که از موقعیت‌های اجتماعی و وجهه‌های قانونی برخوردارند، باید از آن بهره بگیرند. متمکّنین با اموال خود، رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی و تبیین فرهنگ صحیح در تسهیل امر ازدواج کوشش نمایند و در یک جمله باید گفت: هیچ مسلمانی در این خصوص بی‌مسئولیت نیست. بانک‌ها، قرض‌الحسنه‌ها و سیستم بانکی کشور باید با اختصاص و اعطای تسهیلات خود به امر ازدواج در رونق بخشیدن به این مهم گام‌های اساسی بردارند.

بر این اساس، وقتی ازدواج واجب است، تسهیل ازدواج هم بر همگان واجب می‌شود و باید زمینه‌های شکل گرفتن ازدواج جوانان را همه فراهم آورند.

در این زمینه توصیه‌های زیادی از ناحیه معصومین شده است که به بعضی اشاره می‌شود:

پیامبر خدا ﷺ: هر کس دختری را همسر دهد، در روز رستاخیز، خداوند تاج شاهی بر سر او می‌نهد.<sup>۳</sup>

۱. (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۴)

۲. (الفردوس، ج ۳، ص ۴۸)

۳. (کنز العمال، ج ۱، ص ۴۵۱)

پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه به ازدواج درآوردن دو مؤمن بکوشد تا آن دو را به هم برساند، خداوند هزار زن از حورالعین به همسری او درمیآورد که هر زنی، در کوشگی از در و یاقوت است، و برای هر قدمی که در این راه بر میدارد یا برای هر سخنی که در این راه میگوید، عمل یک سال (عبادت) - که شهبای آن را به نماز بگذراند و روزهایش را به روزه‌داری-، برایش نوشته می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ: هر کس برادر مؤمن خود را به ازدواج زنی درآورد که همدم و کمک- یار و مایه آسایش او باشد خداوند از حورالعین، به همسری وی درمیآورد، و او را با هر یک از صدیقان اهل بیت پیامبرش - که دوست داشته باشد-، و برادرانش مأنوس می‌کند، و آنان را هم با او همدم می‌گرداند.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ: هر کس بنده خدایی را زن دهد، خداوند، تاج شاهی بر سر او می‌نهد.<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام: هر کس بی همسری را همسر بدهد، از کسانی است که خداوند در روز قیامت، به او نظر (لطف) می‌افکند.<sup>۴</sup>

امام کاظم علیه السلام: سه کسانند که در آن روزی که سایه‌ای جز سایه عرش خدا نیست، در سایه عرش خدا هستند: مردی که برادر مسلمانش را همسر بدهد، یا به او خدمت کند، یا رازی از او را پوشیده بدارد.<sup>۵</sup>

## ۱-۴ رفع موانع ازدواج

مانع تراشی در ازدواج، مصداق «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» محسوب می‌شود و بدیهی است هر کس باید به هر طریق که می‌تواند مشکلاتی را از سر راه این امر بردارد. با

۱. (ثواب الاعمال، ص ۳۴۰)

۲. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴)

۳. (المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۱۸۹)

۴. (الکافی، ج ۵، ص ۳۳۱)

۵. (الخصال، ص ۱۴۱)

۶. اشاره به آیه ۲۵ سوره مبارکه ی حج

این جمله می‌خواهیم بگوئیم نه تنها وظیفه‌ی آحاد جامعه ایجاد بستر و شرایط مناسب و آسان برای ازدواج است، بلکه رفع موانع هم از واجبات این مهم به شمار می‌آید و چه بسا رفع موانع بیش‌تر در جامعه سرایت و عمومیت دارد.

به عبارتی دیگر، برای ایجاد مقتضی بعضی از افراد جامعه مدّ نظر قرار می‌گیرند؛ در حالی که در رفع موانع تک‌تک آحاد جامعه سهیم هستند و می‌توانند در رفع موانع نقش ایفا کنند؛ زیرا بزرگ‌ترین مانع ازدواج در جامعه‌ی کنونی افکار و فرهنگ غلط اجتماع در بحث ازدواج است؛ آداب و رسوم دست و پاگیری که آحاد جامعه آن را پذیرفته‌ایم و در هر قومیتی بگونه‌ای کم و بیش به عنوان سنّت و رسوم دیرینه جزء لاینفک ازدواج قرار داده‌ایم. حاشیه‌های غیرضروری این مهم بقدری از متن آن زیادتر شده است که اصل متن را زیر سؤال برده است و همه با هم مانعی در راه امر خدا و مصداق «صدّ عن سبیل الله» شده‌ایم!

هر کس به میزان ولخرجی و ریخت و پاش غیرضروری که در تشریفات ازدواج فرزندش انجام می‌دهد، مصداق این «صدّ عن سبیل الله» است. یقین بدانیم تشریفات که ما برای ازدواج فرزندانمان به خاطر تمکّن و توان مالی به گردن گرفته‌ایم، در روز قیامت ما را گرفتار می‌کند.

وقتی مادری برای دخترش جهیزیه‌ای آنچنانی فراهم می‌کند، (هر چند به ظاهر از مال حلال همسرش تهیه کرده است) نتیجه‌ی این فیس و افاده‌ها سرخوردگی دیگر دختران می‌شود؛ زیرا آنان تصوّر می‌کنند اگر جهیزیه‌ای در حدّ آن عروس خانم نداشته باشند، موجب سرافکندگی در بین اقوام و آشنایان است.

در همه‌ی زمینه‌ها این مثال را مقایسه کنید و مخارج و تشریفات برپایی یک مجلس عقد و عروسی را در نظر بگیرید. بنابراین همه دست به دست هم داده‌ایم و با پذیرفتن این آداب و رسوم که متأسفانه روز به روز بر هزینه‌های آن می‌افزاییم سدّ راه خدا شده‌ایم. بحمدالله در سال‌های اخیر فعالیت‌های ارزشمندی از برخی نهادها و مسئولان در راستای این مهم صورت پذیرفته است و خیریه‌ها و نهادهای مردمی نیز در تسهیل

امر ازدواج همت گمارده‌اند که امید است این روند رو به گسترش و افزایش باشد.

## ۱-۴-۱ تحصیلات و ازدواج

پسری که علاقمند به ادامه‌ی تحصیل است در صورتی که احساس نیاز به ازدواج ندارد، بهتر است ازدواج را تأخیر بیندازد. ولی اگر فرد احساس کند نسبت به جنس مخالف دچار لغزش شده است، احساس می‌کند کنترل شهوات برایش سخت شده چه در برخورد با جنس مخالف، چه همجنس، چه در تنهایی، همین که این احساس را کرد، این‌ها همه نشانه‌ی نیاز به ازدواج است و در این صورت نباید بخاطر تحصیلات ازدواج را عقب بیندازد.

البته در مورد خانم‌ها چه نیاز به ازدواج پیدا شد و چه نشد، اصل اولیه این است که دختر هر چه زودتر اگر امکان ازدواج فراهم بود، ازدواج کند. چرا؟

### ۱- بخاطر انواع و اقسام مزاحمت‌ها

دختر می‌خواهد درس بخواند، مرتب برایش مزاحمت ایجاد می‌شود، چه با قصد منفی، چه به نیت خواستگاری که موجب می‌شود دغدغه‌ی محیط و افراد را پیدا کند. این‌ها وقت زیادی از او می‌گیرد.

### ۲- ذهنیت‌های اطرافیان

دختری که دنبال کسب علم است و می‌خواهد به مرکزی یا نزد استادی برود و بحث کند، چون مجرد است، همیشه یک ذهنیت منفی به دنبالش هست. این ذهنیت‌ها مانع خیلی پیشرفت‌ها می‌شود.

### ۳- از دست دادن موقعیت‌های مناسب

در این چند سال که دختر می‌خواهد به اهداف علمی خود برسد، خواستگارهای خوبی داشته و رد کرده و حالا مثلاً فوق لیسانس گرفته و در ضمن سنش هم بالاتر رفته ولی از آن طرف هم کمیت و هم کیفیت خواستگارها پائین آمده است و در ضمن توقعات او هم بالا رفته است. در این حالت که دختر به یک تعارض می‌رسد که خودش لیاقت‌های ویژه‌ای دارد ولی طالبین او به این لیاقت‌ها نرسیده‌اند

و احساس جفا از طرف جامعه می‌کند و مجبور است به خواستگاری کمتر از آنچه می‌خواست جواب مثبت بدهد که امکان دارد بعداً دچار مشکل بشود.

### ۴- عدم سازگاری

انسان بطور طبیعی هر چه سنش بالاتر می‌رود، قوه‌ی سازگاری و انعطاف‌پذیریش کم‌تر می‌شود. لذا چه دختر، چه پسر بهتر است زودتر ازدواج کنند.

### ۵- عدم تناسب تحصیلی

میانگین سطح تحصیلی دخترها از پسرها بالاتر رفته است. بنابراین بخشی از دختران تحصیل کرده مجبورند با پسری ازدواج کنند که از نظر تحصیلی پایین‌تر از آنها هستند. بنابراین یا ازدواج نمی‌کنند و یا ازدواج می‌کنند و زندگی برای آنها سخت می‌شود. در هر حال سفارش می‌شود اگر شرایط مهیاست، ازدواج کنید. اگر همه‌ی شرایط در نظر گرفته شد، تحصیل مانع ازدواج نیست؛ اگر چه ازدواج کمیت وقت را کم می‌کند، ولی برکتش را زیاد می‌نماید. ازدواج به کار، تحصیل و... برکت می‌دهد؛ به شرط آنکه متناسب و مناسب باشد. شرایط متناسب با ازدواج ضمن تحصیل یعنی اینکه شما که الآن وضعیت آنچنانی ندارید، از طرف مقابل هم توقع آنچنانی نداشته باشید.

فرد مناسب، منظور فرد ایده‌آل نیست؛ مگر خود شما ایده‌آل هستید که می‌خواهید طرف مقابل ایده‌آل باشد؟ منظور از مناسب، یعنی به خود، خانواده و فرهنگت نگاه کن و انتخاب کن.

پس ازدواج مانع تحصیل نیست؛ اما نوع انتخاب مانع تحصیل است. موضوع این نیست که کسی را انتخاب کنیم که همانند ما درس بخواند، بلکه گاهی همسر با آنکه خود نتوانسته است ادامه تحصیل دهد، ولی واقعاً احساس علاقه به تحصیلات همسرش دارد و این را می‌توان در زندگی دید. عشق به تحصیل، بعضی اوقات در وجود فردی هست ولی به خاطر شرایط زندگی نمی‌تواند برود دنبال تحصیل. این عشق را انتقال می‌دهد به وجود همسرش. این افراد زوج‌های موفق هستند.

یک نکته‌ی اساسی برای خانم‌ها این است که یک دختر تا ازدواج نکند، خیلی چیزها برایش دغدغه است. مثلاً پدر و مادرش، دوستان، تحصیلات، کار و ... و نمی‌تواند از آن‌ها جدا بشود. ولی طبیعت دختران این طور است که یک دختر به محض ازدواج دغدغه‌ی اصلی و کانون توجهش همسرش می‌شود. حال، اگر شوهر او رغبت به ادامه‌ی تحصیل همسرش داشته باشد، کانون توجه خانم به ادامه‌ی تحصیل منتقل می‌شود. اما اگر خدای ناکرده طوری شود که این خانم از شوهرش سرد شود، ولی فردی باشد که مزاحم او نباشد و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، باز این دختر می‌رود سراغ درسش. چون دغدغه‌اش شوهرش نیست. اما اگر به شوهرش علاقمند باشد و او به درس علاقمند نباشد، این زن دیگر نمی‌تواند در تحصیل موفق باشد.

بنابراین دختر خانم‌ها به این نکته توجه داشته باشند که اگر فرد مناسبی برای ازدواج پیدا شود، آنچه مقدم می‌باشد ازدواج است نه تحصیل. البته با در نظر داشتن این نکته که در حال سپری کردن مقاطع حساس تحصیلی (کنکور و ...) نباشند. فکر نکنید با ازدواج کردن برنامه تحصیلی‌تان به هم می‌خورد بلکه در پرتو ازدواج، شما و همسرتان می‌توانید یکدیگر را در این راه یاری کنید و به هم دلگرمی و امید دهید که این مسأله در موفقیتتان در تحصیلات علمی بسیار مؤثر است. توجه داشته باشید در ماه‌های اول ازدواج تحصیلات فرد تحت الشعاع قرار می‌گیرد و گاهی دچار تزلزل می‌شود که با توجه به روحیه‌ی خانم‌ها، این امر در آن‌ها بیشتر است؛ پس شروع ازدواج نباید با مقاطع حساس تحصیلی همراه باشد. به‌طور کلی راه حل خروج از تشویش ذهنی در این زمینه، بررسی زندگی کسانی است که ازدواج کرده‌اند و تحصیلاتشان را نیز ادامه داده‌اند. اگر نهایتاً مسیر ازدواج در حین تحصیل را برگزیدید و نگران مشکلاتی هستید که با آن مواجه می‌شوید، به راه حل‌های زیر توجه کنید:

- می‌توانید با مقدمات ساده و بدون تشریفات عقد شرعی کنید، اما زندگی



مشترک را به تأخیر بیندازید. اصطلاحاً ازدواج نیمه مستقل داشته باشید.

- کار کردن همگام با تحصیل، می‌تواند در کاهش مشکلات اقتصادی شما تأثیرگذار باشد.

- وقتی زندگی ساده و قانعی داشته باشید، آرامش فکری و روحی بیشتری خواهید داشت؛ در این صورت راحت‌تر می‌توانید در مسائل علمی، پژوهشی و صنعتی پیشرفت کنید.

- حمایت‌های والدین می‌تواند در کاهش مشکلات دوران تحصیل مؤثر باشد.  
- وقتی هر دو زوج یا یکی از زوجین محصل باشد، انجام کارهای منزل به طور مشترک صورت می‌گیرد که این مسأله علاوه بر محبت و دلگرمی، اجر اخروی را هم به دنبال دارد.

- با توافق یکدیگر تا پایان تحصیل، از بچه‌دار شدن جلوگیری کنید و با آسودگی بیشتری به تحصیل بپردازید.

گاهی اوقات والدین ادامه‌ی تحصیل فرزندانشان را مانع ازدواج آن‌ها می‌دانند و با ازدواج آن‌ها مخالفت می‌کنند در این صورت از طریق افراد بانفوذ باید به آن‌ها گوشزد کرد که:

- گاهی فرزندان به خصوص دختران از ابراز نیاز به ازدواج خجالت می‌کشند و یا حتی ممکن است جواب منفی هم بدهند؛ در صورتی که درونشان غوغایی برپاست.  
- اشکال تراشی و سنگ انداختن بی‌جای والدین باعث می‌شود فرزندان به آن‌ها بدبین شوند و از آن‌ها کینه به دل بگیرند.

- ازدواج فرزندان در فصل مناسب علاوه بر امکان استفاده‌ی مفید از بهار عمر، سبب می‌شود که درسشان را هم با آسودگی خیال بیشتری دنبال کنند.

فرزندان برای از بین بردن اشکال تراشی‌های غیرمنطقی و نامعقول بهتر است راهکارهای زیر را به کار بندند:

- صحبت مستقیم، معقول، مؤدبانه، منطقی و همراه با احترام به والدین و گوشزد کردن

اشکالات آن‌ها و توجیه آنها نسبت به غیرمنطقی بودن شیوه‌ی برخوردشان. - در صورت شرم و حیا و یا تأثیرگذار نبودن صحبت مستقیم، واسطه کردن افرادی که حرف آن‌ها در والدینشان مؤثر واقع می‌گردد. در پایان تأکید می‌کنیم یکی از دلایل بالا رفتن سن ازدواج تحصیلات است که ازدواج‌های دانشجویی علاوه بر کاهش تنش‌های روحی جوانان از بالا رفتن سن ازدواج نیز جلوگیری می‌کند و همچنین از مزایای جشن‌های ازدواج دانشجویی صرفه‌جویی اقتصادی برای زوجین است.

### ۱-۴-۲ سن

مانع سن گاهی در پایین بودن خود را نشان می‌دهد و گاهی در بالا بودن. صرف پایین بودن سن برای ازدواج جوانان نمی‌تواند مانعی محسوب شود این امر در صورتی است که فرد از رشد عقلی بالایی برخوردار باشد. از جمله نتایج مثبت ازدواج در سنین پایین‌تر: انعطاف‌پذیری، گذشت و نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر و آسیب‌پذیری کمتر خواهد بود. گاهی پائین بودن سن فرد (به خصوص دختران) نه تنها مانعی محسوب نمی‌شود، بلکه باعث همراه شدن و تأثیرپذیری بیشتر او از همسر می‌شود و در آرامش زندگی بسیار مؤثر خواهد بود.

در حالت بعدی بالا رفتن سن افراد به خصوص دخترانی که از سن بچه‌دار شدنشان گذشته است و نیز اکراه اطرافیان، به عنوان مانعی برای ازدواج آنها محسوب می‌شود؛ در صورتی که باید توجه داشت که «زوجیت» مستقل از فرزندآوری است و چه بسا چنین افرادی بیشترین آرامش را در زندگی مشترک تجربه خواهند کرد. باید توجه داشت گاهی بالا رفتن سن منجر به کسب تجربه‌ی بیشتر و رسیدن به پختگی می‌شود.

## ۱-۳-۳ سربازی

در مورد رفع مانع سربازی باید به نکات زیر توجه کرد:

- ۱- پسرانی که تحصیلات دانشگاهی دارند مشکل خاصی جهت سربازی ندارند؛ چراکه می‌توانند بعد از پایان تحصیلات در قالب تعهدهایی که همراه با انجام شغلشان است، خدمت سربازی را انجام داده بدون اینکه وقفه‌ای در زندگیشان به وجود آید.
- ۲- خانواده‌ی دختر علت معافیت فرد را جویا شوند و نسبت به صحت آن تحقیق کنند.
- ۳- سربازی نرفتن پسرها دراصل مانعی برای ازدواج محسوب نمی‌شود چراکه فرد می‌تواند عقد کرده سپس به سربازی رود.
- ۴- فرار از سربازی نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه در آینده بر مشکلات فرد می‌افزاید؛ چه بسا اگر قصد خروج از کشور داشته باشد، بخواهد در جایی مشغول به کار شود و... ارائه‌ی کارت پایان خدمت لازم است.
- ۵- کسی که از سربازی فرار می‌کند، نشان می‌دهد که آمادگی برخورد با مشکلات را ندارد.

در صورتی که پسر احساس نیاز به ازدواج نمی‌کند، بهتر است ازدواج را به بعد از گذراندن خدمت سربازی موکول کند.

۷- اگر سربازی نرفته‌اید و قصد ازدواج دارید، این موضوع را با خانواده‌ی دختر مطرح کرده و عنوان کنید که ممکن است در شهر دور مشغول خدمت شوید تا آن‌ها با آگاهی کامل تصمیم‌گیری نمایند.

۸- دختر خانم! اگر فرد مورد نظر در شهر دوری از شما مشغول به خدمت سربازی است، با دقت و بررسی بیش‌تری نسبت به خود و ظرفیت‌سنجی خود تصمیم بگیرید.

۹- اگر فرد مشغول به خدمت سربازی درمحل سکونت خود باشد و درآمد کافی جهت گذراندن حداقل زندگی مشترک را نداشته باشد، خانواده‌ها می‌توانند با کمک‌های مادی و معنوی خود آن‌ها را حمایت کنند و از مشکلات آن‌ها بکاهند.

۱۰- افرادی که مجبورند این دوسال را به دور از محل زندگی بگذرانند، این مسأله مانعی برای ازدواجشان نیست و این افراد می‌توانند دوران عقد خود را همراه با سربازی بگذرانند.

۱۱- عقد در دوران سربازی شیرین و زیباست و زوج می‌توانند با نامه‌نگاری و نوشتن مطالب امیدبخش و دلگرم‌کننده، در زیباترکردن این دوران یکدیگر را یاری داده یا در هنگام مرخصی در این دوران با یکدیگر ملاقات داشته باشند.

### ۱-۴-۲ مشکلات اقتصادی

عمده‌ترین موضوعی که در جامعه مانع ازدواج جوانان تلقی می‌شود، مشکل اقتصادی است. این موضوع مربوط به دوران فعلی فقط نیست، زمان صدر اسلام نیز به این مشکل خیلی‌ها استناد می‌دادند، ولی پیامبر ﷺ و اهل بیت این مسأله را مانع ازدواج نمی‌دانستند.

فرد در اثر ازدواج احساس مسؤولیت بیش‌تری می‌کند و افق‌های جدیدی به روی او باز می‌شود:

- چه بسیار افرادی که بدون کم‌ترین امکانات اقتصادی تصمیم به ازدواج گرفته‌اند و پس از ازدواج خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز ساخته است.
- تمام ابتکار و استعداد پنهانی خود را به کار می‌گیرد.
- لیاقت‌هایی که تا آن وقت از آن خبر نداشت آشکار می‌شود.
- نیروهایی که تا قبل از ازدواج در درونش نهفته بود، آشکار می‌شود.
- شخصیت جدید با توانمندی‌های جدید پیدا می‌کند.
- توکل و اتکای بیشتری به خدا پیدا می‌کند.
- احساس حقارت‌ها و کمبودها در او از بین می‌رود.
- ذوق و شوق پیشرفت و تکامل در او بیشتر می‌شود.
- در پرتو ازدواج راه‌های جدیدی برای کسب درآمد بیشتر پیدا می‌شود.

- فرد در معاملات اقتصادی و توسعه‌ی شغل پردل‌تر و شجاع‌تر عمل می‌کند.
- برخی افراد برای کسب امکانات اقتصادی بیشتر ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند، در این صورت با گذشت دوران جوانی و بهار ازدواج دچار سردرگمی، نابسامانی و زندگی بی‌روح و سرد خواهند شد.
- مزایای شغلی و تسهیلات از قبیل اعطای وام، زمین و... برای افراد متأهل بیشتر از مجردین است.
- در این زمینه خانواده‌ها و فامیل می‌توانند با ایجاد قرض الحسنه‌های خانوادگی و اختصاص بخشی از اعتبارات صندوق به ازدواج جوانان فامیل در حل مشکلات اقتصادی آن‌ها کمک شایانی را داشته باشند.
- بیکاری و نداشتن ثبات شغلی مشکلی است در سر راه ازدواج جوانان که حمایت خانواده‌ها احساس مسؤولیت اطرافیان، حمایت‌های دولتی و همت خود افراد در کاهش مشکلات آن‌ها مؤثر است.
- یکی از مشکلات بسیار مهم برای خانواده‌ی دختر تأمین جهیزیه است که با ساده‌تر کردن این سنت پسن‌دیده و تهیه‌ی مایحتاج اولیه و ضروری زندگی می‌توانند از این مشکلات بکاهند.
- اقوام و فامیل طرفین با درایت و بزرگواری می‌توانند به عنوان راهنما به خانواده‌های طرفین توصیه کنند که مراسم هرچه ساده‌تر و جهیزیه هرچه مفیدتر و ضروری‌تر صورت پذیرد.
- برای کم‌تر و سبک‌تر شدن بار مخارج ازدواج با جلوگیری از تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی و برگزاری مراسم و جشن ساده‌تر بکوشند و از بدهی‌های سنگین پس از ازدواج رهایی یابند.
- برای حل مشکل مسکن هم سکونت موقت در منزل والدین در صورتی که باعث درگیری و توهین و تحقیر نشود، اجاره نشینی و کمک والدین به زوجین در این امر راهگشا است.

## ۱-۴-۵ مشکلات خانوادگی

در این قسمت نکته‌هایی ارائه می‌گردد که برای رفع بعضی از مشکلات خانوادگی می‌تواند مؤثر باشد. (برای نظم بیشتر، راه‌ها تحت عنوان موضوع مربوطه دسته‌بندی شده‌اند.)

### بیماری والدین

- اگر پدر و مادر یا هر دوی آن‌ها بیماری دارند که نیاز به پرستاری دارند، کار را بین خودتان (خواهرها و برادرها) تقسیم کنید و در صورت امکان پرستار هم بگیرید.  
- بدانید که پدر و مادر راضی نیستند که به خاطر آن‌ها مجرد بمانید، پس به ازدواج بیندیشید.

### تأکید بر ازدواج فرزندان بزرگ‌تر

- بحث ترتیب عمدتاً بین دختران مشکلاتی را ایجاد می‌کند و در مورد پسران موضوعیتی ندارد.

- برای رعایت ترتیب ازدواج فرزندان نباید موقعیت‌های خوب و ایده‌آل را فدا کرد، مگر در صورتی که ازدواج خواهر کوچک‌تر، باعث سرشکستگی و افسردگی خواهر بزرگ‌تر شود. ظرافت برخورد و اینکه تأکید و پیشنهاد اقدام از طرف خواهر بزرگ‌تر باشد، مشکل را تا حدودی حل می‌کند.

- برای خانواده توضیح دهیم که به خصوص در مورد دختران، آن‌ها نیستند که به خواستگاری می‌روند، بلکه مورد انتخاب قرار می‌گیرند، لذا نباید موقعیت‌های خوب را از دست داد.

- اگر شما و طرف مقابلتان می‌توانید تا ازدواج کردن خواهر بزرگ‌ترتان صبر نمایید، بهتر است ازدواج خود را به تأخیر اندازید. یا صیغه‌ای خوانده شود و جشن

عروسی به بعد موکول شود.

- خانواده‌ای که عدم ترتیب فرزندان را در امر ازدواج می‌پسندند، باید با عزت و احترام گذاشتن به فرزند بزرگتر، زمینه‌ی عیب‌گذاری مردم را بر روی فرزندان نشان برطرف کنند.

- اگر می‌بینید خواهر بزرگتان از روی بهانه یا وسواس تن به ازدواج نمی‌دهد، یا به‌خاطر ادامه‌ی تحصیل ازدواج را به عقب انداخته است، در صورت وجود موقعیتی مناسب، با مشورت یک فرد آگاه با اطلاع خانواده به ازدواج اقدام کنید.

### تکفل خانواده

- اگر شما سرپرست خانواده‌ی خود هستید یا به عبارتی، آن‌ها تحت پوشش حمایتی مالی و معنوی شما قرار دارند، سعی کنید ضمن احترام گذاشتن و وقت‌گذاری کافی، آن‌ها را به خود وابسته نکنید.

- شما دیر یا زود به ازدواج نیاز پیدا می‌کنید، لذا لازم است والدیتان را برای این امر آماده کنید.

- به والدیتان بفهمانید که ازدواج شما مانع از حمایت‌های مالی و معنوی شما نخواهد شد.

### طلاق

- اگر فرزند طلاق هستید، با بالا بردن خصوصیات اخلاقی و مهارت‌های فردی و اجتماعی و تقویت روحیه‌ی عاطفی جبران این نقیصه را بکنید.

- بدانید که به هر حال قضیه طلاق والدیتان باعث ایجاد شبهه برای خانواده‌ی طرف مقابل می‌شود، لذا سعی کنید در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به موقع این موضوع، در جهت روشن شدن ذهن طرف مقابل بکوشید.

## اختلاف والدین

- مراقب باشید تجربه طلاق یا اختلاف والدیتان شما را نسبت به ازدواج بدبین نکند.
- مراحل طلاق یا اختلاف والدیتان می‌تواند برای شما آینه‌ی عبرتی باشد که دچار آن مشکلات نشوید.
- از والدیتان بخواهید که به شما به عنوان یک ثمره‌ی مشترک از زندگی خویش نگریده و در جهت تشکیل کانون خانواده شما را یاری رسانند.
- بدانید که اختلافات لفظی والدیتان نباید در جلسات خواستگاری و آشنایی ظاهر شده و موجب شبهه در ذهن طرف مقابل شود.
- اگر آوازه‌ی اختلافات والدیتان همه جا پیچیده است، سعی کنید در جلسات خواستگاری در اشاره‌ای مناسب صورت واقعی این اختلافات را توضیح دهید.

## فوت والدین

- اگر یکی از والدین خود را به تازگی از دست داده‌اید و قبل از این واقعه یا بعد از آن تصمیم به ازدواج داشته‌اید یا تصمیم آن را گرفته‌اید، بهتر است تا مدتی این امر را به تأخیر اندازید تا ضمن باز یافتن روحیه‌ی خود و خانواده‌تان حرمت‌ها نیز حفظ شود.
- بدانید فقدان یک یا هر دوی والدین اگر چه برای شما خلأی ایجاد نموده است، اما مانعی بر سر راه ازدواجتان محسوب نمی‌گردد، بلکه با تن دادن به امر ازدواج می‌توانید خود را از افسردگی، ناراحتی و تنهایی ناشی از فوت والدین رها سازید.

## اعتیاد والدین / سابقه‌ی انحرافات اخلاقی / سابقه‌ی بزه‌کاری و حبس

- اگر بالای اعتیاد دامن‌گیر یکی از والدین شما شده است، بدانید مادامی که فرد موفق به ترک نشده و اقدامات شما و دیگر اعضا در ترک دادن ثمری نداشته است،



برای شما بهتر است که هر چه زودتر از آن جمع به وسیله‌ی ازدواج جدا شوید. - اگر احساس می‌کنید بدنامی اعتیاد والدیتان روی زندگی حال و آینده‌ی شما سایه انداخته است، بهتر است برای آنکه به طرف مقابلتان اطمینان دهید که شخصیت شما جدا از فضای حاکم بر خانواده‌تان است، توانایی‌های فردی خود را افزایش دهید. به دنبال وجهه‌ی اجتماعی مثبتی برای خود در جامعه باشید و در یک کلام شخصیتی قوی جدا از خانواده برای خود ترسیم کنید. - تلاش خود را به کار برید تا فردی را که دچار اعتیاد شده است به سمت ترک و بهبودی سوق دهید، حتی اگر برای این کار، ازدواج شما به تعویق افتد، ارزش آن را دارد؛ چون شما با داشتن یک خانواده‌ی سالم مقبول‌ترید تا خانواده‌ای که دچار اعتیاد است.

### ۱-۶ عدم وجود خواستگار مناسب

اگر کسی قصد ازدواج داشته باشد و ازدواج برای او واجب باشد و خواستگاری برای او نیاید چه باید بکند؟

اولین اقدام، عدول از برخی معیارهاست. یعنی از بین معیارهای انتخاب همسر - که برخی سلیقه‌ای و ذوقی است - چشم‌پوشی کند. مثلاً اینکه همسران حتماً از سادات باشد یا تحصیلات عالی داشته باشد، جزء ملاک‌های اساسی نیست. باید تا آنجا که می‌شود، از برخی از این معیارها دست کشید تا دایره‌ی انتخاب زیاد شود. بنابراین بلند پروازی، رؤیا پردازی و بالا بودن سطح توقعات می‌تواند به بهای این تمام شود که برای همیشه مجرد باقی بمانید.

دوم، باید کاری کنید تا آنجایی که می‌توانید شایستگی خود را زیاد نمایید. مثلاً پسری که کار ندارد، برود دنبال کار. دختر تحصیلاتش را مقداری بالا ببرد و از همه مهم‌تر، روی اخلاق فردی خود کار کند. بنابر این در اجتماعات سالم ظاهر شوید؛ مثل مساجد، برنامه‌های مذهبی، دانشگاه و ... زیرا این حضور می‌تواند باعث بروز

استعدادها و خلاقیت‌های درونی شما شود و بستر را جهت مورد انتخاب قرار گرفتن شما مهیا نماید.

یک واقعیت غیر قابل انکار این است که تمام افراد از آراستگی ظاهری و باطنی به حس خوبی می‌رسند. پس توجه داشته باش که ژولیدگی ظاهری و بروز رفتارهای سبک و دور از شأن یک خانم می‌تواند دایره‌ی انتخاب شدن شما را تنگ کند.

سوم، توجه به وقار و آراستگی ظاهری در معاشرت‌های اجتماعی و حضور مثبت در فعالیت‌های خوب و مناسب اجتماعی کمک می‌کند جوانان شایسته شناخته شوند. در حالی که کسانی که در انزوا هستند یا نوع برخورد اجتماعی آن‌ها مناسب نیست، به طور طبیعی کم‌تر در معرض ازدواج قرار می‌گیرند.

چهارم، رفع رفتارها و اخلاقیات نامناسب و نقاط ضعفی که در مورد ازدواج مورد توجه دیگران است. بدخلقی‌ها، عصبیت‌ها، بدزبانی‌ها و ... آفت‌هایی است که به وجهه‌ی شخص بسیار لطمه می‌زند. در واقع کسی دوست ندارد با فردی بد اخلاق، عصبانی، بی‌نظم یا ... روزگار بگذرانند، پس تا دیر نشده در جهت رفع این رذایل بکوشیم.

پنجم، همه باید احساس مسؤولیت کنند. اگر در میان فامیل و دوستان، دختر و پسری را سراغ دارند که مناسب یکدیگرند، بانی خیر شوند و البته با رعایت اصول اخلاقی و پس از مشورت با یک فرد پخته، در این مورد پیش‌قدم شوند. در روایات نیز به این امر توصیه شده است.

ششم، دعا و توکل به خداوند و توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) است. برخی افراد هنگامی که این توصیه را می‌شنوند، می‌گویند خیلی دعا کردیم! همین صحبت، یعنی اینکه به نتیجه نخواهد رسید؛ چون به این راه حل یک نگاه مایوسانه دارد. انسان باید در دعا یقین داشته باشد که می‌شود تا بشود. در دعا مثل تمام اتفاقاتی که در عالم می‌افتد، چند عامل باید دست به دست هم بدهد تا نتیجه دهد. شاید بعضی شرایط،

قبلاً نبوده باشد مثل حال دعا و ... پس امیدوار باشد و با یقین و اصرار و با حصول شرایط از خداوند بخواهد که خدا کسی را از خانه‌اش دور نمی‌کند. بزرگی از اهل دل این سفارش را می‌کرد که چهل روز دعای «یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ»<sup>۱</sup> را بخوانید. نگارنده شاهد این بود که جوانی که ازدواجش خیلی سخت شده بود، با این دعا در کمال ناباوری چه ازدواج شیرینی نمود.

### ۱-۷-۴ توهّمات

گاه آنچه به عنوان مانع در مورد ازدواج می‌پنداریم، جز توهّم نیست. لذا در این قسمت با اشاره به برخی از این امور به اختصار بعضی راه‌حل‌ها ارائه می‌گردد. این توهّم بر اثر سابقه شکست خود فرد یا ترس از تجربیات ناموفق دیگران بوجود می‌آید و برای درمان آن باید:

- با توکل به خدای قادر امر ازدواج را پی بگیرید و از شکست نهراسید.
- اگر در گذشته‌تان شکستی پیرامون ازدواج داشته‌اید، منفی بافی را کنار بگذارید و بدانید تمام افراد جنس مخالف بد نیستند. لذا ضمن عبرت گرفتن از تجربه‌ی ناموفق گذشته به آینده نگاهی روشن داشته باشید.
- اکثر افرادی که پیرامون ازدواج شکستی داشته‌اند، ناخود آگاه دید منفی نسبت به ازدواج دارند، لذا اگر فرد بسیار تأثیرپذیری هستید، نباید پای درد دل این افراد بنشینید و اگر قدرت تمیز بین بد و خوب را دارید، از تجربیات‌شان جهت عدم تکرار آن اشتباهات استفاده نمایید. این توصیه را به والدین‌تان نیز بفرمایید.
- قرار نیست اگر یک نفر در ازدواجش شکست خورد، همه در این امر دچار شکست شوند، لذا جهت رهایی از این ترس به کسانی فکر کنید که انتخاب و زندگی بسیار شاداب و موفق داشته‌اند.
- در صورت مشاهده‌ی این ترس در پدر و مادر، باید در نظر بگیریم که ما ثمره‌ی

۱. مفاتیح‌الجنان

یک عمر پدر و مادرمان هستیم و طبیعی است که نگران آینده‌مان باشند، اما باید بدانند که ترسشان از عدم موفقیت ما در انتخاب و زندگی مانع ازدواج موفقمان نشود.

- در میان هر گروه و صنفی هم افراد بد وجود دارند و هم خوب. لذا عاقلانه آن است که از پیش‌داوری‌های کودکانه نسبت به جنس مخالف بپرهیزیم. مردان خوب زیادند همان‌طور که زنان خوب زیادند. مشاهده کردن زندگی افراد موفق و مشورت با آنها می‌تواند به ما در این زمینه کمک نماید.

- قرار نیست با ازدواج دست و پای ما بسته شود و زندانی شویم، پس سیاه‌نمایی نکنیم.

- هنگام انتخاب همسر خوب است نظری را در مورد آزادی‌هایی که در دوره‌ی مجردی داشتید و حفظ آنها برایتان مهم است بپرسید و با پرداختن به این موضوع، از اضطراب‌رهایی یابید.

- از آنجا که انجام هر تغییری با کمی تزلزل همراه است، بدیهی است که ورود به دنیای ازدواج که خود بزرگ‌ترین تغییر است روزمرگی‌ها و روال عادی زندگی‌مان را مشغول کند، بهتر است از این تغییرات نترسیم و با علم به ایجاد ثبات در آینده‌ای نه چندان دور به استقبال این تحوّل بزرگ برویم.

- آنچه می‌تواند ترس و استرس ما را به هنگام مواجهه با تغییرات کاهش دهد این است که پیش از رسیدن به مرحله تغییر، خودمان را آماده کنیم.

- به خودمان بقبولانیم ما از عهده‌ی مشکلات و سختی‌ها بر خواهیم آمد. متوجه باشیم برای آنکه ترس ما از مواجهه شدن با مشکلات زندگی مشترک کاهش یابد بهتر است خود را آماده رویاوری با آنها بکنیم. در انتخاب شریک زندگی به خصلت حل مسئله و تلاش برای مبارزه با مشکلات دقت نماییم و ضمن توکل به خداوند متعال، سابقه‌ی پیروزی‌مان علیه مشکلات را به خود یاد آور شویم تا اعتماد به نفسمان بالا رود.

- یک همراه خوب و همدل نه تنها باری به دوش شما نیست، بلکه یار لحظه‌های

غم و شادیتان است. لذا آگاه باشید که اختیار نمودن همسری که واقف به مسیرهای پیشرفت و ترقی خود و شما باشد می‌تواند به رشد شما کمک کند.

- بهتر است بدانید که پس از ازدواج موظف به انجام وظایف همسری به نحو احسن هستید، لذا برای انتخاب شغل خود کمی بیش‌تر تأمل کنید تا کار خارج از خانه شما را از وظایفتان باز ندارد.

- با مقایسه‌ی ویژگی‌های ظاهری، شخصیتی، موفقیّت خانوادگی و ... خودتان با دیگران ممکن است دچار یأس شوید و یا توقعاتتان بالا رود بهتر است هرکس خود را بر اساس توانمندی‌ها و محدودیت‌هایش در نظر بگیرد.

- خوب است بدانید طبق آموزه‌های دین، ازدواج مانع پیشرفت‌های معنویتان نیست، بلکه دریچه‌ای است به سوی آرامشی زیبا که در سایه‌ی آن می‌توان فارغ از دل‌مشغولی‌ها و ذهنیات پریشان دوره‌ی مجردی، پله‌های کمال را طی نمود.

### ۱-۶-۸ مشکلات عاطفی

بعضی آنچنان به خانواده وابسته‌اند که تصوّر جدایی از پدر و مادر برایشان خیلی سخت است، برای حل این مشکل باید موارد زیر را بکار برد:

- احساس محبت و وابستگی نسبت به خانواده حس زیبا و لازمی است؛ اما از یک سنی به بعد لازم است فرد با شرکت در اجتماعات خارج از منزل، تمرینی جهت کم کردن این وابستگی‌ها انجام دهد تا به هنگام ازدواج فرد و خانواده‌اش دچار بحران روحی نشوند.

- بدانید ازدواج شما را از پدر و مادرتان یا آنها را از شما نمی‌گیرد، بلکه با اضافه شدن یک نفر به جمع شما، شکل تازه‌ای به روابط و شیوه‌ی محبتتان می‌دهد.

- آسیب‌پذیری‌های روحیتان را به کمک تفکر، تأمل و مشورت با مشاوره‌ی امین شناسایی کنید. اگر زودرنج هستید یا قدرت کنترل احساسات مثبت و منفیتان را ندارید، باید در جهت حذف و تغییر این صفات بکوشید تا در زندگی آینده‌تان دچار

مشکل نشوید.

- اگر پی بردید که دچار حساسیت‌هایی شده‌اید (تعیین شدت پس از مشورت با روانشناس ممکن می‌شود) لازم است تا تعدیل و بهبود این حالت‌ها ازدواج خود را به تأخیر بیندازید.

- اگر واقعاً ترک وطن و دلبستگی‌هایتان برای شما سخت و مخمل آرامش است، سعی نمایید با فردی در شهر خود ازدواج کنید که می‌دانید در این شهر شاغل است و قصد مهاجرت ندارد.

## ۵-۱ روش کنترل غرایز تا هنگام ازدواج

اگر به هر دلیل، ازدواج عقب افتاد، باید تمهیداتی برای کنترل غریزه‌ی جنسی انجام داد. این مطلب خیلی مهم است تا بتوان تصمیم عاقلانه گرفت. عفت پیشه کردن یعنی عوامل تحریک جنسی را کم کردن. این تمهیدات عبارتند از:

- روزه درمان فوق العاده‌ای برای کنترل غریزه‌ی جنسی است.

- جلوگیری از اختلاط با نامحرم (چه فیزیکی، چه ذهنی و چه بصری)

- تماشا نکردن تصاویر تحریک‌آمیز

- استفاده نکردن از برخی غذاها مثل سرخ کردنی‌ها

- توجه به نوع استحمام؛ مثل عدم استفاده از شامپوها که اغلب تحریک‌کننده‌ی

جنسی است و برطرف نکردن موهای زائد

- توجه به نوع پوشش لباس

پوشش و لباس انسان هر چه لباس گشادتر باشد و اندام را فشرده نکند، غریزه‌ی

جنسی کم‌تر تحریک می‌شود. لباس‌های تنگ هم فردی را که لباس را پوشیده و هم

کسی را که نگاه می‌کند، تحریک می‌کند. این مطلب در دختر و پسر مشترک است.

- پرکاری و تلاش

دغدغه‌های ذهنی برای خودمان ایجاد کردن، سوژه‌ی فکری داشتن که فراغت را

کم کند. یکی از مشکلات جوانان امروز این است که وقت‌های هرزشان زیاد است و این، بزرگ‌ترین عامل برای تحریک غریزه‌ی جنسی است.

تنهایی برای افرادی که ازدواجشان دیر شده است، خوب نیست. باید وارد کار دسته‌جمعی شوند؛ البته نه با رفیق ناباب. تنهایی برای این جوانان فوق‌العاده مضر است. - داشتن روابط عاطفی با پدر و مادر

عواطف که قوی شد، تأثیرات و عملکرد غریزه جنسی ضعیف‌تر می‌گردد. جوانان را از غریزه جنسی می‌گیرد. گاهی غریزه جنسی برای انسان‌ها یک مسأله‌ی فیزیولوژی جسمی است؛ در این انسان‌ها ماهی یک یا دو بار آن هم در خواب احتمالی صورت می‌گیرد، ولی گاهی به خاطر شرایط درونی است. در این افراد جبران خلأ عاطفی بصورت اطفاء شهوت جنسی می‌خواهد پر شود.

## ۶-۱ چهل حدیث در اهمیت و فوائد ازدواج

حسن ختام این فصل را کلمات نورانی اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار می‌دهیم تا انشاءالله با توجه به آن‌ها جوانان عزیز نسبت به این فریضه و سنت الهی ترغیب و مصمم گردند.

۱- ولایت الهی؛ هر کس برای خدا ازدواج کند و برای خدا کسی را همسر دهد، سزاوار ولایت (سرپرستی و حمایت و دوستی) خداست.<sup>۱</sup>

۲- تاج پادشاهی؛ هر کس به خاطر خداوند بزرگ، با کسی ازدواج کند، خداوند تاج پادشاهی بر سر او می‌نهد.<sup>۲</sup>

۳- رحمت آسمانی؛ در چهار هنگام، درهای رحمت آسمان، گشوده می‌شود:... و در هنگام ازدواج کردن.<sup>۳</sup>

۴- کامل شدن دین؛ امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: احدی از یاران و اصحاب رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را

۱. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مَنْ نَكَحَ لِلَّهِ وَ أَنْكَحَ لِلَّهِ، اسْتَحَقَّ وِلَايَةَ اللَّهِ. (احیاء علوم الدین: ج ۲، ص ۳۷)

۲. مَنْ زَوَّجَ لِلَّهِ تَعَالَى، تَوَجَّهَ اللَّهُ تَاجَ الْمُلْكِ. (سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۲۴۸)

۳. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): تَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ... وَ عِنْدَ النِّكَاحِ. (جامع الأخبار: ص ۲۷۲)

اقدام به ازدواج نمی‌کرد مگر آن که پیامبر می‌فرمود: دین او کامل گشت.<sup>۱</sup>  
**۵- نگهداری دو سوم دین؛** هیچ جوانی در نوجوانی ازدواج نکرد مگر آن که شیطان او فریاد کند: ای وای! او دو سوم دینش را از دستبرد من نگه داشت. بنابراین، بنده باید در یک سوم دیگر [دینش] تقوای خدا پیشه کند.<sup>۲</sup>

**۶- نصف عبادت؛** هر که ازدواج کند، نصف عبادت به او داده شده است.<sup>۳</sup>  
**۷- بهتر از روزه‌دار و شب‌زنده‌دار؛** شخص متأهل هر چند در حال خواب و استراحت باشد، نزد خداوند با فضیلت‌تر از شخص روزه‌دار و شب‌زنده‌داری است که عزب و مجرد زندگی می‌کند.<sup>۴</sup>

**۸- بهره‌ی مؤمن؛** مؤمن، پس از تقوای الهی، بهره‌ای بهتر از همسر شایسته، نبرده است.<sup>۵</sup>

**۹- بهترین متاع؛** دنیا، متاع است و بهترین متاع آن، زن شایسته است.<sup>۶</sup>  
**۱۰- بهتر از کل دنیا؛** امام کاظم: مردی، خدمت پدرم جعفر علیه السلام آمد. پدرم فرمود: «آیا همسر داری؟». گفت: خیر. فرمود: «من دوست ندارم که دنیا و هر آنچه در آن است، از آن من باشد؛ ولی یک شب را بی‌همسر بگذرانم».<sup>۷</sup>

**۱۱- کار آخرت؛** زن شایسته، از دنیا نیست. همانا او از آخرت است؛ زیرا باعث می‌شود که برای کار آخرت، فراغت یابی. اگر خودت پخت و پز می‌کردی و [دام‌هایت

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۰

۲. قال علی علیه السلام: ما من شاب تزوج فی حدائیه سنیه إلا عجز شیطانُه؛ یا وِیلة عَصَمَ مِنی ثلثی دینِه. فَلِیَبْقَ اللهُ العبدُ فی الثلثِ الآخرِ. (الجعفریات: ص ۸۹)

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ الْعِبَادَةِ. (مسند ابی یعلی: ج ۴، ص ۲۳۷، ح ۴۳۳۳)

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الْمَتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ. (جامع الاخبار، ص ۲۷۲، ح ۷۴۱)

۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا اسْتَفَادَ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللَّهِ، خَيْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ. (سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۵۹)

۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ خَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الزُّوْجَةُ الصَّالِحَةُ (صحیح مسلم: ج ۲، ص ۱۰۹۰)

۷. الامام کاظم علیه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ أَيْ: هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: مَا أَحْبَبُّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أُنَى أَبِيئْتُ لَيْلَةً لَيْسَ لِي زَوْجَةٌ. (تهذیب الاحکام: ج ۷، ص ۵۰۴)



را] به چرا می بردی و بسترت را پهن [و جمع] می کردی، از کار آخرت باز می ماندی.<sup>۱</sup>  
 ۱۲- سنتی از پیامبر؛ ازدواج سنت من است؛ پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.<sup>۲</sup>

۱۳- لزوم پیروی از پیامبر؛ هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند، و از جمله سنت من، ازدواج کردن است.<sup>۳</sup>

۱۴- اسلام: پیامبر خدا ﷺ: خودداری از ازدواج، در اسلام نیست.<sup>۴</sup>  
 ۱۵- جدایی از پیامبر: هر کس توان مالی برای ازدواج کردن داشته باشد و ازدواج نکند، از ما نیست.<sup>۵</sup>

۱۶- نهی پیامبر: پیامبر خدا ﷺ نهی فرمود زنان را از این که ازدواج نکنند و خود را از شوهر، محروم سازند.<sup>۶</sup>

۱۷- عدم فضیلت مجرد زیستن؛ زنی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: خدایت نیکو گرداند، من زنی تارک دنیا هستم. حضرت فرمود: منظور از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی خواهم هرگز ازدواج کنم! حضرت پرسید: چرا؟ عرض کرد: دنبال کسب فضیلت هستم. حضرت فرمود: دست بردار؛ اگر در این کار فضیلتی بود، فاطمه علیها السلام از تو سزاوارتر به آن بود. هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد.<sup>۷</sup>

۱. الامام علی علیه السلام: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ لَيْسَتْ مِنَ الدُّنْيَا، إِنَّمَا هِيَ مِنَ الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّهَا تَفَرَّغَتْ لَهَا، وَ لَوْ كُنْتَ تَطْبُخُ وَ تَسْرُخُ وَ تَفَرُّشُ لَشَغَلَكَ ذَلِكَ. (ربيع الأبرار: ج ۴، ص ۲۹)

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: النِّكَاحُ سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (همان، ص ۲۲۰)

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِيَسُنَّتِي، وَ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ. (الكافي، ج ۵، ص ۴۹۴)

۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا صَرُورَةَ فِي الْإِسْلَامِ. (سنن أبي داود: ج ۲، ص ۱۴۱)

۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ كَانَ مُوسِرًا لَأَنْ يَنْكِحَ فَلَمْ يَنْكِحْ، فَلَيْسَ مِنِّي. (السنن الكبرى: ج ۷، ص ۱۲۵)

۶. الامام الصادق علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يُعْطَلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ. (الكافي: ج ۵، ص ۵۰۹)

۷. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَتْ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، إِنِّي مُتَّبِلَةٌ، فَقَالَ لَهَا: وَ مَا التَّبْتُلُ عِنْدَكَ؟ قَالَتْ: لَا أُرِيدُ التَّرْوِيحَ أَبَدًا. قَالَ: وَ لَمْ؟ قَالَتْ: أَلْتَمَسُ فِي ذَلِكَ الْفَضْلَ، فَقَالَ: انْصَرَفِي فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام أَحَقَّ بِه مِنْكَ، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ. (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹)

۱۸- محبوبترین نزد خدا؛ ازدواج کنید و تزویج نمایید. بدانید که از خوشبختی مرد مسلمان، این است که به زنی نفقه بدهد. هیچ چیز نزد خداوند در اسلام، دوست داشتنی تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج، آباد شود.<sup>۱</sup>

۱۹- محبوبترین خانه؛ در اسلام، هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای بزرگ، محبوبتر از [بنای] ازدواج باشد.<sup>۲</sup>

۲۰- بهترین و بدترین امت؛ نیکان امت من متأهل‌ها و بدان امت من مجرّده‌ایند.<sup>۳</sup>

۲۱- برادر شیطان؛ بدترین شما آنانند که ازدواج نکنند؛ اینان برادران شیاطین باشند.<sup>۴</sup>

۲۲- گناهکار؛ ازدواج کن و الا از گناهکاران خواهی بود.<sup>۵</sup>

۲۳- اهل آتش؛ بیشترین اهل جهنم آن کسانی که ازدواج نکرده‌اند.<sup>۶</sup>

۲۴- لعنت خدا؛ خدا لعنت کند مردان و زنان تجردگرسین را؛ آنان که می‌گویند: ما ازدواج نمی‌کنیم.<sup>۷</sup>

۲۵- لعنت همگان؛ لعنت خدا و فرشتگان و مردمان، همگی بر مرد زن‌گریز باد! از یحیی بن زکریا که بگذریم ازدواج نکردن بر کسی دیگر روا نیست.<sup>۸</sup>

۲۶- سبب پاکی؛ ای جوانان! هر یک از شما که توان ازدواج دارد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج کردن، چشم را [از نگاه حرام]، بیشتر فرو می‌پوشاند و دامن را پاکتر می‌دارد.

۱. رسول الله ﷺ: تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا، أَلَا فَمَنْ حَطَّ أَمْرِي مُسْلِمٍ إِنْفَاقَ قِيمَةِ أَيْمَةٍ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَيْتٍ يُعَمَّرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ. (الكافي، ج ۵، ص ۳۲۸)

۲. رسول الله ﷺ: مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ التَّزْوِيجِ. (من لا يحضره الفقيه: ج ۳، ص ۳۸۳)

۳. قال رسول الله ﷺ: خَيْرُ أُمَّتِي الْمُتَاهِلُونَ وَ شِرَارُ أُمَّتِي الْعُزَابُ. (جامع الاخبار، ص ۱۱۹)

۴. قال حسن بن علي رضي الله عنهما: «شَرَارِكُمْ عَزَابِكُمْ وَ الْعَزَابُ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ» (بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱)

۵. قال رسول الله ﷺ: تَزَوَّجْ وَ إِلا فَانْتَ مِنَ الْمُذْنِبِينَ (جامع الاخبار، ص ۱۱۹)

۶. قال رسول الله ﷺ: «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَابُ» (فقيه، ج ۳، ص ۲۴۲)

۷. رسول الله ﷺ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَبَتِّلِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ الْمُتَبَتِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: لَا نَتَزَوَّجُ. (الفردوس: ج ۳، ص ۴)

۸. پیامبر ﷺ: لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى رَجُلٍ مُحْصِرٍ، وَ لَا حُصُورَ بَعْدَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا. (الفردوس، ج ۳، ص ۸۴)

و هر کس توان [ازدواج] نداشت، روزه بگیرد؛ زیرا روزه، شهوت را فرو می‌نشانند.<sup>۱</sup>

۲۷- **شورترین مردگان؛** شوروترین و پست‌ترین مردگان شما مجردها هستند؛ آنان که زن نگرفته و یا شوهر نکرده‌اند و همواره تنها زیست می‌نمایند.<sup>۲</sup>

۲۸- **پشیمانی مردگان؛** اگر مردگان بی‌همسر شما به دنیا باز می‌گشتند، قطعاً ازدواج می‌کردند.<sup>۳</sup>

۲۹- **حیات پاک؛** هر کس دوست می‌دارد که خداوند را پاک و پاکیزه دیدار کند، باید به داشتن همسر، پاکدامن و عقیف زیست نماید.<sup>۴</sup>

۳۰- **رغبت عقلانی و وظیفه‌ی شرعی؛** امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر درباره‌ی ازدواج و وصلت‌های محکم و سستی پیروی شده (از رسول خدا) و احادیث فراوان هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشاوند و خویش و مانوس شدن با بیگانه، و نزدیک ساختن افراد دور، و الفت بخشیدن میان دلها، و در هم تنیدن حقوق، و افزودن بر جمعیت، و اندوختن فرزند برای سختیهای روزگار و پیشامدهای زمانه که خداوند در این امر قرار داده است انگیزه‌ای بود که خردمند صاحب‌دل به ازدواج رغبت کند و انسان ره یافته درست اندیش به آن بشتابد.<sup>۵</sup>

۳۱- **برکات ازدواج؛** مردان و زنان بی‌همسر را، همسر دهید؛ زیرا [با این کار]، خداوند متعال، اخلاق آنان را نیکو می‌گرداند، و روزیهای‌شان را گشایش می‌بخشد،

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله یا معشر الشباب، من استطاع منكم الباءة فليتزوج؛ فإنه أغض للبصر، وأحصن للفرج. و من لم يستطع فعليه بالصوم، فإنه له وجاء. (صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۹۵۰)

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: شرار موتاكم العزاب، رُدال موتاكم العزاب (الكافی: ج ۵، ص ۳۲۹، ج ۳)

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: لو خرج العزاب من أمواتكم إلى الدنيا لتزوجوا. (عوالی الآلای: ج ۳، ص ۲۸۳)

۴. قال رسول الله: من أحب أن يلقى الله طاهراً مطهراً فليتعفف بزوجة (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰)

۵. الامام الرضا علیه السلام: لو لم يكن في المناكحة والمصاهرة آية محكمة، ولا سنة متبعة، ولا أثر مستفيض، لكان فيما جعل الله من برّ القريب، وتقريب البعيد، وتأليف القلوب، وتشبيك الحقوق، وتكثير العدد، وتوفير الولد لنوائب الدهر وحوادث الأمور، ما يرغب في دونه العاقل اللبيب، ويسارع إليه الموفق المصيب. (الكافی، ج ۵، ص ۳۷۳)

و بر مروت آنان می‌افزاید.<sup>۱</sup>

**۳۲- عطش ازدواج؛** اگر محرک انسان برای عمل زناشویی تنها تمایل به فرزند بود (هیچ گونه لذت و کامیابی در این عمل وجود نداشت) بعید نبود که در این امر آنقدر سستی کند که نسل بشر کمیاب و یا به کلی منقطع شود.<sup>۲</sup>

**۳۳- تضمین یاری خداوند؛** هر که به منظور پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند.<sup>۳</sup>

**۳۴- قرض گرفتن؛** سه چیز است که هر کس برای آنها قرض کند، سپس بمیرد و قرضش را ادا نکند، خداوند، از طرف او ادا می‌کند... و مردی که از افتادن در گناه بر خویشتن بترسد و با گرفتن قرض، زن بگیرد و خودش را [از ارتکاب به گناه] حفظ کند، سپس بمیرد و آن قرض را ادا نکرده باشد.<sup>۴</sup>

**۳۵- توسعه‌ی معیشت؛** مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از فقر و نداری شکایت نمود. پیغمبر به او فرمود: برو ازدواج کن. وی رفت و مطابق دستور رسول خدا عمل کرد و در نتیجه روزی و معیشتش فراخ گردید.<sup>۵</sup>

**۳۶ - طلب روزی؛** زن بگیرید؛ به درستی که این کار، روزی شما را بیشتر می‌کند.<sup>۶</sup>

۱. رسول الله ﷺ: زَوْجُوا أَيَامَكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحَسِّنُ لَهُنَّ فِي أَخْلَاقِهِنَّ، وَ يُوسِّعُ لَهُنَّ فِي أَرْزَاقِهِنَّ، وَ يَزِيدُهُنَّ فِي مَرْوَاتِهِنَّ. (الجعفریات: ص ۹۱)

۲. قال امام صادق عليه السلام: نَوَلُو كَانِ إِنْ مَا يَتَحَرَّكَ لِلْجَمَاعِ بِالرَّغْبَةِ فِي الْوَالِدِ كَانِ غَيْرَ بَعِيدٍ أَنْ يَفْتَرَعَهُ حَتَّى يَقِلَّ النَّسْلُ أَوْ يَنْقَطِعَ (بحار الأنوار: ج ۳، ص ۷۹)

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَقٌّ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْتِمَاسَ الْعَفَافِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (الفردوس، ج ۲، ص ۱۳۲ ح ۷۲)

۴. رسول الله ﷺ: ثَلَاثَةٌ مِنْ تَدْبِيرِ فِيهَا تُمَّ مَاتَ وَ لَمْ يَقْضِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقْضِي عَنْهُ... وَ رَجُلٌ خَافَ عَلَيَّ نَفْسِهِ الْفِتْنَةَ فَتَعَفَّفَ بِنِكَاحِ امْرَأَةٍ بَدِينِ قِمَاتٍ وَ لَمْ يَقْضِ. (المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ۱۳۸)

۵. قال الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ: تَزَوَّجْ، فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ. (وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۲۵)

۶. رسول الله ﷺ: اِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ. (الكافي: ج ۵، ص ۳۲۹)

- ۳۷- تولید ثروت؛ ازدواج کنید؛ زیرا زنان، برای شما ثروت می آورند.<sup>۱</sup>
- ۳۸- بدگمانی به خدا؛ هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، حتماً نسبت به خداوند عزیز و جلیل، بدگمان شده است به استناد وعده‌ی خداوند که «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اگر بینوا باشند خداوند از فضل خویش به نوایشان رساند.<sup>۲</sup>
- ۳۹- دوشیزگان میوه‌های رسیده؛ رسول خدا ﷺ فرمودند: جبرئیل از سوی خداوند لطیف و آگاه نزد من آمد و گفت: دوشیزگان مانند میوه‌های روی شاخه‌های درخت هستند. همانگونه که اگر میوه‌ها پس از رسیدن چیده نشوند، آفتاب آن‌ها را فاسد می‌کند و باد آن‌ها را می‌اندازد، زنان و دوشیزگان هم اگر به حد بلوغ جنسی برسند، چاره‌ای جز شوهر کردن ندارند و گرنه بیم فساد برایشان وجود دارد؛ زیرا که بشرند.<sup>۳</sup>
- ۴۰- جدیت در ازدواج دختران: از پیامبر خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «پسران و دختران را همسر دهید.»

گفتند: ای پیامبر خدا! پسرانمان را همسر می‌دهیم؛ اما دخترانمان را چگونه؟! فرمود: «آنان را به طلا و نقره بیارید، جامه‌ی نیکو بر تن آنها بپوشانید، و جهیزیه‌ی خوب به آنها بدهید تا خواستگار پیدا کنند.»<sup>۴</sup>

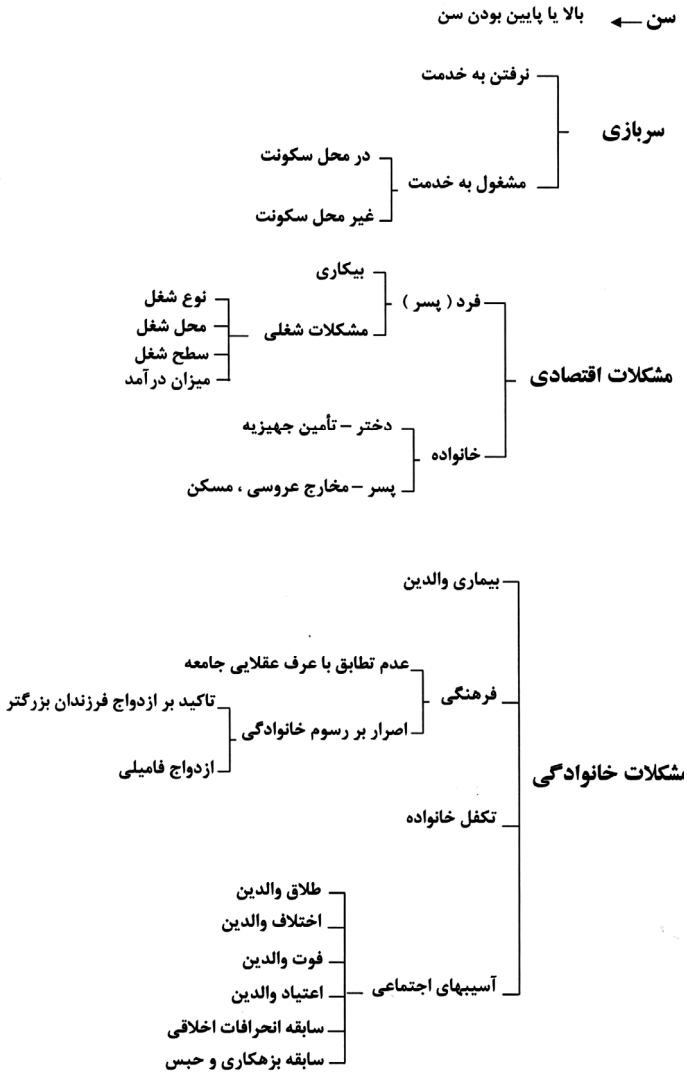
۱. رسول الله ﷺ: تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِيَنَّكُمْ بِالْمَالِ. (المستدرک علی الصحیحین: ج ۲، ص ۱۷۴)

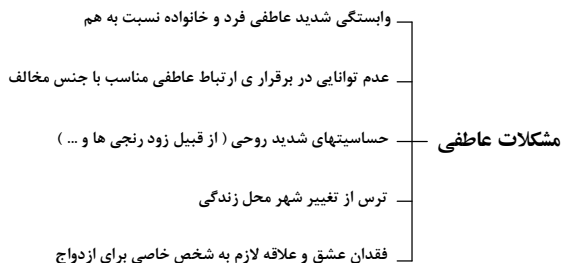
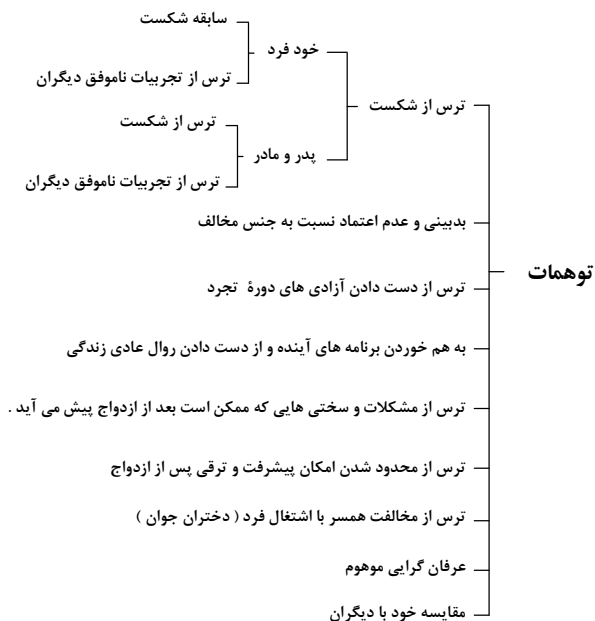
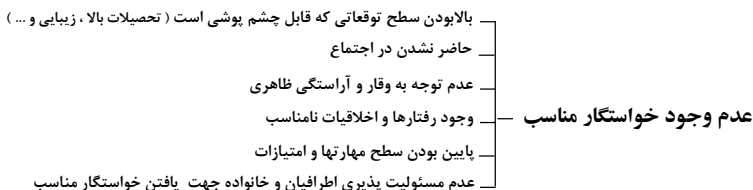
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ آسَأَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (الكافی، ج ۵، ص ۳۳۱)

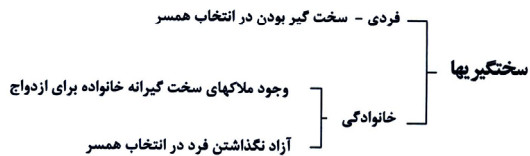
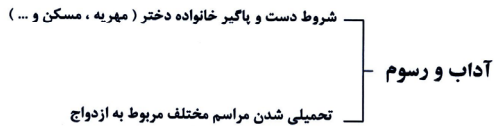
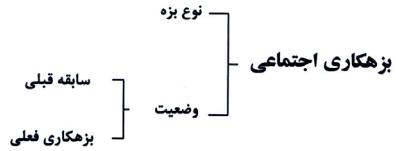
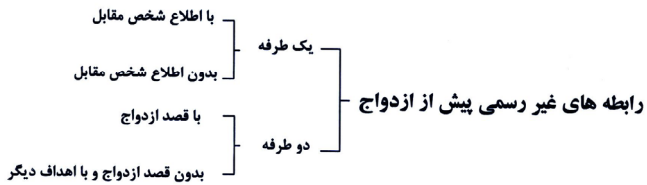
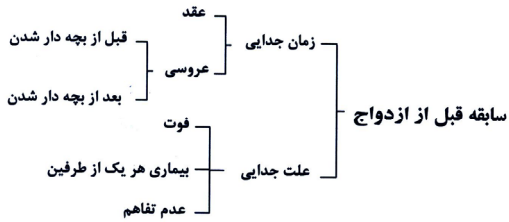
۳. رسول الله: إِنْ الْأَبْكَارُ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ؛ إِذَا أُدْرِكَ ثَمَرُهُ فَلَمْ يُجْتَنَّ أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ نَثَرَتْهُ الرِّيحُ، وَ كَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أُدْرِكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ، وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ. (الكافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۲)

۴. رَوَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: زَوَّجُوا أَبْنَاءَكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَؤُلَاءِ أَبْنَاؤُنَا نَزَوَّجُ، فَكَيْفَ بَنَاتُنَا؟! فَقَالَ: حَلَوْهِنَّ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ، وَ أَحْيِدُوا لَهُنَّ الْكِسْوَةَ، وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ النَّحْلَةَ، يُرْغَبُ فِيهِنَّ. (نثر الدر: ج ۱، ص ۱۷۴)

۷-۱ نمودار موانع ازدواج











# گفتار دوم /

احراز شرایط اولیه برای ازدواج



مخاطب ما در گفتار این فصل، جوانی می‌باشد که احساس می‌کند ازدواج برای او جنبه‌ی فریضه پیدا کرده است و بدیهی است برای این دسته جوانان تحصیل مقدمات ازدواج نیز واجب می‌شود.

به‌طور مثال دانشجوی جوانی که در دروس و تحصیلات خود موفق است، اگر احساس کند ازدواج برای او واجب شده است، برای فراهم کردن مقدمات ازدواج خود ناگزیر است تا حدودی به تمکّن مالی برسد و لازمه‌ی این تمکّن فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین به‌طور طبیعی باید تا حدودی از فرصت مطالعه و درس خواندن خود بکاهد و چه بسا از رتبه‌ی علمی او نیز کاسته شود؛ لیکن با واجب گردیدن ازدواج برای او، باید اولویت را به این امر اختصاص دهد؛ زیرا چنانکه اشاره نمودیم برای انجام این واجب مانند نماز باید شرایط آن را فراهم آورد. حال ممکن است فریضه‌ای مقدماتش یکی دو دقیقه بیش‌تر طول نکشد، ولی برای امر ازدواج این فرصت چه بسا یک سال به طول بیانجامد.

## ۲-۱ برنامه‌ریزی نه شتاب‌زدگی

نکته‌ای که شایان توجه است اینکه مقصود از «فوریت»، عجله و شتاب‌زدگی نیست؛ به این معنی نیست که فردا صبح یا هفته‌ی آینده یا یک ماه دیگر باید ازدواج کند؛ بلکه مقصود این است که بگونه‌ای برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند که به محض فراهم آمدن شرایط، در اولین فرصت اقدام به ازدواج نماید و آن را به تأخیر نیندازد. یعنی برنامه‌ریزی زندگی باید به سوی فراهم آمدن شرایط باشد. هر چند این شرایط چند سال بعد محقق شود؛ چنانکه در مسأله‌ی حج هم اینگونه عمل می‌شود. اگر امروز بر شما واجب شود به حج بروید، هر چند امروز اقدام به تهیه کردن فیش حج می‌نمایید، ده سال دیگر به حج مشرف می‌شوید. امسال نمی‌توانید مکه بروید ولی اکنون که مستطیع شده‌اید، بر شما واجب شده است ثبت نام کنید هرچند ناگزیر باشید چندین سال در نوبت تشرّف منتظر بمانید.

اگر دختر خانمی احساس کرد ازدواج برای او واجب شده است، باید از همان روز به خواستگاران اجازه دهد به خواستگاری بیایند. اگر خواستگاری با معیارهای او همخوانی نداشت به خواستگار دیگر اجازه‌ی خواستگاری بدهد و این روند ادامه یابد تا به خواستگار مورد نظرش پاسخ مثبت دهد.

مقصود اینکه وقتی می‌گوییم ازدواج بر او واجب شده است، نباید آن زمان را فوری و فوری بدانند و همه‌ی امورات خود را کنار بگذارند و سریعاً اقدام به ازدواج نمایند؛ بلکه منظور از وجوب ازدواج، در اولویت قرار دادن ازدواج است؛ نه شتاب زده عمل کردن.

پس خواهران و برادران و مادران باید توجه داشته باشند اگر گفته می‌شود نسبت به ازدواج جوانان اقدام کنید، منظور فراهم کردن اقدامات فرهنگی زمینه‌ساز «ازدواج آسان» است و گرنه شتاب‌زدگی در ازدواج ممکن است با موفقیت همراه نباشد.

## ۲-۲ مطالعات اولیه

اولین موضوعی که در زمینه‌سازی ازدواج از شرایط ازدواج موفق به شمار می‌آید، کسب اطلاعات لازم برای ازدواج است. گاه به دلیل عدم اطلاع از برخی قوانین و مسائل، انسان دچار سردرگمی و مشکلات بغرنج می‌شود. بنابراین جوانی که قصد ازدواج دارد، لازم است چندین کتاب در این خصوص مطالعه کند.

جوان پسری که قصد ازدواج دارد، لازم است چند کتاب پیرامون شخصیت زن مطالعه کند. دختر خانم‌ها نیز باید در ارتباط با روحیات و شخصیت آقایان مطالعاتی داشته باشند.

پسران جوان نباید به شناخت ظاهری خود که از شخصیت مادر و خواهر خود کسب کرده‌اند اکتفا کنند. دختر خانم‌ها نیز نباید به شناخت ظاهری که از شخصیت پدر و برادران خود کسب کرده‌اند اکتفا کنند.

البته شناخت نسبت به جنس مخالف تنها از راه مطالعه کسب نخواهد شد و گاه مشاوره با بزرگانی که در این امر خبره هستند، می‌تواند به شما بسیار کمک کند. زیرا کسب اطلاعات از جنس مخالف در شیوه‌ی رفتار و خواستگاری و آداب و رسوم و روش‌های خواستگاری مؤثر است.

فرق فرد تحصیل کرده با فرد عامی و بی‌سواد در این است که اگر فرد تحصیل کرده بخواهد عازم مکه شود در پی مطالعه‌ی کتاب‌هایی در زمینه‌ی حج است ولی فرد عامی صرفاً می‌گوید می‌خواهم به مکه بروم. استاد محمدتقی جعفری! می‌فرمودند: آیا برای ۵۰ سال زندگی مشترک نمی‌خواهید ۵۰ ساعت وقت بگذارید، فکر کنید، مطالعه کنید یا به سخنرانی بزرگان در این زمینه گوش دهید؟!

یکی از مشکلات اساسی در ازدواج جوانان این است که متأسفانه بسیاری از آن‌ها خودشان را غنی و بی‌نیاز از فراگیری مسائل زندگی می‌دانند. اگر بخواهند به آن‌ها پند و اندرز بدهند، بی‌درنگ می‌گویند ما خودمان می‌دانیم. در حالی که در جهل مرکب

به سر می‌برند؛ یعنی نمی‌دانند که نمی‌دانند!

انسان تا اقرار به جهل خویش نکند، به دنبال علم نمی‌رود. هر چند در بسیاری از زمینه‌ها تخصص داشته باشید، قطعاً در مسأله‌ی ازدواج متخصص نیستید. شناخت شما از جنس مخالف در حد شناخت خواهر و مادر و یا برادر و پدر است و این برای شروع یک زندگی طولانی کفایت نمی‌کند.

جمع‌بندی مطالب آنکه، قبل از هرگونه اقدامی باید:

- ۱- اگر قصد ازدواج داری، ضروری است، اطلاعات لازم در این زمینه را کسب کنی.
- ۲- اگر به دنبال اطلاعاتی در زمینه‌ی ازدواج هستی، به کتب و لوح‌های آموزشی معتبر یا مشاوران آگاه مراجعه کن.
- ۳- در امر مهمی چون ازدواج دقت در انتخاب منبع کسب اطلاعات امری بدیهی است، منبعی را انتخاب کن که با آموزه‌های دین، فرهنگ و عرف جامعه‌ات هماهنگی داشته باشد.

۴- سعی کن قبل از اقدام به ازدواج در مورد روحیات، خلقیات جنس مخالف، مطالعاتی داشته باشی.

۵- با وظایف و حقوق زن و مرد در زندگی مشترک آشنا باش.



## ۲-۳ تحصیل آمادگی ازدواج

البته باید یک نکته را داخل پرانتز به جوانانی که هنوز احساس و جوب ازدواج نکرده‌اند و به نقطه‌ی قرمز نرسیده‌اند عرض کنیم و آن نکته اینک هر چند اکنون شرایط و جوب ازدواج در برخی جوانان احساس نمی‌شود، اما ممکن است دو سال دیگر این گروه نیز به اضطرار برسند. بنابراین لازم است این گروه از اکنون خود را مهیای فراهم آوردن زمینه‌های ازدواج گردانند و نکته‌ی مهم دیگر اینکه نباید حتماً جوان به خط قرمز و نقطه‌ی جوش شهوت برسد و بعد اقدام به ازدواج نماید. زیرا در شرایط عادی ازدواج امر مستحب مؤکد است و در حالت طبیعی امری پسندیده است. در این باره روایتی از حضرت امام رضا علیه السلام آمده است که اگر هیچگونه توصیه‌ای در شرع نسبت به ازدواج نبود، همین که عقلاً کاری را پسندیده و نیک بدانند باید به آن عمل نماییم. حال که این همه توصیه در شرع مقدّس اسلام نسبت به ازدواج گردیده است، بطور مسلّم باید از فراهم آوردن زمینه‌های آن غافل نباشیم. بنابراین، خلاصه‌ی کلام ما این است که جوان باید ببیند چه شرایطی برای ازدواج او لازم است و چگونه می‌تواند آن شرایط را به دست آورد.

## ۲-۴ شرایط لازم برای ازدواج

برای ازدواج جوانی که ازدواج بر او واجب شده است، چه شرایطی لازم است؟ در پاسخ به این سؤال اولین نکته‌ای که اغلب افراد مطرح می‌کنند و شرایط اولیه‌ی ازدواج می‌دانند توانایی اقتصادی است که متأسفانه این بخش بیش‌تر ذهنیت افراد را به خود مشغول داشته است و از بخش شرایط فرهنگی غافل شده‌اند. لیکن پژوهشگران و مشاوران امر ازدواج پس از تحقیقات فراوان و کسب تجارب متعدّد معتقدند هر چند مشکلات اقتصادی از اهم موانع بر سر راه ازدواج جوانان است؛ اما در برابر مشکلات فرهنگی بسیار ناچیز و ساده است. این افراد عمده موانع ازدواج

جوانان را در مشکلات فرهنگی جوانان می‌دانند. از این رو، در این بخش ابتدا مشکلات فرهنگی و شرایط فرهنگی لازم برای ازدواج را مورد توجه قرار می‌دهیم.

## ۲-۵ بلوغ اشد

در قرآن کریم در مبحث ازدواج از اصطلاح «بلوغ اشد»<sup>۱</sup> استفاده شده است. هنگامی که از واژه‌ی بلوغ سخن به میان می‌آید، به ذهن ما بیش‌تر بلوغ جنسی خطور می‌کند. که در دوران ما در پسران در حدود سنین دوازده و سیزده سالگی رخ می‌دهد و بلوغ دختران در حدود سنین یازده و دوازده سالگی اتفاق می‌افتد. لازم به توضیح است مقصود از سن بلوغ سن تکلیف نیست. البته هر کس به بلوغ برسد، حتماً به تکلیف هم رسیده است، ولی هر کس به تکلیف رسید، معلوم نیست به بلوغ جنسی رسیده باشد. اغلب دختران در سن ۹ سالگی به تکلیف می‌رسند ولی سن بلوغ جنسی آنان هنوز شروع نشده است. برای این دختران از نظر شرعی انجام واجبات واجب است هر چند بلوغ جنسی در آنان رخ نداده است. پسران هم در دوران ما خیلی زودتر از سن پانزده سالگی قمری به بلوغ جنسی می‌رسند، در حالی که یکی از اشتباهات خانواده‌ها این است که تکلیف پسران خود را در همان سن پانزده سالگی می‌دانند؛ در صورتی که اغلب پسران دو سال زودتر به تکلیف رسیده‌اند زیرا به بلوغ رسیده‌اند.

«بلوغ اشد» صرفاً بلوغ جنسی نیست؛ هر چند بلوغ جنسی شرط لازم برای بلوغ اشد است و هنگامی بلوغ، به تعبیر قرآن کریم بلوغ اشد می‌شود که فرد به حدی از بلوغ روانی و عقلی نیز رسیده باشد.

اینچنین نیست که اگر کسی به بلوغ جنسی برسد، همان لحظه هم به بلوغ روانی و اجتماعی و عقلی برسد. دختران بطور متوسط در سن هفده، هجده سالگی به این

۱. قصص (۲۸)/۱۴



بلوغ اشد راه می‌یابد و پسران ما معمولاً در سن بیست و یک، بیست و دو سالگی به این بلوغ می‌رسند و گاه بعضی تا سن ۲ سالگی هم به این بلوغ نخواهند رسید. بلوغ اشد مجموعه‌ای از بلوغ‌های جنسی، روانی، اجتماعی و عقلی است که هر یک شاخص مخصوص خود دارند. بطور مثال شاخص بلوغ جنسی، رشد قوه‌ی غریزه‌ی جنسی است و بسیار واضح و روشن است که این حس در پسران و دختران بر اثر عوامل فیزیولوژی بروز می‌کند و در این مسأله کسی تردیدی ندارد. اما از مشکلاتی که درخصوص شناسایی این نشانه‌ها در جوانان در جامعه‌ی کنونی ما وجود دارد، این است که محرک‌های بلوغ جنسی در جامعه زیاد شده است. این محرک‌ها - اعم از محرک‌های غذایی، ارتباطی، تصویری و... - رو به افزایش است و از این رو متأسفانه شاهد بلوغ زودرس جنسی جوانان در سنین پایین شده‌ایم. در حالی که متأسفانه سن رشد و بلوغ عقلی و اجتماعی آنان کاهش نیافته است و به عبارتی دیگر، باید گفت میان بلوغ جنسی جوانان با بلوغ عقلی و اجتماعی فاصله‌ی زیادی افتاده است. بطور مثال نوجوان در دوازده سالگی در جامعه‌ی کنونی به بلوغ جنسی می‌رسد ولی تا ۲۲ سالگی هنوز به بلوغ عقلی راه نمی‌یابد و بدیهی است تا جوان به بلوغ فکری و عقلی نرسد، زمینه‌ی ازدواج در او فراهم نمی‌گردد. این بلوغ جنسی زودرس عواقب خطرناکی را برای جوانان ما بوجود می‌آورد که از جمله‌ی آنها بحران‌های روانی و اختلالات رفتاری این جوانان است.

متأسفانه بعضی در همین حالات بحرانی توصیه‌ای غیرمنطقی و جاهلانه برای بهبود اوضاع روانی آنان می‌نمایند که به او زن بدهید تا حالش بهبود پیدا کند؛ یا اینکه زود شوهرش بدهید تا حالش خوب شود. در حالی که این دختر یا پسر در حال حاضر اصلاً در وضعیت عادی و طبیعی از نظر فکری قرار ندارد و گاهی شرایط را با تصمیم نابجا برای او سخت‌تر و شدیدتر می‌کنند.

از جمله اینکه: گاه دیده می‌شود متأسفانه برخی افراد جاهلانه یا عمدتاً بیماری فرزند خویش را از خانواده‌ی عروس یا داماد مخفی می‌کنند تا ازدواج صورت گیرد

و دلیل این کار را در این می‌دانند که این بیماری هیجانانگیزی از غرایز جنسی است که با ازدواج برطرف می‌شود. بطور مسلم چنین ازدواجی آینده‌ی روشنی نخواهد داشت و پدر و مادری که مبادرت به چنین کاری می‌کنند خیانت بزرگی را نسبت به طرف مقابل روا می‌دارند.

از این رو، اولین نیاز ضروری و شرایط ورود به مرحله‌ی ازدواج به ویژه برای جوانان پسر بلوغ عقلانی است. تا جوانی به این حد بلوغ نرسد، شرایط ازدواج موفق را ندارد و بلوغ عقلی، توانمندی جسمی نیست. بلوغ عقلی با توانمندی روحی و فکری و احساس مسئولیت کردن و بزرگ‌منشی سروکار دارد. همان چیزی که روحیات یک فرد بزرگ را از بچه جدا می‌کند؛ به این معنی که بچه‌ها در خانواده هیچ احساس مسئولیت نمی‌کنند. مثلاً اگر قرار باشد امشب تعدادی میهمان به خانه بیایند، مادر از روز قبل با نگرانی و تلاشی مضاعف در حال سر و سامان دادن به اوضاع خانه است تا محفل میهمانی بخوبی برگزار شود. ولی این بچه فارغ از دغدغه‌های مادر در کوچه به بازیگوشی خود مشغول است. هر چه مادر نگران است که حالا میهمان‌ها می‌آیند، عزیزم برو میوه بخر، نان بخر. این بچه اصلاً در فکر نگرانی مادر نیست. گاهی شاهد هستیم در محفل میهمانی مادر نگران است که از میهمانان درست‌پذیری شود اما این جوان با حالاتی کودکانه احساس مادر را درک نمی‌کند.

## ۲-۶ شما بهتر است ازدواج نکنید!

جوانی که نسبت به مسائل خانوادگی احساس مسئولیت ندارد، هر چند از نظر جسمی، رشد فیزیکی، سن و سال و حتی تمکن مالی امکان ازدواج داشته باشد، بطور طبیعی وقت ازدواج این جوان نیست؛ زیرا روحیات کودکانه‌اش برای او مشکل می‌تراشد. بنابراین از مهم‌ترین نکاتی که متولیان امر تربیت و تعلیم و خود جوانان نیز باید به آن توجه داشته باشند، رشد عقلی، روانی و اجتماعی است.

گاه در محیط‌های دانشگاهی شاهد دانشجویانی هستیم که روح مسئولیت‌پذیری

و اجتماعی آنان همگام با توانمندی علمی و متناسب به سن و سال و رشد فیزیکی آن‌ها پرورش نیافته است. بنابراین اگر دانشجویی با این ویژگی‌ها در مورد ازدواجش مشاوره بخواهد، باید به او گفت: شما هنوز تا زمان ازدواج فاصله داری و رشد لازم را پیدا نکرده‌ای!

این گروه از جوانان باید برای رشد اجتماعی و روانی خود در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی وارد شوند و در خلال ارتباط‌های توأم با مسئولیت این حس را در خود تقویت نمایند. این گروه از جوانان که هنوز به احساس مسئولیت نرسیده‌اند و ذوقی در عرصه‌های اجتماعی از خود بروز نمی‌دهند، در ارتباط با خانواده‌ی خویش بی‌مسئولیتی خود را به نمایش می‌گذارند.

جوان دانشجویی که حدود سه، چهار ماه در خوابگاه به سر می‌برد و حتی یک تلفن به مادر و خانواده‌اش نزده است، چگونه می‌تواند در تشکیل خانواده از خود احساس مسئولیت نشان دهد؟! او هنوز به توانمندی عاطفی لازم نرسیده است. جوانی که از خانواده‌ی خویش غافل است و به فکر نگرانی مادر خود نیست و نمی‌تواند دیگران را درک کند، چگونه توانایی درک احساسات دخترتری را به عنوان همسرش خواهد داشت؟! هر چند چنین جوانی می‌تواند عواطف ناشی از غریزه‌ی جنسی خود را تحت عنوان عاشق شدن به مخاطب خود نشان دهد، اما خواستگاه این احساس عواطف و عاشق شدن از غلیان شهوت و غریزه‌ی جنسی اوست و هیچ خواستگاه مسئولیتی در آن دیده نمی‌شود. لذا به این عشق ورزیدن او نمی‌توان اعتماد کرد.

جوانی که وارد دانشگاه گردیده و هنوز برای خرید کتاب‌های درسی و خرید لباس و ملزومات زندگی وابسته به پدر و مادر است و با توجه به تمکن مالی پدر هنوز بر خود عیب نمی‌داند که دست به سوی پدر دراز کند و پول توجیبی بگیرد و توانایی کسب اندک درآمدی را ندارد، چگونه می‌تواند مسئولیت یک خانواده را به عهده بگیرد. این جوان اصلاً برای ازدواج آمادگی ندارد؛ هر چند پدرش کریمانه

هزینه‌های اولیه‌ی زندگی او را تأمین می‌کند و برخوردارش بدون توقع و خالصانه باشد. اگرچه این مطالب رنگ و لعاب اقتصادی دارد، ولی مقصود جنبه‌های روانی و اجتماعی شرایط ازدواج است و مباحث اقتصادی بحثی جداگانه را می‌طلبد.

مقصود از بیان این مطلب، احساس مسؤولیت زندگی است و گرنه چه بسا جوانانی باشند که به لحاظ وضعیت اقتصادی در شرایط بسیار مطلوبی باشند و اصلاً نیاز اقتصادی نیز نداشته باشند و پدر مخارج او را تأمین می‌کند اما اینکه دغدغه‌ای برای تأمین آینده‌ی خود ندارد، به مراتب بدتر از جوانی است که وضعیت اقتصادی مناسب نیست. این نکته را گذشتگان و بزرگ‌تران با بیانی عامیانه مطرح می‌کردند که زمان ازدواج یک جوان، وقتی است که درب خانه یا درب اتاق را با پا باز کند یعنی چنان با دستان پُر به خانه وارد شود که ناگزیر باشد در اتاق را با پا باز کند.

در مورد دختر خانم‌ها نیز این احساس مسؤولیت صادق است. دخترخانمی که مدرک لیسانس خود را گرفته و دانشجوی فوق لیسانس است ولی هیچگاه در خود احساس مسؤولیت نکرده است حتی یک بار هنگام بیماری مادر یا مشغله‌های مادر آشپزی و مدیریت منزل را به عهده بگیرد. در حالی که به مدرک خود افتخار می‌کند و می‌گوید مثلاً فوق لیسانس فیزیک هستم، باید به او گفت: شما هم هنوز صلاحیت ازدواج را پیدا نکرده‌اید! اگر هفته‌ای مادر در خانه حضور نداشت و یا توانایی انجام کارهای خانه را نداشت، با اینکه این مادر چند دختر خانم در خانه دارد، چنان اوضاع خانه به هم ریخته است که لحظه‌ای نمی‌توان در آن خانه ماند.

زمان ازدواج یک دختر زمانی فرا می‌رسد که او بتواند وظایف و امور یک مادر را بخوبی انجام دهد. مثلاً اگر مادر به سفر حجّ مشرف شده است، خلأ وجود مادر را با فعالیت و احساس مسؤولیت خود چه از نظر خانه‌داری و چه از نظر عاطفی برای اهل خانه پر نماید.

نباید علت تأخیر در ازدواج را با فرافکنی به دیگران نسبت دهیم و عیوب خود را فراموش کنیم. دخترخانم باید ببیند چقدر برای ازدواج خود فعالیت کرده و

زمینه‌های ازدواج را در خود ایجاد کرده است. مقصود از این سخن پیدا کردن همسر نیست، بلکه فراهم کردن شرایط ازدواج از نظر روانی و توانمندی در اداره‌ی کانون یک خانواده است؛ زیرا مفهوم ازدواج تشکیل خانواده‌ای مستقل است. ازدواج صرفاً اطفای غریزه‌ی جنسی نیست و وجود این غریزه در انسان برای ترغیب اولیه در انسان نهاده شده است. مفهوم ازدواج این است که ما توانایی اداره‌ی یک خانواده‌ی مستقل را بدون تکیه به دیگران داریم.

گاهی از جوانان چه دختر و چه پسر می‌شنویم که می‌گویند شما اسباب ازدواج ما را فراهم کنید تا ببینید ما توانایی اداره‌ی یک زندگی مستقل را داریم یا نه؟ دخترخانم می‌گوید بگذارید من شوهر کنم، به شما نشان می‌دهم چه کدبانویی هستم. آقا پسر هم می‌گوید بگذارید من زن بگیرم، به شما نشان می‌دهم چه کدخدایی هستم. باید به این دخترخانم و آقا پسر گفت: هرگز نسبیّه معامله نکن! شما باید کدبانو بودن و کدخدا بودن خود را همچین بلند همتی و حسّ مسؤولیت پذیری را قبل از ازدواج نشان بدهی.

خواهر و برادری که در یک خانواده نمی‌توانند با هم ارتباط عاطفی و روح سازش داشته باشند، چگونه می‌توانند پس از ازدواج با همسران خود ارتباط عاطفی برقرار نمایند. بنابراین از دیگر شرایط ازدواج، «بلوغ عاطفی» جوانان است. دختر و پسر جوانی که توانایی تحمل دیگران را ندارند، توانایی برقراری ارتباط با خواهر و برادر و دوستان خود را ندارند، در تداوم زندگی با همسر خویش درمانده می‌شوند. متأسفانه در ازدواج‌هایی که بین جوانان ما صورت می‌پذیرد، به خاطر همین مسائل خاطر جمعی وجود ندارد که ازدواج و زندگی آنان با موفقیت ادامه یابد.

وقتی دختر و پسر جوان به بلوغ عاطفی نرسیده باشند و در خانه، دانشگاه و اجتماع نسبت به دیگران گذشت نداشته باشند و در محیط کار از خود گذشت نشان نمی‌دهند، روحیه‌ی تعاون، همکاری و همدلی ندارند و نمی‌توانند در امور اجتماعی تفاهم داشته باشند، چگونه توانایی ایجاد عاطفه با همسر خویش را خواهند داشت؟!

بنابراین به مسأله‌ی ازدواج صرفاً نباید به عنوان یک ابزار کنترل‌گریزه‌ی جنسی نگاه کرد.

در پایان این قسمت باید متذکر شد که یک واقعیت تلخی که هنوز متأسفانه در کشور ما نمونه‌های نسبتاً زیادی رخ می‌دهد ازدواج در سنین خردسالی است یعنی تنها با ایجاد رابطه بالا رعایت نمی‌شود حتی رعایت حداقل سن هم نمی‌شود در برخورد با این معضل فقط ذکر این حدیث کافی است: به امام صادق یا امام کاظم (ع) گفته شد: ما پسرانمان را در خردسالی، زن می‌دهیم. فرمود: «چنانچه آنها را در خردسالی به ازدواج هم درآورید، تقریباً انس و الفتی میان آنها برقرار نمی‌شود»<sup>۱</sup>

## ۲-۷ رشد عقلانی

جوانان عزیز وظیفه دارند این بلوغ‌ها را در خود ایجاد نمایند تا بتوانند ازدواج موفق‌ی داشته باشند. بلوغ عقلانی با تحصیلات علمی فرق دارد! چه بسا کسانی که از نظر علمی رشد کرده‌اند، ولی عقلانیت آن‌ها رشد نکرده است! چنانکه در روایت آمده است: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ»<sup>۲</sup>؛ چه بسا عالمی که جهلش او را کشته است. در فرهنگ دینی ما «جهل» در برابر «علم» قرار ندارد. در حالی که در فرهنگ یونانی «جهل» در برابر «علم» واقع می‌شود. در فرهنگ اسلامی و قرآن کریم و روایات حضرات ائمه «عقل» و «جهل» در مقابل هم واقع می‌شوند از جمله «اصول کافی باب عقل و جهل» چه بسا کسی که عالم باشد ولی در زمره‌ی جاهلان قرار دارد نه عاقلان. چه بسا دانشجویی در فراگیری علم از بهره‌ی هوشی بالایی هم برخوردار باشد و هزاران ابیات شعر را در حافظه داشته باشد، در المپیادهای مختلف رتبه‌های بالایی کسب کرده باشد، در جشنواره‌ی خوارزمی رتبه‌ای ممتاز کسب کرده باشد، با این اوصاف علی‌رغم علم بالایش از عقل کافی برخوردار نباشد. امام بزرگوار ما در ۱. الکافی عن هشام بن الحکم عن الامام الصادق أو الامام کاظم (ع)، قال: قبل له إنا نزوج صبیانا و هم صغار. قال: فقال: إذا زوجوا و هم صغار لم یکادوا یتألفوا. (الکافی، ج ۱، ص ۵۰)

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۷

خصوص شهید رجایی فرمودند: آقای رجایی عقلش از علمش بیش تر بود. عاقل کسی است که سنجیده رفتار می‌کند. یعنی بداند هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. پسر و یا دختری که نمی‌داند با بزرگ‌تران چگونه صحبت کند و ادبیات سخنان او با افراد مختلف یکسان باشد و نحوه‌ی سخن گفتن با یک خانم پنجاه ساله و یا با یک خانم ۳۰ ساله را نداند، این فرد آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج را پیدا نکرده است.

جوانی که نداند در یک محل عمومی چگونه باید سخن بگوید و سخن گفتن او در یک محفل خصوصی و با یک جمع عمومی یکسان باشد، به بلوغ عقلانی نرسیده است. گاه برخی افراد را می‌نگریم که در کشور ما ادعای روشنفکری دارند و از نظر علمی هم مدارج و مدارک بالایی دارند، ولی عقلشان بسیار کوچک است؛ زیرا برخی از تخصصی‌ترین مطالب و مباحث را در جمعی عمومی در پشت تریبون سخنرانی مطرح می‌سازند و جامعه را به هم می‌ریزند. چنین فردی علی‌رغم همه‌ی علم و مدرکش، جاهل است؛ هر چند حتی در بیان مطالب خطیبی توانا باشد. اگر هزاران مقاله و کتاب نوشته باشد و سخنی را نسنجیده در محفلی عمومی مطرح کند که وحدت جامعه را دچار تفرقه و تنش نماید عاقل نیست و بدیهی است سخنان این افراد جز هرج و مرج و ایجاد تفرقه تأثیری نخواهد داشت. عقل به ما حکم می‌کند سخن تخصصی را برای متخصصان مربوط به آن رشته مطرح سازیم. مطرح نمودن مطالب تخصصی در مجامع عمومی نوعی عوام فریبی، خود مطرحی و ریاکاری است و بر همین اساس است که شاهد اختلافات شدید خانوادگی در بین این افراد با همسرانشان هستیم.

بدیهی است چنین شخصی وقتی در جامعه و محضر عموم سنجیده عمل نمی‌کند، در زندگی فردی هم مرتکب چنین اشتباهاتی خواهد شد و همسر وی قادر به ادامه‌ی زندگی با ایشان نخواهد بود. بنابراین اصلی‌ترین عوامل ازدواج موفق عقلانیت است. اگر همه به شما بگویند اصلی‌ترین عامل در ازدواج موفق ایمان است ولی نظر این

بنده‌ی کم‌ترین به عنوان کسی که ادعای دینی دارد، عقل را اصلی‌ترین عامل در ازدواج موفق می‌دانم.

یعنی اگر خواستگاری - هر چند مؤمن - به منزل شما آمد با اینکه از ایمان برخوردار است، اگر او را عاقل تشخیص ندادید به او پاسخ مثبت ندهید. مقصود از عاقل نبودن دیوانه بودن آن فرد نیست؛ بلکه به معنای اصطلاحی اگر در رفتارهایش و سخن گفتنش استنباط عاقل بودن نکردید، با او ازدواج نکنید؛ زیرا اغلب اختلافاتی که پس از ازدواج‌ها پیش می‌آید و برخی منجر به طلاق می‌شود، از همین عامل سرچشمه می‌گیرد. البته ایمان حقیقی همیشه با عقلانیت توأم خواهد بود و اگر کسی عاقل نبود، هرچند ظاهر متدینی داشته باشد، مؤمن حقیقی نیست.

از این رو، توصیه می‌شود جوانانی که به این عقلانیت نرسیده‌اند، ازدواج نکنند؛ زیرا اکنون که ازدواج نمی‌کند فقط مشکل شخص خود را دارد ولی وقتی ازدواج کرد، هزاران مشکل برای خود و خانواده‌اش و برای همسر و خانواده‌ی همسرش بوجود می‌آورد که به‌راحتی قابل حل نیست.

عقلانیت با خواندن کتاب و مطالعه به دست نمی‌آید که به جوانی بگوییم چند سال درس بخوان و یا مثلاً یک دور کتاب‌های شهید مطهری را بخوان تا عاقل شوی. عقل یعنی اینکه تصمیم‌گیری عاقل باشی و سنجیده رفتار کنی.

باید در روابط اجتماعی دیگران تأمل کنیم و آنچه از دید عموم بزرگان ناشایست جلوه می‌کند و زننده است را ما انجام ندهیم. در رفتار خود توجه کنیم و عیوب خود را بشناسیم و در رفع آن بکوشیم.

گاه در بین عزیزان جوان شاهد جوانی هستیم که سال‌ها زحمت کشیده، رشد علمی کرده و یا دیگری تجربه‌ی فرهنگی فراوانی کسب کرده، مطالعات فراوانی داشته یا در عرفان به جاهایی رسیده است، اما اکنون که می‌خواهد در جامعه مفید واقع شود چندان موفق نیست.

فردی پس از اینکه سال‌های متمادی در زمینه‌ی عرفان زحماتی را متحمل شد



و در سیر و سلوک هم به جاهایی رسیده بود و در حدّ خود اهل معرفت شده بود، وقتی وارد اجتماع و مباحث آن گردید با مشکلاتی مواجه شد و علت آن را جویا می‌شد. پاسخ به ایشان این بود که شما در عرفان به مقاماتی رسیده‌ای، اما در اجتماع پخته نشده‌ای و رشد اجتماعی لازم را پیدا نکرده‌ای؛ چون از اجتماع اطلاع کافی نداری، سخنی را که نباید در محفلی بیان کنی مطرح می‌سازی و از عواقب و جوانب آن بی‌خبری. بنابراین سخنی را که نباید در جمع بزنی بیان می‌کنی و اوضاع را به هم می‌ریزی.

خلاصه‌ی کلام، اینکه ازدواج نیاز به زمینه‌هایی عقلانی و رفتاری اجتماعی دارد. بنابراین اگر جوانی بلوغ عقلانی داشته باشد، به محض بروز اختلاف بین او و همسرش، آن تفاوت و اختلاف دیدگاه و مشکلی که برایشان پیش آمده را به اطلاع مادر و پدرش نمی‌رساند. به سرعت نمی‌آید درد و دلش را با هر کسی در میان بگذارد. انسان عاقل در چنین شرایطی از توسعه پیدا کردن این اختلاف جلوگیری می‌کند.

در اینجا بی‌مناسبت نیست حکایتی جالب و شنیدنی نقل شود. یکی از دوستان قدیمی حدود ۱۵ سال قبل مشکلات روانی برایش پیش آمد. البته بیماری او ارثی بود و از قضا بیماری او با زمانی که در جلسه‌های عمومی ما شرکت می‌کرد، مصادف شد. نکته‌ی قابل توجه این بود که در دوره‌ی بیماری، فقط سه نفر را قبول داشت؛ از جمله بنده و یکی از روحانیون محترم را. تنها ما می‌توانستیم با او ارتباط برقرار کنیم. در بیمارستان به عیادتش رفتیم. صحنه‌ای جالب را شاهد بودیم که دو نفر بیمار روانی در کنار هم نشسته بودند. یکی از آن‌ها به دیگری دلداری می‌داد و ما را به دوستش نشان داده و می‌گفت: ببین این‌ها هم مثل ما هستند، فقط فرقی‌شان با ما در این است که ما هر چه در دل خود احساس می‌کنیم به زبان می‌آوریم ولی این‌ها در دلشان مخفی می‌کنند و به کسی حرف خود را نمی‌زنند.

این سخنان از آن جملات نغزی بود که صاحب آن به اصطلاح دیوانه‌ی عاقل‌کُش بود. خیلی حرف سنگین و سنجیده‌ای بود. آن برادر روحانی که در کنار من بود،

حالتی از انکسار در چهره‌اش مشاهده شد و به من گفت: ببین حکایت ما حکایت این دو بیمار روانی است. جالب اینکه خودش مریض است. می‌خواهد تازه دیگری را درمان کند. ما خود از همه مریض‌ها مریض‌تریم، آن وقت می‌خواهیم جوانان را درمان کنیم. برداشت آن برادر بزرگوار این بود. اما من توجه‌ام به محتوای سخن او جلب شد که آنچه دیوانگان بیان میکنند ما هم دردل داریم ولی بیان نمی‌کنیم بطور مثال اگر اکنون به ذهن شما خطور کند من چه چیز از یک رئیس جمهور کم‌تر دارم، من هم می‌خواهم رئیس جمهور شوم و با خود می‌گویند حال اگر این چهار سال نشد ۸ سال دیگر! حال اگر همین افکاری که در ذهن شما عبور کرد را به زبان آورید و در جمعی مطرح نمودید، برداشت مردم اینگونه است که مواظب او باشید این یک بیمار روانی است.

بر همین اساس است که در روایت داریم عاقل زبانش پشت تفکرش است یعنی اوّل فکر می‌کند، بعد سخن می‌گوید و جاهل کسی است که اوّل سخن می‌گوید و بعد راجع به آن فکر می‌کند<sup>۱</sup> که آیا این سخنم خوب بود یا بد؟!

بر این اساس، توصیه و سفارش ما به جوانان این است که در جلسات خواستگاری و نیز در تحقیق پیرامون ازدواج این نکته را در نظر داشته باشید که آیا این فرد که قصد ازدواج با او را دارم عاقل است یا نه. اگر فرد عاقلی باشد، هر نقطه ضعف دیگر او قابل اغماض و چشم پوشی است. سعی کنید روز به روز عقل خود را افزایش دهید و عاقلانه‌تر از روز قبل عمل کنید. در این زمینه به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱- وقتی نتوانی در کوچک‌ترین و ابتدایی‌ترین امور، تصمیم‌گیری صحیح، بدون تزلزل و وابستگی داشته باشی، چطور می‌خواهی در تصمیم‌های کلان زندگی مثل ازدواج موفق باشی؟!

۲- بهتر است در کارهایمان با افراد آگاه و با تجربه مشورت کنیم، در این صورت تصمیمی منطقی و عقلانی خواهیم گرفت.

۱. لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۰)

۳- از سرزنش دیگران، ضررهای احتمالی و پشیمانی نترس و با شجاعت تصمیم عاقلانه بگیر.

۴- برای رهایی از تزلزل و وابستگی در تصمیم‌گیری، شروع کردن از تصمیم‌های کوچک راهی منطقی به نظر می‌رسد.

۵- اهداف خود را در زندگی مشخص کن و برای رسیدن به آن‌ها راهبردهای مناسبی پیش بگیر. لازمه این کار داشتن یک برنامه حساب شده است که تو را از سردرگمی و دور شدن از هدف رهایی می‌بخشد.

خوب است بدانیم تنش‌ها، آسیب‌های روانی و برخوردها، بیش‌تر در زندگی افراد بی‌برنامه است. اگر خواهان آرامش هستی، برنامه‌ریزی صحیح و اصولی داشته باش.

۷- وقتی می‌بینی از دیگران انتظاراتی داری که قادر به برآوردنش نیستند، احتمال بده که شاید بعضی از انتظارات نامعقول باشند؛ پس سعی کن آن‌ها را متعادل و منطقی سازی.

۸- بهتر است به تجزیه و تحلیل عقلانی و منطقی انتظاراتی که از خود و دیگران داریم پردازیم تا درگیری‌ها و سوء تفاهم‌های ناشی از انتظارات نامعقول را کاهش دهیم.

۹- پافشاری بر افکار و اجازه‌ی شنیدن نظریات دیگران را به خود ندادن، می‌تواند بیانگر عدم رشد عقلانی باشد.

۱۰- با شناخت توانایی‌ها و استعدادهای خود هدف‌های دورازدسترس، انتظارات نامعقول و آرزوها را به حداقل خواهیم رساند.

۱۱- در برخورد با مشکلات زندگی اینگونه عمل کن:

همه‌ی جوانب کار را بسنج، شرایط را خوب درک کن و بدان با تجزیه و تحلیل خوب و موضع‌گیری صحیح و اصولی، انتخابی خواهی داشت که از نتیجه‌ی آن راضی خواهی بود.

۱۲- انتخاب درست، حمایت و تشویق دیگران را به دنبال خواهد داشت که باعث دلگرم شدن هرچه بیشتر می‌شود.

- ۱۳- یاد بگیریم در قبال پیامد رفتارها و کردارهایمان مسؤولیت پذیر باشیم.
- ۱۴- دیگران از یک فرد عاقل و بالغ انتظار دارند پاسخ قابل قبول و قانع‌کننده‌ای در قبال رفتارها و کردارهایش داشته باشد.
- ۱۵- هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. سنجیده و با توجه به اقتضای شرایط رفتار کن و سخن بگو، یعنی یاد بگیر هر حرفی را کجا بزنی و با هر فردی چگونه رفتار کنی.
- ۱۶- بهتر است قبل از اینکه سخنی را به زبان بیاوریم کمی راجع به آن فکر کرده و با درایت بیشتری صحبت کنیم که در واقع با کنترل زبان خود از پشیمانی‌های احتمالی جلوگیری کنیم.
- ۱۷- مواظب باش در شادی‌های زندگیت، خیلی مغرور و در مصائب زندگی خیلی غمگین و ناامید نشوی، بلکه آنچه عاقلانه به نظر می‌رسد این است که حد اعتدال را رعایت کنی. وقتی شادی آرام بخند تا غم بیدار نشود وقتی ناراحتی آرام گریه کن تا شادی ناامید نشود.
- ۱۸- برای بالا بردن توان سازگاری، خودت را جای دیگران بگذار و ببین در چنان موقعیتی تو چه می‌کردی، آنگاه است که آن‌ها را درک می‌کنی و می‌توانی با دیگران کنار بیایی.
- ۱۹- سازگاری را با سازشکاری یکسان مپندار، سازگاری کنار آمدن با اطرافیان است و سازشکاری کنار آمدن با دشمن.
- ۲۰- یادمان باشد که عاقل بودن را نباید با بعضی از زرنگی‌ها، زد و بندها و حيله‌گری‌ها اشتباه گرفت.
- ۲۱- از جمله راه‌های افزایش عقل:
- شرکت در جلسات و نشست و برخاست با افرادی است که بلوغ فکری و علمی لازم را دارند و به اصطلاح فهیم و رشد یافته هستند یا لاقلاً آشنایی با سیره و زندگی آن‌هاست.

و در آخر آن که امام حسین علیه السلام فرمودند: عقل جز از راه پیروی حق به کمال نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

۱. لا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ (فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، علی مؤیدی، ص ۸۰۳)

## ۲-۸ توانمندی اقتصادی

یکی دیگر از شرایط ازدواج که لازم است جوانان به ویژه آقایان آن را کسب نمایند، توانمندی اقتصادی است و مقصود از این توانمندی آن است که فرد بتواند به خوبی و در حد متعارف زندگی خود را اداره کند و باید دخترخانم‌ها دقت داشته باشند که مقصود ما از توانمندی اقتصادی توانمندی بالقوه است. یعنی توانایی اداره‌ی خانواده را داشته باشد و کافی است تنها بخشی از این توانمندی به فعلیت رسیده باشد. یعنی این آقای جوان که قصد تشکیل خانواده دارد، باید بتواند در حد مخارج زندگی خود تا حدودی استقلال داشته باشد و کاملاً متکی به پدر و اموال او نباشد. مثلاً اگر در ماه با فعالیتی معادل ۱۵ ساعت مبلغی را کسب می‌کند، هنگام خواستگاری مطرح کند که من می‌توانم ساعات فعالیت‌هایم را به دو برابر یعنی ۳۰ ساعت افزایش دهم و درآمدم را دو برابر و بیش‌تر کنم. او باید گوشه‌ای از فعالیت و توانمندی خود را به نمایش گذاشته باشد و بدیهی است تا وارد عرصه‌ی فعالیت نشده باشد، هر وعده‌ای بدهد جز تخیلات چیز دیگری نیست.

وقتی خانواده‌ی دختر همچنین پسر چنین زمینه‌هایی را در این آقای جوان مشاهده کردند، باید برای شکل‌گیری ازدواج او همت گمارند. انتظار نداشته باشند همین الان به قله برسند.

مقصود اینکه جوان تجربه‌ی درآمد و استقلال در هزینه کردن درآمد خویش را داشته باشد تا بتواند طرح‌های اقتصادی خود را به اجرا درآورد. یعنی با تجربه‌ای که به دست آورده است محاسبه کند که آیا اگر ازدواج کند و پس از یکسال دوران عقد هم به این شکل ادامه دهد، آیا توانمندی ازدواج را پیدا خواهد کرد یا نه؟ خانواده‌های طرفین نیز توانمندی او را بپذیرند. اگر گوشه‌ای از فعالیت او به ثمر نشست، انتظار نداشته باشند او کاملاً مستقل باشد و بگویند تا وضع مالی تو خیلی خوب نشده، وقت ازدواج تو نیست. چه بسا ازدواج او موجب گردد فعالیت او سرعت بیش‌تری پیدا کند.

یکی از اشکالات جوانان ما این است که استعدادهای خود را دیر ظاهر می‌نمایند. توانمندی‌های آنان غیر قابل انکار است، اما متأسفانه دیر وارد بازار کار می‌شوند و باید بدانیم هر چه یک جوان دیرتر وارد عرصه‌ی زندگی و فعالیت اقتصادی خود بشود، به مراتب کار ازدواج و تشکیل خانواده برایش سخت‌تر می‌شود.

در پایان نکاتی را به‌طور فشرده و مختصر خاطر نشان می‌کنیم:

- توانمندی اقتصادی در ازدواج این است که فرد بالقوه توانایی داشته باشد که اگر زندگی مشترک تشکیل داد، بتواند اداره کند و بخشی از این توانایی به‌ظهور رسیده باشد.

- رسیدن به بلوغ اقتصادی صرفاً مربوط به پسران نمی‌شود؛ بلکه دختران هم باید مدیریت و برنامه‌ریزی مخارج را بلد باشند تا بتوانند زندگی همراه با پیشرفت، آرامش و دوری از فقر مادی و روحی داشته باشند.

- بهانه‌هایی همچون ادامه‌ی تحصیل، سربازی و... هرگز مانعی برای رسیدن به بلوغ اقتصادی نیست؛ چون می‌توان از طریق مشغول شدن به مشاغل پاره وقت (ترجیحاً مرتبط با استعداد و رشته‌ی تحصیلی) به داشتن پس‌انداز و آشنایی با بازار کار و عوامل آن رسید.

- برای رسیدن به بلوغ اقتصادی باید به حداقل‌های عرفی رسیده باشید؛ یعنی در پی کم کردن وابستگی اقتصادی خود از خانواده باشید و درآمد حداقلی برای خود داشته باشید.

- برای آینده‌ی خود برنامه‌ریزی و طرح اقتصادی داشته باشید. یعنی نسبت به سؤال‌هایی از قبیل روش کسب درآمدها چیست؟ چه میزان پس‌انداز می‌توانید داشته باشید؟ امکان تهیه‌ی مسکن برای زندگیتان (خرید یا اجاره) چه زمانی محقق می‌شود، جواب روشنی داشته باشید.

- هرچه زودتر به حد معقولی از توانایی اقتصادی برسید، زودتر شرایط برای ازدواجتان فراهم می‌شود و قدرت انتخاب بالاتری خواهید داشت.

- برنامه‌ریزی اقتصادی امروز باعث می‌شود که فردایی داشته باشید که دخل و خرج را همراه با در نظر گرفتن رفاه همسر و خانواده تنظیم کنید و به پیشرفت بیش‌تر به همراه پس‌انداز و دوری از خساست برسید. این‌ها همه جزء لوازم آرامش و خوشبختی است.

- اگر حس می‌کنید که نمی‌توانید برای درآمدتان برنامه‌ریزی داشته باشید، بهتر است الگوی مناسبی برای خود پیدا کنید و از او در این زمینه راهنمایی بخواهید.

### ۲-۹ راه‌های احراز انواع دیگر بلوغ

علاوه بر بلوغ عقلانی و بلوغ اقتصادی، به انواع دیگر بلوغ نیز اعم از عاطفی، جنسی، اجتماعی و فرهنگی اشاره‌هایی شد که به خاطر طولانی نشدن مطلب تنها به نکاتی برای احراز و رشد آن‌ها بسنده می‌گردد.

### ۲-۹-۱ بلوغ عاطفی

۱- اگر بتوانید احساسات غیرمعقول و کودکانه را کنار بگذارید و به جای آن عاقلانه و منطقی رفتار کنید، رشد عاطفی لازم را دارا هستید.

۲- اگر با یک بحث جزئی زود عصبانی می‌شوید، بدانید زندگی مشترک هم خالی از این مشکلات نخواهد بود؛ پس بهتر است در رفتارتان تجدید نظر کنید.

۳- بهتر است به خودمان اجازه بدهیم تغییری مثبت در بینش‌ها و تفکراتمان نسبت به وقایع و مسائل زندگی ایجاد شود؛ در این صورت زندگی پر از عاطفه و آرامشی خواهیم داشت.

۴- یادمان باشد شرکت در کارهای گروهی، حس همدلی و همکاری ما را پرورش می‌دهد که در نهایت باعث رشد شخصیت عاطفی‌مان می‌شود.

۵- خوب است تمرین کنیم گاهی از خطای دیگران بگذریم و چشم‌پوشی کنیم. در این صورت علاوه بر حفظ روابط، خود نیز به آرامشی زیبا خواهیم رسید.

۶- گاهی انعطاف‌پذیری فرد در مقابل خواست دوستان، خانواده و اطرافیان توان سازگاری او را بالا برده و تمرینی است جهت یادگیری و گذشت در زندگی مشترک.

۷- اگر شما در ابراز احساسات به دیگران دچار مشکل هستید، بهترین تمرین این است که در بیان احساسات قلبی خود از نزدیک‌ترین افراد خانواده‌تان شروع کنید.

۸- ابراز احساسات افراطی را نشان رشد عاطفی ندانیم و در نظر داشته باشیم که در چه زمان و در کجا و نسبت به چه کسی احساسات را بروز می‌دهیم.

### ۲-۹-۲ بلوغ جنسی

- لازم است پیرامون تغییرات جنسی و جسمی و بهداشت و احکام مربوط به آن اطلاعات کافی داشته باشید.

- البته تنها رسیدن به بلوغ جنسی و جسمی برای ازدواج کافی نیست. این بلوغ بدون حضور عقل و دیگر بلوغ‌ها هرگز شما را به آرامش و ازدواج سالم و موفق نمی‌رساند.

### ۳-۹-۲ بلوغ اجتماعی

- مسؤولیت‌پذیری را ابتدا از یک محیط کوچک مانند خانه شروع کنید. (خرید برای خانه توسط پسران و رسیدگی به امور خانه توسط دختران)

- بلوغ اجتماعی در ازدواج از سویی باعث برطرف شدن خجالت، رفع ترس از حضور و صحبت در جمع و منزوی بودن و از سوی دیگر موجب شکوفا شدن استعدادها و بروز احساسات، گفتن نظرات شخصی، تعامل با دیگران، استفاده از نظرات دیگران و اخذ تصمیم نهایی درست می‌شود.

- روی آوردن به اجتماع و قبول مسؤولیت‌های اجتماعی (چه کوچک و چه بزرگ) مانند شرکت در اجتماعات سالم، قبول مسؤولیت در محیطی غیر از خانه، دوست‌یابی، اظهار نظر کردن در مورد نظرات دیگران و اتّفاقات به‌روز جامعه، از شاخص‌های رسیدن به این بلوغ است.



- اگر شما تنها به خود و خواسته‌هایتان فکر می‌کنید و توانایی ایجاد ارتباط با دیگران را ندارید و هنوز خود را ملزم به رعایت حقوق افراد نمی‌دانید، نیاز به تمرین بیش‌تری (در این زمینه) برای اجتماعی شدن دارید.

- آهسته آهسته از وابستگی و تعلق خود به خانواده بکاهید. تعامل با اجتماعات متفاوت ولی مطمئن و پذیرش مسؤولیت‌هایی در این باب می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.

### ۲-۹-۴ بلوغ فرهنگی

- به یاد داشته باشید یکی از مشکلات عمده‌ای که اکثر زوج‌های جوان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، نداشتن بلوغ فرهنگی است.

- تصور اینکه هرچه تحصیلات بالاتر باشد بلوغ فرهنگی فرد بیشتر است، تصور غلطی است. تحصیلات در بلوغ فرهنگی فرد اثرگذار و لازم است اما کافی نیست.

- بسیاری از آداب و رسوم غلط و آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی والدین و خود فرد شاید راه رسیدن به بلوغ فرهنگی را دشوار کند؛ اما مانع رسیدن فرد به بلوغ فرهنگی نمی‌شود و حتی می‌تواند برای تشخیص بهتر و درست‌تر کمک کند.

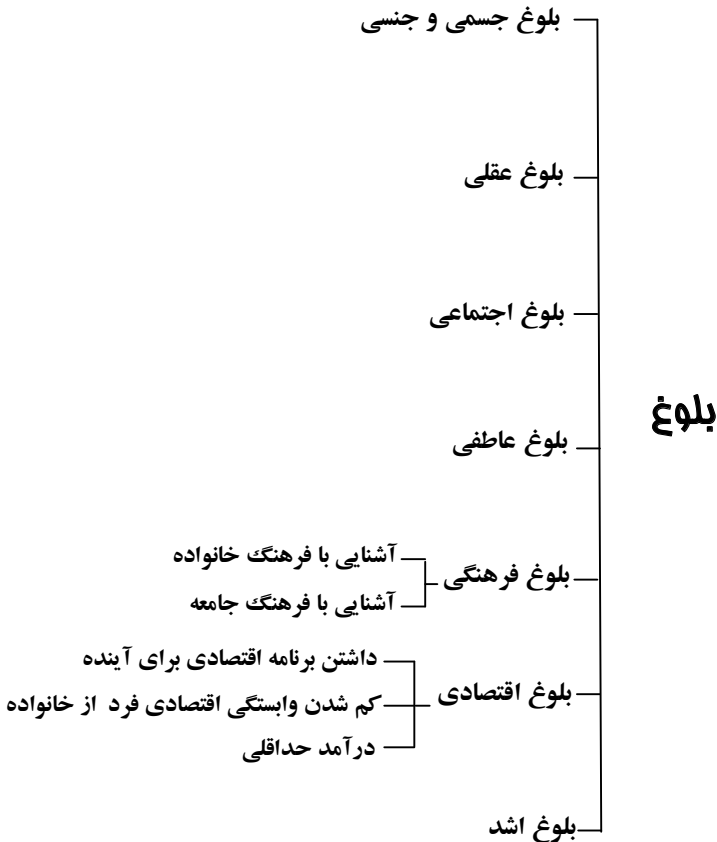
- باید بتوانیم فرهنگ اجتماعی که در آن زیست می‌کنیم را بشناسیم، تجزیه و تحلیل کنیم و به آنچه با شرع و عرف عقلانی مطابقت دارد، عمل نماییم. این یعنی بلوغ فرهنگی اجتماعی.

- بلوغ فرهنگی باعث می‌شود فرد هنگام ازدواج قدرت تشخیص درست از غلط را داشته باشد و بدون تعصب نسبت به آداب و رسوم غلط خانوادگی و فامیلی تصمیم‌گیری کند.

- شاید بهترین نتیجه‌ی رسیدن به بلوغ فرهنگی، دوری‌گزیدن از صفات اخلاقی منفی از جمله: بدزبانی، کج‌خلقی، کینه‌توزی، بی‌ادبی، بی‌انضباطی، هرزگی و روی آوردن صفات اخلاقی مثبت از جمله انعطاف‌پذیری، حق‌پذیری، حسن‌ظن و... باشد.

در پایان این گفتار، بار دیگر به این نکته اشاره می‌کنیم که گاه برای فراهم آمدن شرایط اولیه، ممکن است چند سال نیاز به زمان داشته باشیم و این شرایط را باید بطور نسبی کسب کرد نه بطور مطلق. هیچ یک از این شرایط مطلق و کامل کسب نمی‌شود. نباید در عقلانیت، عقل شما حتماً به عقلانیت شخصیتی مانند علامه طباطبایی! برسد؛ بلکه باید حداقل‌های عرفی جامعه را کسب نمایید تا توانایی اداره‌ی یک خانواده را به دست آورید.

امید است با همکاری والدین و جامعه این شرایط فرهنگ‌سازی شود. ان‌شاءالله.





گفتار سوم /  
معیارهای انتخاب همسر



پس از تبیین شرایط ازدواج گام بعدی برای ازدواج آسان و موفق، آشنایی با معیارهای انتخاب همسر است.

### ۳-۱ مشکلات و پیچیدگی تعیین معیارها

این مسأله‌ای است که بسیاری از جوانان مجرد در آستانه‌ی ازدواج، لااقل در بیان آن می‌مانند و وقتی در این مورد از آنها سؤال شود، می‌گویند: یک همسر خوب می‌خواهم. حتی پدر و مادرها هم می‌گویند: دنبال یک مورد خوب می‌گردیم.

### ۳-۱-۱ ابهام مفاهیم

واژه‌ی «خوب» از جمله واژه‌هایی است که به دلیل گستردگی و ابهام، برای حلّ این مشکل راهگشا نیست. از آنجا که معیارهای خوب از دیدگاه افراد مختلف متفاوت است، ما نمی‌توانیم مصداق خوب بودن شخص مورد نظر آنان را شناسایی کنیم. در مرحله‌ی تحقیق برای ازدواج نیز از این سؤال که آیا فلان شخص جوان خوبی هست یا نه، نمی‌توان به پاسخی در خور تصمیم‌گیری دست یافت.

بنابراین توصیه می‌شود از این واژه در مباحث ازدواج استفاده نکنید. و اگر کسی از این واژه استفاده کرد، بهتر است از او معنی خوب بودن را بپرسیم. با ذکر یک مثال این مطلب کاملاً روشن می‌شود. خانم‌ها وقتی برای خرید لباس یا وسایل منزل به بازار می‌روند، عادت دارند از فروشنده سؤال کنند آیا این کالا خوب است یا نه؟ آقایان نیز در خرید میوه و وسایل دیگر نیز همین‌گونه عمل می‌کنند و فروشندگان هم معمولاً نمی‌گویند این کالا جنس بدی دارد و به قول معروف هیچ بقالی نمی‌گوید «ماست من تَرش است»، مگر اینکه از او تقاضای ماست تَرش کنید. معیار خوب بودن از دیدگاه فروشنده شاید آن است که آن لباس یا پارچه زود فرسوده و پاره می‌شود و شما دوباره می‌آیید و از من خرید می‌کنید! به همین ترتیب، واژه‌ی خوب می‌تواند معنای متعدّدی داشته باشد و همه بستگی به دید اشخاص دارد. بنابراین، موضوع ملاک و معیار بحثی بسیار جدی در همسریابی است.

### ۳-۱-۲ تفاوت معیارها

نکته‌ی دیگر در این خصوص تفاوت معیارهاست. آیا می‌توان برای همه‌ی دردها یک نسخه تجویز کرد؟ آیا باید معیارهای یک همسر شایسته در همه یکسان باشد؟ اگر معتقد به این نکته هستیم که هر پسری به درد هر دختری و هر دختری به درد هر پسری نمی‌خورد، چگونه می‌توان با وجود اختلاف سلیقه‌ها، ملاک و معیارهای

ثابت و قطعی ارائه داد.

### ۳-۱-۳ ضریب اهمیت معیارها

علاوه بر این، مشکل دیگر در تعیین معیارها، میزان و ضریب ملاک‌ها و معیارهاست. به طور مثال اگر جوانی ده ملاک و معیار برای خود دارد، کدامیک اصلی و کدامیک فرعی است؟ اولویت این ملاک‌ها چگونه تعیین می‌شود؟ از کدام ملاک‌ها می‌توان صرف نظر کرد و کدام ملاک را باید شرط لازم تداوم زندگی برشمرد؟ و در یک کلام درصد ملاک‌ها چگونه تعیین می‌شود؟

این مباحث و سؤالات، امر تعیین ملاک و معیار برای ازدواج را پیچیده و مشکل می‌سازد و حقیقت این است که اغلب ازدواج‌ها ملاک و معیار علمی و تئوریک ندارد. یعنی این نظریه پردازی‌ها در عمل رعایت نمی‌شود و در واقع آن معیارهای درونی که از بیان آن به دلایل مختلف اجتناب می‌شود، ملاک اصلی ازدواج قرار می‌گیرد و معیارهایی که گاه مطرح می‌شود به قول و اصطلاح عوام برای خالی نبودن عریضه است که حرفی زده باشند.

گاه، شرایط و معیارهایی که مطرح می‌کنند، برای آن است که از حواشی آن به خواسته‌ی اصلی به طور غیرمستقیم دست یابند و آخرین نکته‌ی قابل توجه در خصوص این موضوع که اغلب دچار آن می‌شوند، پیچیده شدن و سردرگم شدن و نامفهوم بودن معیارهاست که در نتیجه بسیاری از افراد از بس کار پیچیده می‌شود، قید آن را می‌زنند. یعنی اگر کار ارزشیابی دقیق بخواهد صورت پذیرد، کار از کنکور هم سخت‌تر می‌شود! و گاه انتخاب را آنقدر سخت می‌کند که از اصل موضوع چشم می‌پوشند! یعنی نمی‌توان برای ازدواج فرمولی تعیین کرد که حاصل آن همسر شایسته برای افراد مختلف باشد و بطور یقین نمی‌توان معیارهایی را در نظر گرفت و بعد بطور کلی نتیجه گرفت فلان شخص خوب یا بد است.

انتخاب صحیح وقتی سخت‌تر می‌شود که برخی ملاک و معیارها محرز می‌شود و برخی محرز نمی‌شود. در چنین مواقعی در حل مشکل درمی‌مانیم؛ زیرا معیارها، معیار دقیقی نبوده‌اند.

اغلب ازدواج‌های ناموفق از آنجا ناشی می‌شود که دقت کافی در ملاک و معیارهای انتخاب صورت نگرفته است.

حال برای آنکه بتوانیم با این بحث اصولی و منطقی برخورد کنیم، باید به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که هدف ما از ازدواج چیست؟

### ۲-۳ هدف از ازدواج

اگر فلسفه‌ی ازدواج برای ما مشخص شد، معیارهای ما برای انتخاب همسر همان معیاری می‌شود که ما را به آن مقصود نزدیک می‌سازد و معیارهایی که با مقصود اصلی ما از ازدواج ارتباط ندارد، از فهرست ملاک و معیارها حذف می‌شود؛ اما هر چند آن معیارها از نظر ارزش و محتوا نکات خوب و ارزشمندی باشد، باید آن‌ها را از فهرست خود خارج سازیم تا زودتر به نتیجه برسیم.

مثلاً اگر جوانی بگوید من می‌خواهم با کسی ازدواج کنم که در سیر و سلوک به فلان مرحله رسیده باشد، اگر به او بگوییم آیا تو همسر می‌خواهی یا «مرشد» پاسخ می‌دهد چه اشکالی دارد که همسر انسان مرشد او هم باشد؟!

این جوان باید بداند که هرچه ملاک‌ها را متفاوت و متنوع کند و انتظارات خود را افزایش دهد، به نتیجه‌ی درستی نمی‌رسد. بطور مثال اگر کسی بگوید من همسری می‌خواهم که بتواند در رشته‌ی کاری کمک‌کار من باشد، مثلاً چون من مهندس عمران هستم، همسری می‌خواهم که رشته‌اش کامپیوتر باشد زیرا او می‌تواند با طراح‌ی کامپیوتری خود همکار خوبی برای من باشد. حال اگر این همسر بعد از ازدواج نتواند همکار خوبی برای او باشد تکلیف چیست؟! آیا در ادامه‌ی زندگی با او تجدید نظر می‌کند؟! آیا خللی در تداوم زندگی مشترک او بوجود نخواهد آمد؟!



مقصود اینکه در انتخاب همسر امور دیگر را دخیل نکنید! مسائل زناشویی به همکاری و مسائل جانبی دیگر که همسران ممکن است با آن به شما یاری برساند، ربطی ندارد. هر چه ملاک و معیارهای ما در انتخاب همسر بیش تر شود، ضریب خطای ما نیز در این انتخاب بیش تر می شود. پس هر معیاری که ربطی به ازدواج ندارد را از فهرست معیارهای خود خارج کنید. بحمدالله قرآن کریم فلسفه‌ی ازدواج را برای ما روشن کرده است؛ قرآن ما را از سردرگمی در این خصوص رهایی می بخشد و آن فلسفه یک جمله بیش تر نیست «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»<sup>۱</sup>. ازدواج فقط یک هدف را دنبال می کند و آن، آرامش و تسکین آدمی است.

بنابراین تمام ملاک و معیارهایی که برای خود فهرست کرده‌اید، باید خرج این هدف شود که شما را به آرامش برساند. هر معیاری که آرامش بیش تر را برای شما تضمین کند، باید بیش تر مورد توجه شما قرار گیرد و شما باید اولویت را به آن معیار بدهید. پس هر معیاری که با آرامش شما در تناقض بود، باید حذف شود.

با این جمله تکلیف روشن است. باید ببینید آیا با این همسری که می خواهید برای خود برگزینید به آرامش می رسید یا نه؟! باید تمام معیارها را از این دریچه بنگرید. یعنی خصوصیات روحی، فکری، جسمی، اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی را از دریچه‌ی آرامش بنگرید.

### ۳-۳ کفویت و همتایی

یک اصل اساسی در ازدواج مسأله‌ی «کفویت» یا همان «همتایی» و برابری با یکدیگر است. زیرا اصلی ترین مسأله که در ازدواج موجب آرامش آدمی می شود،

اصل همتایی است و مهم ترین و اصلی ترین مسأله در کفویت، «ایمان» است زیرا

۱. روم (۳۰)/۲۱: وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ «و از نشانه‌های او این است که برای شما از خودتان جفت‌هایی آفرید، تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد. همانا در اینها نشانه‌هایی است برای مردمی که می اندیشند.»

مؤمن کفو مؤمن است.<sup>۱</sup>

اما چنانچه در زندگی روزمره‌ی شما مسائل مادی تأثیرگذار است، باید حتماً به کفویت اقتصادی دو خانواده توجه کنید و گرنه ازدواج شما با تنش‌ها و مشکلات متعدّد مواجه خواهد شد.

گاه خانواده‌های مؤمنی را می‌بینیم که در حد معمولی ایمان دارند و به معنای متعارف مؤمنند و البته نه به آن معنای حقیقی ایمان و پس از ازدواج با مشکلاتی مواجه می‌شوند و آن ازدواج با شکست روبرو می‌شود و تنها علت این عدم موفقیت، اختلاف طبقاتی یا اختلاف اقتصادی و یا اختلاف فرهنگی است.

پس باید ببینیم تعبیر ما از آرامش چیست و ما در چه رتبه‌ای از این آرامش قرار داریم. اگر توانایی داشته باشیم که آرامش خود را از آن مرحله و رتبه‌ای که هستیم به رتبه و مرحله‌ای که باید باشد ارتقاء دهیم پس می‌توانیم ملاکهای خود را تعیین کنیم. در امر ازدواج باید به دو منظر توجه داشته باشیم؛ یعنی یک چشم به آنچه هست داشته باشیم و یک چشم به آنچه آرزوی آن را داریم.

به عبارت دیگر باید فقط ایمان برای ما مطرح باشد. حال خود را مورد بررسی قرار دهیم و خود را ارزیابی کنیم؛ ببینیم چقدر در امور زندگی ایمان را در رأس کارهایمان قرار می‌دهیم؟!

بنابراین برای تفهیم این مطلب که آرامش چگونه بوجود می‌آید لازم است به «خودشناسی» بپردازیم و خود را ارزیابی کنیم. وقتی خود را خوب شناختیم، آن وقت می‌توانیم بفهمیم کفو و همتای ما کیست. البته کفو بودن به معنای مثل و شبیه بودن نیست؛ بلکه به معنای متناسب بودن است که گاهی این تناسب در شبیه بودن است، گاهی در هم‌جهت بودن و گاهی در مکمل بودن. برای آنکه بتوانیم تشخیص دهیم هرکدام از این حالات چه موقع باید رعایت شود، مثالی می‌زنیم. اگر من انسان کم‌حرفی هستم باید همسری انتخاب کنم که مثل خودم کم‌حرف باشد یا تاحدودی

۱. المؤمنُ کفُو المؤمنة (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۷)

هم‌جهت با من باشد یا برعکس مکمل من باشد یعنی پرحرف باشد؟ اینجا باید ببینیم آیا کم‌حرفی خود را نقطه ضعف محسوب می‌کنم یا ویژگی خوبی می‌دانم؟ اگر نقطه ضعف است، مکمل آن کفو من است. و اگر ویژگی خوبی می‌دانم، به دنبال هم‌جهت خویش باشم. راه دیگر برای این شناخت، دوستانی هستند که انتخاب کرده‌ام؛ ببینم بیشتر تمایل به دوستان کم‌حرف دارم یا پرحرف؟ اینگونه می‌توان مصادیق کفویت را شناسایی کرد. نهایت آنکه کفو شما کسی است که شما با او احساس آرامش می‌کنید.

### ۳-۴ ابعاد خودشناسی

ابعاد خود شناسی را می‌توان در نمودار دید:



آیا می‌دانی برای اینکه انتخابی صحیح داشته باشی و برای اینکه پیدا کردن مکمل زندگی آسان‌تر شود، باید اول از همه از شناخت روحیات و خلق و خوی خود شروع کنی؟

آیا خودت را خوب شناخته‌ای؟ اگر این طور نیست، چگونه انتظار داری دیگری را بشناسی؟

برای شناخت خود از سؤالاتی در ابعاد مختلف شروع کنیم و در پی جواب آن ضمن کمک گرفتن از دیگران، در پی کشف خصوصیات اخلاقی و شخصیتی خود باشیم. رو راست بودن و کنار گذاشتن دروغ و نیرنگ هنگام خودشناسی به ما فرصت می‌دهد شخصیت پنهان شده در پس رفتارهای ظاهریمان را بهتر بشناسیم.

با وجود آنکه راه تکامل و رشد همواره به روی ما باز است و ما فرصت رفع معایب خود را نیز داریم، ما با واقعیت‌های درونیمان چه از لحاظ خلق و خوی و چه از لحاظ عادات و اعتقادات زندگی می‌کنیم. لذا در خودشناسی با خودمان صادق باشیم و جهت تعیین اولویت‌ها و معیارهای مد نظرمان در ازدواج ابتدا خود را واکاوی نماییم و در خلوتی رو راست با خود ضمن کمک گرفتن از دیگران به سؤالات زیر پاسخ دهیم.

### اعتقادی و مذهبی

- خدا در زندگی من چه جایگاهی دارد؟
- خط قرمزهای اعتقادی و مذهبی من چیست؟
- حد تقیّدات مذهبی من چه حد است و اصولاً چقدر این مسائل برای من مهم است؟
- واجبات دینی، محرّمات و مستحبات برای من در چه درجه‌ی اهمیتی هستند؟
- توسّل به ائمه چه جایگاهی در زندگی من دارد؟

## اخلاقی

- خلق و خوهای خاص من چیست؟ مثلاً (زودرنج و حسّاس، کمی عصبی، مهربان، عاطفی و ...) مثلاً اگر با کوچک‌ترین مخالفتی با ایده‌ها و حرف‌هایت به شدت می‌رنجی، احتمالاً زودرنج هستی یا انتقاد پذیر نیستی.

- اگر صفات و خلق و خوئی در ما وجود دارد که پسندیده نیست، یا از داشتن آن‌ها احساس خوشایندی نداریم، بهتر است با برنامه‌ریزی درصدد رفع تدریجی آن‌ها باشیم.

- سعی کنیم در پی فراگیری و ملکه کردن صفات نیک در وجودمان باشیم به خصوص صفات و خلق و خوهایی که در زندگی آینده‌مان موثرند؛ مثل (گذشت، مهرورزی و ...)

## ظاهری

- از نظر ظاهری و اندام در چه وضعیتی قرار داری؟

- ظاهری زیبا یا معمولی داری؟ آرایش می‌کنی یا نه؟

خوب است بدانیم وضعیت ظاهری ما از عنایت خداست و ما نقشی در انتخاب آن نداشته‌ایم. بنابراین اگر دارای حسن صورتیم، مراقب باشیم مغرور نشویم و اگر صورت ظاهری بسیار جذّابی نداریم، سعی کنیم دیگر استعدادها، ویژگی‌ها و توانایی‌هایمان را گسترده کنیم تا دیگران ما را با دیگر خصوصیات مثبتمان بشناسند نه با شکل ظاهریمان.

- چگونه پوششی را استفاده می‌کنی؟ (چادر، مانتو)

- نظرت راجع به پوشش‌های مد روز چیست؟

- به آراستگی لباس چقدر اهمیت می‌دهی؟

- آیا لباس معرّف شخصیت فرد است؟

## اوقات فراغت

- تفریحات چیست؟
- در اوقات فراغت چه کارهایی انجام می‌دهی و از انجام آنها لذت می‌بری؟
- با فامیل به پارک رفتن تو را خوشحال‌تر می‌کند یا حضور در میان یک دشت ساکت؟
- چه سرگرمی تو را آزار می‌دهد؟
- چه نوع سرگرمی‌هایی را دور از شأن خود می‌دانی؟

## فرهنگی

ارزش، هنجار، باور، اخلاقیات، عادات، آداب و رسوم، نحوه‌ی زندگی خانوادگی، مراسم و آیین‌ها، سلايق، الگوها، معاشرت‌ها، نحوه‌ی برقراری ارتباطات، اعتقادات و... همگی اجزای تشکیل دهنده‌ی فرهنگ هستند.

- اخلاقیات خاص خانواده‌ی شما در برخورد با دیگران و در جمع خانواده‌تان چگونه است؟

- آیا در خانواده‌ی شما افراد احترام یکدیگر را حفظ می‌کنند یا نه؟  
- از لحاظ پابندی به اعتقادات مذهبی، خود و خانواده‌تان را چگونه ارزیابی می‌کنی؟  
- الگوی تو در زمینه‌های مختلف (مذهبی، اخلاقی، تحصیلی و...) کیست؟ الگوی خانواده‌ات چه طور؟

- مراسم شادی و عزا در خانواده‌ی شما به چه طریق است؟ آیا رسم خاصی دارید؟  
- ویژگی اخلاقی حاکم بر خانواده‌ی شما چیست؟ (خانواده‌ای آرام، صبور، مهمان‌نواز، مؤدب و خونگرم...)

- چقدر مهمان‌نوازید و تمایل به معاشرت و رفت و آمد با دیگران دارید؟  
خانواده‌تان چه طور؟

- در معاشرت با دیگران آداب مهمانداری و پذیرایی شما چگونه است؟  
- آیا در کل با فرهنگ خانواده‌ات همسو هستی یا نه؟

- آیا تا به حال احساس کرده‌ای که خود یا خانواده‌ات به نوعی دچار خرافات شده‌اید؟

### اقتصادی

- حد رفاه اقتصادی شما و خانواده‌تان چیست؟
- خودتان چه فعالیت‌های اقتصادی دارید؟
- آیا با پس انداز کردن موافقی؟ آیا پس اندازی داری یا نه؟
- تعریف شما از صرفه‌جویی و ولخرجی چیست؟ خودتان صرفه‌جو هستید یا ولخرج؟
- آیا در خود قدرت تطبیق با شرایط مالی متوسط یا پایین را می‌بینی یا نه؟
- اگر با کم شدن رفاه اقتصادی قبلی که داشته‌اید، حس می‌کنی آرامش خود را از دست داده‌ای، بهتر است بدانی که مسائل اقتصادی برای تو اهمیت ویژه دارد.

### خانواده

- اعضای خانواده‌ی تو چند نفرند؟ خلیقات خاص هر کدام چیست؟
- آیا پدر و مادرت در قید حیات هستند یا نه؟
- فوت پدر و مادر یا طلاق آن‌ها (در صورت وقوع) چه تأثیری روی شما داشته است؟ برای بهبود اوضاع آیا اقدامی کرده‌ای یا نه؟
- آیا خانواده‌ی شما با اعتیاد یا انواع بزه مواجه بوده است یا نه؟ واکنش شما و دیگر اعضا در این باره چگونه بوده است؟

### اجتماعی

- چقدر با اجتماعات خارج از خانه در تعاملید؟
- وقتی در حضور جمع هستی احساس راحتی داری یا معذب؟
- آیا می‌توانی در جمع سخن بگویی و ابراز احساسات و اظهار نظر کنی؟
- آیا در خود علاقه و توانایی مسئولیت‌پذیری در گروه‌های اجتماعی را می‌بینی؟

اگر بیشتر دوست داری تنها باشی، تمایل به حضور در جمع نداری، از حضور و اظهار نظر در میان جمع معذّبی و مسائلی از این دست، این نشان می‌دهد که تو فردی درون‌گرا هستی و اگر از حضور در جمع احساس خوبی داری، توانایی و علاقه‌ی صحبت در جمع را داری، در ابراز احساسات مشکلی نداری، این نشان می‌دهد که تو برونگرا هستی.

## قوّت تحصیلی

- میزان تحصیلات چیست؟
- آیا از رشته‌ای که در آن درس خوانده‌ای راضی هستی؟
- برنامه‌ی علمی آینده‌ات چیست؟ قصد ادامه‌ی تحصیل داری یا نه؟
- سطح قوّت و توان تحصیلیت را در چه حد می‌دانی؟

## هوشی

- سطح هوش خود را چگونه ارزیابی می‌کنی؟

## ۳-۵ آرامش حقیقی در ازدواج

اگر راجع به آرامشی که در ازدواج می‌توان به آن رسید خوب تحقیق کنیم، می‌یابیم که در ازدواج آرامش روحی، جنسی، جسمی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و حتّی آرامش اقتصادی وجود دارد. اگر کسی بخواهد به آرامش روحی برسد، باید از درون آرام باشد.

ذات نیافته از هستی بخش      کی تواند که شود هستی بخش



### ۳-۵-۱ ایمان

همسر ما تا خودش به نقطه‌ی آرامش نرسیده باشد، نمی‌تواند ما را به آرامش برساند. اینجاست که موضوع ایمان معنا پیدا می‌کند. ایمان از واژه‌ی «امن» گرفته شده است. کسی که ایمان داشته باشد، آرام است و همه می‌دانیم ایمان ملاک و معیار مهمی در ازدواج است؛ ولی اغلب اشتباه می‌کنیم و «ایمان» را با «تدین» ظاهری برابر می‌دانیم. بنابراین اگر کسی بگوید من معیار ایمان را در انتخاب همسر در نظر داشتم ولی به آرامش نرسیدم، باید به او بگوییم: شما تدین ظاهری فرد را در انتخاب همسر در نظر داشتی نه ایمان را!

برخی افراد فقط ظاهری متدین و متشرع دارند. در گرفتاری‌ها، در رفتار و گفتار می‌توان ایمان فرد را سنجید. برخی در فراز و نشیب‌ها و تلاطم زندگی مثل یک کشتی یا مثل یک ناو بر روی امواج با آرامش در حال حرکتند؛ در امواج زندگی غرق نمی‌شوند. در هر فعالیت از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و... آرامش خود را از دست نمی‌دهند و برخی با اندک فراز و نشیبی از کوره درمی‌روند و تعادل خود را از دست می‌دهند و دیگر آرامش ندارند.

شور و جنبش جوانی با آرامش منافاتی ندارد. در جوانی این شور و حال بطور طبیعی فراوان دیده می‌شود و از خصلت‌های جوانی است. اما اگر جوانی با وجود شور و حال جوانی قادر به کنترل خود بود و تعادل روحی خود را از دست نداد، این جوان با وجود شور و حال جوانی آرامش نیز دارد.

برای شناسایی میزان ایمان و آرامش افراد، مسأله‌ی سوء ظن در جامعه ملاک و معیار خوبی است «الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ» کسانی که به خداوند بدگمان هستند، حوادث بد زمانه برای آن‌هاست.» اگر دقایقی را با کسی سخن بگویید، میزان ایمان خود را نشان می‌دهد. مشخص می‌شود آیا این فرد آدم بدگمانی هست یا نه. گاهی فردی را می‌بینید انسان متدینی است، نمازش را هم اول وقت

می‌خواند اما به امام جماعت و نمازگزاران مسجد بدگمان است. می‌گوید این مردمی که در نماز جماعت شرکت کرده‌اند افرادی کلاه بردارند و برای ریا به جماعت حاضر شده‌اند! فلان آقا را می‌بینی، پرونده‌اش نزد من است! به هر حال، به همه چیز بدبین و بدگمان است. بدیهی است چنین فردی ایمان ندارد. هر چند ظاهری بسیار متشّرع و متدین از خود جلوه دهد.

این سوء ظنّ و بدگمانی نشان از ناآرامی روح اوست؛ زیرا احساس امنیت نمی‌کند، پس ایمان ندارد. ایمان در آرامش و حُسن خلق و حُسن ظنّ نسبت به دیگران مؤثر است. به تعبیر امام رضا (علیه السلام) ایمان فرد به حجم نماز و روزه‌هایش نیست، به شرکت در محافل مذهبی نیست؛ بلکه به صداقت و امانتداری اوست.

### ۳-۵-۲ اخلاق

در پرتو حُسن خلق، دیگران نیز احساس آرامش می‌کنند. گاه به مجلس و منزل شخصی می‌رویم و از حضور در محفل او احساس آرامش می‌کنیم و گاه از رفتن به منزل فردی ناراحت می‌شویم! یعنی انسان نسبت به خوش خلقی افراد احساس آرامش می‌کند.

### ۳-۵-۳ تفاوت آسایش با آرامش

نباید «آسایش» را با «آرامش» اشتباه بگیریم. حتماً در بین اقوام و آشنایان خود کسانی را سراغ دارید که از مُکنت، اموال، خانه و امکانات رفاهی خوبی برخوردارند، ولی از اینکه به منزلشان میهمان شوید، احساس خوشایندی ندارند. یا وسایل رفاه و آسایش آن‌ها فراهم است، اما شاهد نزاع، بحث و جدل در بین اعضای آن خانواده هستید. آرامش با وسایل آسایش به دست نمی‌آید؛ هر چند آسایش می‌تواند زمینه‌ساز آرامش نیز باشد. صفا و صمیمیت در خانه از هر آسایشی لازم و ضروری‌تر است و چه بسا در خانه‌هایی که آسایش آنچنانی وجود ندارد، اما آرامش بر فضای خانه

حاکم است.

در کلبه‌ی ما رونق اگر نیست صفا هست

آنجا که صفا هست یقین نور خدا هست

گاه یک زوج موفق با اینکه ساده‌ترین غذاها را می‌خورند اما از چنان صفا و

صمیمیتی برخوردارند که لذت آن غذا از سفره‌های رنگین اشراف بیش تر است.

نمونه‌ای از این صفا را به نقل از یکی بزرگان روحانی می‌توان بیان کرد. این عالم

بزرگوار نقل می‌کردند: در سال‌های ابتدای طلبگی که تازه ازدواج کرده بودم، معمولاً

غذاهای ما بسیار ساده بود. یک شب یک عدد تخم مرغ بیش تر در منزل نداشتیم.

برای اینکه همسرم تخم مرغ را بخورد، نقشه‌ای کشیدم و گفتم: خانم! بیا امشب برای

تنوع چراغ را خاموش کنیم و در تاریکی غذا بخوریم! بگذار امشب تفریح ما، شام

خوردن در تاریکی باشد و قصد داشتم در تاریکی خودم نان خالی بخورم و تخم

مرغ را همسرم بخورد.

چراغ را خاموش کردیم و مشغول غذا خوردن شدیم. اما وقتی چراغ را روشن

کردیم، دیدم نان‌ها خورده شده اما تخم مرغ هنوز در سفره باقی مانده است. یعنی

خانم هم نقشه‌ی مرا در سر داشت.

البته بدیهی است که شناخت آن عالم روحانی در آن زمان از روحیات زنان ناچیز

بوده است؛ زیرا اگر خلق و خوی زنان را می‌شناخت هرگز چنین نقشه‌ای نمی‌کشید.

معمولاً خانم‌ها در قید و بند شکم و خوراک خود نیستند و آقایان بیش تر با شکم

خود رودربایستی دارند و بخشی مشکلاتی که در بین زوج‌های جوان پیش می‌آید از

همین نکته آغاز می‌شود! مقصود از بیان این حکایت، صفا و صمیمیت یک خانواده

بود که خوردن نان خالی چنان لذت بخش است که نمی‌توان با شام خوردن در یک

رستوران عالی که بر سر گران بودن غذا چهره‌ی آقا درهم کشیده می‌شود و با اخم

لقمه به دهان می‌برد مقایسه‌اش کرد.

### ۳-۵-۴ آرامش ساز یا آرامش سوز؟!

سفارش ما به جوانان عزیز که قصد ازدواج دارند این است: قبل از اقدام و تصمیم‌گیری برای ازدواج، مسائل خود را مورد بررسی قرار دهید و ببینید آرامش شما واقعاً در چیست.

آیا داشتن ثروت، مدرک، عنوان، پست و مقام آرامش آور است؟  
آیا زیبایی به تنهایی می‌تواند ملاک مناسبی برای کسب آرامش و آغاز زندگی لذت‌بخش باشد؟!

گاهی داشتن ثروت و دارایی و زندگی مرفه و تجملات زندگی برای برخی خانواده‌ها مانع از ازدواج موفق جوانان آن خانواده می‌شود. هرچند مدرک، شهرت، ثروت، زیبایی و... هر یک تا حدودی ناچیز ممکن است آرامش را برای مخاطب خود به همراه داشته باشند. اما اگر معیار اصلی در ازدواج گردید، نه تنها موجب آرامش نمی‌شود که آرامش سوز است.

اگر زیبایی زیادتر از حد معمولش گردید، آقا هر جا می‌رود نگران است که دیگران به همسرش نگاه کنند! زندگی کردن با برخی از مسؤولین و یا چهره‌های مشهور در اجتماع نه تنها آرامش ندارد بلکه موجب دردسر است. زیرا افراد در همه‌ی مکان‌ها دور او را می‌گیرند و با او گفتگو می‌کنند. پس شهرت هم مایه‌ی آرامش نیست.

بنابراین باید ببینیم چه چیزی موجب آرامش ماست. برای مثال، اگر قرار باشد شما به سفر مشهد مقدس بروید و اتافی در مسافرخانه‌ای نزدیک حرم سراغ داشته باشید که از نظر رفاهی نسبت به هتلی که مسافت آن تا حرم حدود ۱۰ دقیقه فاصله باشد، شما کدام دو محل را بیش‌تر ترجیح می‌دهید؟

اگر ملاک و معیار شما بهره‌گیری هرچه بیش‌تر از حرم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد، مسلماً همان مسافرخانه‌ی نزدیک حرم با امکانات کم‌تر را بر می‌گزینید و اگر ملاک و معیارتان رفاه بیش‌تر باشد، و لو اینکه در روز فقط دو نوبت به حرم مشرف

شوید، هتل را انتخاب می‌کنید. انتخاب اول آرامش را در زیارت بیش‌تر و نزدیکی به حرم امام علیه السلام می‌داند و انتخاب دوم برایش آرامش جسمی اولویت دارد! در انتخاب اول فرد حاضر است امکانات رفاهی نداشته باشد ولی از مجاورت حرم حضرت بیش‌تر بهره بگیرد و انتخاب دیگری رفاه بیش‌تر را می‌طلبد.

در این دو نظریه که ممکن است برای هر یک از ما اتفاق بیفتد، نمی‌توانیم بگوئیم انتخاب اول نشان از ایمان بالاتر فرد دارد و انتخاب دوم درجه‌ی ایمانش کم‌تر است. زیرا چه بسا در انتخاب دوم کیفیت بهره‌مندی از زیارت بیش‌تر باشد و در انتخاب اول بیش‌تر کمیت در نظر گرفته شده است! (دقت کنید).

با این حال، آرامش از دیدگاه این دو انتخاب، به دو صورت معنا می‌شود. در این رابطه برای مصادیق آرامش دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. بطور نمونه، دختر خانمی آرامش خود را در این می‌داند که همسری داشته باشد که نان حلال به منزل بیاورد و دیگری می‌گوید من همسری فهیم می‌خواهم که از نظر فکری رشد کرده باشد. آرامش من در این است که همسر من عاقل باشد، هر چند نان خالی بخوریم و یا مثل «فهیمه بابازاده» در کتاب «نامه‌های فهیمه»<sup>۱</sup> که او آرامش خود را در داشتن همسری می‌داند که شهید بشود و از این رو با کسی ازدواج کرد که مطمئن بود به شهادت می‌رسد. در مقابل نظریه‌ی فهیمه، دخترانی نیز هستند که می‌گویند اگر بحرانی برای کشور رخ بدهد و همسر من بخواهد به جنگ برود، برای من قابل تحمّل نیست. برای او، ازدواج با چنین همسری که روح حماسه‌جویی و دفاع از ملیّت و آب و خاک مهم باشد، نه تنها آرامش‌بخش نیست که آرامش‌سوز است.

برای اینکه بفهمیم چگونه می‌توانیم آرامش خود را تأمین کنیم، باید در ابتدا خودشناسی کنیم و دغدغه‌های خود را نسبت به همسر آینده‌ی خود تعیین کنیم. باید ابتدا مابین آنچه هست و آنچه باید باشد را جدا سازیم و در یک کلام انتظاری را که از همسر خود داریم مشخص کنیم و مباحث حاشیه‌ای را کنار بزنیم. باید معیارهای

۱. از انتشارات سوره‌ی مهر

انتخاب را به حداقل برسانیم تا انتخاب برای ما آسان شود.

باید از فلسفه چینی بهره‌ییم و اصل ملاک و معیارمان را بدون هیچ حاشیه‌ای بیان کنیم. مطالبی غیر ضروری را مطرح نکنیم. ملاک‌های اصلی را بیان کنیم که پس از ازدواج بهانه‌گیری‌ها به حداقل ممکن برسد.

گاهی برخی از دختران و پسران با خواندن یک داستان و یا یک زمان معیارهای ازدواجشان تغییر می‌یابد. توصیه می‌شود با خواندن این کتاب‌ها احساساتی نشوید و عجولانه تصمیم‌گیری نکنید. به عنوان مثال برخی از دختران کتاب‌هایی را که همسران سرداران شهید در وصف آن شهدا نوشته و گفته‌اند، مطالعه می‌کنند و مردانی رؤیایی را در ذهن می‌پروراندند. مواظب باشیم با خواندن یک زمان با شخصیت‌های آن داستان سریعاً احساس همزاد پنداری نکنیم که بر اساس آن شخصیت بخواهیم شخصیت خود را شکل دهیم.

گاهی ازدواج‌ها بر طبق این قصه‌ها شکل می‌گیرد و پس از ازدواج واقعیت‌ها با آرمان‌گرایی‌های قصه متفاوت می‌شود و اول ناسازگاری‌هاست.

خلاصه‌ی این مبحث، آن‌که: آرامش اصلی‌ترین ملاک در ازدواج است و دیگر معیارها و ملاک‌ها را باید به نسبت آرامشی که برای ما ایجاد می‌کند بسنجیم. مطلب آخر اینکه مواظب باشید به دلیل سختی و مشقت‌های دوران قبل از ازدواج، آرامش را در امکانات بیش‌تر همسر آینده‌ی خود جستجو نکنید. نباید محرومیت‌های قبل از ازدواج مانع از تصمیم‌گیری صحیح در انتخاب همسر شایسته بشود. برای مثال به محض اینکه متوجه شدید داماد اتومبیل دارد، ذوق زده شوید و در احساساتتان تأثیر بگذارد و ملاک‌های اصلی یک ازدواج موفق و همسر شایسته را از یاد ببرید. امید است به یاری خداوند جوانان عزیز ما با شناخت ملاک‌های خوب، ازدواج موفق و زندگی سعادت‌مندانه‌ای داشته باشند.

### ۳-۶ تطابق فرهنگی

برخی عمده‌ترین مشکلات جوانان برای ازدواج را مشکل اقتصادی آنان می‌دانند. در سال‌های گذشته در یک تحقیق میدانی پیرامون مسأله‌ی ازدواج دانشجویی بین دانشجویان دانشگاه‌های کشور صورت گرفت و «بزرگ‌ترین معضل ازدواج دانشجویی» از جمله سؤالات آن پرسشنامه بود. در پاسخ این سؤال، دانشجویان مجرد معضل اقتصادی را بزرگ‌ترین مانع بر سر راه ازدواج دانشجویی دانسته بودند. ولی در پاسخ دانشجویان متأهل معضل و موانع اقتصادی بسیار کم‌تر مورد نظر آنان بود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت بر اساس وعده‌ی الهی که در قرآن می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ جوانان اگر فقیر هم باشند، خدا از فضلش آنان را غنی و بی‌نیاز می‌سازد. این مسأله نشان از تحقق وعده‌ی الهی دارد.

### ۳-۶-۱ بزرگ‌ترین معضل ازدواج دانشجویی

پاسخ دانشجویان متأهل به مراتب از پاسخ دانشجویان مجرد واقعی‌تر است. دانشجویان مجرد بیش‌تر بر اساس ابهام و تخیل ذهنی و جو روانی حاکم بر جامعه آن پاسخ را داده بودند. ولی دانشجویان متأهل مشکلات و معضلات را به خوبی لمس و تجربه کرده بودند. دانشجویان متأهل بزرگ‌ترین مشکل ازدواج دانشجویی را «عدم تطابق فرهنگی» دانسته بودند که در این بخش بطور جامع به آن پرداخته می‌شود. این موضوع از مهم‌ترین و جدی‌ترین مباحث ازدواج در جامعه‌ی کنونی است. یعنی در گذشته این مسأله در امر ازدواج آنچنان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. ولی امروزه اگر درجه‌ی بسیار اندکی هم بین طرفین تفاوت فرهنگی باشد، بسیار زود نمود می‌کند و به اصطلاح عامیانه «تو ذق می‌زند». از این رو، پرداختن به این موضوع باید بسیار موشکافانه و دقیق باشد و برای تبیین هر چه شفاف‌تر این مبحث ناگزیریم از بحث اصلی ازدواج مقداری فاصله بگیریم و به تشریح مبنایی کارساز در این خصوص بپردازیم.

### ۳-۶-۲ مبنای کل‌نگری

این مبنای جدید در اوایل قرن بیستم به این طرف در علوم متفاوت تحت عنوان «هلیزم» یا «کل‌نگری» یا «کل‌انگاری»<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفت.

در روش کل‌نگری تا شما کل را نشناسید، قادر به شناسایی جزء نخواهید بود یعنی اگر قبلاً از جزء به کل می‌رسیدیم، حال روش را به عکس عمل می‌کنیم و از کل به جزء می‌رسیم. به طور مثال اگر فردی از سیاره‌ای دیگر به زمین بیاید و وارد کلاس درسی شود و یکایک آن‌ها را تماشا کند، این فرد هر چه بخواند بفهمد معلّم چیست، قادر به حل این مسأله نخواهد بود مگر اینکه اول بفهمد موجودات روی زمین چگونه موجوداتی هستند و به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ یعنی بدانند از میان حیوانات، گیاهان و مواد موجوداتی به نام انسان وجود دارند که دارای خصوصیتی ویژه نسبت به دیگر موجودات می‌باشند و آن‌ها برای حل مشکلات خود نیاز به تعلیم و تربیتی دارند و اکنون این جماعت در یکی از جلسات تعلیم و تربیت حضور دارند

۲. علوم گذشته همه بر اساس اصل جزءنگری یا تحویل‌پذیری و تجربه‌پذیری استوار بودند. منظور آن است که هر گاه خواستید چیزی را بشناسید باید اجزای آن را بشناسید و از اجزاء پی به کل برید و از آنجا که در قدیم علوم همه یکدست بودند و دانشمندان علوم را جداجا مورد توجه قرار نمی‌دادند، این اصل در تمام شاخه‌های علوم فراگیر بود. اما با تخصصی‌تر شدن شاخه‌های علوم، ارتباط علوم با همدیگر قطع شد. با این حال، شاخه‌های مختلف علمی با فواصل زمانی متفاوت ولی همه در قرن بیستم این اصل را زیر سؤال بردند و تصمیم گرفتند به جای جزئی‌نگری به اصل کلی‌نگری روی آورند.

این نظریه اولین بار در علم روانشناسی مطرح گردید. در اوایل قرن بیستم که روس‌ها موفق به فرستادن سفینه‌ی لونا (Luna) به فضا شدند، ولوله‌ای در بین دانشمندان به ویژه در ایالات متحده آمریکا افتاد که چرا روس‌ها زودتر از آنان توانستند موفق به این کار شوند و بجای اینکه این جنجال جنبه‌ی سیاسی پیدا کند، به یک موضوع علمی تبدیل گردید. یعنی به جای اینکه ارتش و وزارت دفاع و وزارت کشورشان را مورد حمله قرار دهند، نوک پیکان حملات خود را متوجه آموزش و پرورش خود نمودند. گفتند باید بررسی کنیم، ببینیم در نظام آموزشی ما چه اشکالی وجود دارد که از روس‌ها عقب افتاده‌ایم. نظریه‌ی حاکم بر نظام آموزشی آن زمان در ایالات متحده نظریه‌ی «اسکینر» بود که می‌گفت هر وقت بخواهید چیزی را یاد بدهید، باید اجزاء آن را تقسیم کنید و جزء جزء به ترتیب آن را آموزش دهید تا کل روشن شود.

در نتیجه حملات به نظام آموزشی، سمینار بزرگی از اندیشمندان به مسئولیت «برونر» تشکیل شد و نظریه‌ی جزءنگری را زیر سؤال بردند و اولین بار مسأله‌ی کل‌نگری در مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت مطرح گردید. این نظریه بعدها در قالب نظریه‌ی «گشتالت» اینگونه مطرح گردید که ما باید از کل به جزء برسیم.

در همان نیمه‌ی اول قرن بیستم «فیزیک کوانتم» جایگزین «فیزیک کلاسیک» شد. آنان در تبیین فیزیک کوانتم با گروه‌هایی مواجه شدند که به راحتی قابل حل نبود. در سال ۱۹۲۵م «بوهم» نظریه‌ای را در فیزیک کوانتم مطرح کرد و گفت: باید ما حل مشکلات خود را در فیزیک از راه کل‌نگری حل کنیم و مقاله‌ای در این مورد نوشت که از آن تاریخ، این اصل نیز در فیزیک پذیرفته شد و اصل تحویل‌پذیری به اصل کل‌نگری تبدیل شد و کم‌کم در شاخه‌های مختلف دیگر نیز این اتفاق افتاد. مانند مهندسی برق که نظریه سیستم‌ها بر اساس کل‌نگری مطرح شد. این مقدمه نسبتاً طولانی را برای این بیان نمودیم که اهمیت و جدی بودن موضوع را بهتر تشریح کنیم.

حال می‌خواهیم با این روش به مشکل تطابق فرهنگی بپردازیم.



و این فرد معلّم آن‌هاست.

پس باید یک‌یک زیرمجموعه‌های تعلیم و تربیت را تبیین کند و پایین بیاید تا بفهمد چرا این‌ها در کلاس درس نشسته‌اند. تا این فرد به این مسائل کلی احاطه پیدا نکند، اصلاً نمی‌تواند مفهوم اجزاء یک جمع را درک کند.

### ۳-۶-۳ تأثیر کل‌نگری در شناخت

اگر ما مبنای کل‌نگری را در شناخت نسبت به افراد بپذیریم، درمی‌یابیم که هر یک از ما نسبت به خود هویت‌های متفاوتی داریم. یعنی بنده چند شخصیت دارم، نه یک شخصیت؛ زیرا من متعلّق به چند کل می‌باشم و نسبت به هر کُلّی وجهه‌ای متفاوت دارم. مثلاً اگر متعلّق به دانشگاه باشم و اگر شما کُلّ دانشگاه و کُلّیت فرهنگ دانشگاهی را بشناسی، من نسبت به این کُلّ یک شخصیتی پیدا کرده‌ام که همان شخصیتی است که دانشجویان در محیط دانشگاه از من به عنوان یکی از اجزای دانشگاه می‌شناسند.

کُلّ دیگری، من دارم که شهروند اصفهان هستم. حال اگر شما فرهنگ اصفهانی‌ها را بشناسی، به حال و هوای اصفهانی‌ها آشنایی داشته باشی، مرا به عنوان یک شهروند اصفهانی خواهی شناخت، معلوم نیست هویت اصفهانی بودن من با هویت دانشگاهی بودن من کاملاً منطبق باشد و بدین ترتیب در کل‌های دیگر نیز هویت‌های من متفاوت خواهد بود. بنابراین شما نسبت به هر کُلّی وجهه‌ای از فرد می‌شناسید که چه بسا با کل دیگر و وجهه‌ی دیگر متفاوت باشد.

### ۳-۶-۴ مشکل تطابق فرهنگی بین دانشجویان

حال برای اینکه ببینیم چرا دانشجویان متأهل گفتند بزرگ‌ترین مشکل ازدواج دانشجویی عدم تطابق فرهنگی است، از این روش مسأله را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دو دانشجو هر کدام در محیط دانشجویی و تحت یک کُلّ مشترک بودند؛

یعنی هر دو نفر در رشته‌ی ریاضی دانشگاه اصفهان به کسب علم مشغول بودند و با ورود به دانشگاه هویت جدیدی یافتند که در آن هویت احساس وحدت می‌کنند. در یک تشکّل نظریات هم را می‌پسندند و در شب شعری از ذوق شعری هم خوششان می‌آید. احساس می‌کنند به همدیگر می‌خورند و روحیه‌شان مثل هم است، ولی همه‌ی این‌ها به هویت دانشگاهی آن‌ها مربوط می‌شود؛ تا اینکه به ازدواج با هم علاقمند می‌شوند.

اما وقتی زندگی شکل گرفت، آن‌ها با هویت شهروندی و خانوادگی خودشان وارد زندگی مشترک می‌شوند نه هویت دانشگاهی و آن موقع متوجه می‌شوند از نظر فرهنگی تطابق ندارند. یعنی تا قبل از ازدواج همدیگر را از یک بُعد می‌نگریستند و خود را مناسب یکدیگر تشخیص می‌دادند و ازدواج آن دو با هم صورت گرفت. اما بدیهی است اگر هویت خانوادگی آن‌ها با هویت دانشگاهیشان با هم همخوانی و مطابقت نداشته باشد، منجر به اختلاف می‌شود زیرا در محیطی خواستگاری صورت گرفته که محیط زندگی ایشان نبوده است.

از این رو، توصیه‌ی ما به دانشجویان این است که خواستگاری‌ها باید حتماً در خانه و با حضور خانواده‌ی دختر صورت گیرد تا با دیدن فضای خانواده‌ی همسر مقداری از فضای حاکم بر ذهنش که در دانشگاه شکل گرفته خارج شود. حتی خواستگاری در واحد مشاوره‌ی دانشگاه و تحت نظارت مشاوره نیز مطلوب نیست و دو طرف نمی‌توانند در این محیط فرهنگ یکدیگر را شناسایی کنند.

نباید به این بهانه‌ی که خانواده‌های دو طرف در شهرستان دیگری هستند، مسأله‌ی مهمی مانند ازدواج را سرسری بگیرند. پسر باید به منزل خانم دانشجو برود و در محل رشد و نمو و تربیت آن دختر با فرهنگ و فضای شکل گرفتن هویت همسر آینده‌اش آشنا شود. مسأله‌ی ازدواج و پنجاه، شصت سال زندگی مشترک بازیچه نیست!

دختر خانم‌های دانشجو نیز باید در جلسات سوم، چهارم با خانواده‌ی همسر آینده‌ی خود آشنایی پیدا کنند؛ زیرا محیط خانواده معرف فرهنگ یک خانواده است.

حتی برادران و خواهران کوچک‌تر که در حیات منزل مشغول بازی هستند ولی در جلسه‌ی خواستگاری شما در دانشگاه حضور ندارند، بیش‌تر معرف فرهنگ خانواده‌ی شما هستند. از بازی کودکان یک منزل می‌توانید نتیجه‌گیری کنید که آیا ما دو خانواده با هم تطابق فرهنگی داریم یا نه؟

تحقیقات را منحصر به محیط دانشجویی و دانشگاه نکنید؛ زیرا بنا نیست تا آخر عمر شما در دانشگاه به سر ببرید. از شهر و دیار و محیط زندگی فرد در گذشته نیز اطلاعات کسب کنید تا در مسأله‌ی کفویت و تطابق به نتیجه‌گیری صحیحی برسید. هویت خانوادگی و محلی افراد، قطعاً با هویت دانشگاهی متفاوت است و نکته‌ی مهم در اینجاست که قرار است شما با هویت محلی و خانوادگی او زندگی مشترک خود را آغاز کنید. هویت دانشگاهی هویتی گذراست.

### ۳-۶-۵ تأثیر اساسی هویت فرهنگی

علت عدم موفقیت این قبیل ازدواج‌ها در این است که ما شدیداً تحت تأثیر هویت فرهنگیمان هستیم، هرچند فرهنگ جامعه‌ی ما جنبه‌ی دینی قوی دارد ولی متأسفانه آنقدر که تحت تأثیر فرهنگ عام جامعه هستیم، از دین خود تأثیر نمی‌گیریم. هر چند لایه‌های زیادی از فرهنگ ما با دین ما عجین شده است و ما بیش‌تر، از آن بخش از فرهنگ جامعه پیروی می‌کنیم که مطابقت بیش‌تری با دین دارد اما اصول زندگی خود را از اصل دین نمی‌گیریم و متأسفانه دین را از طریق فرهنگ جامعه می‌نگریم. برای مثال غیر ممکن است شما شراب بخورید یا فکر شراب نوشیدن را در اندیشه و فکر خود خطور دهید و اصلاً تعجب می‌کنید چرا این مثال را مطرح می‌کنیم و از آن نفرت دارید. علتش این نیست که شراب در دین و مسلک شما حرام است بلکه علتش این است که در فرهنگ شما این عنصر دینی حساسی جذب شده است و شما بیش‌تر از هر گروهی به دلیل اینکه افرادی فرهنگی و تحصیل کرده هستید و در فرهنگتان شراب یک امر فوق العاده نابهنجار است، حتی ذکر مثالش را بد می‌دانید.

اما در مورد غیبت کردن با اینکه در دین شما حرام است ولی ممکن است از آنجا که در بخشی از فرهنگ شما امری صددرصد نابهنجار به شمار نیاید، مثل نقل و نبات در محافل رواج داشته باشد و نسبت به آن احساس نفرت نیز نکنید و حتی اگر در جمع شما غیبت فردی بشود، به آن حساسیت نشان ندهید.

### ۳-۶-۶ فرهنگ‌های خاص

نکته‌ی دیگر در فرهنگ جامعه و هویت فرهنگی، فرهنگ و آداب و رسوم قوم و قبیله و یا قشر خاصی از جامعه مانند فرهنگ بازاریان یا فرهنگ کارمندان و فرهنگ فلان قوم. بنابراین گاه وقتی ریشه‌ی برخی اختلافات عروس و دامادها و خانواده‌ی ایشان را بررسی می‌کنیم، علتش این است که با فرهنگ قومیت و یا فرهنگ منطقه‌ای یا شغلی مخاطب خود آشنایی نداشته‌اند و سخنی را گفته‌اند که هر چند از نظر شرعی خلاف بی‌نی مرتکب نشده‌اند، اما در آداب و رسوم خانواده‌ی یکی از دو طرف توهین تلقی می‌شده و آن سخن نسنجیده از نظر فرهنگ آنان بسیار سنگین و توهین‌آمیز تلقی شده است! بخشی از اختلافات از همین موارد جزئی نشأت می‌گیرد و کار را به جدایی می‌کشاند.

گاهی آداب و رسوم‌ها همه‌ی اعتقادات طرفین را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و دو خانواده‌ی متدین چنان کارشان بالا می‌گیرد که همه‌ی اعتقادات خود را به فراموشی می‌سپارند. هر یک، دیگری را به مسأله‌ای متهم می‌کنند. برای مثال در آداب و رسوم خانواده‌ای رسم ندارند خانم‌های خانواده به سر خیابان بروند و سوار تاکسی شوند، در حالی که این هیچ منع شرعی و قانونی ندارد و می‌گویند باید حتماً تاکسی تلفنی بیاید. حال اگر داماد با عروس خانم سر خیابان رفتند و با تاکسی عبوری او را به محل مورد نظرشان برد، خانواده‌ی عروس این عملکرد داماد را نوعی اهانت فرض می‌کند و از همان روز اول بگو مگو بالا می‌گیرد و شیرینی آن وصلت، به تلخی جدایی کشیده می‌شود! وقتی رفتارها تطابق فرهنگی ندارد، شرایط را برای تداوم یک زندگی موفق سلب می‌کند.

### ۳-۶-۷ فاصله از فرهنگ دینی

بسیار کم اتفاق می‌افتد که بر اساس فرهنگ دینی، کفویت و تطابق دینی، ملاک و معیار باشد و کسی بگوید من به هیچ فرهنگ و قومیتی کاری ندارم، به آداب و رسوم فلان شهر کاری ندارم، تنها ملاک و معیار برای من در ازدواج فرهنگ ناب اسلامی است.

گاهی چنین شعارهایی را بعضی افراد سر می‌دهند، ولی آیا حقیقتاً چنین افرادی جز امر خدا از چیز دیگری تبعیت نمی‌کنند؟ گاه در مراسمی یک سخنران، دیدگاه‌های آرمانی اسلام را مطرح می‌کند، اما نباید فراموش کنیم که برای رسیدن به آرمان‌ها، باید لوازم را فراهم کنیم! نمی‌توان بر اساس یک نصیحت وارد عمل شد و سرنوشت خود و یا خانواده‌ای را عمری دچار مشکل و سختی کرد.

اگر عالم بزرگواری می‌گوید مهریه را به مهرالسُّنه برسانید، باید لوازم و فرهنگ پذیرش چنین سخنی هم در جامعه فراهم شده باشد. نباید بر اساس احساسات و شور و حالی که بطور مقطعی در وجودمان ایجاد می‌شود، تصمیم‌گیری کنیم. تصمیم‌گیری برای ادامه‌ی زندگی نیاز به آینده‌نگری دارد.

### ۳-۶-۸ ترجیح تطابق فرهنگی بر احساسات

احساسات آدمی مانند شعله‌های آتشی است که تا شعله‌ور است اطراف را روشن می‌کند و دیده‌ها را به سوی خود جذب می‌کند. اما وقتی آن شعله فروکش کرد، دیگر آن جلوه‌ها را ندارد. این نکته نه تنها در مسائل ازدواج، بلکه در بسیاری از امور دیگر نیز صادق است.

بنابراین، کفویت و تطابق فرهنگی را بر احساسات ارجح بدانید. به افرادی که می‌خواهند دو نفر را به هم معرفی کنند، سفارش می‌کنیم فقط به خوب بودن دختر و پسر توجه نداشته باشند. بررسی کنند و ببینند آیا خانواده‌ی آن دو جوان با هم تطابق

فرهنگی دارند یا نه؟ از نظر اعتقادی و فرهنگ اجتماعی و اقتصادی دو خانواده را ارزیابی کنند، سپس به طرف مقابل معرفی نمایند.

### ۳-۶-۹ فرهنگ خانواده

توصیه‌ی دیگر به دختران و پسران جوان این است که از خواستگاری مستقیم اجتناب کنید. خواستگاری به نحو سنتی روشی مطمئن‌تر و موفق‌تر است لیکن باید ایرادهای آن را برطرف کرد. دلیل و موفقیت در خواستگاری سنتی این است که قبل از اینکه با فرد روبرو شوند، با خانواده و فضای کلی آن آشنا می‌شوند و خانواده‌ها همین که دو کلمه با هم گفتگو کردند، تشخیص می‌دهند که تطابق فرهنگی با هم دارند یا نه.

از این رو، به جوانان عزیز توصیه می‌شود خود را فریب ندهند و نگویند ما می‌خواهیم با هم زندگی کنیم، کاری به خانواده‌هایمان نداریم؛ زیرا ما با فرهنگ خانواده‌ی خود گره خورده‌ایم و نمی‌توانیم از فرهنگ خانواده‌ی خود جدا شویم. بسیاری از مشکلات بین همسران جوان از عدم تطابق فرهنگ خانوادگی طرفین ناشی می‌شود. اگر خانواده‌ی شما تطابق فرهنگی با این دختر یا پسر نداشته باشد، پس از ازدواج هر لحظه امکان ایجاد مشکل وجود دارد و در نتیجه مجبور می‌شوید با خانواده و یا همسر خود اصطکاک پیدا کنید.

حال که امکان انتخاب بیش‌تری دارید، چرا باید خود را محدود به یک انتخاب و یا دو انتخاب کنید. جای بسی شگفتی است که پسر جوانی دختری را از آن سوی کشور برای همسری بر می‌گزیند و یا بالعکس. یعنی شما آنقدر در انتخاب همسر در شهر و دیار خویش دچار مشکل شده‌اید که ناچار به ازدواج با فردی با فرهنگی متفاوت با فرهنگ دیار خود شده‌اید؟! تصور کنید پس از عقد او بخواهد به خانه‌ی شما بیاید یا شما بخواهید به خانه‌ی او بروید، چقدر دلواپسی و نگرانی برای مشکلات راه و تصادفات احتمالی و ... شما را می‌آزارد؟!

در ضمن بر سر اینکه در کدام دیار به زندگی ادامه دهید، اختلاف پیش می‌آید. آن وقت هر کس می‌رسد، به شما می‌گوید واقعاً دایره‌ی انتخاب همسر برای تو اینقدر محدود بود که نتوانستی دختری را با فرهنگ و آداب و رسوم در دیار خود به همسری برگزینی؟!

البته گاه برخی افراد می‌گویند: ما در فامیل یا خانواده و شهر خود به قدری مشکل داریم که اصلاً می‌خواهیم از این شهر و دیار بیرون برویم یا فردی علاقه‌ی خاصی به فرهنگ دیگری دارد. این موارد استثناست.

### ۳-۷ احساس خوشایندی

این نظریه که تا زن و مرد به هم نرسیده‌اند کامل نمی‌شوند، به این معنا نیست که فقط یک زن خاص است که او را کامل می‌کند و آن زن حتماً باید شخصی باشد که در مدّت زمانی محدود، شما به آن دل‌باخته باشید و او باید تکمیل‌کننده‌ی زندگی شما باشد.

گاه فردی با یک نگاه دل‌باخته‌ی دختری می‌شود و یا دختری به پسری علاقه پیدا می‌کند. از آن‌ها می‌پرسیم: دختران و یا پسران دیگری هم هستند. شاید مثل این مورد اگر چشم تو به آن‌ها می‌افتاد، سخنان آن‌ها را هم می‌شنیدی، از آن‌ها خوشت می‌آمد؟ باید توجه داشته باشید که فقط دو گزینه در مقابل شما قرار ندارد؛ یعنی فکر نکنید که شما باید یا از کسی که خوشتان آمد با او ازدواج کنید یا باید با کسی که خوشتان نمی‌آید ازدواج کنید. بلکه گزینه‌ی سومی نیز برای ازدواج وجود دارد؛ یعنی کسی که معیارهای دیگر هم دارد و از او خوشمان می‌آید.

اما توصیه می‌کنیم معیار «خوش آمدن» را پس از معیارهای مطلوب قرار دهیم؛ زیرا اگر ملاک خوش آمدن را ابتدا مدّ نظر قرار دهیم، دیگر فرصتی به بقیه‌ی معیارها نمی‌دهد. یعنی اول اطمینان پیدا کنید که تطابق فرهنگی و خانوادگی و سنّی و فکری و روحی بین شما وجود دارد، سپس در جلسه‌ی خواستگاری بدون هیچ منعی به

قصد خواستگاری حتی بدون اینکه حجاب کاملاً رعایت شود، او را خریدارانه به قصد انتخاب همسر نگاه کنید.

### ۳-۸ معیارهای انتخاب همسر از منظر اهل بیت علیهم السلام

نکات دقیقی می‌توان در روایات در مورد انتخاب همسر دید؛ به طور نمونه احساس سازگاری روحی دارای خانواده خوب و شایسته، ترجیحاً غیرخویشاوند، صاحب تدبیر و به دور از کینه‌توزی، حسادت و بداخلاقی.

بطور خاص در مورد انتخاب زن خوب تاکید وافر شده است؛ چرا که محل استقرار جان است و شریک مال و دارایی و آگاه به راز و عقیده و گردنبندی است در گردن که می‌تواند ارزشی بالاتر از طلا یا پست‌تر از خاک داشته باشد. البته این انتخاب نباید برای خودنمایی و چشم و هم‌چشمی باشد. مواردی که به عنوان معیار ذکر شده است عبارتند از:

- (۱) خوش‌نامی (۲) حسن خلق (۳) مادر لایق (۴) کفویت و همتایی
- (۵) اصیل و ریشه‌دار (۶) خانواده خوب (۷) مهربان (۸) مددکار (۹) بی‌دردسر
- (۱۰) دهان خوشبو (۱۱) پرزا (۱۲) نرم‌خو (۱۳) مؤمن (۱۴) شایسته (۱۵) کم‌خرج
- (۱۶) متدین (۱۷) زیبا و از این ویژگی‌ها دور باشد (۱۸) بی‌تربیت (۱۹) لجباز
- (۲۰) ناسازگار (۲۱) نافرمان (۲۲) کثیف (۲۳) احمق (۲۴) ببیندوبار (۲۵) فتنه‌گر
- (۲۶) شهوت‌ران (۲۷) شتابان در لذات حیوانی (۲۸) اهل حرام (۲۹) قهقهه‌زننده
- (۳۰) پلید تبهکار (۳۱) بدزبان بی‌حیا (۳۲) پر حرف (۳۳) مجنون (۳۴) نکوهیده
- (۳۵) عزادار دائمی (۳۶) منت‌گذارنده ثروت (۳۷) درشت‌گوی زشت‌کردار
- (۳۸) بدکاره (۳۹) پرتقاضای طلاق

و البته تاکید شده است که چند چیز نباید انگیزه اصلی ازدواج باشد که عبارتند از: دارایی، خاندان، زیبایی، لذت، قدرت.

انتخاب شوهر نیز به گردن‌بند بندگی تشبیه شده است که باید دقت بیشتری به



آن کرد. معیارهایی که برای شوهر در روایات ذکر شده است عبارتند از: ۱) همتایی  
۲) کفویت ایمانی (۳) پاکدامنی (۴) تمکن مالی (۵) شرافت اسلامی (۶) اخلاق (۷) دین -  
داری (۸) امانت داری (۹) تقوا (۱۰) فرهنگ (۱۱) اعتقاد صحیح (۱۲) پاکیزه (۱۳) سخی و  
دست‌ودلباز (۱۴) سلامت جنسی (۱۵) نیکوکار و پشتیبان پدر و مادر  
و مرد باید از این ویژگی‌ها دور باشد. (۱۶) دروغ‌گو (۱۷) تهمت زن (۱۸) دشنام -  
گوی (۱۹) بخیل (۲۰) دریغ از کمک به دیگران (۲۱) دست‌بزن (۲۲) بدرفتار (۲۳) بد اخلاق  
(۲۴) تنگ‌نظر (۲۵) سوء‌تدبیر (۲۶) شراب‌خوار (۲۷) انحراف جنسی (۲۸) غیرت بی‌جا.  
همچنین تاکید شده است به خاطر فقر و نداشتن مال جلوی ازدواج را نگیرید.

### ۳-۸-۱ معیارهای مشترک

- ۱- دل؛ روح‌ها [همچون] سپاهیمانی هستند فراهم آمده، که هر کدام از آنها با هم،  
آشنایی [و سازگاری] داشته باشند، با هم الفت میگیرند و هر کدام از آنها با هم ناآشنا  
باشند، با هم اختلاف پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup>
- ۲ - اصالت خانوادگی؛ با خانواده‌ی خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و  
ریشه اثر دارد.<sup>۲</sup>
- ۳- ازدواج غیر فامیلی؛ با بیگانه (غیر خویشاوند)، ازدواج کنید تا فرزندان لاغر  
تکیده، به دنیا نیایرد.<sup>۳</sup>
- ۴- سوء تدبیر؛ علت ویرانی، سوء تدبیر است.<sup>۴</sup>
- ۵- کینه توزی؛ سه خصلت است که برای دارنده آنها، زندگی گوارا نیست: کینه -  
توزی، حسادت و بد اخلاقی.<sup>۵</sup>

۱. قال علی علیه السلام: الأرواحُ جُنودٌ مُجَنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِتَّئَلَفَ، وَ مَا تَنَافَرَ مِنْهَا اِخْتَلَفَ. (دوستی در قران و حدیث، ریشه‌ری، ص ۸۸)

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۲)

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: اغْتَرَبُوا لَا تَضُؤُوا. (المجازات النبویه، ص ۱۰۰)

۴. الامام علی علیه السلام: سَبَبُ التَّدْمِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ (غرر الحکم)

۵. الامام علی علیه السلام: ثَلَاثٌ لَا يَهْتَأُ لِصَاحِبِهَا عَيْشُ الْحَقْدِ وَ الْحَسَدُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ. (غرر الحکم، ح ۴۶۶۳).

### ۳-۸-۲ معیارهای انتخاب زن

۶- دقت در انتخاب؛ بنگر جانن را کجا قرار می‌دهی و چه کسی را در مال و داراییت شریک می‌سازی و چه فردی را بر دین و راز و امانتت آگاه می‌کنی. اگر تصمیم به ازدواج داری، دوشیزه‌ای برگزین که به خیر و نیکی و حسن خلق منسوب باشد.<sup>۱</sup>

۷- ارزش زن؛ همانا زن گردن‌بند است؛ پس بنگر که چه گردن‌بندی به گردن می‌افکنی. برای زن ارزش و بهایی نمی‌توان تعیین کرد، نه برای خوب آن‌ها و نه برای بدشان. زن خوب، ارزشش طلا و نقره نیست؛ بلکه از طلا و نقره هم بهتر و ارزشمندتر است و زن بد، ارزشش خاک نیست؛ بلکه خاک هم از او ارزشمندتر است.<sup>۲</sup>

۸- دوری از شهرت و خودنمایی در انتخاب؛ هر کس با دختری هر چند از راه شرعی و با مال حلال ازدواج کند لیکن به قصد خودنمایی، ریا و شهرت باشد، خداوند ذلت و خواری او را افزون کند و هر لحظه او را به پرتگاه آتش نزدیکتر گرداند. آنگاه در دره‌ای از دوزخ سقوط کند که پس از گذشت هفتاد سال به قعر آن رسد.<sup>۳</sup>

۹- گزینش مادر فرزند؛ به همگنان زن بدهید و از همگنان همسر بگیرید و برای داشتن فرزند بهتر و صالح، انتخاب و گزینش کنید.<sup>۴</sup>

۱۰- اصل؛ بنگر که فرزند و نسل خویش را در چه ریشه‌ای قرار می‌دهی؟ زیرا رگ و ریشه تأثیر پنهانی دارد.<sup>۵</sup>

### ۱۱- خانواده؛ برای نطفه‌های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید؛ زیرا زنان، شبیه برادران

۱. الامام الصادق علیه السلام: انظر این تَضَع نَفْسَكَ وَ مَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تُطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَ سِرِّكَ وَ اَمَانَتِكَ، فَاِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فاعلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ اِلَى الْخَيْرِ وَ اِلَى حُسْنِ الْخُلُقِ (الكافي، ج ۵، ص ۳۲۳)

۲. الامام الصادق علیه السلام: اِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلُّهُ، وَ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ، لَا لِصَالِحَتِهِنَّ وَ لَا لِطَالِحَتِهِنَّ؛ وَ اَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ، وَ اَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا التُّرَابُ، التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا. (معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱۴۴)

۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله:... مَنْ نَكَحَ امْرَأَةً حَلَالًا بِمَالٍ حَلَالٍ غَيْرَ أَنَّهُ ارَادَ فُخْرًا أَوْ رِيَاءً لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ عَزًّا وَ جَلًّا بِذَلِكَ إِلَّا ذُلًّا وَ هَوَانًا وَ اِقَامَهُ اللَّهُ بِقَدْرِ مَا اسْتَمْتَعَ مِنْهَا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ ثُمَّ يَهْوَى فِيهَا سَبْعِينَ خَرِيفًا (وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۵۲)

۴. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: انكحوا الاكفاء و انكحوا فيهم و اختاروا لطيفكم. (وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۹)

۵. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: انظر في أي نصاب تَضَع و لَدَكَ؛ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ. (کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۵۵)

و خواهران خودشان فرزند به دنیا می آورند.<sup>۱</sup>

۱۲- **مهربان، مددکار، بی دردسر؛** بدان که بهترین بانوان، زانی هستند که فرزند زیاد زاینند و برای شوهران مهربانند و در امر دنیا و آخرت مددکار آنانند و در زندگی بر ایشان مشکل نمی آفرینند.<sup>۲</sup>

۱۳- **ویژگی دوشیزگان؛** با دوشیزگان ازدواج کنید که آنان خوشبوترین دهانها را دارند، پرنزادترین زنانند، نیکوترین اخلاق وزاینده ترین رحمها را دارند و بیشتر از دیگران دارای گشایش، نعمت و مهربانی هستند.<sup>۳</sup>

۱۴- **مؤمن صالح؛** مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد تا درباره ازدواج مشورت کند؛ حضرت فرمودند: خدایت خیر دهد! با زنی مؤمن ازدواج کن؛ مثال زن دیندار و شایسته در کمیابی چون کلاغی است که یک پایش سپید باشد.<sup>۴</sup>

۱۵- **کم خرج؛** پر برکت ترین زنان، کم خرج ترین ایشان است.<sup>۵</sup>

۱۶- **معیارهای غلط؛** به خاطر چهار چیز نباید با زن ازدواج کرد: ثروتش، زیبایی اش، حسب و نسبش، و لذتش. پس، بر تو باد [ازدواج با] زن متدین.<sup>۶</sup>

۱۷- **انگیزه های انتخاب؛** به خاطر چهار چیز با زن ازدواج می کنند: دارایی، فامیل، زیبایی و دینداری؛ تو زن دیندار بیاب تا مال بدست آوری.<sup>۷</sup>

۱. قال رسول الله ﷺ: تَخَيَّرُوا لِنُطْفِئِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَسْوَأَتِهِنَّ. (تاریخ دمشق، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۱۰۶۸)

۲. الامام الصادق عليه السلام: فَأَمْرَةٌ وَلَوْ دُودٌ، وَدُودٌ، تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِلدِّيَاةِ وَ لِأَخِرَتِهِ وَ لَا تُعِينُ الدَّهْرُ عَلَيْهِ. (معانی الاخبار، ص ۳۱۸)

۳. قال رسول الله ﷺ: تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا وَ أَدْرَى شَيْءٍ أَخْلَافًا وَ أَحْسَنُ شَيْءٍ أَخْلَاقًا وَ أَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَامًا أَفْتَحُ أَنْعَمَ وَ أَلْتِنَ (بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶)

۴. الامام الباقر عليه السلام: أَنَّى رَجُلٌ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَعَمْ أَنْكِحْ وَ عَلَيْكَ بِذَوَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ بِدَاكٍ وَ قَالَ إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يُقَدَّرُ عَلَيْهِ قَالَ وَ مَا الْغُرَابُ الْأَعْصَمُ قَالَ الْبَيْضُ إِحْدَى رَجُلَيْهِ (وسائل، ج ۱۴، ص ۲۱)

۵. قال رسول الله ﷺ: أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مُؤُونَةٌ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱)

۶. لَا تُنْكَحِ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعَةٍ: لِمَالِهَا، وَ جَمَالِهَا، وَ نَسَبِهَا، وَ لَذَّتِهَا، فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ. (جامع الاخبار للشعیری، ص ۹۷)

۷. قال رسول الله ﷺ: تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا، وَ لِحَسَبِهَا، وَ لِحَمَالِهَا، وَ لِذِينِهَا؛ فَأَطْفُرُ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ

۱۸- **سرانجام معیارها؛** هر کس با زنی، به خاطر قدرتش ازدواج کند، خداوند، جز بر خواری او نمی‌افزاید. و هر کس با زنی، به خاطر دارایی‌اش ازدواج کند، خداوند، جز بر ناداری او نمی‌افزاید! و هر کس با زنی، به خاطر بزرگ‌زادگی‌اش ازدواج کند، خداوند، جز بر پستی او نمی‌افزاید. و هر کس با زنی، فقط برای این ازدواج کند که چشمش را [از حرام و نامحرم] فرو بپوشاند، یا دامنش را پاک نگه دارد، یا پیوند خویشاوندی‌اش را برقرار بدارد، خداوند، در آن مرد و زن برای یکدیگر برکت قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱۹- **بی‌نتیجه بودن زیبایی و ثروت؛** کسی که برای زیبایی زنی با آن ازدواج کند آنچه دوست دارد را نخواهد دید و کسی که برای مال زن با او ازدواج کند، خدا او را به همان مال می‌سپارد، بر شما باد به زنان و دختران متدین.<sup>۲</sup>

۲۰- **دینداری ضامن زیبایی و ثروت؛** اگر کسی زنی را به خاطر زیبایی و یا مال و ثروتش بگیرد، خداوند او را به همان وا می‌گذارد. اما اگر برای دین (و ایمان) با او ازدواج کند، از جمال و مال نیز بهره‌مند می‌گردد.<sup>۳</sup>

۲۱- **ناپایداری زیبایی و ثروت؛** با زنان به خاطر زیبایی‌شان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا که زیبایی آن‌ها موجب تباهی و هلاکشان شود. برای مال و ثروت نیز با آنان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا که مال و ثروتشان آنان را به طغیان و سرکشی وادارد؛ بلکه بر اساس دینداری با آن‌ها ازدواج کنید.<sup>۴</sup>

یادک. (صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۲، ح ۴۸۰۲)

۱. مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِعِزِّهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا ذُلًّا، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا فَقْرًا، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَسْبِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا دِنَاءَةً. وَمَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَمْ يَتَزَوَّجْهَا إِلَّا لِبَعْضِ بَصْرَةٍ، أَوْ لِيَحْصِنَ فَرْجَهُ، أَوْ يَصِلَ رَحْمَةً، بَارَكَ اللَّهُ لَهَا فِيهَا وَبَارَكَ لَهَا فِيهِ. (المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۲۱)

۲. عَنْهُ ﷺ: مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِحَمَالِهَا لَمْ يَرِ فِيهَا مَا يُحِبُّ، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا، لَهُ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، عَلَيْكُمْ بَدَاتِ الدِّينِ (التنْهِيْبُ الْاِحْكَامِ، ج ۷، ص ۳۹۹، ح ۱۵۹۲)

۳. الْاِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا، رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ (الكافي، ج ۵، ص ۳۳۳)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ لِحُسْنِهِنَّ، فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ، وَلَا تَزَوَّجُوهُنَّ لِأَمْوَالِهِنَّ، فَعَسَى أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ، وَلَكِنْ تَزَوَّجُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ. (سنن ابن ماجه، ص ۵۹۷، ح ۱۸۵۹)

۲۲- عدم ترجیح زیبایی بر دینداری؛ نباید زیبایی روی صورت زن را بر زیبایی دینداری او برگزید.<sup>۱</sup>

۲۳- دینداری و زیبایی؛ پیامبر ﷺ هر گاه مردی به خاطر دینداری و زیبایی زنی با او ازدواج کند، زن مانع فرو رفتن مرد در گرداب می شود.<sup>۲</sup>

### ۳-۸-۳ خصوصیات زن بد

۲۴- زیبای بی تربیت! اجتناب کنید از سبزی‌های با طراوت در زباله‌دان. سؤال شد: مرادتان از آن چیست؟ فرمودند: زن زیبا با تربیت بد و غلط.<sup>۳</sup>

۲۵- لجاجت؛ بدترین همسران، زنان لجاجت‌اند.<sup>۴</sup>

۲۶- ناسازگار؛ بدترین همسران زنان ناسازگارند.<sup>۵</sup>

۲۷- نافرمان؛ بدترین همسران زنانی هستند که بسیار لاغر و استخوانی‌اند، کثیفند، لجاجت‌اند، نافرمانند و برای دیگران می‌میرند.<sup>۶</sup>

۲۸- احمق؛ دور باشید از ازدواج با زن احمق و بی‌خرد که مصاحبت او گرفتاری است و فرزند حاصل از آن ازدواج، ضایع و تباه شده است.<sup>۷</sup>

۲۹- کودن؛ به مرد کودن، زن بدهید؛ اما زن کودن نگیرید؛ زیرا از مردن کودن، فرزند نیکو به دنیا می‌آید، ولی از زن کودن، فرزند نیکو به دنیا نمی‌آید.<sup>۸</sup>

۱. قال رسول الله ﷺ: لا يختارُ حَسَنُ وَجْهِ الْمَرْأَةِ عَلَى حَسَنِ دِينِهَا. (الفردوس: ج ۵، ص ۲۱۷، ح ۸۰۰۵)

۲. قال رسول الله ﷺ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ امْرَأَةً لِدِينِهَا وَجَمَالِهَا، كَانَ فِيهَا سِدًّا مِنْ غَوْرٍ. (الفردوس: ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۱۱۵۸، عن اب عباس)

۳. قال رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدِّمَنِ قَبِيلَ وَمَا خَضْرَاءُ الدِّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَبْتِ السُّوءِ (الكافی، ج ۵، ص ۳۳۲)

۴. قال رسول الله ﷺ: وَشَرُّهَا اللَّجُوجُ (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲)

۵. على ﷺ: شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَانِي (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۲)

۶. (مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۱۳)

۷. على ﷺ: إِيَّاكُمْ وَتَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضِيَاعٌ. (الكافی، ج ۵، ص ۳۵۴)

۸. الامام الصادق ﷺ: زَوْجُوا الْاِحْمَقَ وَ لَا تَزَوْجُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ الْاِحْمَقَ يَنْجِبُ وَالْحَمَقَاءَ لَا تَنْجِبُ.

(الكافی: ج ۵، ص ۳۵۴)

۳۰- بی‌بند و بار؛ امام علی (علیه السلام) در مورد اوضاع آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست فرمودند: زنانی پیدا می‌شوند که باز و برهنه‌اند، از دین خارج‌اند، در فتنه‌ها و آشوب‌ها داخلند، به شهوترانی مایلند، به لذت‌های مادی و حیوانی شتابانند، محرمات را حلال می‌انگارند و در دوزخ جاوداند.<sup>۱</sup>

۳۱- زنان در دسرزا؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به یکی از یارانش، یعنی زید بن ثابت، فرمود: «... با دوازده دسته از زنان، ازدواج مکن.» گفت: ای پیامبر خدا! آن دوازده دسته کدامند؟ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «با هنفصه و عنفصه و شهره و سلققه و مذبویه و مذمومه و حنانه و منانه و رفتاء و هیدره و ذفنا و لفوت، ازدواج مکن.»

هنفصه به زنی گفته می‌شود که بلند بلند می‌خندد و قهقهه می‌زند و به قول معروف، زنی که کرکر خنده‌اش بلند است. عنفصه به زن لاغر مردنی، تکیده، یا زن پلید تباهاکار، یا زن بدزبان بی‌حیا، یا بسیار گوی پر حرف گفته می‌شود. سلققه: زنی را می‌گویند که از دبر حیض می‌شود. یا زن سلیطه، مذبویه: زن مگس‌ناک، مجنون. مذمومه: پرعیب و نکوهیده، حنانه: به زن بیوه‌ای که با اندوه و حنین، یاد شوهر خود می‌کند. منانه: زن مال‌داری که با مال خود، بر شوهرش منت می‌نهد یا زن مال‌داری که به خاطر مالش با او ازدواج می‌کند و وی بر شوهر خود منت می‌نهد. رفتاء: زن درشت‌گوی زشت‌کردار. ذفنا: پیرزال، زن دراز زرخ. لفوت: زنی که از مرد دیگری فرزنددار است.<sup>۲</sup>

۳۲- زنان نامناسب؛ آورده اند که عابد دوره‌گرد ازدی، در اثنا گردش خویش، به الیاس (علیه السلام) فرمود: «با چهار طایفه از زنان، ازدواج مکن: مختلعه، مباریه، عاهره و ناشزه.

۱. علی (علیه السلام): نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ، عَارِبَاتُ، مَتَبَرِّجَاتُ مِنَ الدِّينِ، دَاخِلَاتُ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتِحْلَاتُ لِلْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتُ. (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰)  
 ۲. قال [رسول الله] ﷺ لأَخْدَ أَصْحَابِهِ، وَهُوَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: ... لَا تَزُوجِ اثْنَيْ عَشْرَةَ امْرَأَةً، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا اثْنَا عَشْرَةَ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَزُوجِ هِنْفَصَةً، وَلَا عَنْفَصَةً، وَلَا شَهْرَةً، وَلَا سَلْقَلِقَةً، وَلَا مَذْبُوبَةً، وَلَا مَذْمُومَةً، وَلَا حَنَانَةً، وَلَا مَنَانَةً، وَلَا رَفْتَاءً، وَلَا هَيْدَرَةً، وَلَا ذَفْنَاءً، وَلَا لَفُوتًا. (جامع الأخبار، ص ۲۷۴، ص ۷۴۹)

مختلعه، زنی است که هر دم، بی جهت، تقاضای [طلاق] خلع می کند. مباریه، زنی است که با مال و منال دنیا، بر دیگر زنان، مباحات و فخر فروشی میکند. عاهره، زن بدکاره‌ی معروف به داشتن روابط نامشروع با دیگران است. خداوند متعال فرموده است: «نه زنانی که [پنهانی] دوست مرد می گیرند.» و ناشزه، زنی است که در کردار و گفتار، بر شوی خویش بلند می کند که برگرفته از «نشز»، به معنای زمین مرتفع و بلند است.<sup>۱</sup>

### ۳-۸-۴ معیارهای انتخاب شوهر

۳۳- دقت در انتخاب؛ ازدواج گردنبند بندگی است. بنابراین، هر کس از شما دختر خود را شوهر دهد او را به بندگی داده است. پس، هر یک از شما باید بنگرد که دختر خود را به بندگی چه کسی می دهد.<sup>۲</sup>

۳۴- کفویت؛ هرگاه همتایان از دخترانتان خواستگاری نمودند، با آنها وصلت کنید و برای آنها منتظر حوادث (تلخ و شیرین) روزگار نباشید.<sup>۳</sup>

۳۵- کفویت ایمانی؛ مرد مومن همتای زن مومن می باشد.<sup>۴</sup>

۳۶- شتاب در ازدواج با همسنگان؛ به نقل از امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که آن حضرت برای مردم سخنرانی کرد و آنان را به تعجیل در شوهردادن

۱. یحکی أن السائخ الازدی لقی ایاس فی سیاحتہ ، فأمره بالتزویج ونہاہ عن التبئیل ، ثم قال ، لا تنکح أربعا: المختلعة و المبارية و العاهرة و الناشزة.

أما المختلعة فهي التي تطلب الخلع كل ساعة من غير سبب. والمبارية المباهية غيرها، المفخرة بأسباب الدنيا. والعاهرة الفاسقة التي تعرف بخليل وخن، قال الله تعالى: «وَلَا تَتَّخِذِ أَعْدَانُ النَّاشِزَةِ الَّتِي تَعْلُو عَلَى زَوْجِهَا فِي الْفِعَالِ وَالْمَقَالِ، مَاخُوذًا مِّنَ النَّشِزِ؛ وَهُوَ الْعَالِي مِنَ الْأَرْضِ». (المحجج البيضاء، ج ۳، ص ۸۶)

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّمَا النُّكَاحُ رِقٌّ، فَإِذَا أَنْكَحَ أَحَدُكُمْ وَوَلِدَةً فَقَدْ أَرْقَّهَا، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ لِمَنْ يَرِقُّ كَرِيْمَتَهُ (همان، ص ۳۷۱)

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا جَاءَكُمُ الْأَكْفَاءُ فَانكِحُوا و لَا تَرَبَّصُوا بَيْنَ الْحِدَاثَانِ (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۱۷، ش ۴۴۶۹۳)

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الْمُؤْمِنُ كُفُو الْمُؤْمِنَةِ. (الكافي، ج ۵، ص ۳۳۵)

دخترانشان و به تأخیر نیفکندن این کار تشویق نمود... پس، مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! به چه کسانی شوهر دهیم. فرمود: «به اشخاص همسنگ.» گفت: ای پیامبر خدا! اشخاص همسنگ چه کسانی هستند؟ فرمود: «مؤمنان، همسنگ یکدیگرند مؤمنان، همسنگ یکدیگرند.»<sup>۱</sup>

**۳۷- پاکدامنی و تمکن؛** کفو بودن مرد و زنی برای ازدواج همین است که او مردی پاکدامن باشد و از نظر مالی بتواند زندگیش را اداره کند.<sup>۲</sup>

**۳۸- شرافت اسلام؛** من زینب دختر جحش را به ازدواج زیدبن حارثه درآوردم و ضباعه دختر زبیربن عبدالمطلب را به ازدواج مقداد، تا بدانند که بالاترین شرافت اسلام است.<sup>۳</sup>

**۳۹- اکتفا به اخلاق و دین؛** به نقل از علی بن مهزیار:- علی بن اسباط، به امام باقر علیه السلام درباره دخترانش نامه ای نوشته [و به عرض ایشان رساند] که کسی همتای خود نمی یابد [تا دخترانش را به همسری آنان درآورد] امام باقر به او نوشت: «آنچه را درباره دخترانت نوشته بودی که کسی همتای خودت نمی یابی، دریافتم. خدایت رحمت کناد! چنین اندیشه ای به خود، راه مده؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هرگاه کسی نزد شما [به خواستگاری] آمد که اخلاق و دین او را می پسندید، به او زن دهید که اگر چنین نکنید، گناه و تباهی بزرگی در زمین (جامعه) پدید خواهد آمد.»<sup>۴</sup>

۱. الکافی عن الامام الصادق علیه السلام: فی حدیث له عن رسول الله صلی الله علیه و آله و انه خطب الناس و حثهم علی التَّعَجُّلِ فی تزویج بناتهم و عدم تأخیرهن، إلی أن قال:- فقام إلیه رجل فقال: یا رسول الله، فمن تزوج؟ فقال: الأكفاء. فقال: یا رسول الله، و من الأكفاء؟ فقال: المؤمنون بعضهم أكفاء بعض، المؤمنون بعضهم أكفاء بعض. (الکافی: ج ۵، ص ۳۳۷)

۲. امام صادق علیه السلام: الکفو أن یكون عقیفاً و عنده یسار. (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۴)

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أنکحت زیدبن حارثة زینب بنت جحش، و أنکحت المقداد ضباعة بنت الزبیربن عبد المطلب، لیعلموا أن أشرف الشرف الإسلام. (مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۲)

۴. عن علی بن مهزیار قال کتب علی بن اسباط إلی أبی جعفر ع فی أمر بناته و انه لا یجد أحدا مثله فکتب إلیه أبو جعفر فهمت ما ذکرته من أمر بناتک و أنك لا تجد أحدا مثلك فلا تنظر فی ذلك رحمک الله فإن رسول الله ص قال إذا جاءکم من ترصون خلفه و دینه فروجوه إلا تفعلوه تكن فتنه فی الأرض و فساد کبیر (الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷)



۴۰- **دیانت و امانت**؛ هر کس برای خواستگاری دختر شما نزد شما آمد و از نظر دیانت و امانت، مورد پسند بود به او پاسخ مثبت دهید و گرنه در روی زمین فساد و آشوبی بزرگ رخ خواهد داد.<sup>۱</sup>

۴۱- **دین و اخلاق علیرغم فقر**؛ اگر مردی نزد تو به خواستگاری آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی به وی زن بده و فقر و ناداریش مانع تو از این کار نشود. خدای تعالی فرموده است: «و اگر ازدواج کنند خدا هر یک را از گشایش خود بی نیاز کند» و فرموده است: «اگر تهیدست باشند خداوند از فضل و کرم خود آنان را توانگر کند».<sup>۲</sup>

۴۲- **اهمیت بی جا به ثروت**؛ به نقل از ابراهیم تیمی - در حال طواف بودم که امام صادق علیه السلام بازویم را گرفت و به من سلام کرد. سپس فرمود: «ای ابراهیم! مومن، به هیچ سودی دست نیافته است که برایش زیانبارتر از ثروت باشد. ثروت برای او، زیانبارتر از دو گرگ درنده است که به گل‌های بی چوپان حمله می‌برند، یکی، از اول گله و دیگری، از آخر آن».<sup>۳</sup>

سپس فرمود: «گمان می‌کنی که آن دو گرگ چه می‌کنند؟».

گفتم: حضرت به سلامت باد! گله را نابود می‌کنند.

فرمود: «درست است، کمترین زیانی هم که به مؤمن [ثروتمند] می‌رسد، این است که برادر مسلمانش نزد او به خواستگاری برود و او بگوید: تو مال و ثروتی نداری.»

۴۳- **فخر و فروشی به ثروت**؛ برای بنده، گناهی بدتر از این نیست که پسر برادر

۱. قال الباقر علیه السلام: مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيئُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادًا

کبیر (الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷)

۲. الإمام الرضا علیه السلام: إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينُهُ وَ خُلِقَهُ فَرَوْجُهُ، وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقَتُهُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ إِنْ يَتَفَرَّقَا يَغِيْبَنَّ اللَّهُ كِلَا مِنْ سَعَتِهِ) وَ قَالَ: (إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنِيهِمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...) (بحارالانوار،

ج ۱۰۰، ص ۳۷۲)

۳. عَنْ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ يَا إِبْرَاهِيمَ مَا أَفَادَ مُؤْمِنٌ مِنْ فَائِدَةٍ أَضَرَ عَلَيْهِ مِنْ مَالٍ يُعِيدُهُ الْمَالُ أَضَرَ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبَيْنِ ضَارِبَيْنِ فِي غَنَمٍ قَدْ هَلَكَ رِعَاتُهَا وَاحِدَةً فِي أَوْلِيَّهَا وَ وَاحِدَةً فِي آخِرِهَا ثُمَّ قَالَ فَمَا ظَنُّكَ بِهِمَا قُلْتُ يُفْسِدَانِ أَضْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ صَدَقْتَ إِنْ أَيْسَرَ مَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ أَنْ يَأْتِيَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَيَقُولُ زَوْجِي فَيَقُولُ لَيْسَ لَكَ مَالٌ (المؤمن، ص ۵۵)

[مؤمن] او نزدش برود و بگوید: مرا [با دختری] ازدواج بده و او بگوید: این کار را نمی‌کنم [و به تو زن نمی‌دهم]؛ من از تو ثروتمندترم.<sup>۱</sup>

۴۴- با تقوا؛ امام حسن علیه السلام به مردی که با ایشان درباره‌ی ازدواج دختر خود مشورت کرد، فرمود: او را به مردی با تقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به وی ستم نمی‌کند.<sup>۲</sup>

۴۵- تأثیر اعتقادی زن از مرد؛ از خانواده‌ای که (در حقانیت شما) تردید دارند، زن بگیرید؛ اما به آن‌ها زن ندهید؛ زیرا زن تربیت و خلق و خوی مرد را به خود می‌گیرد و مرد او را تحت تأثیر دین خود قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

۴۶- تأثیر از فرهنگ و دین؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «از فرهنگ و دین مرد آگاه شوید که زن بی‌گمان از فرهنگ و دین او تأثیر پذیرد.»<sup>۴</sup>

۴۷- خصوصیات شوهر؛ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد راجع به بهترین مردان و با فضیلت‌ترین شوهران صحبت کنم؟ از جمله مردان نیک، کسی است که پارسا، پاکیزه، سخی و دست و دلباز باشد و از نظر جنسی، سالم و به دور از انحراف بوده و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار و با خانواده‌اش نیز خوشرفتار بوده باشد آنگونه که آنان و اداریش نشوند که در زندگی به دیگری پناه ببرند.<sup>۵</sup>

می‌خواهید بدترین شوهر و مرد را معرفی کنم؟

او همان مرد دروغگوی بهتان‌زننده‌ی فحاش و دشنام‌گوی و بخیلی است که تنها می‌خورد، کسی را همراه خود نمی‌کند و از کمک به دیگران دریغ می‌ورزد، خانواده

۱. الامام الصادق علیه السلام: أَشَدُّ عَلَى عَبْدٍ [مِنْ] أَنْ يَأْتِيَهُ ابْنُ أَخِيهِ فَيَقُولَ زَوْجِي فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۶)

۲. الإمام الحسن علیه السلام: لِرَجُلٍ جَاءَ إِلَيْهِ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ: زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلَمْهَا. (مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۴۶، ح ۱۵۳۴)

۳. الإمام الصادق علیه السلام: تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَلَا تَزَوَّجُوهُمْ، لِأَنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ الرَّجُلِ وَيَقَهَّرُهَا عَلَى دِينِهِ (همان، ص ۳۷۱)

۴. فروع، ج ۵، ص ۳۴۸

۵. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۰

و خدمتکارش را می‌زند، در اثر بد رفتاری، اهل و عیالش را وادار به پناهندگی به غیر می‌کند و با پدر و مادرش نیز بدرفتار است.

### ۳-۸-۵ خصوصیات مرد بد

۴۸- **بداخلاق؛** امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه‌ای که نوشته بود یکی از خویشاوندان از دختر من خواستگاری کرده ولی متأسفانه او بیمار، تندخو و بد اخلاق است. نوشتند: اگر بد اخلاق است به او دختر مده.<sup>۱</sup>

۴۹- **بداخلاقی؛** کسی که بد اخلاق است، خانواده‌اش از او خسته (و بیزار) می‌شوند.<sup>۲</sup>

۵۰- **بخل؛** منفورترین بندگان نزد خداوند، کسی است که به خانواده‌اش بخل بورزد.<sup>۳</sup>

۵۱- **فشار به خانواده؛** بدترین مردم، کسی است که بر خانواده‌اش تنگ بگیرد.<sup>۴</sup>

۵۲- **نهی از همسری شرابخوار؛** هر گاه میخواره‌ای از دختر شما خواستگاری کرد، به او پاسخ ندهید.<sup>۵</sup>

۵۳- **شرابخوار؛ عامل جدایی؛** هر کس دخترش را به عقد یک مرد شرابخوار و باده گسار در آورد برآستی نسبت و خویشاوندی او را بریده است.<sup>۶</sup>

۵۴- **شرابخوار مانند زناکار؛** از زن دادن به شرابخوار پرهیز که اگر به او زن دهی چنان است که دلال زنا شده باشی.<sup>۷</sup>

۵۵- **انحراف جنسی؛** نامه: پسری از دخترم خواستگاری می‌کند که پدری خوب دارد لیکن خودش کمی نرمش دارد: امام نوشت: اگر به حد انحراف جنسی نباشد عیب ندارد.<sup>۸</sup>

۱. لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّءَ الْخُلُقِ (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴)

۲. الامام علی علیه السلام: مَنْ ضَاقَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلُهُ. (الکافی ج ۸ ص ۲۳.)

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَبْغَضَ الْعِبَادَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ ضَنَّ عَلَى عِيَالِهِ. (الفردوس، ج ۱، ص ۳۶۷)

۴. سُرَّ النَّاسُ الضَّيْقَ عَلَى أَهْلِهِ. (المعجم الاوسط، ج ۸، ص ۳۳۷)

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنْ شَارِبَ الْخَمْرِ لَا يُزَوِّجُ إِذَا حَطَبَ. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۳)

۶. امام صادق علیه السلام: مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ خَمْرٍ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا. (الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷)

۷. الإمام الرضا علیه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ، فَإِنَّ زَوْجَتَهُ فَكَأَنَّهَا قُدَّتْ إِلَى الزَّانَا. (بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۹۰)

۸. إِذَا لَمْ تُكُنْ فَاحِشَةً فَرَوْجُهُ. (قرب الاسناد، ص ۱۰۸)

۵۶- غیرت بیجا؛ از غیرت ورزیدن بیجا [نسبت به زنان] بپرهیز که آن، زن سالم را به بیماری [و نادرستی] می‌کشاند و پاکدامن را به اندیشه گناه.<sup>۱</sup>

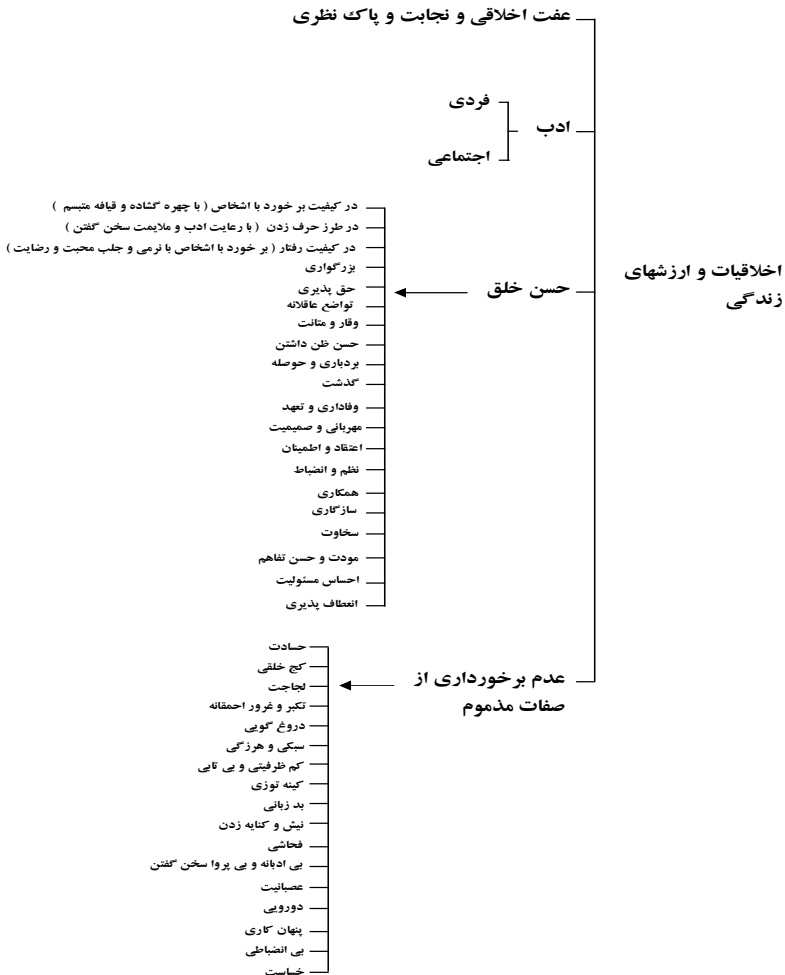
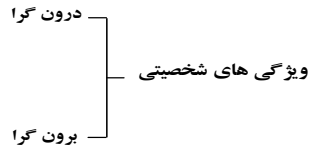
### ۹-۳ نمودار جامع معیارها

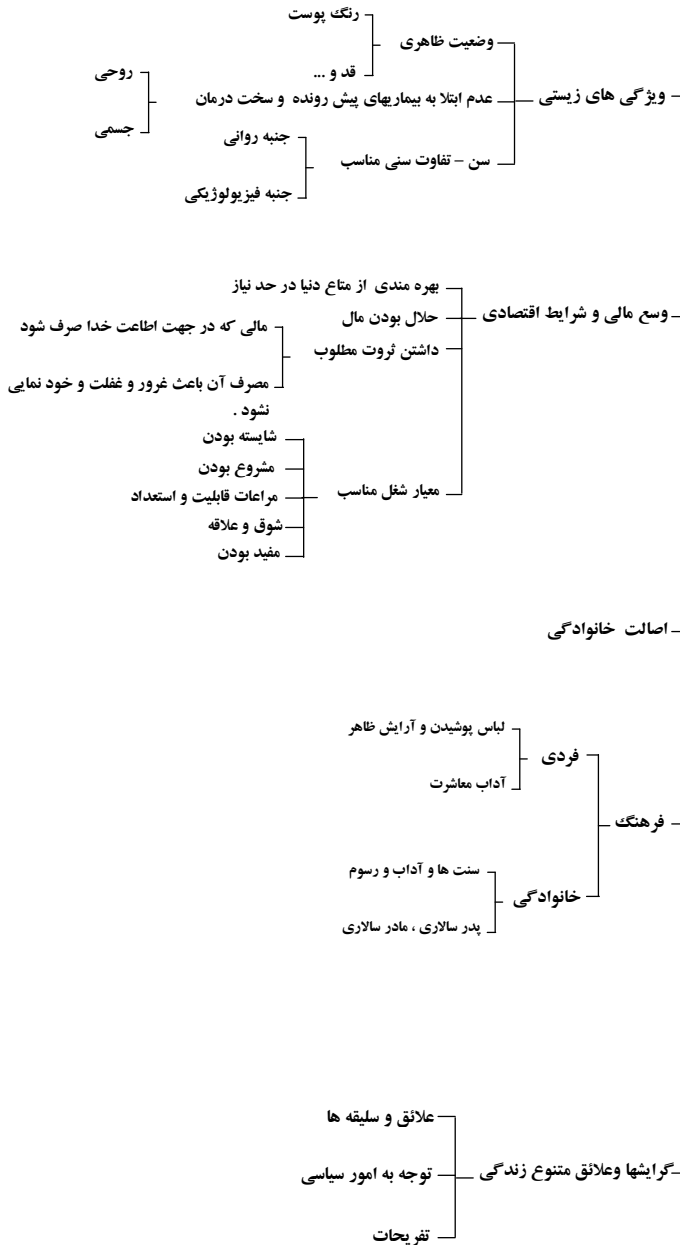
بر اساس توضیحاتی که ارائه شد، می‌توان به طور جزئی و تفصیلی جدولی از معیارها ارائه داد. البته منظور از این جداول آن نیست که فرد باید دارای همه‌ی آن‌ها W جمع نموده‌ایم. خود شما آن بخش را که بیش‌تر به آن نیاز دارید یا اهمیت بسزایی برای آن قائل هستید را انتخاب نمایید. این معیارها در قالب: اعتقادات و باورهای دینی، ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقیات و ارزش‌های زندگی، معیارهای مشترک، خصوصیات مرد ایده‌آل و خصوصیات زن ایده‌آل ارائه شده است.

۱. الامام علی عليه السلام: إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ التَّبْرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ (نهج البلاغه، الكتاب ۳۱)

وفای به عهد	
راستگویی	
امانت داری	
احترام به حقوق افراد	
مبارزه با مفاسد	
مخالفت با هوای نفس	
کیفیت نماز خواندن	
انتخاب دوست	
نحوه صرف مال	
صله رحم	
دوری از گناه	
جهاد با مال و جان در راه خدا	
پایداری در عقیده	
رضا و تسلیم	
صداقت	شاخصه‌های ایمان و درجات آن
تسلط بر خود	
ناخشنودی از گناه	
اطاعت از خدا	
کسب حلال و خوش اخلاقی	
اخلاص داشتن (مخلص بودن)	
پیوند عملی از اهلیت	
اطاعت خداوند	
نماز اول وقت	
برائت از دشمنان	
پیروی از ولایت فقیه	









- بر خورداری از صفات**
- غیرت
  - پاکیزگی
  - پارسایی
  - سخاوت و تمندی
  - دست و دل بازی
  - سلامت جنسی و دوری از انحرافات
  - نیکی کاری نسبت به پدر و مادر
  - خوش رفتاری با خانواده و پناهگاه زن و فرزند بودن
  - قدرت
  - شهرت اجتماعی
  - توان دفاع
  - پاکی چشم و فکر و عمل
  - قادر بر نفقه
  - سست ایمان نبودن

## فصوصیات مرد ایده آل

- عدم بر خورداری از صفات**
- هوس بازی
  - لاف زنی
  - بیکاری
  - دندمی مزاج و بی اراده
  - خساست
  - گوشه گیر و منزوی
  - رنجور نما
  - بدبین ، شکاک و وسواس
  - سالمه چو
  - وابسته و بدون اعتماد به نفس

- بر خورداری از صفات**
- جمال و زیبایی
  - با ایمان و خداشناس بودن
  - زنان سادات
  - زنان پاکرہ
  - زنان کم مهر به
  - بچه آور بودن
  - مهربان
  - پاکدامن
  - عزیز و محترم بودن نزد فامیل خودش
  - متواضع و فروتن بودن در مقابل شوهر
  - آراستگی و زینت داشتن در مقابل شوهر
  - موقر و بی اعتنا بودن نسبت به مرد میگانه
  - حرف شنویی از شوهر
  - فرمانبرداری از شوهر
  - در اختیار شوهر بودن در خلوات
  - سهل گیری
  - نرم خوئی
  - حافظت حیثیت شوهر بودن در غیاب او
  - عیب پوش بودن
  - دوشیزه بودن
  - آرامش نیافتن زن مگر با جلب رضایت شوهر در هنگام عصیانیت او

## فصوصیات زن ایده آل

- عدم بر خورداری از صفات**
- متکی به زیبایی
  - وابستگی و فخر فروشی به مال پدر
  - مد پرست
  - متکی و وابسته
  - چاه طلب
  - نازنا بودن
  - کثیف بودن
  - لجباز و نافرمان بودن
  - حقیر در چشم فامیل و عزیز در نظر خودش
  - سرکشی نسبت به شوهر و رام و تسلیم نسبت به دیگران بودن





گفتار ۴ چهارم /  
آداب خواستگاری



از اساسی‌ترین مباحث ازدواج در بخش انتخاب همسر، مجالس خواستگاری و آداب آن است. اگر جوانان عزیز در چگونگی و آداب خواستگاری دقت لازم را نداشته باشند، چه بسا به دلیل عدم رعایت یک مسأله‌ی بسیار کوچک موفق به انتخاب مناسب خود نشوند و با وجود اینکه فرد مورد نظر خود را یافته‌اند و تمام شرایط یک همسر ایده‌آل را در آن مجسم دیده‌اند، به دلیل روش غیرمتعارف، آن فرد را از دست بدهند. و چه بسا به عکس مورد ذکر شده، فردی نامناسب و ناشایست که خود را فردی مناسب جلوه دهد، در پیش دختر و یا پسر جوان خوب قلمداد شود و ازدواج نامناسبی صورت گیرد و به دنبال آن، مشکلات متعدّد نه تنها برای آن دو که برای خانواده و حتی فامیل طرفین بوجود آید. از این رو، به مباحث این بخش توجه دقیقی داشته باشید تا با عمل نمودن به این آداب، به مطلوب خود دست یابید. ان شاء الله.

## ع-۱ جایگاه قلب و عقل در انتخاب

اولین مسأله‌ی مهم در آداب خواستگاری این است که بدانیم در انتخاب همسر، انتخابگر اصلی در وجود ما کیست؟ یعنی مشخص شود که آیا «قلب» انسان تصمیم می‌گیرد یا «عقل»؟ اگر جایگاه عقل و قلب در تصمیم‌گیری در انتخاب همسر تبیین شود، آداب آن براحتی مشخص خواهد شد. به تناسب پاسخ به این سؤال، آداب متفاوتی در برابر ما جلوه می‌نماید.

عموماً پاسخ می‌دهند عقل تصمیم‌گیرنده است و اغلب ما چنین ادعایی داریم که باید عقل تصمیم بگیرد؛ اما در عمل تصمیم‌گیرنده قلب است. یعنی در مقام ادعا عموماً بر عقل تأکید می‌ورزند ولی در عمل، تابع حکم قلب خود هستند و بین این واقعیت و آن حقیقت تفاوت دیده می‌شود.

نظر ما به عکس دیدگاه و ادعای عموم، تأکید بر تکیه نمودن به حکم قلب است. زیرا در حقیقت تصمیم‌گیرنده‌ی واقعی در مسأله‌ی ازدواج قلب است. چنانکه بر روی کارت‌های ازدواج نیز تصویر دو قلب صنوبری که به هم پیوند خورده‌اند دیده می‌شود. هیچگاه بر روی کارت‌های دعوت عقد و عروسی، شاهد نبوده‌ایم که دو مغز را به هم بچسبانند و بنویسند پیوندتان مبارک! زیرا ازدواج پیوند قلب‌هاست نه مغزها. بنابراین قلب‌ها باید با هم سنخیت داشته باشند. از این رو، باصراحت و بی‌پرده خطاب ما به جوانان این است که باید ببینید دلتان چه می‌گوید. بدون هیچ تردیدی همسری را انتخاب کنید که دل شما آن را برمی‌گزیند.

ریاست و فرماندهی ازدواج با دل است. اما یک اصل مدیریتی را نباید از نظر دور کنیم و آن اینکه مدیرانی موفق هستند که در کنار خود، کارشناسانی آگاه را به کار بگمارند. یعنی مدیران موفق قبل از اقدام به هر کاری و فرمانی و اظهار نظری باید به کارشناسان خود فرصت بدهند تا آنان نظر کارشناسی خود را اعلام دارند و کارشناسان بدون اینکه نگران نظر مدیر باشند و از نظر مدیر اطلاع داشته باشند، با

خیال آسوده کارشناسی خود را انجام دهند، نتایج آن را به مدیر ارائه دهند و محاسن، معایب، کیفیت و کمیت پروژهی مورد نظر را گزارش دهند. سپس مدیر با آگاهی از تمام نکات مؤثر در موضوع، تصمیم بگیرد که پروژه انجام شود یا دستور به توقف آن دهد. در امر ازدواج نیز قبل از هر گونه تصمیم و گزارشی، قلب باید از کارشناس ویژه خود - یعنی عقل - کار کارشناسی طلب کند، زیرا خداوند عقل را به عنوان کارشناس عالی رتبه در وجود انسان نهاده است.

در فرایند ازدواج ابتدا عقل باید با خیال آسوده و بدون هیچ آشفتگی خاطر فرصت اظهار نظر پیدا کند. عقل باید فارغ از نگرانی دل و شوقی که در دل ایجاد شده یا نفرتی که در دل بوجود آمده است، شروع به شناسایی نقاط ضعف و قوت فرد مورد نظر نماید و در این امر باید نظرات کارشناسان دیگر مانند پدر و مادر، مشاوران امین و معرف‌های مطمئن را جمع‌بندی کند. پس از آنکه عقل گزارش‌ها و اطلاعات خود را آماده ساخت، قلب وارد میدان می‌شود و با توجه به نظریات کارشناسانه‌ی عقل، در نهایت اعلام نظر می‌کند که او را پذیرفته است یا نه.

اگر با توجه به اوصاف فرد مورد نظر و آگاهی بخشی‌های عقل، آن فرد به دل نشست، پاسخ روشن است و نباید آن ازدواج صورت گیرد. اما نکته‌ی اساسی در اینجاست که دل باید حرف آخر را بزند، نه حرف اول را. مدیرانی که حرف آخر را می‌زنند موفقند؛ نه اینکه از اول یک حرف را بزنند و تا آخر بر آن پافشاری داشته باشند.

### ۲-۴ دلدادگی

تعلق خاطر و دل بستگی و دلدادگی دل، تصمیم‌گیری آن را مشکل و نسنجیده می‌کند. بهتر این است که فرد اظهار نظر افراد مختلف را بشنود و در نهایت - با آگاهی از آن اظهار نظرها - خود تصمیم بگیرد. بنابراین، توصیه می‌شود جوانان عزیز در آخر کار آن چیزی را بگویند که دلشان می‌گوید. نمی‌گوییم مخالف دلشان عمل کنند؛ باید کسی را به همسری انتخاب کنند که دل به او بسته‌اند.

به جوانان عزیز می‌گوییم فقط با کسی ازدواج کنید که دلتان می‌گوید. اما قبل از اینکه کسی را به خانه‌ی دل خود راه دهید، از پنجره‌ی عقل تمام منظره‌ها را نظاره کنید تا بهترین‌ها را پس از تجزیه و تحلیل برگزینید و در نهایت به زیباترین‌ها دل ببندید. اگر دلدادگی پشتوانه‌ی معرفتی و عقلانی داشته باشد، پایدار می‌ماند ولی چنانچه دل به سمت کسی رفت بدون اینکه پشتوانه‌ی فکری و معرفتی در کار باشد، حرف خود را می‌زند و این احساس است و احساس زودگذر است. و همین امر باعث کاهش رضایتمندی طرفین پس از ازدواج و ازدیاد طلاق‌ها می‌شود. البته ذکر این نکته ضروری است که در آمارها تعداد طلاق‌ها اغراق‌آمیز است. لیکن زشت بودن امر طلاق در فرهنگ دینی تعداد اندک طلاق را هم زیاد جلوه می‌دهد و گرنه تعداد طلاق‌ها بیش‌تر از ازدواج‌ها نیست. و چنانکه گفتیم یک طلاق هم زیاد است. گاهی امر طلاق ثبت نمی‌شود ولی عملاً طلاق عاطفی بر خانواده‌ها حاکم می‌گردد و میزان رضایتمندی پس از ازدواج کاهش می‌یابد و این امر، از انتخاب بر مبنای هوس ناشی می‌شود. بسیاری از مشکلات پس از ازدواج، از همین دل‌باختگی‌های به قول مولانا رنگی ناشی می‌شود:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود      عشق نبود عاقبت ننگی بود

علاقه‌هایی که قبل از ازدواج ایجاد می‌شود، نقش یک کاتالیزور را دارد. در علم شیمی کاتالیزور در اصل پیوند اثری ندارد؛ در تسریع پیوند اثر دارد.

علاقه‌های قبل از ازدواج، نقش چاشنی سلاح نظامی مانند خمپاره یا توپ را دارد که مسافت پرتاب گلوله را - با مواد منفجره که زود مشتعل می‌شود - شدت می‌بخشد ولی انهدامی در قبضه‌ی سلاح ایجاد نمی‌کند. این مواد اشتعال‌زا در انفجار اصلی خمپاره یا توپ تأثیری ندارد و تنها کاری که انجام می‌دهد، موجب می‌شود گلوله‌ی توپ یا خمپاره با شتاب از دهانه‌ی قبضه‌ی سلاح خارج شود و به سوی هدف پرتاب گردد. این مواد اشتعال‌زا را خرج کمکی می‌گویند و خرج اصلی مواد منفجره‌ای است که پس از اصابت گلوله‌ی خمپاره یا توپ به هدف موجب انفجار می‌گردد و محل



اصابت را منهدم می‌سازد و ترکش‌های آن موجب تخریب اماکن و وسایل و کشته شدن نفرات می‌گردد. گاهی دیده می‌شود گلوله‌ی خمپاره، آر. پی. جی، یا توپ به محلّی اصابت کرده است ولی منهدم نشده است. دلیلش این است که آن چاشنی و خرج اصلی عمل نکرده است.

علاقه‌های بوجود آمده از هوس که معمولاً قبل از ازدواج نمونه‌ی فراوان دارد، حکم همان خرج کمکی را دارد که گلوله را از قبضه‌ی سلاح به سوی هدف پرتاب می‌کند، ولی مأموریت زندگی را به پایان نمی‌رساند و تداوم نمی‌بخشد.

این عشق و علاقه‌ها موجب شکل گرفتن ازدواج می‌شود لیکن در ادامه‌ی مسیر، طرفین را دچار مشکلات متعدّد می‌سازد. زیرا محور علاقه‌های پیش از ازدواج با حقایق زندگی همخوان نیست و با به سردی گراییدن آتش عشق، زندگی شیرینی و گرمی خود را از دست می‌دهد و مشکلات، بیش‌تر جلوه می‌نماید. اگر شما در انتخاب همسران زیباترین دختر و یا جذاب‌ترین پسر را برگزیده باشید، تمام این عنوان‌ها و ابهت‌ها و زیبایی‌ها چند ماه پس از ازدواج رنگ می‌بازد و فروکش می‌کند. در این مرحله است که باید خرج اصلی با اصابت گلوله به زمین هدف و ضربه به چاشنی آن عمل نماید. و عشق حقیقی غم و اندوه و مشکلات را منهدم سازد تا این دو جوان بتوانند به زندگی خود با آرامش ادامه دهند.

گاه می‌بینیم فردی با اینکه همسرش بسیار زیباست و یا شوهرش وجاهت‌های اجتماعی و اعتبارات مختلف را داراست، اما دیگر نمی‌تواند به زندگی با او ادامه دهد. حال، چگونه می‌توانیم خاطر جمع شویم که این محبّت اولیه، عشق و محبّت مداوم زندگی را به همراه خواهد داشت؟ پاسخ این است که محبّت اصلی زمانی جلوه می‌نماید که سنخیت، تطابق فرهنگی و خانوادگی که قبلاً سخنی در مورد آن گفتیم، در طرفین موجود باشد.

از این رو، توصیه می‌کنیم همیشه عقل را مقدّم بر قلب در نظر داشته باشید؛ یعنی عقل حرف اوّل را به عنوان کارشناس بزند و قضاوت آخر را قلب به عنوان حرف آخر بیان کند.

بر این اساس، آداب خواستگاری باید به نحوی تنظیم شود که عوامل تحریک‌کننده‌ی قلب در آخر قرار گیرد؛ نه در ابتدا خواهان دیدار یکدیگر و گفتگو با هم باشند. عقل می‌گوید: در ابتدا ببینید از نظر تفکر با هم سنخیت دارید یا ندارید؟ سپس نوبت به محبت می‌رسد که پس از تأیید عقل اگر محبت وارد میدان شد، هر چه رابطه نزدیک‌تر شود، محبت بیش‌تر می‌شود و زندگی شما قوام و پایداری بیش‌تری دارد.

### ۴-۳ آشنایی‌های مستقیم

امروزه انواع و اقسام آشنایی‌ها بین دختران و پسران جهت ازدواج دیده می‌شود که در این بخش به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

### ۴-۳-۱ غلبه‌ی احساسات در آشنایی‌های مستقیم

نباید شور و حال آشنایی بر تعقل غلبه پیدا کند و احساسات بر اصل شناسایی مقدم شود. متأسفانه این آداب در خواستگاری‌ها رعایت نمی‌شود و خواستگاری‌هایی که اکنون بین جوانان متداول شده است، سنگی معلق در هواست. در خواستگاری‌های مستقیم که جوانی از جوان دیگر در پی یک دیدار سطحی و دلباختگی ذهنی انجام می‌دهد و در پی سه جلسه گفتگو با هم خودمانی می‌شوند و می‌گویند اگر به تفاهم رسیدیم بعداً با خانواده‌ها در میان می‌گذاریم، وقتی از آن جوان می‌پرسیم: چرا اینگونه عمل می‌کنی؟ می‌گوید: می‌خواهم طرف را بشناسم. گاه شاهد هستیم که با هم صحبت مستقیم نمی‌کنند؛ اما بنحوی در یک پروژه با هم همکاری می‌شوند و یک ارتباط کاری و عاطفی با هم پیدا می‌کنند و به بهانه‌ی آن با هم رفت و آمد پیدا می‌کنند.

هر چند رفت و آمدهای جوان به نیت شناخت طرف مقابل انجام می‌شود، اما نتیجه‌ی کار برعکس می‌گردد. یعنی در این ارتباطات قبل از اینکه شناسایی انجام شود، دلباختگی ایجاد می‌شود و دلباختگی و عاشقی مانع از شناسایی است؛ همانطور

که می‌فرماید: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمَى وَ يَصِمُّ»؛<sup>۱</sup> علاقه به چیزی انسان را کور و کر می‌کند، یعنی مانع از شناخت دقیق نسبت به نکات منفی آن می‌شود.

### ع-۳-۲ تأثیر روان ناخودآگاه در تعلق زن و مرد

جنس زن و مرد اگر با هم به هر عنوان ارتباط پیدا کنند، چه ارتباط کاری و چه فرهنگی، بطور ناخودآگاه به هم وابسته می‌شوند. روانشناسان اصطلاحی دارند به نام روان «ناخودآگاه». بخشی از روان، «خودآگاه» است و بخشی دیگر «ناخودآگاه». بی‌مناسبت نیست پیرامون اصطلاح «ناخودآگاه» مقداری تأمل کنیم؛ زیرا بسیاری از آن غفلت داریم و چنانکه از نامش پیداست ذاتاً بنحوی است که باید از آن غفلت داشته باشیم. در حافظه‌ی ما چیزهایی ضبط می‌شود و در روح ما اثر می‌گذارد. آن چیزها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای از آن‌ها را با آگاهی و توجه در حافظه جا می‌دهیم؛ مثلاً کتاب می‌خوانیم و مطالب آن را به خاطر می‌سپاریم و یا سخنان سخنرانی را می‌شنویم و در حافظه ضبط می‌کنیم. در این بخش هر آنچه با روح ما تطابق داشته باشد و آن را بپذیریم، در ذهن انباشته می‌کنیم و اگر آن را نپذیریم، از خاطر می‌بریم. دسته‌ی دوم چیزهایی است که ناخودآگاه بدون اینکه نیت انتخاب داشته باشیم، در ذهن خود انباشته می‌کنیم. به عنوان مثال اگر شما در جلسات سخنرانی شخصیتی حضور پیدا کنید و بادقت سخنان و مباحث او را به خاطر بسپارید و آن سخنران در حین بحث خود حرکاتی را با دست یا صورت و ایما و اشاره برای تفهیم مباحث خود انجام دهد، هر چند شما به آن حرکات و اشارات توجهی مستقیم و آگاهانه ندارید، بطور غیرارادی و به اصطلاح روانشناسان ناخودآگاه از آن حرکات تأثیر می‌پذیرید و در گفتگو با دیگران بدون اینکه تعمد داشته باشید، از آن حرکات و اشارات بهره می‌گیرید. این، همان ضمیر «ناخودآگاه» است.

روانشناسان معتقدند بخش ناخودآگاه روان ما بسیار بزرگ‌تر و بیش‌تر از بخش

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰

خودآگاه ماست. آن‌ها مثال کوه‌های یخی که در دریا شناورند را مطرح می‌کنند که قسمتی اندک از آن از آب بیرون و قابل مشاهده است. ناخدایان باتجربه با دیدن این کوه‌های یخی وحشت می‌کنند؛ زیرا اگر کشتی با آن‌ها برخورد کند، منهدم می‌شود و دست کم صدمه‌ی سنگینی می‌بیند. ما اگر یکی از سرنشینان این کشتی باشیم، از وحشت ناخدا تعجب می‌کنیم ولی ناخدا می‌داند در زیر قطعه یخی که می‌بیند، یک کوه یخ عظیم قرار دارد. روانشناسان از آن قسمت عمده‌ی زیر آب به ضمیر ناخودآگاه تعبیر می‌کنند. از آنجا که ما غفلت داریم، خطرناک است یعنی ضمیر ناخودآگاه ما داوری برای انتخاب ندارد. چه بخواهیم و چه نخواهیم انتخاب می‌کنیم. شما سخنان یک سخنران را می‌شنوید و بخشی را می‌پذیرید و بخشی را رد می‌کنید. اما بدون اینکه دقت داشته باشید، حرکات و رفتارهای آن سخنران را کاملاً می‌پذیرید و تقلید می‌کنید؛ بدون اینکه حتی علاقه به آن داشته باشید.

در فرآیند خواستگاری‌هایی که دختران و پسران به طور مستقیم انجام می‌دهند به این انگیزه که این ارتباط مقدمه‌ای برای شناسایی بهتر یکدیگر می‌باشد، هر چند ظاهراً حرف قابل دفاعی است، اما ناخودآگاه در حال رد و بدل کردن محبت به یکدیگر هستند. کار به جایی می‌رسد که پس از چند جلسه رفت و آمد ناگهان متوجه می‌شوید به او بسیار دلبسته و وابسته شده‌اید و بطور قطع هم تصمیم گرفته‌اید با او ازدواج کنید - هر چند اطلاعات اولیه حکایت از ظاهری منفی داشته باشد - مثلاً بدانید خانواده‌های شما با یکدیگر سنخیت ندارند ولی رشته‌های محبت بین شما چنان در هم تنیده شده است که آن اطلاعات را نادیده می‌گیرید و این از مواردی است که پیش از نظر کارشناس (عقل) دل تصمیم گرفته؛ در حالی که از حقایق غافل بوده است. از این رو، خواستگاری را باید پس از کارشناسی‌های عقل انجام دهیم تا در دام رشته‌های محبت ظاهری و هوس‌انگیز گرفتار نشویم.

با علاقمندی و به عبارت صحیح‌تر علاقه‌بندی که خود را در بند علاقه گرفتار می‌سازیم، بسیاری از عیوب را نمی‌بینیم و گاه عیوب را زیبا می‌بینیم. آدم دلباخته

دیگر حرف کسی را نمی‌پذیرد و حقایق را نمی‌بیند.

### ۴-۳-۳ شیوهی برخورد با آشنایی‌های مستقیم

- دلیلی که باعث آشنایی شما با فرد مقابل شده است، نمی‌تواند به تنهایی اساس خوبی برای شناخت‌های بعدی باشد.

- اگر در دانشگاه، یا بین فامیل و یا همسایگان فردی توجه ما را جلب کرد باید چه کنیم؟ باید:

۱- برای اینکه وابستگی ایجاد نشود، احساس خود را به هیچ صورتی بروز ندهید. (وابستگی یعنی حتی عیب‌های او را می‌بینید ولی نمی‌توانید از او دل بکنید و آن وقت است که واقعاً به دردسر می‌افتید).

۲- برای حفظ حرمت‌ها و همچنین احساسی نشدن مستقیماً با هم گفتگو نکنید.

۳- چون ممکن است خودش را غیر واقعی یعنی آن طوری که شما می‌خواهید نشان بدهد، هیچ پیشنهادی به او ندهید.

۴- خودتان خوب می‌دانید که شناخت واقعی در نتیجه‌ی گفتگوها و تعاملات رسمی و به دور از احساس بوجود می‌آید، پس در این شرایط حتی گفتگوی جدی هم علاقه کاذب را به همراه خواهد داشت.

۵- امکان دارد که همان لحظه به طور هیجانی و بدون دلیل جواب رد بدهد ولی با خواستگاری رسمی این امکان احتمالش کمتر است.

۶- ممکن است خانواده‌ات فکر کنند که شما در اثر صحبت با او فریب خورده اید و اصلاً پیشنهادتان را جدی نگیرند.

۷- احساسات بدون کلام هم منتقل می‌شوند پس با کنترل نگاه و رفتار خود فعلاً احساسات را پوشیده نگه دارید.

۸- قبل از هر کاری از خدا کمک بخواهید و با توکل به خدا و مشورت با دیگران اول از درستی کار خود مطمئن شوید و سپس از شخص امین و با تجربه‌ای

درخواست کنید که با تحقیق مقدماتی او را به شما بشناساند.

- ۹- در صورتی که این آشنایی حتی منجر به خواستگاری هم نشود، فکر نکنید که شخص مورد نظر تنها کسی است که می‌تواند شما را خوشبخت کند. و به‌طور خاص در مورد دختران توصیه می‌شود:
- ۱- با جلوه دادن و خودنمایی نخواهید که او هم شما را انتخاب کند.
- ۲- برای اینکه حیا و شخصیت‌تان حفظ شود، به خود حتی این اجازه را ندهید چه با کلام و یا غیر کلام از خواسته‌ی شما مطلع گردد.
- ۳- جایی که می‌بینید او هم واقعاً به شما علاقه دارد و از گفتن خواسته‌اش به دلیل موقعیت خوب اجتماعی و اقتصادی می‌ترسد یا لاقلاً اگر شناخت پیدا کند، اقدام می‌کند، با واسطه قرار دادن یک شخص با تجربه و آگاه بخواهید که به‌طور غیر مستقیم شما را به هم معرفی کند.

### ۴-۳-۴ آشنایی از طریق چت کردن

- درست است که چت بدون تشریفات و قرار خواستگاری انجام می‌شود و حتی زحمت بیرون رفتن را هم به شما نمی‌دهد ولی:
- ۱- معمولاً کسانی چت را انتخاب می‌کنند که به دلایلی نمی‌خواهند دیده و کاملاً شناخته شوند.
  - ۲- در چت کردن فوق‌العاده احساسات دخیل است؛ چون هر دو دارید آرمانی همدیگر را در نظر می‌گیرید.
  - ۳- چت اعتیاد آور است و معلوم نیست پایان صحبت‌هایتان کی باشد.
  - ۴- چت را وقتی انتخاب کنید که چند جلسه با حضور خانواده گفتگو کرده باشید و فقط مواردی که در جلسه گفتگو چیزی را از یاد بردید و یا خجالت کشیدید با چت کردن بپرسید.
  - ۵- اگر آشنائی شما از ابتدا از طریق چت صورت گرفته توجه داشته باشید که

گفتگوی فیما بین تحت تأثیر فضای نسبتاً آزاد نه از حوزه ادب و عقل خارج گردد و نه ناخودآگاه در حوزه عواطف کنترل نشده وارد شود و به محض تشخیص یا احساس کفویت تداوم رابطه را در قالب خواستگاری یا دیدار رسمی تحت اطلاع و نظارت والدین و یا مشاور آگاه و مؤمن شکل دهید.

### ۴-۴ خواستگاری غیر مستقیم

در خواستگاری‌هایی که ارتباط غیرمستقیم و با واسطه است، مانع دلباختگی دیگر وجود نخواهد داشت. اگر مشاور امین در امر ازدواج و همسریابی انتخاب کنید، او دیگر احساساتی نیست و بر اساس معیارهای طرفین اقدام می‌کند. آن مشاور باید هم عاقل باشد و هم معیارهای همسر شایسته را برای شما شناخته باشد. مشاوره‌ای که با روحیات و خواسته‌های شما آشنایی داشته باشد، بر اساس عقل و تطبیق عاقلانه‌ی دو طرف، آنان را به هم معرفی می‌کند. مشاور امین نمی‌خواهد برای خودش همسر انتخاب کند؛ بنابراین خود دلباخته نیست و بهتر می‌تواند معیارهای عقلی را برای شما به کار بندد.

به وسیله‌ی معرف آشنا شدن، فوق العاده بار احساسی جلسه را کاهش می‌دهد؛ چون قبل از آن نه همدیگر را دیده‌اید و نه نسبت به هم احساسی داشته‌اید.

### ۴-۴-۱ خصوصیات مشاور و معرف

مشاور امین باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا در امر ازدواج شما را به خوبی یاری نماید. باید مشاوره‌ی را انتخاب نمود که شما را خوب بشناسد، با خُلقیات و روحیات شما کاملاً آشنا باشد. علاوه بر این باید بسیار سنجیده و پخته عمل کند. مشاور امین باید خود را به عنوان داوری بی‌طرف بداند. آشنایی داشتن با روحیات شما کافی نیست؛ او باید در نظر مشورتی خود انتخاب شما را کاملاً مورد توجه قرار دهد؛ نگوید من به معیار تو کاری ندارم، معیارهای تو را معیارهای مناسبی نمی‌دانم.

بنابراین، معیارهایی که خود برای ازدواج لازم می‌دانم، برای تو نیز در نظر می‌گیرم. مشاور باید با معیارهای اصلی آشنایی داشته باشد و بین معیارهای اساسی و منطقی در ازدواج با معیارهای اصلی و فرعی شما تناسبی برقرار کند و با مقایسه‌ی آن معیارها، در مورد معرفی همسر مناسب اقدام کند.

معرفی که آگاه به مسائل ازدواج و رازدار باشد، بهتر می‌تواند دو نفر را با هم آشنا کند و از این نظر خیال هر دو طرف کمی راحت‌تر است.

بدین ترتیب قبل از اینکه شما چشمتان به آن دختر یا پسر بیفتد و بخواهد کشش ایجاد شود، مشاور واسطه و فیلتری برای شناسایی می‌شود. مشاور می‌تواند تأکید کند شما باید با فرد مورد نظر او ازدواج کنید، مشاور قابل اعتمادی نیست. بنابراین مشاور نباید از وابستگی طرف مقابل باشد. مشاور به منزله‌ی چراغی است که نور افشانی می‌کند تا دو طرف از نقاط ضعف و قوت یکدیگر آگاه شوند.

از این رو، از مشاورانی که صرفاً با انگیزه‌ی شغلی به مشاوره می‌پردازند بپرهیزید. این نوع مشاوران مانند بنگاه‌داران املاک در پی تحقق معامله هستند. می‌خواهند وصلت صورت بگیرد تا درآمدی به آن‌ها برسد.

گاه یک مشاور امین کفایت نمی‌کند. باید از چند نفر افراد فهیم و معرف‌های مختلف برای انتخاب همسر مناسب یاری بگیرید و در یک جمله تأکید می‌شود از اینکه خود مستقیماً اقدام به انتخاب همسر کنید بر حذر باشید.

## ۴-۲- آشنایی از طریق عکس

از طریق عکس کسی را انتخاب نکنید؛ زیرا حالات و حرکات و صدای شخص در عکس مشخص نیست و تنها قیافه در نظر گرفته می‌شود.

ممکن است عکس را ببینید و نپسندید، ولی وقتی او را از نزدیک ببینید و با او حرف بزنید به دلتان بنشیند. و گاهی در مقابل وقتی او را بعد از عکسش می‌بینید جا می‌خورید؛ چرا که افراد می‌توانند خوش عکس یا بد عکس باشند و یا می‌توان با



فتوشاپ شکل را زیباتر از آنچه هست جلوه دهند.

## ۵- نکاتی در مورد انواع خواستگاری رسمی و غیررسمی

- در انتخاب همسر خود دقت کنید احساسی عمل کردن و کنار گذاشتن عقل به غیر از پشیمانی چیزی به همراه ندارد. عمدتاً آنها که احساسی ترند بیشتر مدعی این هستند که احساساتی عمل نمی‌کنند. بنابراین برای خاطر جمعی از این مسأله، باید دید آیا دیگران هم تأیید می‌کنند یا نه.

- به خاطر داشته باشیم که ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه وصلت دو خانواده با هم نیز هست؛ پس بدون حضور خانواده‌ها نمی‌توان انتظار ازدواج موفق در آینده داشت.

- با حضور خانواده‌تان در خواستگاری ضمن اعتبار بخشی به خود و خانواده‌تان و استفاده از تجارب خانواده از فریب و سوء استفاده نیز به دور خواهید بود.  
- در خواستگاری همراه با خانواده می‌توانید از مساعدت فکری، مالی و نظرات خیرخواهانه آنها نیز بهره‌مند شوی.

- چطور می‌خواهی بنای یک ازدواج همیشگی را با آشنایی به روش‌های غیررسمی مانند تلفن زدن، چت کردن، ایمیل فرستادن یا پیامک زدن تضمین و استوار کنی؟!

- در صورت مواجه شدن با تقاضای خواستگار از طریق واسطه بر خود مسلط باشید، سعی کنید با پرسیدن سؤالات اصلی، کلی و اجمالی بر اساس ملاک‌هایتان او را با احترام رد یا به خانواده‌ی خود ارجاع دهید. در پاسخ اولیه دادن، نه باید عجله کرد و متانت خود را از دست داد و نه باید معطل کرد و حرمت دیگران را در نظر نگرفت.  
- دختران عاقل و با فرهنگ در هنگام مواجه شدن با تقاضای خواستگار به‌طور مستقیم احساسی عمل نمی‌کنند و خواستگار را به خانواده‌ی خود ارجاع می‌دهند.  
- از آنجایی که یکی از اصول مهم در خواستگاری حفظ حیا و ارج گذاشتن به شخصیت دختر است، با خواستگاری‌های خیابانی این امر مهم نادیده گرفته می‌شود.

- ازدواج‌هایی که آغازش دوستی‌های خیابانی است، سرانجام خوبی ندارد و اغلب با طلاق پایان می‌پذیرد؛ زیرا که تصمیم‌گیری در این نوع آشنایی‌ها از روی هیجان و احساسات همراه با ندیده گرفتن معیارهای عقلانی است.

- شناخت در جریان خواستگاری جهت انتخاب صورت می‌گیرد؛ نه ارتباط. پس با جمله‌ی «می‌خواهم از او شناخت بیشتری بدست آورم» خود را نفریبیم و به ارتباط‌هایمان ادامه ندهیم.

- فراوان دیده‌ایم دختر جوانی را که خواستگاری‌اش بدون حضور خانواده انجام گرفته و به همین علت خواستگاران دیگر خود را رد کرده و مورد سرزنش دیگران واقع شده، در ضمن در طی مدت کمی نگرش پسر نیز نسبت به او تغییر کرده است. - در جایی که دسترسی به خانواده‌ها سخت یا غیر ممکن است یا خانواده صلاحیت کافی در این امر را ندارند (به علت‌های مختلفی از جمله طلاق، زندان، اعتیاد) می‌توان با هماهنگی و رضایت آن‌ها به همراه یک واسطه خواستگاری پسر از دختر صورت پذیرد. - خوب است بدانی در خواستگاری با حضور خانواده چندین نفر در شناخت تو از طرف مقابل و خانواده‌اش کمک می‌کنند.

- از پسری که بدون دلیل قانع کننده خانواده اش را در جلسه‌ی خواستگاری حضور ندهد، انتظار احترام گذاشتن به خودت و خانواده‌ات و پشتیبانی خانواده‌اش را از او نداشته باش.

- اگر در فامیل یا دوستان خانوادگی پسری را برای ازدواج با خود مناسب دیدی، این موضوع را به طور مستقیم با او در میان نگذار بلکه از فردی آگاه، خیرخواه و رازدار به عنوان واسطه کمک بگیر که به او پیشنهاد دهد که برای خواستگاری شما اقدام کند.

- دختری که اصرار داری پسری را خواستگاری کنی! مطمئنی حرمت حفظ می‌شود! مورد حمایت خانواده‌ی خود و طرف مقابل قرار می‌گیری! و مهم‌تر از همه در صورت شنیدن جواب رد احساس شکست و افسردگی پیدا نمی‌کنی؟!

## ع-۶ مجلس خواستگاری

یکی دیگر از مباحث آداب خواستگاری، مجلس خواستگاری است. چنانکه در مباحث پیشین اشاره نمودیم، گاهی دانشجویان عزیز ترجیح می‌دهند خواستگاری در محل دانشگاه انجام گیرد و علت آن را در دسرهای مسافرت خانواده‌ها مطرح می‌کنند و گاه جوانان غیردانشجو نیز علاقه دارند در دفاتر مشاوره جلسه‌ی خواستگاری را انجام دهند که مشکلات و دردسرهای رفت و آمد به خانه‌ی طرفین نباشد و برای این نظر خود استدلال‌های گوناگونی دارند؛ مثلاً خانواده‌ی دختر استدلال‌شان این است که اگر خواستگاری در منزل انجام گیرد و با موفقیت همراه نباشد، بازتاب خوبی در محل ندارد و یا پسر می‌گوید: پدر و مادر من خجالت می‌کشند به خانه‌ی دختر بیایند. یا می‌گوید: من خجالت می‌کشم به خانه‌ی شما بیایم.

این دلایل، دلایل پسندیده‌ای نیست. چنانکه پیش از این نیز اشاره نمودیم، خواستگاری باید در محل زندگی فرد انجام پذیرد. برای این نظر دلایل متعدّد وجود دارد: محیط خانه ما را با فرهنگ و حالات و نظریات طرف مقابل و خانواده‌اش آشنا می‌کند. دکوراسیون خانه، آراستگی و تزیینات و نیز تابلوهایی که در اتاق نصب است و کتاب‌هایی که در کتابخانه وجود دارد، معرفّ شخص مخاطب ماست. حتّی گفتار کودکانی که در حیاط منزل مشغول بازی هستند، می‌تواند شناخت بهتری از همسر آینده‌ی ما ارائه دهد. محیط خانواده شناخت خوبی از وضعیت معیشتی فرد در اختیار ما می‌گذارد. اگر دختر خانم اتاقی اختصاصی در منزل دارد و صحبت‌های دو نفری قرار شد در آن اتاق انجام گیرد، تصویری که بر دیوار اتاق نصب شده و کتاب‌های در قفسه می‌تواند بیانگر حالات روحی دختر باشد.

یکی دو جلسه که گفتگوها در منزل پدری دختر خانم انجام شد، خانواده‌ی دختر نیز می‌توانند پیشنهاد دهند به منظور بازدید، جلسه‌ی سوم یا چهارم در منزل پسر انجام شود و دختر نیز با دیدن فضای خانه‌ی پسر بسیاری از اطلاعات را به دست آورد.

بارها دیده شده وقتی دختر خانمی پس از عقد به منزل پسر رفته، شگفت‌زده شده است؛ زیرا محیط منزل آن‌ها را کاملاً با آنچه در ذهن ترسیم کرده بود، متفاوت می‌بیند. باید این بازدید زودتر از انتخاب انجام شود.

## ۷-۴ نکاتی در مورد آداب خواستگاری

- طبق سخنان پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بهترین روز جهت خواستگاری روز جمعه و در ساعات بعد از ظهر می‌باشد و بهتر است در زمانی که قمر در عقرب است برگزار نشود.

- برای به‌دست آوردن آرامش قبل از خواستگاری دو رکعت نماز طلب خیر بخوانید و دعا کنید که آنچه خیر و صلاحتان است برای شما پیش آید.

- از آنجایی که اولین دیدارها همیشه در اذهان می‌ماند، رعایت پاکیزگی و مرتب و منظم بودن بسیار مهم است.

- جلسه‌ی اول خواستگاری را در خانه‌ی عروس برگزار کنید؛ نه جای دیگر مانند خانه‌ی اقوام و محیط‌هایی مثل پارک؛ زیرا محیط خانه آرامش بیشتر و شناخت کامل‌تری را به دنبال دارد.

- برای جلسات اول بهتر است کسی غیر از خانواده نباشد و اقوام خبردار نشوند و در زمانی باشد که خانه خیلی شلوغ نیست تا تمرکز بیشتری بوجود آید، همچنین طبق روایات خواستگاری باید پنهان بماند.

- چرا باید به فکر اجاره کردن خانه‌ی بهتر یا استفاده از خانه‌ی اقوام برای جلسه‌ی خواستگاری باشید؛ در صورتی که بعداً شما را در خانه‌ی خود خواهد دید.

- همراهی والدین و یا شخصی امین و باتجربه که حضور او کمک زیادی به امر خواستگاری می‌کند، لازم است.

- برایتان مهم نباشد که چند نوع میوه خریداری شود، بلکه سعی کنید با زیبا چیدن آنها و پاکیزگی و زیبا آراستن سالن پذیرایی، محیطی دلپذیر ایجاد کنید.

- از پوشیدن لباس‌های تنگ به خاطر راحت نبودن و لباس‌های پر زرق و برق به خاطر اینکه جلب توجه می‌کند و تمرکز را به هم می‌زند، اجتناب کنید.
- تا وقتی می‌شود در حضور هم با یکدیگر گفتگو کنیم، چرا با استفاده از وسایلی چون تلفن و چت کردن خود را از دیدن حالات و حرکات و نحوه‌ی صحبت کردن همدیگر محروم کنیم!؟
- پوشاندن عیوب صورت با آرایش کار عاقلانه‌ای نیست؛ عبور از مرحله‌ی اول را سریع ولی موانع بعدی را بیشتر و سخت‌تر می‌کند.
- برای دستیابی به شناخت بیشتر از خانواده‌ی پسر و آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم و موقعیت اقتصادی آنها، جلسه یا جلساتی از گفتگوها را در منزل پسر برگزار کنید.
- پسندیدن یک فرد با یک نگاه اشتباه است، بلکه دیدن حالات و حرکات و نحوه‌ی برخوردها و گفتگوهای او حتماً لازم است.
- اگر در نگاه اول از قیافه‌اش خوشتان نیامد، ولی متنفر هم نبودید، با او به گفتگو بپردازید شاید نظرتان عوض شود.
- اگر نمی‌دانید که در گفتگوهایتان چه موضوعاتی را و چگونه مطرح کنید، یک شخص با تجربه و امین از دوستان یا اقوام یا یک مشاور خوب می‌تواند کمک زیادی به شما بکند.
- آنچه که واقعاً هستید را بیان کنید؛ نه آنچه در آرزوهای خود می‌اندیشید؛ مگر آنکه تأکید کنید این‌ها آن چیزی است که دوست دارم باشم ولی الآن نیستم و وعده‌های دروغ به طرف مقابلتان ندهید.
- خواستگاری زمان ابراز احساسات و محبت به یکدیگر نیست؛ زیرا هنوز تصمیمی گرفته نشده و به هم محرم نشده اید و معلوم نیست که شما شریک زندگی هم بشوید.
- دسته گلی که پسر در خواستگاری همراه خود می‌آورد، علاوه بر اینکه جزء آداب و رسوم خواستگاری است، نشانه‌ی لطف و صمیمیت و اهمیت دادن او به موضوع خواستگاری است پس بیش‌تر به زیبایی آن اهمیت دهید تا قیمت آن.

- جذب قیافه‌ی آراسته و کلام زیبای او نشو و شتاب زده تصمیم نگیر.
- به جای آنکه خود را این قدر برای بهتر نشان دادن وسایل و ظواهر مکان خواستگاری به زحمت بیندازیم، سعی کنیم بیشتر از آن برای گفتگوها و شناخت دقیق از هم آماده شویم.
- چنانچه در خلال جلسات احساس کردید او اصلاً به شما نمی‌خورد، نباید جلسات را ادامه دهید؛ چرا که از طرفی ممکن است باعث دل بستگی شود و از طرف دیگر «نه» گفتن را سخت و باعث ضربه به طرف مقابل می‌شود.
- در صورتی که طرف مقابلتان را نپسندیدید، بهتر است شما و خانواده‌تان به خوبی و با احترام جلسه را به پایان برسانید.
- رابطه فامیلی و صمیمیت بین خانواده‌ها یا آشنایی‌های محیط کار و تحصیل شما را از گفتگوی مستقیم و تحقیق دقیق بی‌نیاز نمی‌کند و برای یک تصمیم درست کافی نیست.
- اگر فکر می‌کنید هنوز وقت لازم دارید که او را بشناسید جلسات را ادامه دهید. همچنین می‌توانید با اطلاع و نظارت خانواده ادامه مباحث را تلفنی یا اینترنتی یا حتی خارج از منزل داشته باشید.
- در مواردی که خانواده‌ها در شهر یا کشورهای متفاوت زندگی می‌کنند و امکان رفت و آمد آنها به خانه همدیگر کم است، برای ادامه گفتگوها می‌توانند از تلفن یا نامه استفاده کنند.
- نتیجه حضور خانواده‌ها در جلسه خواستگاری احساس ارزشمندی و اطمینان خاطر بیشتر و قوت قلب دختر و پسر است.
- جلسه اول گفتگو مقدمه آشنایی است و زمینه آشنایی دو طرف را فراهم می‌کند. برای شناخت کامل و انتخاب صحیح گفتگوهای بیشتر و جلسات متعدد لازم است.
- جلسه‌ی گفتگو فرصتی برای شناخت یکدیگر است و ورود احساسات، جلسه را از شناخت عاقلانه دور می‌کند. حتی اگر این احساسات معنوی باشد؛ مثلاً بخواهید

با هم بحث عرفانی نکنید.

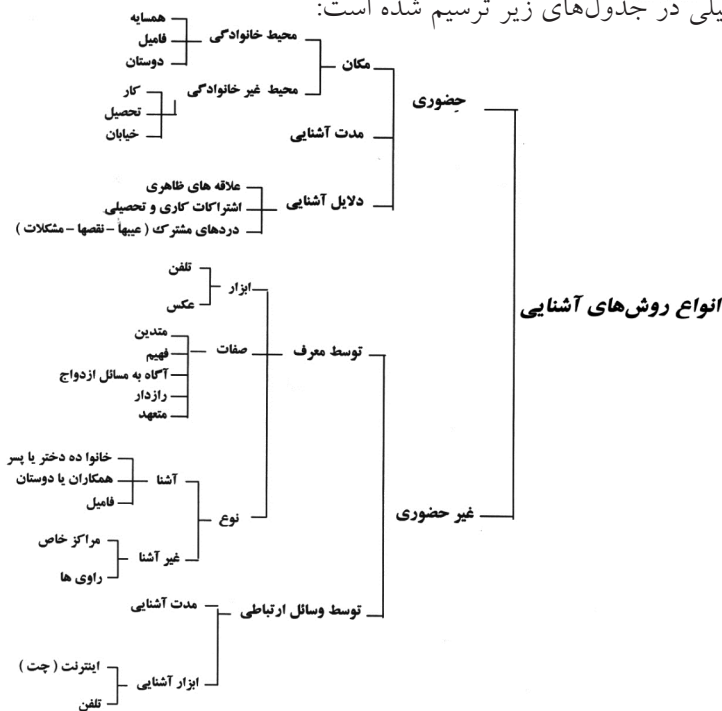
اگر خانواده در مورد دختر یا پسری که برای ازدواج انتخاب کرده‌ای مخالفت می‌کنند، چنانچه دلیل قانع‌کننده‌ای داری سعی کن با احترام آنها را قانع کنی یا از کسانی کمک بگیری که با صحبت‌هایشان روی آنها تاثیر می‌گذارند. اما اگر نتیجه‌ای نگرفتی بهتر است حرف آنها را قبول کنی شاید خداوند خیر تو را در جای دیگر قرار داده باشد.

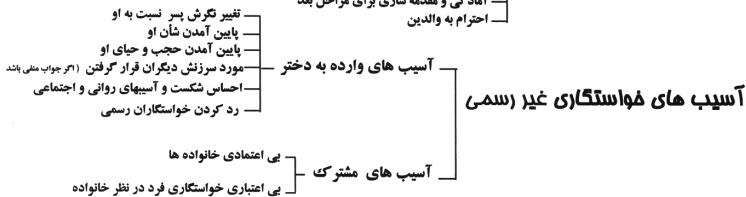
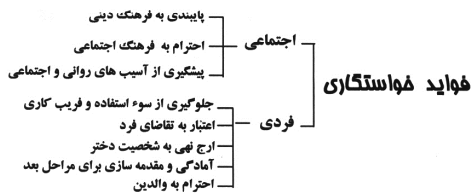
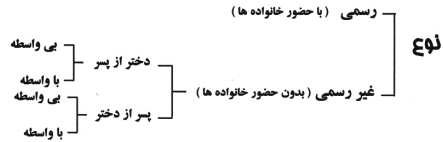
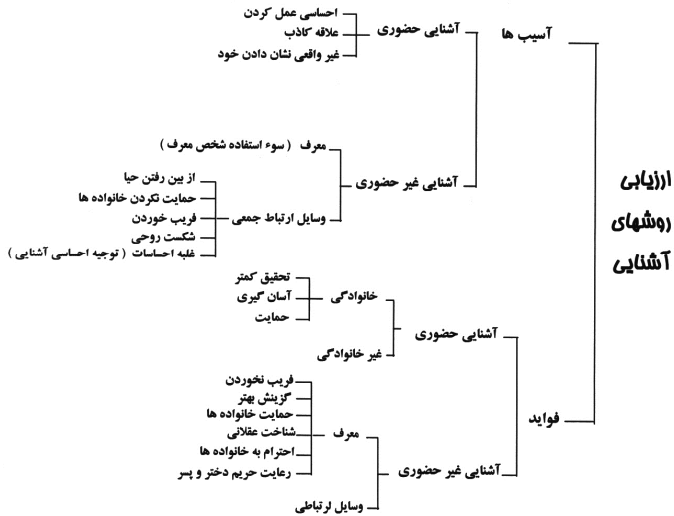
در هر صورت مواظب باش کار به لجبازی و بگو و مگو نکشد و ارزش‌ها و معیارهای پدر و مادرتان را مورد استهزاء قرار ندهی.

## ۸-۴ نمودارهای روش‌های آشنایی و آداب خواستگاری

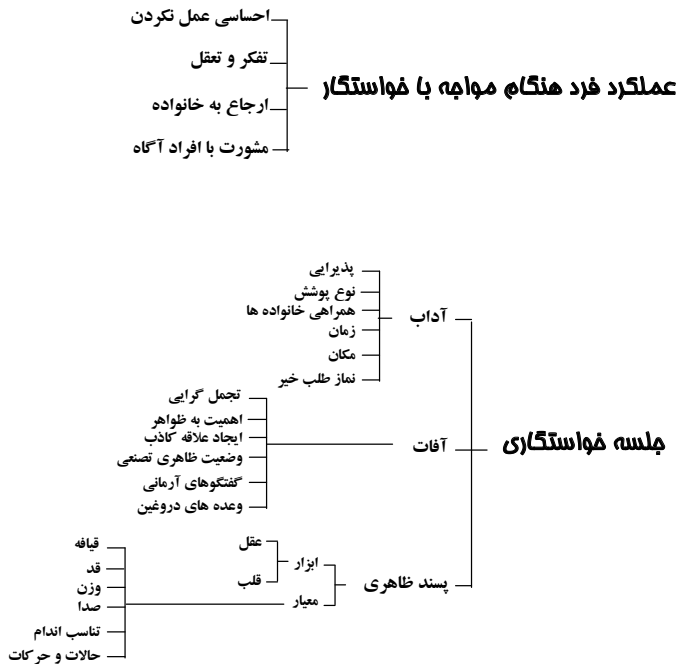
انواع روش‌های آشنایی، آسیب‌ها و فواید آن، انواع خواستگاری و آداب آن بطور

تفصیلی در جدول‌های زیر ترسیم شده است:









## ۹-۴ گفتگو

### ۹-۴-۱ گفتگوی خواستگاری را چگونه آغاز کنیم؟

در جلسات اول خواستگاری، باید پیرامون کلیات بحث شود. مثل اینکه:

چه چیز باعث شد شما به خواستگاری من بیایید؟

به شما چه گفتند که شما اجازه دادید من به خواستگاری شما بیایم؟

از او بخواهید اطلاعات اجمالی از خودش ارائه دهد. در این زمینه می توان اینگونه

سؤال کرد: از خودتان بگویید؟ منظور تحصیلاتتان، شغلتان، روحیاتتان، عقایدتان و

کارهایی که کرده‌اید؟ موضوعات کلی را از او بپرسید: هدفش از ازدواج؟ انتظاراتش

از همسر آینده؟ برنامه‌ی آینده‌ی زندگی‌ش؟ خصوصیات بارز شخصیت‌ش؟ در جلسه‌ی اول باید ظاهر یعنی صدا و سیما و حرکات او را برانداز و ارزیابی کنید. گاه برخی از جوانان قبل از آنکه بخواهند به خواستگاری فرد بروند، تقاضا می‌کنند عکسی از او را ببینند و یا می‌گویند در مکانی قبل از خواستگاری او را به من نشان بدهید. در این زمینه به آنان متذکر می‌شویم صدا و سیما و حرکات با همدیگر ظاهر فرد را می‌سازند نه به تنهایی.

در جلسه‌ی اول باید در حالی که او را می‌بینید، نحوه‌ی سخن گفتن او را ارزیابی کنید. نحوه‌ی ورود و خروج و کلام او را بسنجید. ببینید رفتارهای او و خانواده‌اش آیا مورد توجه شما قرار می‌گیرد یا زنده جلوه می‌کند.

در جلسه‌ی اول وارد مباحث جزئی ازدواج نشوید؛ مگر اینکه پیش از این اطلاعاتی از همسایه یا اقوام و آشنایان به دست آورده باشید. یعنی اگر قبل از خواستگاری در منزل جلساتی و گفتگوهایی در محیط دانشگاه، کار و یا محل فرهنگی دیگر داشته‌اید، دیگر این جلسه، جلسه‌ی اول خواستگاری به شمار نمی‌آید و باید مباحث جزئی را هم آغاز کنید.

اما چند نکته:

- جلسه‌ی گفتگو زمینه و فرصتی است برای محک زدن طرف مقابل. بهتر است همه‌ی امور واقعی و منطقی باشد تا انتخاب عاقلانه صورت گیرد.  
- در جلسه‌ی خواستگاری تمام حرکات، حالات چهره و برخوردهای افراد و خانواده در ارزیابی نهایی مؤثر است.

- جلسه‌ی اول جهت آشنایی است و به دلیل اینکه ممکن است احساس و هیجان غلبه کند، به همان اکتفا نکنید و در جلسات بعدی جدی تر گفتگو کنید. از طرف دیگر ممکن است چون علاقه ایجاد نشده صادقانه تر صحبت کنند.

## ۹-۲ استفاده از دیدگاه‌های خانواده پس از اولین جلسه

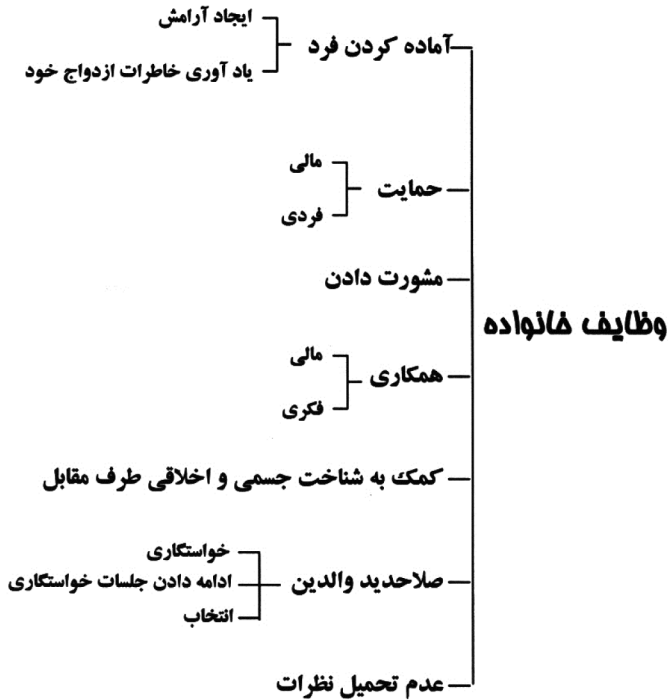
به جوانان توصیه می‌شود قبل از اینکه خود اظهار نظر کنند، اجازه دهند مادر و خواهر و کسانی که با شما در خواستگاری بوده‌اند اظهار نظر کنند. از آن‌ها نظرشان را به نحوی بپرسید. اگر شما قبل از آنان اظهار نظر کنید، آنان دیگر نظر موافق یا مخالف خود را ابراز نمی‌کنند. هر چند از نظر شرعی اشکالی ندارد که شما ابراز نظر کنید؛ اما ادب اقتضا می‌کند نظر آن‌ها را بر نظر خود مقدم بدانید.

وقتی از مادر می‌پرسید: آیا این دختر را پسندیدید یا نه؟ بطور مسلم مادر پاسخ می‌دهد: مادرم تو باید پسندی نه من. شما باید بگویید: ولی من می‌خواهم اول خاطر م جمع شود که نظر شما مساعد است تا بعد من به این دختر خانم فکر کنم.

در خواستگاری‌های مستقیم این اشکال اساسی دیده می‌شود که آن‌ها چندین مرحله جلو رفته‌اند، انتخاب خود را انجام داده‌اند و به هم وابسته و دلباخته شده‌اند و تازه می‌خواهند خانواده را وارد میدان کنند. از این رو، خانواده‌ها هر گونه اظهار نظری کنند و از مسأله‌ای پیرامون زندگی ایشان سؤال شود، حوصله‌شان سر می‌رود. این جوانان تصور می‌کنند با اظهار نظر خانواده و این پرسش از خانواده‌شان به مطلوب خود نمی‌رسند.

جوانان باید خانواده‌های خود را در این امر پیش‌قدم نمایند. به مادر بگویند به عنوان یک مشاور نظر خود را راجع به عروس آینده‌ی خود بگویند. آیا او را می‌پسندیدید یا نه؟ دختر خانم‌ها نیز نظر پدر و مادرشان را راجع به داماد جویند. همیشه سعی کنید در زندگی حرف آخر را شما بزنید. بگذارید ابتدا آنان اظهار نظر کنند. اگر در میان اظهار نظرشان نکات منفی را متذکر شدند، در مقابل آن سخنان سریعاً موضع‌گیری نکنید. اگر دیدید مشکلاتی که آنان مطرح می‌کنند چندان حاد و بغرنج نیست، به نحوی اجازه بگیرید که گفتگو در جلسه‌ی بعد ادامه یابد.

۳-۹-۴ نمودار وظایف خانواده



## ع-۹-۴ شیوهی گفتگوی دونفری

در جلسه‌ی دوم با توجه به سابقه‌ی آشنایی، مباحث جزئی‌تر پیگیری می‌شود و در این جلسه است که عروس و داماد می‌توانند یک گفت و شنود فردی هم با یکدیگر داشته باشند.

در این مرحله باید به پرسش‌ها و پاسخ‌ها با تأمل بیش‌تر بپردازیم. باید ببینیم چه سؤالاتی را و چگونه مطرح کنیم؟ و چگونه می‌توانیم به سؤالات آن‌ها اعتماد نماییم؟ در این مرحله باید دقت شود که اگر سؤالات از قبل تعیین شده و به طور کلیشه‌ای آماده شده باشد، این گفت و شنود حالت غیر طبیعی پیدا می‌کند؛ یعنی بر اساس مجالس معمول خواستگاری طرفین سؤالات خود را آماده کرده‌اند و هر یک سؤالات طرف مقابل را به طور کلیشه‌ای پاسخ می‌گویند.

قطعاً چنین پرسش‌هایی ما را به مطلوب خود نزدیک نمی‌سازد. این مصاحبه تصنعی می‌شود و با واقعیت انطباق نخواهد داشت. مصاحبه باید کاملاً طبیعی باشد. باید موضوعی کاملاً اتفاقی پیش کشیده شود و گفت و شنود از آن آغاز شود. به عنوان مثال، از یک مسأله‌ای که در جامعه رخ داده است و نوعاً همگان مطلع هستند شروع کنیم. اول نظر او را در این مسأله جویا شویم و بعد خود اظهار نظر کنیم مقصود اینکه، مقدمه‌ی گفتگو کاملاً عادی باشد. فضای مباحث را از قالب خواستگاری خارج کنید تا وضعیت کمی عادی شود و فرد مورد نظر ما بتواند خودش را تا حدودی نشان دهد و دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و... خود را ارائه دهد. متأسفانه در مجالس خواستگاری به مباحث جامعه‌شناختی که می‌تواند منشأ اختلافات آینده برای دختر و پسر باشد، کم‌تر توجه می‌شود. گاه پسر به دغدغه‌هایی فکر می‌کند که اصلاً دختر در فکر آن نیست و گاه نسبت به مباحثی بی‌تفاوت است که دختر کاملاً نسبت به آن مسأله حساسیت دارد.

### اما نکات اساسی:

- حرف‌هایتان را واضح و روشن بگویید، طوری که او منظور شما را متوجه شود و بتواند درست تصمیم‌گیری کند.
- توجه دقیق در رفتار، گفتار، ظاهر و عکس‌العمل فرد در مقابل سؤالاتی که از او می‌پرسید، شما را به شناخت بهتری می‌رساند.
- علاقه و حساسیت‌های خود را در مورد موضوعات مختلف در جلسه بیان کنید تا اختلاف نظرها مشخص شود.
- هدفتان از سؤال و جواب در گفتگو شناخت طرف مقابل برای انتخاب او باشد، نه بازجویی و تجسس در امور او. (حالت بازجویی یعنی نگاه و گفتار طوری باشد که او دست و پایش را گم کند).
- در مورد موضوعات مهم و اساسی طوری سؤال کنید که همه‌ی جوانب آن سنجیده شود و شما را به شناخت عمیق در مورد آن برساند.
- مهارت خوب گوش دادن در بین جوانان امروز کم‌تر رعایت می‌شود؛ چراکه عمده دغدغه‌ی افراد، خوب حرف زدن است؛ در حالی که در خواستگاری خوب گوش دادن مهم‌تر و لازم‌تر است.
- قبل از جواب دادن سؤالاتی که دارای مفاهیم متفاوت نزد افراد است، بهتر است به یک تعریف مشترک برسید؛ مفاهیمی چون قناعت، زهد و حتی اعتدال. گاهی سوء برداشتها و سوء تعبیرها از جملات طرفین باعث عدم شناخت صحیح فرد مقابل میشود.
- فضای گفتگوی دختر و پسر در جلسات خواستگاری با رعایت حریم و رعایت احترام متقابل و به دور از احساس باشد تا شناخت واقعی شما تحت تأثیر عوامل دیگر قرار نگیرد.
- خانواده‌ها فضای مناسب و زمان کافی در اختیار دختر و پسر برای گفتگو قرار دهند که قسمت عمده‌ی شناخت در همین گفتگوها حاصل می‌شود. این امر هیجانانگیز

- را کاسته و روال صحبت را منطقی تر می‌کند.
- اگر طرف مقابلتان اتاق جداگانه‌ای داشت، از او بخواهید در همان اتاق گفتگو کنید؛ زیرا نظم و چینش وسایل اتاق، فضای اتاق، تابلوها و کتاب‌ها همه پیام‌هایی دارد که می‌تواند شما را در شناخت او یاری دهد.
- در جواب دادن به سؤالات او تأمل کنید و شتاب‌زده جواب ندهید.
- جواب‌هایی که می‌دهد از این نظر که چگونه با سؤال شما برخورد می‌کند یا برداشت او از سؤال شما که نشان دهنده‌ی نوع بینش اوست، ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل را برای شما آشکار می‌کند.
- در جریان گفتگو راستگو و صادق باشید؛ اما خودمانی و خیلی راحت با هم برخورد نکنید. چون ممکن است وابستگی ایجاد کند و آن جوّ عقلانی و صادقانه را به فضایی احساسی تبدیل کند.
- هیچ‌گاه راحت صحبت کردن در جلسه را حمل بر آرامش داشتن با او در زندگی نگذارید. زیرا آرامش محصول تفاهم و صمیمیت‌هاست نه فقط راحت گفتگو کردن.
- طفره رفتن از پاسخ به سؤالات، هشدار برای شماس‌ت؛ زیرا مسائلی را ممکن است از شما پنهان کند که زندگی شما را یک عمر تحت تأثیر قرار دهد.
- بعد از طفره رفتن فرد از دادن پاسخ به سؤال، شما می‌توانید سؤال را به شکل دیگری از او بپرسید. در صورت جواب ندادن این روش به او بگویید: جواب سؤال خود را نگرفتم. در این شرایط باید از راه تحقیق به نتیجه برسید.
- شرایط شغلی خود را (قراردادی، ورشکستگی، مأموریت‌ها، رکود برای مشاغل آزاد و...) با فرد مقابل در میان بگذارید تا در صورت بروز مشکلات شغلی، طرف مقابل خود را از قبل برای مواجهه با آن آماده کرده باشد.
- توجه کنید که در دادن جواب سؤالات حتماً باید خودتان را در موقعیت سؤال قرار دهید و هیچگاه پدر، برادر، خواهر و مادران را با همسران در موقعیت قرار گرفته شده مقایسه نکنید؛ مثلاً وقتی او از شما می‌پرسد: اگر دیر آمدم چه عکس

العملی نشان می‌دهید؟ اگر مثلاً پدرتان دیر می‌آید، همسر را جای پدر قرار ندهید؛ زیرا در خانه شما تنها هستید و او همسر شماست!

به جواب‌ها خیلی دقت کنید؛ مثلاً کسی که در جواب سؤال «آیا از گذشته‌ی خود راضی هستید؟» می‌گوید: «از لحظه لحظه‌ی عمرم به خوبی استفاده کرده‌ام» و معنای خوبی را بگوید، با کسی که فقط از نظر اقتصادی و خوش بودن گذشته را خوب می‌داند، خیلی فرق می‌کند.

## ۹-۵ شناسایی از روی سؤالات فرد

در جلسات خواستگاری، ارزیابی شما سؤال‌محور باشد نه جواب‌محور. روش‌های کلاسیک و قدیمی آموزش و ارزیابی‌ها، جواب‌محور است. هنوز در نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها برای ارزیابی، یک سری سؤال می‌دهند، اگر توانایی پاسخگویی را داشت، این دانشجو یا دانش‌آموز، درس‌خوان و اهل مطالعه به شمار می‌آید. این سؤالات و ارزیابی‌های جواب‌محور فقط میزان حافظه‌ی دانشجو را نشان می‌دهد؛ نه میزان فهم او را. از این رو، در مدارس و دانشگاه‌ها اگر مطرح شود که امتحان گرفته شده در ماه پیش مورد قبول نیست و باید مجدداً امتحان دهند، با مخالفت شدید دانش‌آموزان و دانشجویان مواجه می‌شوند؛ زیرا آنان دروس را فقط برای امتحان خوانده‌اند و حالا دیگر یادشان نیست؛ این ارزیابی مطرود است.

در استخدام‌ها و گزینش‌های بورس از مصاحبه‌گران خواسته می‌شود فهم و درک فرد را ارزیابی کنند نه محفوظاتش را؛ مثلاً اگر بخواهند دانشجوی رشته‌ی فیزیک را بورس کنند، بهتر است از او بپرسند: مهم‌ترین سؤال فیزیکی که برای شما مطرح است، چیست؟ چه گره‌ای در فیزیک دارید؟ سؤالات این دانشجو مشخص می‌کند که سطح علمی و فهم علمی این دانشجو در چه حدی است.

در جلسات خواستگاری، بیش و پیش از آنکه سؤال مهم باشد، نوع پاسخگویی مطرح است؛ زیرا چه بسا پاسخ به سؤالات را حفظ کرده باشد. سؤالات بیش‌تر معرف



افراد است تا جواب‌ها؛ به عنوان مثال اگر در مصاحبه‌های صدا و سیما دیده باشید، وقتی خبرنگار از مصاحبه شونده‌ی دختر بپرسد، الگوی شما کیست؟ معلوم است که بطور کلیشه‌ای پاسخ می‌دهد: حضرت زهرا علیها السلام. این پاسخ معلوم نیست بیانگر رفتار او باشد و نمی‌توان اطمینان کرد که واقعاً هم چنین باشد.

از طرفی فرد ممکن است در جلسه‌ی خواستگاری هول شود و پاسخی را که خود به آن معتقد است را نگوید. نباید بر اساس پاسخ او تصمیم قطعی بگیریم. اما نوع سؤال‌ها و موضوع سؤال‌ها بیش‌تر تعیین‌کننده است و نشان می‌دهد او چه دیدگاه و دغدغه‌هایی دارد. حتی ترتیب سؤالات و تأکید روی بعضی از آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ایده‌ها و تفکرات او باشد.

به عنوان مثال اگر شما از خانواده‌ی دختر یا خود دختر بپرسید: شما در قید و بند مادیات هستید یا نه؟ جوابی که تقریباً همگان می‌دهند، این است: ما به نجابت داماد بیش‌تر نظر داریم نه مادیات! پس نمی‌توان این سؤال و جواب را ملاک قرار داد.

اما اگر به نوع سؤالاتی که دختر یا مادرش می‌پرسند توجه کردید، مثلاً این ماشین را تازه خریده‌اید؟ مدلش چیست؟ این سؤالات برای ما مشخص می‌کند که هم و غم این دختر چیست و چه چیز برایش جلوه دارد. قطعاً دغدغه‌های مادی برایش مهم است که در این زمان مهم، سؤالاتی در زمینه‌ی ماشین از او می‌پرسد.

اگر دختر از پسر بپرسد: نظرتان راجع به ادامه‌ی تحصیل دخترها چیست؟ عموم پسرها پاسخ می‌دهند: من افتخار می‌کنم همسرم تحصیل کرده باشد! این جواب کلیشه‌ای است که همه‌ی پسرها یاد گرفته‌اند اینگونه پاسخ دهند. به این جواب نباید اعتماد کرد. اما اگر این آقا پسر از رشته‌ی تحصیلی دختر خانم بپرسد و وضعیت درسی او را جویا شود و با شور و حالی به آن بپردازد، نشان می‌دهد او به ادامه‌ی تحصیل همسرش علاقمند است تا آنکه فقط بپرسد: «درس شما کی تمام می‌شود؟!»

## ع-۹-۶ شیوهی سؤال کردن

در جلسه‌ی خواستگاری این نکته را به عنوان یک قاعده در نظر داشته باشید که هر کس بیش‌تر حرف بزند، کم‌تر شناخت حاصل می‌کند و مخاطب بیش‌تر از او کسب اطلاعات می‌کند. بنابراین اگر کسی بگوید من در جلسه‌ی خواستگاری با زرنگی تمام صحبت می‌کردم، کاملاً در اشتباه است. زرنگی از طرف مقابل بوده است که بیش‌تر شنونده بوده است!

بدیهی است اگر سؤالات کلیدی و خوب مطرح شود، پاسخ‌ها هم تا حدودی می‌تواند نکات و اطلاعاتی را به ما بدهد که بر اساس آن، تصمیم‌گیری صحیح‌تری داشته باشیم.

### اما چند نکته:

- اگر طرف مقابلتان از جواب سؤال شما طفره رفت، سؤالتان را به همان شکل در جلسات دیگر و به طرز دیگری در همان جلسه پرسید.

- اگر از جواب او به سؤالی قانع نشدی، از او بیش‌تر توضیح بخواه تا به نتیجه‌ی دلخواه دست یابی.

- سؤالاتی که دغدغه‌ی فکری تو نیست، یا غیر از آن چیزی که هستی تو را نشان می‌دهد، پرس.

- سؤالات شما به طور غیرمستقیم نشان‌دهنده‌ی ایده‌ها و تفکرات شماست که معرّف شما خواهد بود، دقت در سؤالاتی که می‌خواهید از او داشته باشید و سؤالاتی که او از شما می‌پرسد شما را در شناخت بهتر کمک می‌کند.

- از آنچه برای شما یا خانواده‌تان اهمیت دارد، سؤال کن؛ نه مطالبی که به آن اعتقاد نداری زیرا نه تنها به تو کمکی نمی‌کند بلکه باعث سردرگمی می‌شود.

- در مورد مسائلی که در زندگی مشترک برای شما پیش می‌آید از قبیل روابط شما با خانواده‌ی او یا برعکس سؤال کنید.

- از سؤالاتی که در بطن آن جواب نهفته است و طرف با بله و خیر می تواند از آن بگذرد پرهیز کنید.

- سؤالات کلی نپرسید؛ مثلاً ایمانتان در چه حدی است؟ این سؤال باید به چند سؤال تقسیم بندی شود.

- سؤال هایی که جواب آن نیاز به توضیح دارد، تشریحی پرسید؛ نه به صورت بله و خیر. مثلاً به جای اینکه پرسید آیا شما عصبانی می شوید؟ سؤال کنید چه موقع عصبانی می شوید و موقع عصبانیت چه می کنید؟ چون به هر حال همه عصبانی می شوند.

- نسبت به جواب هایی که می دهد، سؤالی طرح کنید تا عمیقاً به نظر او پی ببرید. در بعضی سؤالات که احتمال می دهید طرف مقابلتان طبق میل شما جواب بدهد، بصورت دیگر پرسید، به نحوی که جهتگیری و نظر شما در سؤال معلوم نشود؛ مثلاً به جای اینکه پرسید: وقتی از دست همسرتان عصبانی می شوید، چه می کنید؟ پرسید وقتی خواهر یا برادرتان شما را عصبانی می کنند، چه می کنید؟

### ۴-۹-۷ تشخیص صداقت

یکی از سؤالات مهمی که معمولاً پیرامون جلسات خواستگاری می شود، این است که ما از کجا بفهمیم طرف مقابل سؤالات را با صداقت پاسخ داده است یا نه؟ برای اطمینان از جواب های او، باید مقدمه ای را درباره ی صداقت بیان کنید. به مخاطب خود بگویید: «صداقت در خواستگاری یک امر حیاتی است. من خود آدمی نیستم که همیشه در زندگی راستگو باشم و انتظار ندارم همسر من نیز همیشه در زندگی راست گفته باشد. اما اینکه انسان در جلسه ی خواستگاری به راستگویی دقت داشته باشد، بحث بسیار مهمی است؛ زیرا عدم صداقت در جلسه ی خواستگاری را خیانت به طرف مقابل می دانم و من هر نقطه ضعفی را از خواستگارم می پذیرم مگر این نقطه ضعف را». باید بکوشید بگونه ای با بیانی جدی این مطلب را یادآور شوید؛ مثلاً اینکه

بگویید: «من اگر متوجه شوم در جلسه‌ی خواستگاری مطلبی خلاف واقع بیان شده است؛ اگر نقاط مثبت فراوان هم داشته باشد، نمی‌توانم از او بپذیرم؛ زیرا ازدواجی موفق است که انسان هم خوب انتخاب کند و هم خوب انتخاب شود.»

البته جمله‌ی آخر پیام مهمی است برای خود شما. اگر شما بخواهید با کسی مسافرت بروید و او تمایلی به مسافرت با شما نداشته باشد و شما اصرار کنید و طرف را متقاعد کنید و راهی مسافرت شوید، مسافرت به هر دوی شما تلخ خواهد شد. ازدواج بالاتر از این است. اگر یکی خوب انتخاب کند ولی خوب انتخاب نشود، خود این فرد هم از زندگی لذت نمی‌برد. بنابراین باید صداقت داشته باشیم.

پس از اینکه این مطالب را مطرح کردید، یکی از نقاط ضعف خود را هم بیان کنید و بگویید: من برای اینکه صداقت خود را نشان دهم این نکته را می‌گویم، و از او بخواهید که این مسأله را حتی با پدر و مادرش در میان نگذارد. و در مقابل شما نیز از او بخواهید اگر او هم نکته‌ای و نقطه‌ی ضعفی دارد که لازم به گفتن است، برای شما بازگو کند. بدیهی است شما قبل از جلسه‌ی خواستگاری تحقیقاتی انجام می‌دهید و قطعاً ممکن است از نقاط ضعفی آگاهی پیدا کنید. اگر در جلسه‌ی خواستگاری در قالب سؤالی به آن نکته اشاره نمودید و طرف مقابل به آن نقطه ضعف اشاره کرد، می‌توانید نتیجه بگیرید که در سخنان او نیز صداقت وجود دارد و آدم دروغ‌گویی نیست. ولی چنانچه برداشت صحیحی از خود نداشت، معلوم نیست دیگر سخنان او نیز واقعیت داشته باشد.

اما چند نکته:

- برای اینکه راحت باشید و صداقت خود را نشان دهید، از همان کلمات معمول و همیشگی‌تان استفاده کنید نه از کلمات سخت و قلمبه - سلمبه و غیرمعمول.

- صداقت شما و خانواده‌تان در رفتار و گفتار، آن‌ها را نیز تشویق می‌کند که صادق باشند.

- در گفتگو دو طرف، بنا بر معرفتی واقعی و صریح خود بگذارند.

## ۸-۹-۴ بیان اسرار زندگی در خواستگاری

از نکات مهم خواستگاری این است که ما تا چه حد می‌توانیم اسرار زندگی خود را بیان کنیم؟ آیا اگر خطا و اشتباهی و مسأله‌ای در زندگی ما رخ داده است، اجازه داریم آن را مطرح کنیم؟

در پاسخ باید گفت: اسرار زندگی طبقه‌بندی دارد. در مباحث امنیتی، اطلاعات را به چهار طبقه «بکلی سرّی، سرّی، خیلی محرمانه و محرمانه» تقسیم می‌کنند. در زندگی نیز برای مسائل خود طبقه‌بندی داشته باشید. در جلسات اول خواستگاری می‌توانید مسائلی را مطرح کنید که دیگران اطلاع و آگاهی دارند ولی خواستگار شما از آن بی‌اطلاع است؛ مثلاً در محل و فامیل همه می‌دانند شما با یک ازدواج غیرموفق روبرو بوده‌اید. بهتر است این نکته را قبل از قرار خواستگاری به اطلاع فرد مورد نظر خود برسانید که اگر با شنیدن این موضوع نظرش تغییر می‌کند، قبل از جلسه‌ی خواستگاری و ایجاد زحمات و مشکلات متوجّه شود.

گاهی ازدواج تا مراحل پیش رفته است و بعد به دلایلی انجام نشده و در شناسنامه هم ثبت نشده و عروسی هم انجام نگرفته است. در این شرایط لازم نیست قبل از خواستگاری اطلاع دهید، ولی در آخر جلسه‌ی اول خواستگاری باید مسأله را برای فرد تشریح کنید.

برخی از اسرار را نیز می‌توانید در جلسات بعد مطرح کنید. اسراری را که جز خانواده‌ی شما کسی از آن اطلاع ندارد، نباید در جلسات اول از آن سخنی به میان آورید و می‌توانید در مراحل بعد به میزان اعتمادی که به فرد پیدا کردید، او را مطلع سازید. اما اگر در دوران مجردی دچار لغزشی شده‌اید و کسی هم از آن باخبر نیست و شما نیز توبه کرده‌اید، بعد از ازدواج هم همسران متوجّه آن نمی‌شود، نباید آن را در جلسه‌ی خواستگاری مطرح کنید. گناهان و خطاهای ما، بین ما و خدای ماست، هیچکس اجازه ندارد آبروی خود را جلوی دیگران ببرد و از طرف مقابل هم نخواهید

به این مسائل اشاره کند.

ولی اگر مسأله‌ای قبل از ازدواج بر شما حادث شده و شما مرتکب جرم و خطایی شده‌اید و ممکن است پس از ازدواج برملا شود و شما نگران افشای آن هستید که با افشای آن مشکلی برای شما بوجود آید، باید حتماً آن مسأله را به‌نحوی مطرح سازید. اما چند نکته:

- اگر شما دارای نقص عضو یا بیماری هستید، باید به طور کامل و بدور از ابهام در مورد شناخت نقص، ناتوانایی‌های آن و روش درمانش توضیح دهید. بهتر است در این موارد از پزشک بخواهید شرح بیماری شما را به‌طور دقیق و شفاف به زبان فارسی مکتوب بنویسد و آن را به فرد ارائه دهید و با معرفی پزشک خود، از آن‌ها بخواهید هرگونه تحقیقی خواستند از پزشک معالجتان بپرسند.

- اگر طرف مقابل شما دارای نقص عضو یا بیماری است، نباید عجولانه و ناآگاهانه تصمیم گرفت، بلکه باید بر اساس میزان ظرفیت و تحمل خود یا طرف مقابل، به‌دور از ترحم تصمیم‌گیری کنید و هرگز به فکر تغییر اوضاع نباشید.

- از گفتن عیبی که خواستگاریتان را برهم می‌زند، ابا نداشته باشید؛ چون در غیر این صورت خانه را در زمین سستی بنا کرده‌اید.

- عیبی که امکان دارد گفتن آن یک خواستگاری را برهم بزند، نگفتن آن یک زندگی را به هم خواهد زد.

## ۹-۹-۹ نکات قابل توجه در مورد گفتگوهای خواستگاری

- در تمام جلسات سعیتان بر این باشد که گفتگو به حاشیه و صحبت‌های بیهوده کشیده نشود؛ چون هم دقت را از دست می‌دهید و هم موضوعات ناگفته می‌ماند.

- چنانچه در مورد خواسته‌هایی که برای شما نقش اساسی و محوری دارد، با طرف مقابل به تفاهم نرسیدید گفتگو را ادامه ندهید. همچنین اگر هر چه فکر کردید در مورد خواسته‌های او نتوانستید با او کنار بیایید، به گفتگو ادامه ندهید.

- جلسه‌های گفتگو را با فواصل زمانی مناسب بگذارید تا در خلال آن برای تفکر و ارزیابی و تحقیق، وقت کافی داشته باشید.
- در جلسه‌ی خواستگاری آن‌طور که هستید خود را نشان دهید؛ زیرا انتخاب را برای شما آسان‌تر می‌کند و همچنین باعث می‌شود انتظار آن‌ها از شما غیرواقعی و دور از توانایی شما نباشد.
- قسمتی از شناخت در گفتگوی خانواده‌ها می‌تواند به دست آید؛ مشروط بر اینکه صحبت‌های آن‌ها مربوط به ازدواج فرزندانشان باشد.
- همه‌ی تلاش‌تان این باشد که خوب بشناسید و خوب بشناسانید؛ چراکه ازدواج موفق دو شرط دارد: خوب انتخاب کردن و خوب انتخاب شدن.
- روابط فامیلی و خانوادگی به تنهایی منجر به شناخت کامل و واقعی برای انتخاب همسر نمی‌شود.
- سؤال و جواب هر چند کامل و زیاد صورت گیرد، ما را از تفکر، مشورت و تحقیق بی‌نیاز نمی‌کند.
- در مورد موضوعاتی که در صحبت‌های خانواده‌ها با هم بیان می‌شود، نظر طرف مقابل را هم جویا شوید.
- هدف‌هایی را که برای زندگی آینده‌ی خود در نظر دارید و نمی‌توانید بعد از ازدواج از آن دست بکشید، باید در جلسات خواستگاری طرح کنید.
- ابتدا علایق و حساسیت‌های خود را در زمینه‌ی انتخاب همسر برای خودتان روشن کنید، زیرا در انتخاب شما مؤثر خواهد بود؛ سپس با فرد مورد نظرتان مطرح نمایید.
- حتی نوع سؤال پرسیدن، چگونگی جواب دادن و نحوه‌ی بیان، فارغ از محتوا می‌تواند نشان دهنده‌ی شخصیت فرد باشد.

## ع-۹-۱۰ سؤالات گفتگو

در این بخش فهرستی از سؤالات مناسب جلسات خواستگاری ارائه می‌گردد.  
البته باید در نظر داشت:

یک: به این سؤالات اکتفا نکنید.

دو: در طول جلسات به تکرار گونه‌های مختلف سؤالات را پرسید تا هرگونه اشتباه و یا مخفی کاری شخصی آشکار شود.

سه: همه‌ی سؤالات را لازم نیست پرسید و یا هر کدام را عیناً همانطور پرسید.  
چهار: این مجموعه بانک سؤال است و استفاده‌ی بی‌رویه از آن ممکن است تأثیر غلط روی مخاطب بگذارد، پس ابتدا از طرف مقابل بخواهید کتاب «سخن‌آشنایی» را که مجموعه تستی از نکات مختلف است پر کند، بعد با مطالعه‌ی جواب‌های او در بخش‌هایی که ابهام یا تردیدی دارید، از سؤالات این بخش استفاده کنید.

پنج: سؤالاتی را پرسید که برای شما مهم باشند و بتوانید از جواب آن نتیجه بگیرید.

شش: اگر می‌بینید طرف مقابلتان نمی‌تواند در همان لحظه به سؤالی پاسخ دهد، همیشه دلیل بر نداشتن جواب نگذارید. ممکن است یا معنای سؤال را نداند یا اینکه نیاز به دقت بیشتری دارد.

## الف) دوستان

- ۱- چند دوست صمیمی و قدیمی دارید؟
- ۲- ملاک‌های انتخاب شما برای دوستان چه بوده است؟
- ۳- در حال حاضر نحوه‌ی ارتباطتان چگونه و در چه حدی است؟ چند روز یکبار همدیگر را می‌بینید؟ چند ساعت؟
- ۴- با دوستان خود چه موضوعاتی را مطرح می‌کنید؟



- ۵- نحوه‌ی تفریح‌تان به چه شکل است؟
- ۶- دامنه‌ی ارتباط با دوستان خود پس از ازدواج را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۷- بهترین دوست شما کیست؟ چه خصوصیتی باعث شده است که او را بهترین دوست خود بدانید؟
- ۸- چقدر حاضرید برای دوستان هزینه کنید؟
- ۹- اگر رفتاری از آنها را نپسندید چه می‌کنید؟
- ۱۰- تا چه اندازه دوستانتان در تصمیم‌گیری به شما کمک می‌کنند؟ چقدر به نظریات آنها اهمیت می‌دهید؟
- ۱۱- به دوستانتان بیشتر توجه دارید یا خانواده و فامیل؟ چرا؟

### ب) مسائل خاص

- ۱- آیا به مواد خاصی اعتیاد دارید؟ (قهوه، چای، غذای خاص، سیگار، قرص)
- ۲- آیا از دخانیات یا قرص یا آمپول ویژه‌ای برای آرامش استفاده می‌کنید؟
- ۳- نظرتان در مورد محیط‌های دانشجویی و یا غیر دانشجویی و نوع ارتباط دخترها و پسرها در آن چیست؟ خود چگونه عمل می‌کنید؟

### ج) زندگی آینده

- وقتی از زندگی آینده می‌پرسید، در واقع می‌خواهید شخصیت الآن فرد را بفهمید و مخاطب، خودش را راحت‌تر معرفی کند.
- ۱- چند تا فرزند خوب است؟
  - ۲- در زندگی آینده تا چه حد به روابط فامیلی بها می‌دهید؟
  - ۳- برنامه‌ی شما برای زندگی‌تان چیست؟
  - ۴- شما خوشبختی را در چه می‌دانید؟
  - ۵- انتظار شما از همسر آینده‌تان چیست؟

- ۶- چشم‌اندازهای زندگی آینده‌ی خود را چگونه ترسیم می‌کنید؟
- ۷- از او بپرسید: «اگر کاری بدون توجه به علاقه و حساسیت شما انجام دهم، عکس‌العمل شما چیست؟»

#### د) سلامت و بهداشت

- ۱- بیماری خاصی دارید؟ داروی خاصی مصرف می‌کنید؟
- ۲- در بین بستگان درجه یک تان بیماری خاصی وجود دارد؟

#### ه) نگرش‌های سیاسی

- در صورتی که مسائل سیاسی برای شما اهمیت ویژه دارد، این سؤالات را بپرسید:
- ۱- عضو حزب خاصی هستید؟ آیا رأی می‌دهید؟ در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کنید؟
- ۲- در رأی دادن چقدر تحقیق می‌کنید؟
- ۳- ولایت فقیه چه ضرورتی دارد؟
- ۴- نظرتان در مورد نظام و انقلاب چیست؟
- ۵- می‌توانم بپرسم در انتخابات گذشته به چه کسی رأی دادید؟ چرا؟ (این سؤال باید با ظرافت و شوخی و در بین سؤالات دیگر مطرح گردد.)

#### و) خانواده‌ها

- ۱- چه آداب خاصی برای ازدواج دارید؟
- ۲- خانواده‌ی شما چقدر در مشکلات دعا می‌کنند؟
- ۳- آیا خانواده‌ی شما در نماز جماعت و جلسات مذهبی شرکت می‌کنند؟
- ۴- خانواده‌ی شما چقدر به دیگران کمک می‌کنند؟
- ۵- در هفته چند بار به مهمانی می‌روید و چقدر مهمان دعوت می‌کنید؟

۶- آیا با همسایگان ارتباط دارید؟

### ز) مذهبی

نمونه سؤالاتی که می‌تواند خصوصیات مذهبی فرد را برایتان نشان دهد. البته به مقتضای افراد و شرایط، هر کدام را می‌پسندید پرسید:

۱- وقتی مشکل یا مسأله‌ای را حل می‌کنید، چقدر عوامل دیگر را دخیل می‌دانید؟

مهم‌ترین عامل را چه می‌دانید؟ از چه کسانی در حل یک مشکل کمک می‌خواهید؟

۲- وقتی مشکلی را نمی‌توانید حل کنید، چه عواملی را دخیل می‌دانید؟ مهمترین

عامل چیست؟

۳- وقتی مرتکب گناهی می‌شوید، بعد از آن چه حالتی به شما دست می‌دهد؟

۴- چرا خدا بعضی خانواده‌ها را صاحب امتیازهایی کرده که دیگران را از آنها

محروم کرده است؟ ( ثروت، علم، ایمان) آیا خداوند ظلم نکرده است؟ چرا؟

۵- وقتی کارتان در یک اداره دچار مشکل می‌شود چه می‌کنید؟ برای تسریع

مراحل اداری و حل مشکل چه پیشنهادی می‌دهید؟

۶- سخت‌ترین لحظه زندگی‌تان چه وقت بوده است و شما چه کار کرده‌اید؟

(جزع و فزع، شکایت، ناشکری و ...)

۷- تا حالا مورد سرقت یا ضرر و زیان عمده قرار گرفته‌اید، بعد از آن چه عکس

العملی از لحاظ روحی نشان دادید؟

۸- در مشکلات چه قدر به ائمه اطهار توسل می‌جوید؟ اصلاً چرا توسل

می‌کنید؟ در توسل چه چیزی به شما می‌رسد؟

۹- چندبار به زیارت امام رضا علیه السلام رفته‌اید؟

۱۰- چقدر دعاهایتان مستجاب شده است؟ علتش چیست؟

۱۱- در کدامیک از جلسات مذهبی شهر شرکت می‌کنید؟ تا چه حد؟

۱۲- مرجع تقلید دارید؟ چگونه از احکام شرعی مطلع می‌شوید؟

- ۱۳- اذان صبح را چه موقع می‌گویند؟ (این سؤال با ظرافت و لحن شوخی و در بین کلام باید بیان شود.)
- ۱۴- اگر چه اتفاقی بیفتد نماز را به تاخیر می‌اندازید یا نمی‌خوانید؟
- ۱۵- برای چه باید نماز بخوانیم؟ روزه چه فایده‌ای دارد؟
- ۱۶- پوشش را در چه چیزهایی می‌دانید؟
- ۱۷- چه پوششی به نظر شما حجاب است و مناسب است؟
- ۱۸- آیا چادر به نظر شما اصولاً حجاب مناسبی است؟ چرا استفاده می‌کنید؟ (یا نمی‌کنید؟) آیا با حجاب حیا بیشتر حفظ می‌شود؟
- ۱۹- اگر کسی بی‌حجاب است، بی‌حیا هم است؟
- ۲۰- حیا را در چه چیزی می‌بینید؟ به نظر شما حیا چیست؟
- ۲۱- نظرتان در مورد برنامه‌های رادیو و تلویزیون چیست؟ بیشتر تمایل دارید از کدام برنامه‌ها استفاده کنید؟
- ۲۲- نظرتان در مورد مراسم‌های عروسی چیست؟
- ۲۳- آیا حاضرید فقط برای عروسی خودتان برقصید؟
- ۲۴- با کدامیک از ادعیه‌ی مفاتیح انس دارید؟
- ۲۵- آیا خود انسان می‌تواند احکام و مسائل شرعی را تشخیص دهد؟ (مرجع تقلید)
- ۲۶- آیا تا حالا امر به معروف یا نهی از منکر کرده‌اید؟ چگونه؟
- ۲۷- آیا تا حالا کسی شما را امر به معروف و نهی از منکر کرده است؟ چه عکس‌العملی نشان دادید؟
- ۲۸- در چه صورت باید خمس یا زکات پرداخت؟ آیا تا به حال خمس داده‌اید؟ خانواده‌تان چقدر مقید به خمس دادن هستند؟
- ۲۹- برخوردار با نامحرم: با دختران فامیل و پسران فامیل چگونه رفتار می‌کنید؟ چرا؟
- ۳۰- نظر خانواده‌ی شما در مورد پوشش شما چیست؟
- ۳۱- ارتباط با جنس مخالف تا چه اندازه پذیرفتنی است؟

- ۳۲- بیشتر به کجاها سفر می‌کنید؟ چند وقت یکبار به سفر زیارتی را می‌روید؟
- ۳۳- در مکان‌های زیارتی چه احساسی به شما دست می‌دهد؟
- ۳۴- مشکلات دیگران تا چه اندازه به ما ربط دارد؟

### ح) نگرش‌های اقتصادی

- ۱- به فکر پس انداز بوده اید؟
- ۲- در مورد مسکن چه تدبیری دارید؟
- ۳- درآمد ماهیانه تان را چگونه خرج می‌کنید؟
- ۴- آیا همسرتان را در خرج شریک می‌دانید؟
- ۵- از چه وقت دستتان توی جیب خودتان رفته است (استقلال مالی)؟
- ۶- با چقدر از پول توجیبی تان مایحتاج خود را تأمین می‌کنید؟

### ط) روحیات، سلیقه‌ها، علاقه‌ها

- سؤالات این بخش خام است و شما باید بر حسب گفتار و روحیات خود و برداشتی که از مخاطب دارید، بخشی از سؤالات را آن هم با شیوه‌ای که در بخش ۹-۶ متذکر شدیم، ارائه دهید.
- ۱- گوشه‌گیری: وقتی برای اولین بار به یک جمعی وارد می‌شوید چه می‌کنید؟ در جمع فامیل و دوستان چه می‌کنید؟
- ۲- گوینده‌ی جمع معمولاً کیست؟ چقدر مخاطب قرار می‌گیرید و چقدر مخاطب قرار می‌دهید؟
- ۳- بی‌ارادگی: معمولاً چند درصد تصمیم‌هایتان منجر به عمل می‌شود؟ چند درصد تصمیم‌های مهم‌تان را خود می‌گیرید؟ کمک دیگران در تصمیم‌گیری شما به چه صورت است؟
- ۴- پشتکار: چند درصد کارهایتان را به پایان می‌رسانید؟

۵- بی نظم: سر موقع به کار می‌روید؟ برنامه‌ریزی برای زندگی دارید؟ چند درصد کارهایتان طبق برنامه انجام می‌شود؟ چه کسی شما را در مرتب کردن اتاقتان یا پیدا کردن وسایلتان یاری می‌دهد؟

۶- زودرنج: از دست چه چیزهایی ناراحت می‌شوید؟ آیا احساس می‌کنید چیزهای زیادی هستند که شما را ناراحت می‌کنند؟

۷- مغرور: در تصمیم‌گیری‌ها چقدر از نظرات دیگران استفاده می‌کنید؟ چقدر برای کارهایتان احتمال اشتباه کردن می‌گذارید؟

۸- دهن بینی: چقدر حرف مردم برایتان مهم است؟ آیا همیشه قضاوت مردم در مورد شما درست بوده است؟

۹- خودنمایی: چقدر دوست دارید دیگران از شما تعریف کنند؟

۱۰- بجا حرف زدن، پرحرف: از نظر دیگران چقدر در صحبت کردن هایتان حاشیه می‌روید؟ به نظر شما آیا نباید انسان همیشه حرفی برای گفتن داشته باشد؟ آیا دوست دارید در تمام مسائل نظر دهید؟

۱۱- با نشاط: اوقات فراغت خود را به چه چیزهایی اختصاص می‌دهید؟

۱۲- در مقابل اشتباه دیگران چگونه برخوردی می‌کنید؟

۱۳- تا به حال کسی به شما گفته غیبت شما را کرده است؟ چه عکس‌العملی نشان دادید؟

۱۴- عصبانیت: در مقابل پرخاشگری دیگران چه می‌کنید؟ اگر کسی حرف بی‌ربطی به شما زده باشد، چه برخوردی با او کرده‌اید؟

۱۵- از چه چیزهایی خشمگین می‌شوید؟ آیا دیگران شما را فردی عصبانی قلمداد می‌کنند؟ چرا؟

۱۶- صبر: لحظات سخت زندگی را چه مدت می‌توانید تحمل کنید؟

۱۷- فروتنی: اگر بخواهید انسان‌های اطراف خود را اعم از دوستان، فامیل و همکاران از لحاظ خوب بودن رتبه‌ی ۱ تا ۱۰۰ بدهید، به خودتان در بین آن‌ها چه

رتبه‌ای می‌دهید؟ چرا؟

۱۸- انتقاد پذیری: با کسی که عیب‌هایتان را به شما گفته است، چگونه برخورد

کرده‌اید؟ چرا؟

۱۹- خوش بینی: به نظر شما آیا مردم مسائل را خیلی راحت نمی‌گیرند؟ چقدر

می‌توان به وقایع و اتفاقات زندگی خوش بین بود؟

۲۰- قاطع بودن: وقتی تصمیم آخر را می‌گیرید، چه عواملی در منصرف شدن شما

می‌توانند دخیل باشند؟

۲۱- شوخ طبعی: بذله‌گویی تا چه حد خوب است؟ آیا دیگران شما را به عنوان

یک آدم شوخ طبع می‌شناسند؟

۲۲- سازنده بودن: در مشکلاتی که پیش می‌آید، سعی می‌کنید چقدر نظر یا

پیشنهاد دهید؟

۲۳- آیا نظرات شما معمولاً راه‌گشا هست؟

۲۴- آیا می‌شود در هر موقعیتی وضع بهتری ایجاد کرد؟

۲۵- محیط چقدر در پیروزی یا شکست انسان‌ها تأثیرگذار است؟

۲۶- نگاه به نامحرم: حد نگاه به نامحرم چقدر است؟ شما چه می‌کنید؟

۲۷- چاپلوسی: تحسین از دیگران با چه دلایلی و چه مقداری لازم است؟

۲۸- احترام گذاشتن: به چه کسی باید احترام گذاشت؟

۲۹- آداب معاشرت: چقدر به احوالپرسی در مهمانی‌ها اعتقاد دارید؟

- آیا غذا خوردن در حضور دیگران یا تنهایی باید تفاوت کند؟ چرا؟

۳۰- خجالتی: در مهمانی‌ها راحتید یا معذب؟

۳۱- احسان به پدر و مادر: احترام به پدر و مادر را در چه چیزهایی می‌بینید؟ اگر

در مسأله‌ای با پدر و مادران اختلاف داشتید، چه می‌کنید؟ تا حالا شده است مخالف

نظر آن‌ها کاری کرده باشید؟ چرا؟

۳۲- مدارا کردن: در یک محیط شلوغ چه طور کارتان را انجام می‌دهید؟

- ۳۳- مردم داری: چقدر باید به مردم بها داد؟ چقدر کار مردم را راه می‌اندازید؟
- ۳۴- صله‌ی رحم: با اقوام خود تا چه حد رفت و آمد دارید؟ فکر می‌کنید بعد از ازدواج باید بیشتر شود یا کمتر؟
- ۳۵- قناعت: در صورت گرفتاری مالی در زندگی چگونه خود را تطبیق می‌دهید؟ - اگر اتفاقی برای شما بیفتد که مجبور باشید با نصف درآمد فعلیتان زندگی کنید چه می‌کنید؟ و تا چه میزان می‌توانید خود را تطبیق دهید.
- ۳۶- حرص: وضعیت مالی و امکانات خوب یکی از فامیل چه حسی در شما ایجاد می‌کند؟
- برای درآمد بیشتر چه راه‌هایی در نظر دارید؟
- ۳۷- بخل: وقتی با دوستان به گردش می‌روید، آیا شما قبل از همه دست به جیب می‌شوید؟
- وقتی با دوستان بیرون می‌روید، چگونه خرج می‌کنید؟
- ۳۸- ولخرجی: سر سال چقدر از درآمدهایتان باقی می‌ماند؟
- ۳۹- کینه توزی: کدام رفتار دیگران را تا به حال شما نبخشیده‌اید؟
- ۴۰- گذشت: از چه رفتارهایی نمی‌توانید بگذرید؟ با کسی که رفتار بدی با شما کرده است، چه می‌کنید؟ آیا کسی در زندگیت هست که او را نبخشیده باشی؟
- ۴۱- دروغ: چه مواقعی دروغ گفتن جایز است؟
- ۴۲- تکبر: در مقابل نصیحت و موعظه‌ی دیگران چه عکس‌العملی دارید؟
- اشتباهات دیگران چه تأثیری در کار و رفتار شما دارد؟
- ۴۳- تماشای تلویزیون چقدر وقت شما را می‌گیرد؟ (اوقات فراغت)
- ۴۴- برنامه‌های مورد علاقه‌ی شما کدام هستند؟ چقدر وقت شما را می‌گیرد؟
- ۴۵- در صورت تداخل با برنامه‌های مورد علاقه‌ی طرف مقابل چه می‌کنید؟
- ۴۶- ماهواره، اینترنت و سایر وسایل ارتباط جمعی (روزنامه، مجله، رادیو و...)
- چقدر وقت شما را می‌گیرد؟



- ۴۷- امانتداری: آیا قرضی از کسی گرفته‌اید که هنوز پس نداده باشید؟ چه مدت؟  
چرا آن را پس نداده‌اید؟
- ۴۸- با کسی که می‌دانید عملی را انجام داده است ولی انکار می‌کند، چگونه برخورد می‌کنید؟ (صبورانه یا قضاوت)
- ۴۹- انتقاد: از طرف مقابل خود چگونه انتقاد می‌کنید؟ (با حالت انتقاد شدید، خودخواهانه، زودرنجی، عصبی شدن) انتقاد چه کسانی را می‌پذیرید؟ و فرد انتقاد کننده باید چه خصوصیت‌هایی داشته باشد که شما بپذیرید؟ (منطقی، خیرخواه، سازنده بودن انتقاد و...)
- چگونه عیب‌های دیگران را به آن‌ها می‌گویید؟ رُک بودن در انتقاد را چقدر قبول دارید؟
- ۵۰- اگر از دست کسی دلخور هستید، چگونه ابراز می‌کنید؟ (آیا در مورد آن با کسی صحبت می‌کنید؟)
- ۵۱- چقدر در غیاب کسی صحبت او را می‌کنید؟ (غیبت)
- ۵۲- چنانچه طرف مقابلتان برداشت غلطی از رفتار شما داشت، چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟
- ۵۳- چه دُیونی بر گردن شماست؟ تا حالا مدیون کسی شده‌اید؟ در مقابل دینی که به گردن شماست چه کار می‌کنید؟ در زندگی به چه کسانی مدیونید؟
- ۵۴- معمولاً از چه کسانی قرض می‌گیرید؟ این اشخاص چه خصوصیت‌هایی دارند؟ (فامیل، دوست، ثروتمندان) چرا؟ چقدر؟ به چه کسانی قرض می‌دهید؟
- ۵۵- آیا مشکلات اقتصادی و شرایط شغلی خود را با همسر آینده‌تان در میان می‌گذارید؟ (قرض، بیکاری، تنزل حقوق و...)
- ۵۶- آیا در خانواده یا دوستان فرد سیگاری دارید؟ نظرتان در این مورد چیست؟
- ۵۷- تا چه حد به آراستگی خود در خانه و یا بیرون اهمیت می‌دهید؟
- ۵۸- دوست دارید چه هدیه‌هایی بگیرید؟

- ۵۹- نظرتان در مورد داشتن طلا برای زن چیست؟
- ۶۰- تعطیلات آخر هفته را چه می‌کنید؟
- ۶۱- در میهمانی‌ها چندمین نفرید که از میهمانی خارج می‌شوید؟
- ۶۲- در تنهایی خودتان چه می‌کنید؟ وقت‌هایی که در خانه تنها می‌مانید چه می‌کنید؟
- ۶۳- بدزبانی و ترش رویی: در مقابل کسی که بدزبان است، چه رفتاری می‌کنید؟
- ۶۴- خودخواهی، درک متقابل: دوست دارید در مقابل سختی کار شما همسران چه رفتاری داشته باشد؟
- ۶۵- استقلال مالی: در تأمین منابع مالی زندگی‌تان چه پشتوانه‌هایی دارید؟  
- انتظارات شما از پدر و مادر من در دوران عقد چیست؟  
- چشم به مال دیگران: پیشرفت اقتصادی خانواده‌ام را چقدر در پیشرفت اقتصادی زندگی‌مان دخیل می‌دانید؟
- ۶۶- خودخواهی، صبر، عصبانیت: دوست دارید اگر دیر به منزل آمدید، همسران چه عکس‌العملی نشان بدهد؟ چطور او را قانع می‌کنید و یا در چه صورتی قانع می‌شوید؟
- ۶۷- امید داشتن، خوش بینی: آیا از کارهای گذشته‌ی خود کاملاً راضی هستید؟  
گذشته‌ی خوبی داشته‌اید؟ چرا؟  
چقدر به آینده امید دارید؟ چرا؟
- ۶۸- صبر: در برابر خودخواهی دیگران چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟  
- وقتی پدرتان خودخواه می‌شود، دوست دارید مادران چه عکس‌العملی نشان بدهد؟ خودتان این کار را می‌کنید؟
- ۶۹- افسردگی، نشاط: هر کس ممکن است در مواقعی از زندگی دچار خستگی کاری یا فکری شود، در این مواقع معمولاً چه می‌کنید؟ و دوست دارید با شما چگونه رفتار شود؟

۷۰- آرامش و خونسردی: وقتی که کسی دچار حادثه‌ای می‌شود، چه کاری انجام می‌دهید؟

۷۱- پیشگیری، آینده‌نگری: چقدر در برابر بیماری‌ها از خود محافظت می‌کنید؟ آیا پیشگیری می‌نمایید؟ چه واکسن‌هایی را تزریق کرده‌اید؟

۷۲- غصه خوردن: برای از دست دادن چه چیزهایی ناراحت می‌شوید و غصه می‌خورید؟

۷۳- پوشش: در برابر هر کدام از محارم چه پوششی دارید؟

- پوشش در بیرون از منزل: پوشش شما در بیرون منزل چگونه است؟

- چرا این پوشش را انتخاب کرده‌اید؟ آیا پوشش‌تان در جاهای مختلف فرق می‌کند؟ اگر جایی شما را مسخره کنند و یا مجبور باشید، پوشش‌تان را عوض می‌کنید؟

- بعضی اوقات انسان مجبور است پوشش را تابع محیط کند، این طور نیست؟

۷۴- مسافرت، رفیق بازی: در مسافرت‌ها مایلید به غیر از همسرتان چه کسی باشد و چه کسانی نباشند؟

۷۵- حساسیت، کینه‌ورزی، عدم گذشت: چه اتفاقی پیش بیاید شما رفت و آمدتان را با کسی کم یا قطع می‌کنید؟ با کسی قطع رابطه دارید؟ به چه دلیلی؟

۷۶- صداقت: چه جاهایی به نظر شما صداقت، ساده لوحی است؟

- دروغ مصلحتی چه مواقعی جایز است؟

۷۷- غد بودن، سختگیری: چقدر روی حرف خودتان تأکید دارید؟ نظر دیگران در این زمینه چیست؟

۷۸- توقع داشتن: چقدر انتظار دارید دیگران شما را در سختی‌ها و مشکلات درک کنند؟

## ع-۱۰ احکام و آداب خواستگاری در نگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- رخصت نگاه؛ نگاه کردن به زنی که خداوند مهر او را برای خواستگاری به دلش اندازد، اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

۲- نگاه به بدن زن؛ کسی که خواهان ازدواج با زنی است، [می تواند] به آن قسمتهایی از بدن زن که او را به ازدواج با آن زن می خوانند، نگاه کند.<sup>۲</sup>

۳- نگاه در خواستگاری؛ هرگاه یکی از شما از زنی خواستگاری کرد، اگر می تواند به آنچه او را به ازدواج با آن زن می خوانند، نگاه کند، این کار را بکند.<sup>۳</sup>

۴- توصیه به دیدن؛ مغیره بن شعبه، می خواست با زنی ازدواج کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برو و او را ببین؛ زیرا این کار، باعث محبت [و سازش بیشتری] میان شما می شود.» [مغیره] چنین کرد. با آن زن ازدواج نمود و از سازگاری او یاد کرد.<sup>۴</sup>

۵- نگاه و دقت؛ نگاه به قصد ازدواج و حتی دقت در مواضع زینت اشکالی ندارد.<sup>۵</sup>  
۶- نگاه به زیباییها؛ عیب ندارد که مرد قبل از ازدواج زیبایی های زنی را که می خواهد بگیرد بنگرد؛ زیرا او می خواهد معامله ی بزرگی کند و اگر پیشامدی رخ دهد، جبران ناپذیر خواهد بود.<sup>۶</sup>

۷- نحوه ی پوشش زن؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: زن می تواند با جامه ای نسبتاً نازک برای او ظاهر شود که آنان می خواهند وارد معامله ای سنگین شوند.<sup>۷</sup>

۱. رسول الله: إِذَا لَقِيَ اللَّهُ فِي قَلْبِ امْرَأَةٍ خَطْبَةٌ امْرَأَةٌ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا. (المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۲۲۵)

۲. رسول الله: مَنْ نَاقَتْ نَفْسَهُ إِلَى نِكَاحِ امْرَأَةٍ، فَلْيَنْظُرْ مِنْهَا إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا. (عوالی اللألی، ج ۳، ص ۳۱۴)

۳. رسول الله: إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمْ الْمَرَأَةَ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ. (سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۲۹)

۴. إِنْ الْمَغِيرَةُ بَيْنَ شُعْبَةَ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ: اذْهَبْ فَانظُرْ إِلَيْهَا، فَإِنَّهُ أُحْرَى أَنْ يُؤَدِمَ بَيْنَكُمَا. ففعل، فتزوجها، فذكر من موافقتها. (سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹۹)

۵. الامام الصادق علیه السلام: لَا بَأْسَ بَأَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَمَعاصِمِهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا. (الكافی، ج ۵، ص ۳۶۵)

۶. علی علیه السلام: لَا بَأْسَ بَأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى مَحاسِنِ الْمَرَأَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا إِنَّمَا هُوَ مُسْتَمَامٌ فَإِنْ يَقْضَ أَمْرٌ يَكُنْ. (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۳)

۷. قال الصادق علیه السلام: نعم و ترقق له الثياب لانه يريد ان يشتريها باعلى الثمنی. همان

نکته:

امام خمینی در تحریر الوسیله درباره شرایط نگاه کردن به نامحرم، آورده است: کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد، جایز است با این شرایط، به او نگاه کند: ۱. نگاه به قصد لذت بردن نباشد؛ هرچند بداند که قهراً لذت، با آن نگاه، حاصل می‌شود.

۲. احتمال بدهد که با نگاه کردن، اطلاعات بیشتری به دست می‌آورد.

۳. زنی باشد که می‌توان با آن ازدواج کرد، نه مانند زن شوهردار و یا زنهای در عده.

۴. احتمال بدهد که توافق برای ازدواج به دست می‌آید، نه این که بداند زن حتماً خواستگاری را رد می‌کند.

احتیاط، اكتفا کردن در نگاه به صورت، دستها، موها و زیبایی آشکار است، هر چند اقوی، جواز عبور از ظواهر به میچها و بقیه بدن به جز عورت است. همچنین، احتیاط، این است که نگاه کردن به بدن، از روی لباس نازک باشد، همانگونه که احتیاط - اگر نگوییم اقوی -، اكتفا کردن در نگاه به همان زن مشخصی است که قصد ازدواج با او را دارد، و این حکم (جواز نگاه)، شامل قصد مطلق ازدواج نمی‌شود، هرچند شخص با این نگاه [به زنان متعدد]، درصدد انتخاب همسر [از میان آنها] باشد. ضمناً [در نگاه کردن به همان زن مشخص]، اگر با نگاه اول، اطلاعات لازم به دست نیامد، نگاه مجدد، جایز است.

۸- بیان حقیقت؛ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما در حالی که موهایش را رنگ مشکی می‌بندد، زنی را خواستگاری کند، باید رنگ بستن موهای خود را به آن زن اطلاع دهد.<sup>۱</sup>

۹- اطلاع از زیبایی مو؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه قصد ازدواج کردید و خواستید همسری برگزینید، همانگونه که از زیبایی صورت جويا می‌شوید، از موی او هم بپرسید که مو یکی از دو زیبایی است.<sup>۲</sup>

۱. رسول الله ﷺ: إِذَا حَظَبَ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةَ وَهُوَ يَخْضِبُ بِالسَّوَادِ فَلْيَعْلِمْهَا أَنَّهُ يَخْضِبُ. (الفرودس، ج ۱، ص ۲۹۷)  
۲. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَنْزَوِّجَ فَلْيَسْأَلْ عَنِ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنِ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ (من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۸)

حسن ختام این بحث را به دعاهای اهل بیت علیهم السلام در مورد خواستگاری اختصاص داده‌ایم:

۱۰- سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخست نیت خواستگاری بکن. سپس وضویی کامل بساز و نمازی را که خداوند بر تو نوشته، به جای آور. سپس پروردگارت را ستایش کن. و از او به بزرگی یاد کن. آنگاه بگو: **أَنْتُمْ الْخِطْبَةُ، ثُمَّ تَوْضَأُ فَأَحْسِنِ وُضوءَكَ، وَصَلِّ مَا كَتَبَ اللهُ لَكَ، ثُمَّ أَحْمَدُ رَبِّكَ وَ مَجْدَهُ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ، وَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ، أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، فَإِنْ رَأَيْتَ لِي فِي فَلَانَةَ- تُسَمِّيهَا بِاسْمِهَا- خَيْرًا فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ إِنْ كَانَ غَيْرَهَا خَيْرًا لِي مِنْهَا فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، فَاقْضِ لِي بِهَا.**

بار خدایا! تو می‌توانی و من نمی‌توانم. تو می‌دانی و من نمی‌دانم. تو دانای نهان‌هایی. پس اگر در فلانی - نام او را می‌بری - برای دین و دنیا و آخرت من خیر می‌بینی، و اگر جز او را برای دین و دنیا و آخرت من بهتر می‌بینی، او را برایم قسمت فرما!

۱۱- توصیه امام علی علیه السلام: هر یک از شما که خواست ازدواج کند، [نخست] دو رکعت نماز بگزارد و سوره حمد و یس را بخواند و آنگاه که از نماز فراغت یافت، ثنای خداوند را به جا آورد و بگوید: **مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّزْوِيجَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ سُورَةِ يَس، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلْيُثْنِ عَلَيْهِ، وَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَ دُودًا وَ لُودًا شُكُورًا قَنُوعًا غَيُورًا، إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتُ، وَ إِنْ أَسَأْتُ غَفَرْتُ، وَ إِنْ ذَكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَعَانَتْ، وَ إِنْ نَسِيتُ ذَكَرْتُ، وَ إِنْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ، وَ إِنْ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سُرْتُ، وَ إِنْ أَمَرْتُهَا أَطَاعْتَنِي، وَ إِنْ أَقْسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرْتُ قَسَمِي، وَ إِنْ عَضِبْتُ أَرْضَيْتَنِي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَ لَا أَجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتَ لِي.<sup>۲</sup>**

بار خدایا! مرا همسری نیک و مهربان و زایا و سپاسگزار و قانع و پاکدامن روزی فرما! اگر نیکی کردم، سپاسگزاری کند. اگر بدی کردم، ببخشاید. اگر خدای بزرگ را

۱. مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۵۱

۲. النوادر للراوندي، ص ۲۱۱

یاد کردم، کمک نماید. اگر [خدا را] فراموش کردم، یادآوری کند. هرگاه خانه را ترک کردم، خودش را حفظ کند. هرگاه بر او وارد شدم، خوشحال شود. اگر دستورش دادم، از من فرمانبرداری کند. هرگاه سوگندش دادم [که فلان کار را نکند یا نکند] بپذیرد. هرگاه به خشم آمدم، مرا خشنود سازد. ای خداوندگار شکوه و بزرگواری! چنین زنی را به من ببخش، که من از تو درخواست میکنم و به دست نمی‌آورم، مگر آنچه تو قسمت من کرده‌ای.

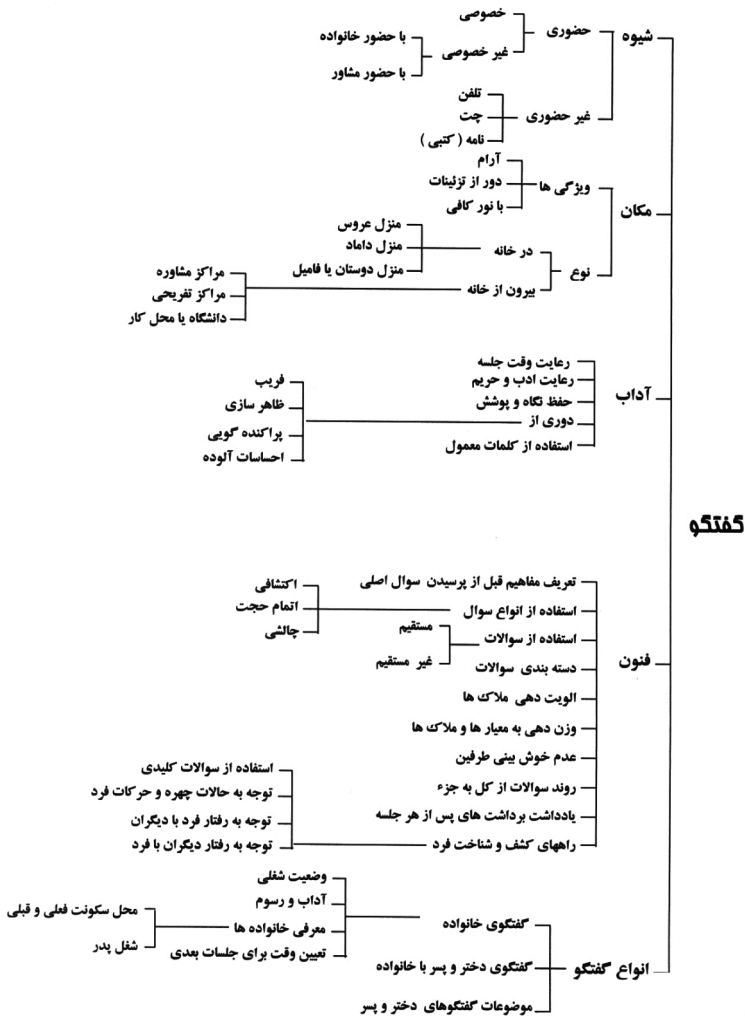
هر کس چنین کند، خداوند، آنچه را که درخواست کرده، به او عطا می‌فرماید.  
۱۲- دعای امام صادق علیه السلام: اگر کسی بخواهد ازدواج کند دو رکعت نماز گذارد و پس از حمد و ثنای الهی این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انى أريد أن أتزوج اللهم فأقدر لي من النساء أعفهن فرجاً وأحفظهن لي في نفسها و في مالى و أوسعهن رزقاً و أعظمن بركة و أقدر لي منها ولداً طيباً تجعله خلفاً صالحاً في حياتي و بعد موتي.

خدایا من می‌خواهم ازدواج کنم. خدایا برای من از میان زنان، بانویی عقیف‌تر، امین و مال‌نگهدارتر، پر روزی و با برکت‌تر تقدیر نما. زنی که در زندگی برای من مایه‌ی خیر و برکت باشد و فرزندی پاکیزه و صالح آورد که در حیات و پس از مرگ من، جای خالی مرا پر کند.<sup>۱</sup>

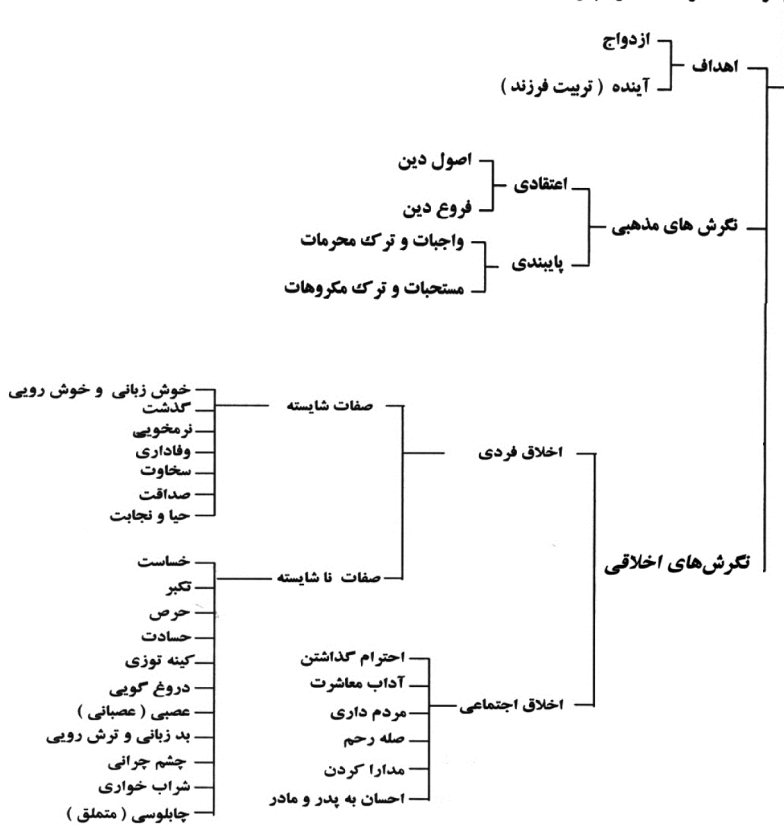
۱. التهذيب، ج ۷، ص ۴۰۷

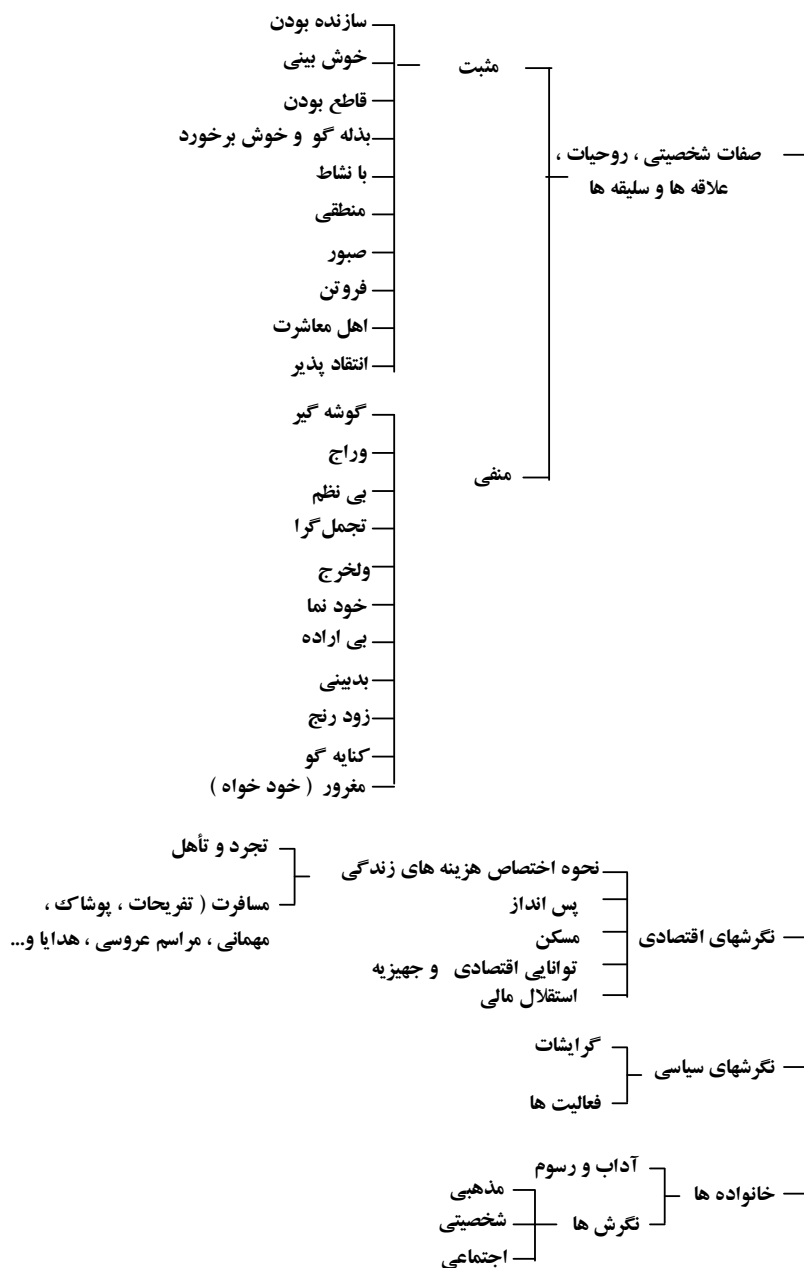
۹-۴ نمودار گفتگوهای خواستگاری





موضوعات گفتگوهای دختر و پسر







# گفتار پنجم /

ضرورت تحقیق درازدواج



از جمله مباحث ضروری که نقشی بسیار مهم در انتخاب مناسب و شایسته دارد و بی‌توجهی به آن، انسان را عمری دچار پشیمانی می‌کند، مسأله‌ی تحقیق است. چنانچه وقتی ازدواجی دچار اختلال می‌شود، اولین سؤالی که مطرح می‌گردد این است: «مگر تحقیق نکردید؟! چنین مسأله‌ی به این واضحی، قطعاً با تحقیق روشن می‌شود!» یعنی همه، اشکال اول را متوجه امر تحقیق می‌دانند.

طبق روایاتی از امام علی علیه السلام که اشاره به این دارد که «تا کسی را خوب نیازمندی به او اطمینان نکن»، «گفتار، ظاهر و برخورد خوب تو را فریب ندهد»، ضرورت تحقیق در مورد فرد بیش از پیش در امر ازدواج نمایان می‌شود. هرچند متأسفانه به آن کم‌توجهی می‌شود و یا برخی آن را به عنوان یک تشریفات تلقی می‌کنند و تحقیقات آنان صوری و ظاهری است و دقت لازم را در امر تحقیق ندارند.

در تحقیق پنج نکته را باید در نظر داشت:

۱. چه زمانی تحقیق کنیم؟
۲. از چه منابعی تحقیق کنیم؟
۳. چه کسی باید تحقیق کند؟
۴. با چه شیوه‌ای و از چه موضوعاتی تحقیق کنیم؟
۵. چه سؤالاتی بپرسیم؟

## ۵-۱ زمان تحقیق

در مرحله‌ی اول باید توجه کنیم قبل از ورود به مراحل اصلی خواستگاری تحقیق شروع شود. برخی، تحقیقات را به آخرین مراحل موکول می‌کنند؛ یعنی وقتی همه‌ی حرف‌ها زده شد، می‌گویند: حالا اجازه بدهید تحقیق کنیم. این روش نادرست است؛ چرا که اگر در تحقیق روشن شد مشکلی در کار است، تمام زحمات و رفت و آمدها با یک تحقیق کوچک تمام می‌شود. در حالی که در همان مرحله‌ی اول می‌توانست این کار فیصله پیدا کند و این همه دردسر به وجود نیاید؛ و باعث ناراحتی یا ضربه خوردن به کسی نشود بنابر این پیش از آمدن خواستگار، از او و خانواده‌اش جو یا شوید، ببینید چقدر به شما شبیه‌اند؟

تحقیق در همه‌ی مراحل ازدواج، راهگشاست. یعنی قبل از خواستگاری و پس از هر مرحله از دیدار، باید مرحله‌ای دیگر از تحقیق انجام شود و سپس قرار بعدی گذاشته شود. لیکن تحقیقات در مراحل مختلف متفاوت است.

تحقیق قبل از خواستگاری تحقیقی کاملاً کلی است. یک تحقیق مختصری انجام می‌شود. این تحقیق نباید چنان فراگیر باشد که در حالی که هنوز عروس و داماد همدیگر را ندیده‌اند، همه از آن اطلاع پیدا کنند. تحقیق باید در این مرحله، کلیاتی را راجع به خواستگار یا فردی که به خواستگاری آن می‌روید به شما بدهد که او چه کسی است؟

گاهی برای خواستگاری دختری یک تلفن زده می‌شود و اجازه می‌گیرند که به خواستگاری دختر بیایند؛ به دنبال آن تلفن، پسری به خواستگاری می‌آید که چه بسا برای آن خانواده مزاحمت‌ها ایجاد شود و هنگامی که جواب منفی می‌شوند، با تهدید، ارباب، مشکلات و دردسرهای متفاوت، آن خانواده را به عذاب می‌گذارد!

تحقیق اولیه برای شناسایی کسی که می‌خواهد به حریم خانواده پا گذارد، امری کاملاً ضروری است. اما هر چه مراحل دیدارها بیش‌تر شود، تحقیق هم باید جدی‌تر صورت گیرد و به مراتب تحقیقات وسیع‌تر و دقیق‌تری انجام شود.

### ۲-۵ منابع تحقیق

برای تحقیق باید چند محل مد نظر گرفته شود. ابتدا باید از محیط زندگی یعنی محله‌ای که در آن ساکن هستند و یا چنانچه چندین سال پیش در محله‌ای دیگر زندگی می‌کرده‌اند، از هر دو محل تحقیقات انجام شود. از محیط کار، محل تحصیل و اقوام فرد نیز تحقیق به عمل آید.

اما در اینجا سؤالی مطرح می‌شود: از چه کسی تحقیق کنیم؟

پاسخ این است که به فراخور هر محلّ از معتمدان و افراد شاخص و متدین و مسؤولان باید سؤال شود. یعنی ابتدا در آن محیط پرسیم: چه کسی معتمد و مطمئن است و بعد با او موضوع را مطرح کنیم. محقق قبل از اینکه وارد تحقیق پیرامون موضوع اصلی ازدواج شود، لازم است ابتدا در مورد منابع تحقیقی که می‌خواهد سراغ ایشان برود تحقیق کند. بدون آگاهی از منبع تحقیق به سراغ او نرود. در تحقیق محلی روا نیست در خانه‌ای را بزیم و بگوییم ما می‌خواهیم در مورد همسایه‌ی شما چند سؤال پرسیم. چه بسا همسایه‌ای که شما در خانه‌ی او را زده‌اید، کینه و عداوتی دیرینه با همسایه‌ی خود و فرد مورد تحقیق شما داشته باشد و چنان اطلاعات غلطی به شما بدهد که شما را از ادامه‌ی تحقیق دلسرد کند و یا منابع دیگری را به شما معرفی کند که آن‌ها نیز نظری مانند او دارند. بنابراین اولین گام در تحقیق، شناسایی

منابع مطلع و با صداقت است.

تحقیقات فامیلی بسیار مهم است؛ زیرا اطلاعات دقیق‌تری نسبت به دیگر منابع تحقیق دارند و کسی غیر از فامیل از آن باخبر نیست. اگر فامیلی با آن‌ها وصلت کرده‌اند، آن فامیل می‌تواند اطلاعات خوبی در اختیار شما بگذارند.

در پایان توجه شما را به نکاتی جلب می‌نمایم:

- در زمینه‌ی رفتار اجتماعی او چنانچه سابقه‌ای داشته است، با مراجعه به نیروی انتظامی از این سابقه اطمینان حاصل کنید.

- از همسایگان بایستی با احتیاط بیشتری سؤال شود و اگر تیزبین باشید، اطلاعات زیادی در مورد اخلاق خانوادگی او می‌توانید بدست آورید.

- دوستان خانوادگی، همکاران، هم کلاسی‌ها، همسایگان همگی می‌توانند جوابگوی بسیاری از سؤالات مهم باشند؛ به شرط اینکه از محقق بخواهید با آنها قراری بگذارند و با ایجاد رابطه‌ای صمیمی اطلاعات مفیدی به دست آورد.

- عدم تمایل به جواب دادن سؤالات تحقیق آن هم از سوی نزدیکان فرد، خود نشانه‌ای منفی است.

- در صورتی که افرادی را برای تحقیق به شما معرفی کرده‌اند، تنها به آن‌ها اکتفا نکنید، بلکه از افراد مطلع دیگر و حتی مخالفان او نیز تحقیق کنید.

- از هر شخصی تحقیق می‌کنید، حتماً از سابقه‌ی آشنایی او سؤال کنید تا بفهمید چقدر اطلاعات دارد و یا ارتباطش با او در چه حد است.

- اگر کسی که از او راجع به طرف مقابلتان سؤال می‌کنید، دوست صمیمی او می‌باشد، خصوصیات دوستش را نیز در نظر بگیرید؛ چون دوستان از لحاظ بعضی خصوصیات شخصیتی به یکدیگر شبیه‌اند و خصوصیت دوستان صمیمی بیانگر شخصیت و روحیات حقیقی فرد است.

- به کسی که از او سؤال می‌کنید لزوم راستگویی و حساسیت این امر را گوشزد کنید و به او اطمینان دهید که این مطالب جایی بازگو نخواهد شد. در صورتی که



حرف ضد و نقیضی شنیدید، همچنان به تحقیق خود ادامه دهید.

### ۳-۵ خصوصیات محقق

مطلب اساسی سوم در امر تحقیق، مسأله‌ی عوامل تحقیق است؛ اینکه چه کسی باید به تحقیق برود؟

محقق باید فردی پخته و زیرک باشد تا بتواند از بین سخنان منابع تحقیق به حقیقت دست یابد. انسان‌ها معمولاً نقاط ضعف و عیوب دیگران را به راحتی در اختیار طرف مقابل نمی‌گذارند و این کار، تحقیق را با مشکل مواجه می‌کند. گاه منابع تحقیق بنا به مصلحت اندیشی و یا بیم از اطلاع یافتن فرد تحقیق شونده (مورد تحقیق) اطلاعات را در اختیار محقق نمی‌گذارند و یا در لفافه و کنایه مطالبی را در اختیار محقق قرار می‌دهند.

در امر ازدواج این خیانت بزرگ گاهی صورت می‌گیرد که پس از انجام ازدواج و بروز مشکلات به سراغ منابع تحقیق می‌روند و با ناراحتی و نفرین آنان را مورد خطاب قرار می‌دهند که شما حقایق لازم را برای ما مطرح نکردید و اکنون گرفتار اعتماد به سخنان شما شده‌ایم!

آن وقت پاسخ می‌دهند: «خجالت کشیدیم و یا ترسیدیم غیبت باشد و یا ترسیدیم آن‌ها اطلاع پیدا کنند و از دست ما ناراحت شوند.»

بنابراین، محقق باید با زیرکی خاص از لابلای سخنان منابع تحقیق و با کوشش در رفع ابهاماتی که در ذهن او نقش می‌بندد، به نتیجه‌گیری برسد. محقق می‌تواند از بین اقوام، دوستان یا مشاوران مطمئن باشد. حتی می‌توانید در این امر از چندین نفر یاری بگیرید که هر یک بخشی از تحقیق را به عهده گیرند.

تحقیق اولیه به‌خصوص در مورد دخترخانم‌ها باید بگونه‌ای باشد که تا زمانی که هنوز اقدامی انجام نگرفته است، نام او بر سر زبان‌ها نیفتد. امانتداری و رازداری در این خصوص هم بر محقق و هم بر منبع تحقیق لازم و ضروری است.

بدیهی است که در مراحل اولیه ممکن است طرفین اصلاً به توافق نرسند. لذا سزاوار نیست از همان ابتدا، ماجرا چنان پرجنجال در محله به گوش همه برسد که در صورت عدم توافق، سوءظن و غیبت و تهمت احتمالی گریبان‌گیر فرد و خانواده‌ی او شود. بنابراین، امر تحقیق را باید با ظرافت‌های خاص و با زیرکی و رعایت همه‌ی جوانب پیگیری نمود. رعایت این ظرایف در تحقیق از محل کار، تحصیل و فامیل نیز صادق است.

در اینجا معلوم می‌شود چقدر خصوصیات محقق و ورزیدگی او مهم است و چه خوب بود مؤسسات مطمئنی ایجاد می‌شد و برای جوانانی که محقق مناسبی ندارند، این امر را تحقق می‌بخشید.

در پایان چند نکته را یادآور می‌شویم:

- سعی کنید محقق را از میان صمیمی‌ترین و خیرخواه‌ترین افراد، نسبت به خودتان انتخاب کنید؛ چون هم از خصوصیات شما آگاه هستند و هم دلسوز.  
- اگر به رازگویی و راستگویی محقق اطمینان نداشته باشید، این احتمال را باید بدهید که هر چه رشته‌اید پنبه خواهد شد.

- محقق باید مطالبی که در طی تحقیق متوجه می‌شود را فقط به فرد و خانواده‌اش بگوید و از بازگو کردن در جای دیگری خودداری کند، ضمن آنکه نباید مطالبی را مصلحتاً مخفی نگه داشته و به آن‌ها نگوید؛ چرا که ممکن است با اطلاع از آن نظرشان برگردد.

- محقق باید قدرت سؤال و جواب کردن را داشته باشد، نه خجالتی باشد و نه پرحرف. اگر خجالتی باشد، سؤالی نمی‌پرسد و اگر پرحرف باشد، اجازه‌ی پاسخگویی نمی‌دهد.

- همین که دیدید فرد نمی‌تواند تحقیق کند یا نمی‌داند چه پرسد، شخص دیگری را برای این کار برگزینید.

- در صورتی که محققین چند نفرند، بایستی بینشان هماهنگی‌های لازم انجام شود

تا از دوباره کاری و یا از قلم افتادن برخی موضوعات تحقیق جلوگیری شود.  
-وظیفه‌ی محقق تنها جمع آوری اطلاعات است نه تجسس و یا تحمیل عقیده.

### ۵- شیوه‌ی تحقیق

محقق باید به نحوی اطمینان منابع تحقیق را تأمین کند؛ مثلاً بگوید: سخنان شما مانند رازی در نزد من می‌ماند و از اینکه گفتار شما به فرد مورد تحقیق ما برسد، آسوده خاطر باشید و از سوی دیگر، با تأکید بر اطمینان بودن آن فرد، از او بخواهید در حفظ اسرار پیرامون این تحقیق و سؤالاتی که از او می‌شود دقت نماید.

از دیگر نکات قابل توجه در این بخش، تعدد تحقیقات است؛ یعنی نباید به یک یا دو منبع تحقیق اکتفا شود. چه بسا اطلاعات غلط و ناقص یک منبع تحقیق، باعث تصمیم‌گیری غلط ما بشود. تحقیق در این مکان‌های چهارگانه (محل زندگی، محل کار، محل تحصیل و فامیل) موجب همپوشی و تکمیل اطلاعات می‌شود. بنابراین اگر از یک منبع، اطلاعات منفی را دریافت کردید، باید با نظر گروه‌های دیگر نیز مقایسه کنید. مسلم است که شما متوجه می‌شوید کدام اطلاعات ناقص یا غلط است.

گاهی اظهار نظرهای منفی و گاه اظهار نظرهای مثبت، غلط از آب درمی‌آید بنابراین نباید تحقیقات ناقص رها شود و تحقیق باید همه‌جانبه باشد.

نکته‌ی اساسی آخر، موضوع و سؤالات تحقیق است. محقق باید سؤالات ویژه‌ای را از پیش طراحی کند تا از پاسخ آن سؤالات مقصود خود را کسب نماید. و الا پاسخ منابع تحقیق بیش‌تر حالت کلی‌گویی و مبهم خواهد داشت.

به‌طور نمونه می‌تواند در شروع بپرسد: شما چند سال است با این خانواده همسایه هستید؟ مثلاً پاسخ می‌گوید ده سال. باز سؤال شود: آیا در این ده سال درباره‌ی موضوع یا مسأله‌ای از آن‌ها رنجیده خاطر شده‌اید؟ همسایه پاسخ می‌گوید: البته بین هر همسایه‌ای گاه مشکلات و مسائلی پیش می‌آید. بله یک مسأله‌ای داشته‌ایم؛ اما چیز مهمی نبود! باز بپرسد: می‌شود بگویید آن چیزی که مهم نبود راجع به چه

مسأله‌ای بوده است و با معذرت‌خواهی و نرمش خاص، سؤالات را همین طور ادامه دهد تا بفهمد آن چیزی که مهم نبوده چه بوده است. آنگاه درمی‌یابد که اتفاقاً همان نکته خیلی هم در زندگی خانوادگی می‌تواند مهم باشد.

مثلاً می‌گوید: این‌ها سطل زباله شان را از صبح جلوی در خانه می‌گذاشتند و ما ناراحت می‌شدیم ... به همین روش کم‌کم فرهنگ آن خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد که منظم هستند یا بی‌نظمی بر خانواده‌ی آن‌ها حاکم است و به همین ترتیب در هر سؤال به طور مصداقی وارد مباحث جزئی و اصلی بشود.

سؤالات علی‌رغم جزئی شدن، باید به گونه‌ای باشد که جهت‌گیری در آن نباشد. یعنی پاسخ دهنده نظر تان را حدس نزند که بخواهد پاسخ را مطابق میل شما بدهد. به طور مثال: اگر می‌خواهید خانواده‌ی مورد تحقیق شما مقید به حجاب باشند، چنانچه سؤال خود را اینگونه مطرح کنید: آیا خانواده‌ی مقیدی هستند؟ در پاسخ شما چه در خواستگاری و چه در مرحله‌ی تحقیق پاسخ می‌دهند: بله ما هم که آدم‌های غیر مقید نیستیم. از این نوع سؤال، آن‌ها منظور شما را به صراحت می‌فهمند و مطابق با نظر شما پاسخ می‌گویند.

سؤال خود را از جنبه‌ای مخالف بپرسید. مثلاً بپرسید: آیا در پوشش و حجابشان خیلی سختگیری دارند؟ با این سؤال، منبع مقصود شما را درک نمی‌کند و نمی‌داند آیا شما علاقه‌مندید حجاب محکمی داشته باشند یا دلتان می‌خواهد در امر حجاب آزادی بیش‌تری داشته باشند. این سؤال بنحوی مطرح شد که با آن لفظ مقید تفاوت داشت و مقصود محقق باید کشف حقیقت باشد. از این رو، نباید پاسخ‌گوینده مطابق میل ما پاسخ ما را بدهد. در سؤالات دیگر نیز باید به همین روش عمل کرد.

در مباحث سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید آنچه برای زندگی آینده‌ی شما مهم است، موضوع تحقیق قرار گیرد. به عنوان مثال، کسی که نسبت به مباحث سیاسی حساسیتی خاص دارد و با اعتقادات او محکم‌گره خورده است، اگر همسرش نسبت به مسائل سیاسی جاری کشور مخالف او تلقی شود، از او فوق‌العاده

متنفر می‌شود و بنیان این خانواده اگر شکل بگیرد، بنیانی سست و ناپایدار است. در تحقیق پیرامون مباحث اجتماعی، مسائل اساسی و آفات اجتماعی از قبیل اعتیاد، رابطه‌ی غلط با جنس مخالف، باید با ظرایف خاصی مورد توجه قرار گیرد. در این عرصه نباید فقط از یک گروه خاص تحقیق کنیم و از طرفی صرف نظر یک نفر خط بطلان بر نام او بکشیم و از او چشم‌پوشیم و چنانکه پیش از این گفتیم، تحقیق باید همه‌جانبه باشد. حتی بنحوی از خود فرد تحقیق به عمل آوریم.

طبق حدیثی از رسول گرامی ﷺ که فرمودند: هنگام انتخاب همسر به وضعیت اخلاقی و رفتاری برادر و خواهرهایش بنگرید، زیرا که زنان همانند برادر و خواهر خویش فرزند می‌آورند، می‌توان ضرورت تحقیق از خانواده‌ی فرد را فهمید. در کشور اسلامی ما، خانواده نقش اساسی و واقعی را در ازدواج ایفا می‌کند. نمی‌توان گفت: من کاری به خانواده‌ی او ندارم، پدرش هر طوری می‌خواهد باشد، به من مربوط نیست. این، برداشت غلطی است. اثر خانواده در زندگی شما مستقیم و غیر مستقیم زیاد خواهد بود.

البته تمام این موارد استثناپذیر هم هست؛ مثلاً دو نفر از شهرستانی به دانشگاه شهری دیگر آمده‌اند و می‌خواهند پس از تحصیل نیز در همان شهر محل تحصیل زندگی کنند. بدیهی است در چنین ازدواج‌هایی نقش خانواده کم‌رنگ‌تر می‌شود، اما قطعاً دو دانشجوی جوان در همان شهری که خانواده‌شان در آن زندگی می‌کنند، اگر قصد ازدواج دارند، نمی‌توانند از خانواده‌های خود چشم‌پوشند.

بدیهی است نقاط ضعف خانواده نباید در تحقیق، به میزان نقاط ضعف فرد محاسبه شود؛ یعنی نقاط ضعف خانواده اگر بسیار حاد بود باید شما از ازدواج با او منصرف شوید، ولی در مورد فرد باید حداقل‌ها هم مورد نظر باشد.

گاه از سر بی‌حالی و سهل‌انگاری در خصوص خانواده‌ها، تحقیق صورت نمی‌گیرد و می‌گویند ما توکل به خدا کردیم. این سخن غلطی است که انسان کم‌کاری خود را پای توکل به خدا بگذارد و یا بجای تحقیق، از استخاره یاری بگیرد.

## ۵-۵ نکات مهم در تحقیق

- برایتان مهم باشد بدانید پسر روزیش را از راه حلال بدست می‌آورد یا نه. در این زمینه می‌توانید از همکارانش سؤال کنید و علاوه بر اینکه از خصوصیات اخلاقی او می‌پرسید، از نحوه‌ی کار کردن و دقت او در حلال و حرام سؤال کنید.
- از محقق بخواهید مدتی در محل کار یا تحصیل، فرد را مورد مراقبت قرار دهد تا بعضی از برخوردها، رفتارها و حتی میزان اهمیت او به مذهب را از نزدیک ببیند.
- وقتی از همسایه‌ها راجع به طرف مقابل تحقیق می‌کنید، مواظب باشید جزئیات خواستگاری و ارتباط با آن‌ها را بر ملا نکنید، چون ممکن است همسایه‌ها سوگیری کنند یا بعدها مزاحمت ایجاد کنند.
- سعی کنید با همکار یا هم مغازه‌ای او قرار ملاقاتی بگذارید.
- از دوستان او راجع به خصوصیات روحی او سؤال کنید و اینکه تا چه حد به دوستی خود وفادار است. از مسافرت‌ها و جاهایی که با هم رفته‌اند و از علایق او بپرسید.
- موقعیت آن‌ها و اینکه در محله به چه اسم و عنوانی مشهورند، چقدر با همسایگان ارتباط دارند و اینکه بیش‌تر چه چیزهایی برایشان مهم است را از همسایگان بپرسید.
- یک راه کشف فرد، پرسیدن از پدر و مادر اوست. (سؤالات اکتشافی)
- در تمام مراحل تحقیق این نکته را فراموش نکنید که این خود شما هستید که بایستی پیگیر مسأله‌ی تحقیق باشید و به موضوع اهمیت بیش‌تری دهید نه اینکه خانواده تنها مسؤول باشند.
- محقق باید با دوستان فرد گفتگویی را ترتیب دهد تا هم ظاهر آن‌ها را ببیند و هم با خلیقات آن‌ها آشنا شود و از طرف مقابل اطلاعاتی بدست آورد.
- فرد را از دوستانش بشناس. فراموش نکن که او کسی را برای دوستی انتخاب کرده است که از لحاظ شخصیتی و مذهبی تا حدی هم جهت او است.

- نباید تحقیقات به گونه‌ای باشد که اسباب آزار و اذیت و یا تجسس بی‌مورد را فراهم کند.
- از محقق بخواهید سؤالاتی بپرسد که جواب بله یا خیر داده نشود، بلکه شخص مقابل را به توضیح وادارد.
- قرار نیست نظرتان را در تحقیقات هم‌جهت با شخص منبع تحقیق کنید. شما برای کشف حقیقت آمده‌اید؛ نه برای ایجاد ارتباط و تفاهم، هر چند ارتباط مناسب و حسن تفاهم می‌تواند به طرف مقابل اطمینان دهد و نکات مهمی را بیان کند.
- تغییر و تحولات در زندگی فرد خود نشانه‌هایی از حالات و روحيات اوست، در تحقیق به این مسائل توجه کنید.
- از همسایگان در مورد اخلاق در خانه، سابقه‌ی دعوا و یا رفتار بد در محله پرس و جو کنید.
- کسی که برای تحقیق می‌رود می‌تواند با موضوع دیگری غیر از ازدواج سؤالاتی بپرسد و سپس موضوع را به صورت مستقیم بیان کند.
- از کسی که بیشتر با او مسافرت رفته است، راجع به عادات، اخلاقیات و روحيات او پرس و جو کنید و بپرسید آیا باز هم دوست دارد با او مسافرت برود یا خیر.
- موضوعاتی که برایتان اهمیت بیشتری دارد، به محقق تأکید کنید و از او بخواهید اهمیت موضوع را بروز ندهد.
- در کنار تحقیق از فرد در مورد خانواده‌اش نیز پرس و جو کنید، تا او را در ارتباط با جمع و خانواده‌اش بشناسید.
- اگر در گفتگو با افراد مختلف به تناقضی رسیدید، تحقیق در آن زمینه را با دقت بیشتر و به دور از حساسیت ادامه دهید.
- توصیف خودش را با توصیف دیگران در رابطه با اخلاق و شخصیتش و یا زمینه‌های دیگر مقایسه کنید تا ببینید چقدر ترسیمش از خودش واقعی است و می‌توان به حرف‌هایش اطمینان کرد.

- بعد از اینکه محقق تحقیقات خود را انجام داد، زمانی را تعیین کنید و از او بخواهید تا یافته‌هایش را برایتان تعریف کند و شما آن را ارزیابی کنید تا نواقص کارش برای تحقیق بعدی مشخص شود.
- با بیشتر حرف زدن با محقق معلوم می‌شود که محقق همان چیزهایی را که ما می‌خواهیم تحقیق کرده است یا نه.
- بهتر است بعد از آخرین تحقیقات در صورتی که با مشکلی رو به رو شدید، جلسه‌ای را برای رفع ابهامات ترتیب دهید.
- برای دستیابی به اطلاعات کامل و دقیق بایستی از وضعیت فعلی و سابق فرد در زمینه‌های گوناگون تحقیق کنید.
- بعضی سؤالات مشترکند. می‌توانید جهت اطمینان و اعتماد آنها را از همه بپرسید. ولی سؤالاتی هستند که فقط عده‌ی خاصی جوابگو هستند.
- افعال و حالات شخص را در محیط‌های مختلف بررسی و آن را با گفته‌هایش در جلسات خواستگاری مقایسه کنید.
- وجود بیماری خاص یا اعتیاد داشتن او، با تحقیق راجع به پرونده‌ی پزشکی روشن می‌شود و اگر یکی از دوستان، همکاران و یا فردی از خانواده یا فامیل او معتاد بودند؛ زنگ خطری است برای احتمال اینکه او نیز معتاد باشد. پس باید از عدم آن اطمینان حاصل کرد.

## ۵-۶ سؤالات تحقیق

- در این قسمت نمونه‌ای از سؤالات تحقیق را به تفکیک موضوعات ارائه داده‌ایم.
- از: دوستان، خانواده - راجع به: هدف از ازدواج، برنامه‌ی آینده‌ی زندگی
- زن یا شوهر ایده‌آل او کیست؟
- آیا در مورد آینده‌ی زندگی خود (خانودگی، تحصیلی، کاری) برای شما صحبت کرده است؟



- فکر می‌کنید برای چه می‌خواهد ازدواج کند؟

\*\*\*

از: خانواده، دوستان، محل تحصیل (اساتید، همکلاسان)، همکاران و کسبه، همسایگان، فامیل

راجع به: اعتقادات مذهبی و میزان پایبندی به آنها

- آیا تا به حال نماز خواندن او را دیده اید؟ چقدر به نماز اهمیت می‌دهد؟

- حجاب او را چگونه می‌بینید؟

\*\*\*

از: خانواده، فامیل، همسایگان - راجع به: اخلاق خانوادگی

- صفت بارز اخلاقی او در خانواده چیست؟ چه صفات خوبی در او می‌بینید؟

- کدام اخلاق خوبش شما را جذب کرده است؟

- صفات بد او چیست؟

- حساسیت‌های او در رابطه با خانواده اش چیست؟ از چه اخلاقی بدش می‌آید؟

\*\*\*

از: دوستان، محل تحصیل، همکاران، همسایگان

راجع به: اخلاق فردی - اجتماعی

- رفتار اجتماعی او را چگونه می‌بینید؟

- از صفات اخلاقی کدام موارد را در او بیش‌تر می‌بینید؟

- در چه مواقعی عصبانیت او را دیده اید؟

- با چه کسانی بیشتر (دوستان) رفت و آمد دارد؟ (چه تیپ افرادی)

\*\*\*

از: دوستان، همکاران، خانواده - راجع به: وضعیت اقتصادی او

- آیا از میزان درآمد او اطلاع دارید؟ آیا از کار و درآمدش راضی است؟

- پول‌هایش را بیش‌تر در چه مواردی خرج می‌کند؟

- مراسم عروسی را دوست دارد چگونه برگزار کند؟
- وضعیت مسکن او چگونه است؟

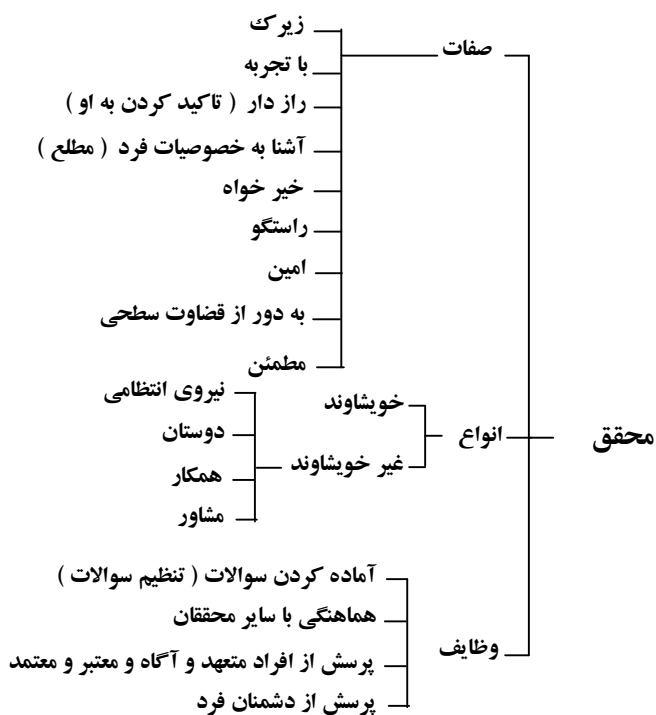
\*\*\*

- از: خانواده، دوستان، فامیل - راجع به: توانمندی‌ها
- چقدر دختر و پسر را برای اداره‌ی زندگی توانمند می‌دانید؟ (وظیفه‌شناسی، قبول مسئولیت زندگی)
  - پیروزی‌های او در زندگی چه بوده است؟ چقدر او را موفق می‌دانید؟ الگوی او در زندگی موفق چه کسانی هستند؟

## ۵-۷ نمودار تحقیق

در پایان برای دسته‌بندی ابعاد تحقیق که بعضی در بخش‌های گذشته توضیح داده شده و بعضی به عهده‌ی خود شما گذاشته شده است، جدول زیر ارائه می‌گردد:







گفتار عشقم /  
تصمیم‌گیری



لحظه‌ی سرنوشت‌ساز در ازدواج وقتی است که انسان می‌خواهد بعد از کسب اطلاعات و نظریات، تصمیم بگیرد. در این مبحث ابتدا به دو نکته‌ی مهم در این زمینه که عمدتاً با آن درگیر هستند، یعنی قسمت و استخاره مشروحاً پرداخته می‌شود و بعد موضوعات مشاوره، شیوه‌ی ارزیابی ملاک‌ها و دیگر نکات بطور مختصر و فشرده ذکر خواهد شد.

## ۱-۶ جایگاه قسمت در ازدواج

از مباحث مهمی که معمولاً در امر ازدواج از آن خیلی سخن به میان می‌آورند، بحث قسمت است. می‌گویند: «سختگیری نکنید. اگر قسمت باشد، می‌شود؛ قسمت نباشد، نمی‌شود». این سخن از مصادیق «کلمة حق یراد بها الباطل» است؛ کلمه‌ی حقیقی است که از آن اراده‌ی باطلی می‌کنند. ازدواج در زندگی انسان با سرنوشت در ارتباط است و فردی هم که با شما ازدواج می‌کند، جزء سرنوشت شماست. اما نباید فراموش کنید داستان سرنوشت انسان‌ها سرنوشت سیال است. در این سرنوشت گزینه‌های متعددی را نوشته‌اند.

در سرنوشت یک دختر یا پسر، اسم دختران یا پسران دیگری رقم خورده است که احتمالاً با یکی از آن‌ها ازدواج می‌کند. در پی اعمالی که فرد انجام می‌دهد، گزینه‌های سرنوشت محدودتر می‌شود تا سرانجام به یک مورد ختم شود.

## ۱-۱-۶ قضا و قدر

بحث قسمت را باید تحت واژه‌ی غنی‌تر «قضا و قدر» مورد بررسی قرارداد که تقریباً معادل واژه‌ی «سرنوشت» در فارسی است.

مقصود از قضا و قدر یا سرنوشت، این است که انسان در مسیر زندگی خود در مدار مشخص تعیین شده در حال حرکت است.

علمای اهل لغت و تفسیر «قضا» را به معنی سرنوشت قطعی می‌دانند و «قَدَر» را به معنی سرنوشتی که از روی محاسبه و مشروط اتفاق می‌افتد. یعنی چنانچه کسی از یک ساختمان به طرف پایین پرتاب شود حداقل پایش خواهد شکست. این بخشی از قدر است. سختی زمین، نوع فرود آمدن او، نوع قدرت بدنی و توان آن فرد، شرایط مختلفی را در کنار هم قرار می‌دهد تا قَدَر شکل بگیرد. بطور مسلم نظام هستی بر اساس قدری بنا نهاده شده است و قوانینی بر آن حاکم است.



همچنین در این عالم هستی، یک قضای حاکم است که اگر کاری در قضای الهی حتمی شده باشد، دیگر بدون تردید آن رخ خواهد داد و شرایط و اگر و امایی در آن نقش ندارد؛ مثلاً در قضای الهی چنان مقرر کرده‌اند که در فلان تاریخ حضرت آدم علیه السلام به دنیا بیاید. این قضای الهی قطعاً رخ می‌دهد.

ملاصدرا در کتاب «الشواهد الربوبیه» می‌نویسد: قضا مال مجرّدات است و قدر مال عالم مادّیات. بعضی از حکمای متأله قائل به این نکته بوده‌اند که در مادیات چیزی به نام قضای حتمی نداریم. یعنی هر چه در جهان مادّی رخ می‌دهد، قضای حتمی نیست؛ مشروط به شرایطی است. اما آنچه در عالم مجرّدات است، قضای حتمی است.

## ۶-۱-۲ اختیار و سرنوشت

اختیار انسان هم جزء سرنوشت و قضا و قدر است یعنی اختیار از سرنوشت جدا نیست و یکی از بخش‌های سرنوشت انسان، مختار بودن اوست. اختیار در یکایک انسان‌ها و جنیان وجود دارد. خداوند اختیار را در انسان‌ها قرار داده است تا بر اساس اختیارشان در راه‌های گوناگونی که در سرنوشت آنان قرار دارد، یکی از آن راه‌ها را انتخاب کنند.

ماحصل نگاه به بحث سرنوشت این است: خداوند در زندگی هر یک از ما راه‌هایی را به نام سرنوشت قرار داده است. برای تشریح بهتر این بحث، مثالی را بیان می‌کنیم. اداره‌ی راه و ترابری برای خروج از شهر اصفهان، راه‌ها و جاده‌هایی را آماده کرده است که هر یک به سمتی از شهرهای مختلف متصل می‌شود. چنانچه کسی قصد سفر به یکی از شهرهای دیگر داشته باشد، ناگزیر است یکی از این راه‌ها را برگزیند. این جاده‌ها از قبل تعیین شده است و کسی نمی‌تواند غیر از این راه‌ها از راه دیگری از اصفهان خارج شود ولی اینکه من به کدام جاده بروم و قصد کدام شهر را داشته باشم، اختیارش را به خودم واگذار کرده‌اند و من می‌توانم شهرهای مختلف را برای سفر برگزینم ولی ناگزیرم برای سفر به هر یک از آن شهرها از راه مخصوص آن

از اصفهان خارج شوم. بنابراین اختیارم مطلق نیست؛ نمی‌توانم بگویم از همین مکانی که ایستاده‌ام، می‌خواهم از شهر بیرون بروم. مسلماً به دیوار یکی از ساختمان‌های سر راه برخورد خواهم کرد؛ مگر اینکه در مسیر جاده‌ای که قبلاً تعیین شده است، با پیچ و خم‌های عبور کنم و از شهر خارج شوم. بنابراین با اینکه اختیار دارم ولی راه‌های محدودی برای این سفر در پیش روی من است. حال اگر کسی از من بپرسد کجا می‌روی؟ می‌گویم: از جاده‌ای که اداره‌ی راه احداث کرده است می‌روم. ولی اگر بگوید با اختیار خود آمده‌ای یا نه؟ می‌گویم: بله می‌توانستم نیایم.

در ماجرای جنگ صفین پیرمردی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: یا علی اینکه ما به جنگ صفین آمده‌ایم، در سرنوشت ما نوشته شده بود یا نه؟ حضرت فرمودند: از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و از هیچ بلندی به پایین نیامدید مگر اینکه جزء سرنوشتتان بود. پیرمرد با شنیدن این سخن ناراحت شد و گفت: پس ما کاری نکرده‌ایم. ما داریم در مسیر سرنوشت حرکت می‌کنیم. حضرت فرمودند: شما با اختیار خود در این سرنوشت آمدید.<sup>۱</sup> اگر تو برای جنگ صفین آمدی، در سرنوشت نوشته بودند اما در سرنوشت، ده‌ها متغیر دیگر هم بود؛ می‌توانستی در کوفه بمانی و این اتفاق‌ها برایت نیفتند. می‌توانستی به سپاه معاویه بروی و از آن مسیر حرکت کنی و علیه من بجنگی. ده‌ها چیز در سرنوشت تو مشخص شده بود و تو با اختیار خودت این راه را انتخاب کردی. این، داستان سرنوشت است.

### ۳-۱-۶ حق انتخاب در ازدواج

در مسأله‌ی ازدواج هم، این قاعده جاری و ساری است. در سرنوشت شما تعداد زیادی به عنوان همسر وجود دارند. این، برای شما مقدّر است، ولی قضا نیست تا کدام اتفاق بیفتد و هر یک کدام را انتخاب کنید، مشروط به ده‌ها گزاره‌ی دیگر است. اگر اغلب گزاره‌ها اتفاق بیفتد و گزاره‌ی آخری محقق نشود، از سرنوشت شما خط

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۵۵

می خورد. یعنی او در سرنوشت تو نوشته شده بود، ولی در اثر عمل اختیاری تو در زندگی رخ نداد.

ممکن است کسی بگوید: چرا فلان دختر که من به او علاقه دارم، جزء سرنوشت من نیست یا فلان پسری که فکر می کنم مناسب ازدواج با من است در سرنوشت من قرار ندارد؟

در پاسخ به این سؤالات باید گفت: خداوند بهترین سرنوشت ها را برای ما در نظر گرفته است. ممکن است ازدواج این دخترخانم با آن آقا پسر بهترین سرنوشت باشد؛ ولی در ازدواج با آقای دیگری بدترین سرنوشت باشد. خداوند خیر بندگان خود را می خواهد اما به خیر آتی بنده نظر دارد نه به خیر آنی. ما حال را می بینیم ولی خداوند کل مسیر حرکت را در نظر دارد. زیرا ما برای جاودانگی آفریده شده ایم.

اگر خداوند افرادی را در سرنوشت ما قرار نداده است، به این معنی نیست که قصد محروم ساختن ما را داشته است؛ بلکه خداوند آن ها را اصلاً به صلاح ما ندانسته است؛ زیرا خداوند اولاً قادر است؛ ثانیاً عالم مطلق؛ ثالثاً خیر خواه مطلق است. خداوند می داند این دختر در سعادت تو چقدر نقش دارد و در ازدواج با او در آینده چه اتفاقی می افتد.

## ۶-۱-۴ جزئی برخورد نکردن در ازدواج

گاه دیده می شود دختر و پسری به هم علاقمند شده اند و احساس می کنند می توانند زندگی موفق داشته باشند. پسر می گوید: اگر با این دختر ازدواج کنم، خوشبختی من حتمی است. این، سخن نسنجیده و ناپخته ای است.

جوانان عزیز باید بدانند انسان هایی که دارای تجربه اند و شاهد زندگی های موفق و ناموفق بوده اند، اینچنین قضاوتی ندارند. چه بسا همین فردی را که برای ازدواج برگزیده اید و با یقین می گوید او در خوشبختی من مؤثر است، با حادثه ای که در زندگی شما اتفاق می افتد، او را عامل بدبختی و فلاکت زندگی خود به شمار آورید. چه

ازدواج‌های شیرینی که عاقبت از زهر هلاهل تلخ‌تر شد و همه شگفت‌زده می‌پرسند: آن‌ها که زندگی موفق و بالذتی داشتند! چه شد که اینگونه چرخ زندگیشان برگشت؟! عالم هستی پستی و بلندی‌های فراوانی دارد و در آن اسرارها نهفته است. بنابراین در امر ازدواج، جزمی برخوردار نکند. چه بسا انتخابی که جز عذاب، ثمری برای شما ندارد. بنابراین به خدای خود اعتماد کنید. او خیرخواه مطلق است و بخشنده‌ای است که در بخشش خود بخل نمی‌ورزد. اگر صلاح تو را در آن می‌دید که این دختری که دل به آن بسته‌ای در سرنوشت تو مقدر شده باشد، او را در سرنوشت قرار می‌داد. پس اگر احساس کردید در سرنوشت شما جای ندارد، بیهوده تلاش نکنید.

برای اینکه تشخیص دهید که آیا کسی در سرنوشت شما قرار دارد یا نه، راهش این است که در حد معمول و روش‌های صحیح برای ازدواج او اقدام کنید. اگر با روش‌های سالم و منطقی به پیش رفتید، اما موانع یکی پس از دیگری بر سر راهتان بوجود آمد که برداشتن آن موانع از عهده‌ی شما خارج است، در این صورت احتمال بدهید که این فرد در سرنوشت شما ثبت نشده است و به راحتی از کنارش عبور کنید. البته اینجا صحبت از ترک سماجت و لجاجت است؛ تا پایداری و مقاومت؛ مثلاً اگر جوانی چندین سال برای ورود به دانشگاه در کنکور سراسری شرکت کرده و علی‌رغم تلاش بی‌وقفه و برنامه‌ریزی‌های دقیق موفق به کسب نمره‌ی قبولی در رشته‌ی مورد نظرش نشده است، بپذیرد که در سرنوشتش نبوده است. آنچه سرنوشت برای ما رقم می‌زند شیرین است. آن را با تلخی یاد نکنیم. زیرا ما از عاقبت خویش و سختی‌ها و ناکامی‌های خود بی‌خبریم. چه بسا تصور ما در انتخاب فردی رشد و بالندگی را به همراه داشته باشد، ولی از عاقبت و پایان مسیر آن بی‌خبریم که چه تباهی و بدبختی گریبان‌گیر ما می‌شود.

اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرک راضية بقضائك؛<sup>۱</sup> خداوند! نفسم را به قدر خود اطمینان بخش و به قضای خود راضی گردان.

۱. زیارت امین‌الله

## ۶-۱-۵ سرنوشت همسر فرعون

بدترین شوهر تاریخ فرعون بود. زیرا بدترین همسر، کسی است که تندخو، ظالم و مستکبر باشد و فرعون در استکبار و تندخویی نظیر نداشت. او به همسرش حکم کرده بود که کافر باشد و شرک بورزد. در این جهت هم تمام خوشی‌ها و راحتی‌ها را برای او فراهم کرده بود. همه‌ی زمینه‌های مشرک شدن و کفر ورزیدن او فراهم بود. اگر تأملی در زندگی آسیه و فرعون نماییم، برای ما این سؤال مطرح می‌شود: «چرا آسیه باید در سرنوشت فرعون قرار داشته باشد؟» خداوند چرا چنین همسر بدی را برای آسیه رقم زد؟ آیا آسیه بدبخت شد و یا خوشبخت و سعادتمند گردید؟

آسیه خوشبخت و خوش‌عاقبت شد. تا آنجا که خداوند او را در قرآن ستود و او را ضرب‌المثل مؤمنان قرار داد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ...»<sup>۱</sup>.

پس علت آن ازدواج را درمی‌یابیم که اگر آسیه همسر فرعون نمی‌شد، به این مقام بلند معنوی نمی‌رسید. آسیه از لحاظ معنوی هر چه دارد در همسری فرعون دارد و مقامات آسیه دستاورد و در پرتو ازدواج با فرعون و استقامت در ایمان در برابر فرعون بود. هر چند به ظاهر این ازدواج، موفق ارزیابی نمی‌شود ولی باطن این ازدواج چنین ثمره‌ی شیرینی را برای آسیه داشت. فَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا<sup>۲</sup>.

## ۶-۱-۶ ازدواج با حجت خدا

اگر به خانم‌های مؤمن بگویید: شما ازدواج با امام زمان علیه السلام را دوست دارید یا بهشت را؟ پاسخ می‌دهند: حاضریم زندگی و بهشت را بدهیم و همسر آن حضرت شویم. ولی زن نوح علیه السلام چنین موهبتی نصیبش شد - همسر حجت خدا در زمان خود:

۱. تحریم (۶۶/۱۱): و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثال زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

۲. نساء (۴/۱۹): پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

بود - ولی همین ازدواج موجب شقاوت و بدبختی او شد؛ یعنی ممکن است ظاهراً همسر خوبی نصیب انسان شود، ولی بخاطر ناسپاسی فرد، آن ازدواج او را جهنمی کند. چه بسا اگر زن نوح علیه السلام نشده بود، اینقدر بد عاقبت نمی شد که خداوند بفرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ...»<sup>۱</sup>. آن دو زن، ضرب المثل کفار گردیدند. پس سرنوشت اینگونه که من و شما حساب می کنیم نیست. خداوند هر چه خیر بداند می کند.

### ۶-۱-۷ تلاش و پاکی، مؤثر در سرنوشت

البته خداوند در حد منطقی و متعارف، اختیاراتی به ما داده است که بتوانیم انتخاب کنیم و عمل کنیم. در آنجا که سرنوشت جنبه‌ی قدر دارد، شروطی را نیز قرار داده است. از جمله اینکه «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۲</sup>. این، شرط قدر خداوند است؛ یعنی کسی که همسر خوب و صالحه می خواهد، باید تلاش کند. دخترخانمی که همسری شایسته و صالح می خواهد، باید در کسب کمالات و رعایت عفت و حیا کوشش کند. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»<sup>۳</sup>.

آری، درست است که این مرد در سرنوشت شما رقم خورده است اما نه با گناه؛ مردی که در کوچه پیدایش می کنی و به او لبخند می زنی و ابراز محبت می کنی تا او را به خود متمایل سازی، در سرنوشت شما تأثیر دارد؛ چراکه اعمال ما در سرنوشتمان تأثیر مثبت یا منفی می گذارد. البته چنین عمل کردن، به یقین سرنوشت شما را به سوی بدی و شقاوت رقم می زند. ولی در بحث قضا سرنوشت افراد همه مثبت رقم خورده است چون سرنوشت حتمی است و در حیطه‌ی اختیار انسان نیست.

۱. تحریم (۶۶)/۱۰: خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر صلی الله علیه و آله) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آن‌ها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند!»

۲. نجم (۵۳)/۳۹: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

۳. نور (۲۴)/۲۶

ولی در سرنوشت قدری تغییر سرنوشت، از منهای بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت در سریان است. از این رو، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». در آن فهرست، نام مردانی که در سرنوشت آن خانم درج گردیده است - از بدترین افراد تا بهترین افراد - برای ازدواج قرار داده شده است. ولی شرایطش به عمل آن دختر خانم بستگی دارد.

رفتارهایی که در دوران مجردی در برخورد با پدر و مادر، خواهر و برادر و دوستان و آشنایان از او سر می‌زند، متغیرها را با گزینه‌ای متناسب با آن رفتارها رقم می‌زند. در مورد پسران نیز چنین است از این رو، در اصطلاح عوام می‌گویند: خداوند نجار نیست ولی در و تخته را خوب به هم جفت و جور می‌کند. تصوّر اینکه امروز که خواستگار آمده است من حواسم را جمع کنم، خطایی از من سرزند تا سرنوشت خوب رقم بخورد، برداشت ناقصی است. چه بسا اعمال سال گذشته‌ی من هم در خواستگاری تأثیر بگذارد.

## ۶-۱-۸ توجه به اصلاح کننده‌ی سرنوشت

البته خداوند باب توبه و بازگشت و جبران را نبسته است، تا هر جایی که فرد احساس کرد خطایی در گذشته از او سر زده است و آن خطا سرنوشت او را به بدی رقم زده است توبه کند و سرنوشت خود را به سوی نیکی و فلاح تغییر دهد. توصیه‌ی علمای اخلاق این است که تا آثار اعمالتان در سرنوشت شما تأثیر نگذاشته است توبه کنید. بنابراین انسان باید قبل از آنکه مورد عقاب و سرنوشت سوء واقع شود، در پی اصلاح اعمال خود برآید.

---

۱. رعد (۱۳/۱۱): خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.

## ۶-۲ توکل

توکل در تصمیم‌گیری نقشی اساسی دارد. مقصود از توکل این است که انسان به مطالعات کتب، مشاوره‌ها، حمایت پدر و مادر و تحقیقات قبل از ازدواج اتکا نکند. توکل یعنی اینکه در مراحل زندگی ضمانت انسان تکیه به خداوند باشد. توکل یعنی انسان همه‌ی تلاش‌ها و مطالعات و تحقیقات را داشته باشد؛ اما لحظه‌ی تصمیم‌گیری باز از خداوند غافل نباشد و سر رشته‌ی همه‌ی امور را در دست خداوند ببیند و بگوید: خداوند! به امید تو حرکت کردم و تویی که می‌توانی یاور من در زندگی باشی؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۱</sup>.

- توکل یعنی در تمام مراحل شناسایی، تحقیق، مشورت و ارزیابی نگاهمان رو به خدا باشد.

- اگر توکل به خدا را به شناسایی‌هایمان بیش‌تر پیوند بزنیم، امکان رسیدن به حقیقت و درستی افزایش می‌یابد.

## ۶-۲-۱ معنای توکل

این صحنه را شاید دیده باشید که وقتی بچه‌ها می‌خواهند دوچرخه‌سواری یاد بگیرند، در ابتدا دوچرخه‌هایی را سوار می‌شوند که دوچرخ کمکی به چرخ عقب آن‌ها متصل است. هنگامی که برای اولین بار چرخ‌های کمکی را از آن دوچرخه جدا می‌کنند، پدر کنار آن‌ها می‌ایستد و می‌گوید: نگران نباش. تو پا بزنی مواظب تو هستیم. آن کودک به اعتماد سخن پدر بر زین دوچرخه قرار می‌گیرد و شروع به رکاب زدن می‌کند و با خیال راحت به اتکای پدر به رکاب پا می‌زند. در حالی که خود او عملاً دارد دوچرخه را کنترل می‌کند. به این حالت «توکل» می‌گویند. وقتی در مسأله‌ی ازدواج نیز می‌گوییم باید توکل‌مان به خداوند خیلی بالا باشد، به این معنی نیست که به خداوند بگویید من تحقیق نکرده‌ام خدایا توکل به تو.

۱. طلاق (۸۶/۳): کسی که به خدا توکل کند، خدا برای او کافی است.



گاه می بینیم جوانی می گوید طرف در دلم جا گرفته ولی عقلم را هنوز به کار نگرفته‌ام. اما خدایا! توکل به تو! این، توکل نیست.

نقل شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیابان از شتر خویش پیاده شدند و شروع کردند زانوی شتر را بستن تا شتر حرکت نکند. یکی از اصحاب از راه رسید و گفت: یا رسول الله چه می کنید؟ فرمودند: دارم پای شتر را می بندم تا شتر فرار نکند. آن صحابی گفت: توکل به خدا کنید. شتر فرار نمی کند. پیامبر فرمودند: نه این سخن با معنای توکل منافات دارد. بلکه باید با توکل به خدا زانوی شتر را بست. به تعبیر مولوی «با توکل زانوی اشتر ببند.» یعنی من پای آن را می بندم ولی این بستن را به اتکای خداوند انجام می دهم.

آیات متعددی در قرآن بیانگر این محتواست که انسان باید تکالیف خود را انجام دهد. می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۱</sup>. با این حال، توصیه می فرماید بگو: «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۲</sup>.

## ۶-۲-۲ توکل مانع ترس

اگر پایه های توکل در بنیان زندگی مستحکم شد، برخی از آفات در زندگی شما اصلاً رخ نمی نماید. یکی از این آفات «ترس» است. کسی که به خداوند توکل داشته باشد، پشتیبانی در زندگی دارد که در لحظه های خطر دستگیر اوست. پس وقتی سررشته ی امور را در دست او می بیند، ترس در وجودش راه پیدا نمی کند؛ زیرا به دارایی ها و آنچه خود را مالک آن می داند، حساب نمی کند. بلکه امور خود را به کسی واگذار کرده است که به عاقبت همه ی امور واقف است و تغییر آن به خیر و نیکی در دست اوست و اوست که صلاح و سعادت بنده ی خود را بهتر می شناسد. از این روست که می فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۳</sup>.

۱. بقره (۲)/۲۸۶: خدا هیچ کس را جز به قدر تواناییش تکلیف نمی کند.

۲. غافر (۴۰)/۴۴: و کارم را به خدا می سپارم؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست.

۳. یونس (۱۰)/۶۲: آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند.

بنابراین توکل نقش اساسی در ازدواج دارد. کسی که توکل دارد، از ازدواج نمی‌هراسد و با اطمینان از حمایت خداوند در این راه گام بر می‌دارد و با دلی آرام به خواستگاری می‌رود. انسان متوکل در تمام مراحل زندگی هراس به دل راه نمی‌دهد. انسان متوکل نمی‌گوید: من دچار تزلزل شدم، حالا چه می‌شود؟ دلهره و اضطراب در دل انسان متوکل وجود ندارد. انسان متوکل نتیجه را از خدا می‌طلبد. حال چه صلاح باشد آن ازدواج صورت بگیرد یا پاسخ منفی بشنود.

انسان متوکل می‌داند تحقق و قضای همه‌ی امور در دست خداوند است. اگر او اراده کند، می‌شود؛ هر چند همه با آن مخالف و مانع از انجام آن کار باشند و اگر تمام اسباب و زمینه‌ها فراهم باشد و اراده‌ی او بر این امر قرار نگرفته باشد، آن امر به نتیجه نمی‌رسد. اگر دختر یا پسر جوانی برای رضای خدا و با توکل به خداوند متعال همسری را برای خود برگزید و صلاح کار خود را به خداوند وا گذاشت و گفت: «خدایا! رضایت تو برای من شرط است، من تابع احساساتم نیستم، آنچه صلاح من است برایم مقدّر نما» و بعد از همه‌ی تلاش‌ها و مشاوره‌ها و تحقیق و بررسی‌ها به این نتیجه رسید که واقعاً رضای خدا در این وصلت است، از هیچ مانعی هراس ندارد؛ چون رضایت او در این امر است، مشکلات و موانع را خود خداوند مرتفع خواهد کرد.

بنابراین عاملی که ترس و دلهره را از وجود شما دور می‌کند، توکل بر خداوند است. جوانی که توکل به خداوند ندارد، ترس بر او غلبه می‌کند. از این رو، در پاسخ برخی سؤالات دست و پایش را گم می‌کند و از ترس چه بسا دروغ هم می‌گوید؛ زیرا می‌ترسد اگر راست بگوید، پاسخ مناسب نشنود. بنابراین علت بسیاری از عدم صداقت‌ها و دروغ گفتن‌ها ترس است. البته دروغ گفتن درجاتی دارد. گاه دروغ گفتن ما رنگ و لعاب دروغ ندارد؛ به نحوی پاسخ می‌دهیم که راست راست نیست؛ با واقعیت برابر نیست.

یک جوان متوکل در معرفی خود، وضعیت زندگی و شغل خود را آنگونه که هست با صداقت و صراحت مطرح می‌سازد؛ خواه پاسخ مثبت بشنود یا منفی. یک دختر جوان اگر در خواستگاری به خداوند توکل داشته باشد، بدون هیچ

هراسی آنچه حقیقت و واقعیت دارد بیان می کند و از اینکه خواستگار تمایل به ازدواج با او داشته باشد یا از ازدواج با او منصرف شود نگران نمی شود. زیرا صلاح و مصلحت زندگی خود را به خداوند واگذار کرده است. او که «رئوف بالعباد» - مهربان به بندگان - است.

### ۶-۲-۳ بخل زدایی

اصل توکل با آفت دیگری که در زندگی ها نقش تأثیرگذاری دارد و فراوان دیده می شود، مقابله می کند و آن آفت، مسأله‌ی «بخل» است. گاه به بهانه‌ی جلوگیری از اسراف و عدم تشریفات بخل می ورزیم؛ در حالی که خود چنین تشریفات و پذیرایی و تزیینات را از طرف مقابل از ضروریات مراسم و زندگی می دانیم. حال که نوبت به خود ما رسیده است نام آن را «ولخرجی» و تشریفات زاید و اسراف می نهیم. در حالی که انتظار داریم دیگران برای ما سنگ تمام بگذارند.

اگر قرار باشد از بودجه‌ی دولت و یا اداره و یا از مال شخص دیگری هزینه کنیم، بی مهابا و محاسبه خرج می کنیم؛ مثلاً چنانچه دسته گلی را برای مراسمی بخواهید خریداری کنید، اگر از پول شخصی خود بخواهید خریداری کنید، آن را اسراف تلقی می کنید ولی اگر شما مورد محاسبه و پاسخگویی واقع نشوید، بدون هراس با خیال آسوده گرانترین دسته گل را با توجه به بودجه‌ای که در اختیار دارید خریداری می کنید و آن وقت اسراف نیست!

در بخل نیز نوعی ترس مشاهده می شود. ترس از اینکه پولمان تمام شود و در مخارج دیگر کم بیاوریم. این آفت بسیاری از خانواده‌ها را در آغاز زندگی تهدید می کند. از این رو باید همانطور که مواظب باشیم اسراف نکنیم و تجملات نداشته باشیم، گرفتار آفت بخل هم نشویم.

اگر مخارج ضروری یک مراسم بطور معمول مثلاً یک میلیون تومان می شود و در همان حد خرج کردیم، چون در جای خود بدون ریخت و پاش انجام گرفته است نه

تنها اسراف نیست بلکه نشان از حلیت و برکت آن مبلغ دارد که در چنین مراسمی به شایستگی هزینه گردیده است. اما همین فرد که به راحتی برای مراسمی یک میلیون تومان بذل و بخشش می‌کند و آن را در راه رضای خدا می‌داند، برای امر دیگری که دلیلی برای خرج کردن در آن نمی‌بیند، راضی به دادن یک ۱۰۰ تومانی هم نیست.

برای نمونه‌ی بارز در این خصوص می‌توان به حضرت امام خمینی! اشاره نمود که وجوهات و بودجه‌های فراوانی با امضای ایشان هزینه می‌شد اما از نصف لیوان آب نمی‌گذشتند و برگ کاغذی را بر آن لیوان می‌گذاشتند تا گرد و غبار بر آن ننشیند و موقع تشنگی آن را بنوشند و از طرفی مراقب رعایت مستحبات و مکروهات نیز بودند. زیرا اگر کاغذ را بر آن نمی‌گذاشتند و تا ساعتی این آب می‌ماند، خوردن آن مکروه می‌شد و از یک سو از اسراف آب جلوگیری می‌کردند.

برخی از جوانان برای جلوگیری از مخارج در آغاز زندگی ترجیح می‌دهند در منزل پدری زندگی کنند و حُسن آن را در ندادن اجاره و پس‌انداز بیش‌تر برای آینده می‌دانند. از طرفی علی‌القاعده و بطور معمول بخشی از هزینه‌های داخل خانه هم کاهش می‌یابد و با خود محاسبه می‌کنند اگر درآمد ایشان ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان باشد، باید ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان اجاره بدهند. اگر چنین جوانی به انگیزه‌ی درآمدی و صرفه‌جویی و پس‌انداز اقدام به این کار کند، نشانه‌ی بخل اوست. اما اگر جنبه‌های دیگر از جمله بهره‌مندی از ارتباط صمیمانه بین پدر و مادر و همسرش و کمک‌های معنوی و عاطفی را در نظر بگیرد. آن وقت موضوع فرق می‌کند و نتیجه بهتری می‌دهد. البته اگر فرد احتمال بدهد به دلیل این صرفه‌جویی ممکن است خللی در این روابط ایجاد شود و بین همسر و مادرش سخنی ردّ و بدل شود که منجر به بدبینی و ایجاد تنش در زندگی گردد و از سوی دیگر مادر او نیز ممکن است دل آزرده شود. همسر او بالاخره دختری جوان است و سلیقه‌هایی دارد و تمایل دارد لباس‌های متنوع بپوشد و پوشیدن آن لباس‌ها در حضور دیگران امکان‌پذیر نیست؛ پس منصرف شود و ترجیح دهد بنابراین صرفه با این است که همان نصف حقوقش را برای اصل اساسی ازدواج یعنی آرامش بدهد و کانون

خانواده را متشنج نکند. این تصمیم نیز ستودنی است. انسان متوکل می‌گوید این پول را می‌دهم و به خدا توکل می‌کنم که در آینده نیز در زندگی درنمانم. اگر لزوم و ضرورت خرج کردن را دانستید، دیگر نباید نگران کمبود مالی باشید. در فکر این نباشید که مخارج من از کجا تأمین می‌شود. وقتی انگیزه الهی باشد و قصد به رخ کشیدن تجملات و تفاخر نداشته باشید، خداوند شما را کفایت می‌کند و مشکلاتتان را برطرف می‌کند.

### ۶-۳ جایگاه استخاره در ازدواج

از دیگر مباحث مربوط به تصمیم‌گیری، مسأله‌ی استخاره است. مقصود از استخاره «طلب خیر نمودن از خداوند» است.

### ۶-۳-۱ معنای استخاره‌ی حقیقی

در سیره‌ی بزرگان و روایات نقل شده از ائمه علیهم‌السلام معنای استخاره این است که وقتی می‌خواهیم کاری را انجام دهیم، باید از خداوند طلب خیر کنیم. یعنی دو رکعت نماز استخاره بخوانیم و بگوییم خداوند! آنچه خیر است، برای من رقم بزن. آن راهی که خیر است به دل من بینداز تا آن راه را برگزینم. خدا! اگر خیر من در این ازدواج است، مشکلات آن را آسان گردان و اگر این ازدواج به صلاح من نیست، مشکل و موانعی برای انجام آن ایجاد کن. این معنای حقیقی استخاره است. نحوه‌ی استخاره چنین است که دو رکعت نماز استخاره می‌خواند، سپس به سجده می‌رود و صدمرتبه این ذکر را می‌گوید: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ»<sup>۱</sup>.

### ۶-۳-۲ استخاره‌ی مرسوم

استخاره معنای نازله‌ی دیگری هم دارد که در سیره‌ی بزرگان ما بوده است و

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۰

ایرادی هم ندارد و آن هنگامی است که انسان بر سر دو راهی قرار گیرد و هر چه فکر کند، مشورت کند و تحقیق نماید، نتواند از این دو راهی یک راه را برگزیند. حال، باید چگونه از این دو راهی خود را نجات دهد و به حرکت خود ادامه دهد؟ محاسن و معایب این دو راه با هم برابر است یعنی پنجاه درصد خیر و پنجاه درصد شر به نظر می‌رسد. اگر محاسن و معایب درصدهای دیگری داشت، مسلماً از بین راهی که ۷۰ درصد محاسن دارد و ۳۰ درصد معایب راه اول را باید انتخاب کرد.

در چنین شرایطی، به ما اجازه‌ی استخاره داده‌اند. البته نباید اشتباه کنید؛ در شک و تردید پنجاه درصدی نیز ازدواج صحیح نیست. ۵۰ درصد خوب بودن به ۵۰ درصد تردید نمی‌ارزد و آرامش آدمی را تأمین نمی‌کند. گاهی برخی جوانان در مسأله‌ی ازدواج با فردی می‌گویند: من از طرفی تردید دارم که اگر با او ازدواج کنم، مشکلاتی برایم پیش بیاورد و از طرفی امتیازاتی را در او می‌بینم که اگر پاسخ مثبت ندهم، می‌ترسم او را از دست بدهم و چنین امتیازاتی در کس دیگری جمع نباشد؛ یعنی بر سر دو راهی مانده است. از طرفی نگران و دلواپسی او در پاسخ منفی است و از طرف دیگر، دلواپس بله گفتن. اگر دلواپسی از یک طرف بود، مسأله حل بود. باید پاسخ منفی بدهی و اجازه دهی خواستگاران دیگر بخت خود را آزمایش کنند و سراغ خواستگاران دیگر بروی. در شرایطی که احتمال بدهی خواستگار دیگری با این شرایط و مجموعه محاسن برای شما پیش نیاید، در این شرایط باید به سراغ استخاره رفت.

### ۳-۳-۶ تفاوت استخاره با فال‌گیری

استخاره با فال‌گیری فرق دارد. اگر کسی به سراغ آقایی برود و بگوید: استخاره کنید ببینیم در آینده برای ما چه اتفاقی می‌افتد، این استخاره نیست. استخاره فقط می‌گوید خوب یا بد است. از چگونگی اتفاقات آینده خبر نمی‌دهد و حداکثر جنبه‌هایی از خوب و بد بودن را توضیح می‌دهد.

- استخاره کاری جز یقین یکی از دو طرف نیست: نه کلامی از احکام غیب را

تغییر می دهد نه ما را به اسرار غیب آگاه می سازد؛ فقط خیر ما را در یکی از دو راه مشخص می کند.

### ۶-۳-۴ شیوهی استخاره

استخاره‌های خود را به افراد مطمئن و موجه بسپارید. هر کسی شایستگی استخاره گرفتن را ندارد. البته اگر روش آن را که در حاشیه‌ی کتاب «مفاتیح الجنان» آمده است بدانید، می‌توانید خودتان استخاره کنید. یکی از آن روش‌ها به شرح ذیل است:

سیدبن طاووس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده که او از حضرت رسول ﷺ نقل کرده که فرمود هرگاه خواستی تَفَالُ بَرنی به کتاب الله عزوجل پس سه مرتبه سوره‌ی اخلاص را بخوان، سپس صلوات بفرست بر پیغمبر و آل آن حضرت سه مرتبه و بگو «اللَّهُمَّ إِنِّي تَفَالْتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَإِنِّي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ» پس باز کن قرآنی که جامع تمام سوره‌آیات باشد و بگیر فال را از خط اول از جانب اول.<sup>۱</sup>

### ۶-۳-۵ استخاره‌های بیجا

اما نکته‌ای که در این باره باید متذکر شویم، این است که اغلب استخاره‌های ما از ضعف عقل یا ضعف نفس و یا ضعف ایمان ناشی می‌شود. چون تعقلمان کم است یا ضعیف النفس هستیم و یا ایمان ضعیفی داریم، رو به استخاره می‌آوریم. گاهی افراد هنوز خواستگاری نرفته‌اند، سراغ استخاره می‌روند. این رفتار، بازی درآوردن است. فکر غلطی است که در ذهن بعضی‌ها قرار گرفته است که می‌گویند می‌خواهیم با خداوند مشورت کنیم، بنابراین استخاره می‌کنیم.

۱. حاشیه مفاتیح الجنان، ص ۸۴۳

### ۶-۳-۶ مشورت با خدا

استخاره مشورت با خدا نیست. در روایات هیچ کجا نگفته‌اند برای مشورت با خدا استخاره کنید. اما مشورت با مؤمنین را مشورت با خدا دانسته‌اند. حتی خداوند به پیامبر خود امر به مشاوره و مشورت می‌کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ».<sup>۲</sup> در روایات آمده است که هر گاه در یک تحیر و سرگردانی گرفتار شدید، با مؤمنی مشورت کنید. ما به آن مؤمن خیر شما را الهام می‌کنیم و به زبان او هدایت شما را جاری می‌نماییم.

### ۶-۳-۷ تخلف از استخاره

البته هر چند استخاره حجت نیست، ولی خلاف استخاره عمل کردن هم خوب نیست، مگر آنکه معلوم شود جای استخاره نبوده است. گاه دیده می‌شود جوانی استخاره می‌کند و پس از آنکه نتیجه‌ی استخاره به مراد دلش نیست، ناراحت می‌شود و می‌گوید: فلان کس گفت من استخاره کنم. حالا می‌توانم به استخاره عمل نکنم؟ از این سخن او فهمیده می‌شود آن کار نیازی به استخاره نداشته است. فلسفه‌ی استخاره برای این است که پس از استخاره شما آسوده خاطر و راحت شوید؛ حال چه خوب بیاید چه بد، فرقی نمی‌کند. مقصود این بود که شما آسوده شوید، نه اینکه استخاره بر دلواپسی و نگرانی شما بیفزاید. بنابراین توصیه می‌شود مشورت و تعقل و تحقیق را مقدم بر استخاره بدانید.

### ۶-۳-۸ نکاتی در مورد استخاره

- استخاره را نباید دانستن علم غیب دانست، همچنان که مشورت با غیر خدا را نیز نباید شرک نامید.

۱. آل عمران(۳)/۱۵۹

۲. شوری(۴۲)/۳۸



- شما در صورتی مجاز به استخاره هستید که پس از گذراندن مراحل: تفکر، بررسی تحقیقات و مشورت بین جواب مثبت قطعی و منفی قطعی دادن مردّد باشید.

- اگر شما صرفاً در جواب مثبت دادن تردید دارید، نباید استخاره کنید.

- اگر از لحاظ عقلی او مورد تأیید شماست ولی از لحاظ قلبی تردید دارید، می‌توانید استخاره کنید.

- استخاره نباید جای تفکر، توکل، تحقیق و مشورت را بگیرد.

- مقید به استخاره بودن، ارزش نیست؛ اگر پسر و دختر از نظر اخلاق و دین و ملاک‌ها تفاهم دارند، دیگر احتیاجی به استخاره نیست.

- سؤال: اگر دل انسان از لحاظ تعقل و مشورت و میل درونی به طرفی متمایل شده است، اما استخاره بد آمده چه باید بکنیم؟

- جواب: اینجا اصلاً جای استخاره نیست و استخاره باطل است. در این زمینه با یک عالم ربّانی مشورت کنید.

- بعضی بدون تفکر قبل از رفتن به خواستگاری یا آمدن خواستگار استخاره می‌کنند. با این کار جایگاه عقل را زیر سؤال می‌برند و بسیاری از موقعیت‌های مناسب را از دست خواهند داد.

- مشورت با خدا در استخاره نیست بلکه طبق روایات در مشورت کردن با افراد صالح و خیر خواه است.

### ۶-۴ مشاوره

یکی از محورهای اصلی تصمیم‌گیری مشورت است؛ در این زمینه توجه شما را به نکات زیر جلب می‌نمایم.

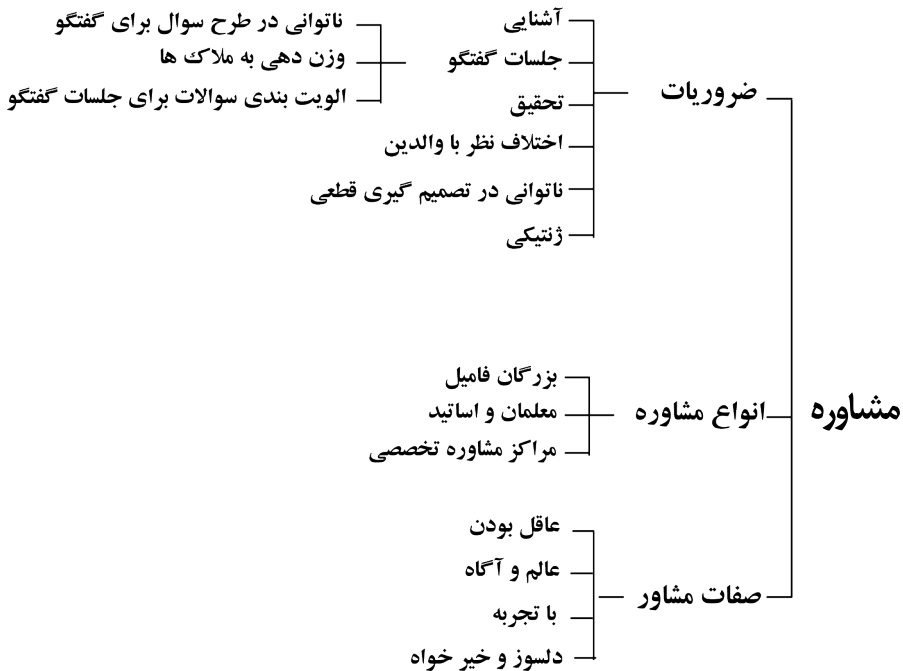
- مشورت باعث می‌شود که از تجارب دیگران در زندگی مان استفاده کنیم و همه چیز را خود تجربه نکنیم.

- به خاطر داشته باشیم که مشاور تنها به ما راه‌های درست را نشان می‌دهد و

- انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد انتخاب راه، دست خود ماست.
- در مشورت نتیجه قانع‌کننده بحث مهم است نه تعداد مشاوران.
  - مشاوره قبل از ازدواج باعث می‌شود که شما قبل از ورود به زندگی مشترک از مشکلات آن آگاه شوید و در لحظه‌ی بروز، صبورتر، عاقلانه‌تر و با کمترین میزان اضطراب آن را حل کنید.
  - در صورت بروز اختلاف نظر با یکدیگر در یکی از ملاک‌های فرعیان بهتر است آن را با مشاور در میان بگذارید تا اطمینان‌تان برای ادامه‌ی راه بیش‌تر شود.
  - در اسلام به پنهان کردن خواستگاری سفارش شده است؛ اما این به معنی مشورت نکردن و ناآگاهانه تصمیم‌گیری و انتخاب کردن نیست.
  - مدت مناسبی را برای مشورت کردن انتخاب کنید، نباید عجله کنید؛ زیرا انتخاب کسی که هم‌تای شما باشد و در کنار او بتوانید زیر یک سقف در آرامش زندگی کنید، زمان کافی را می‌طلبد.
  - برای مشورت مفید، شما هم باید مسائل و نقاط ابهام را در مورد گفته‌ها و شنیده‌ها به خوبی بیان کنید و تنها مشاور خوب کافی نیست.
  - لازمی بهره‌مندی از یک مشاور خوب، بیان کامل و شفاف شما نسبت به مسائل و نقاط ابهام ذهنتان در مورد گفته‌ها و شنیده‌ها است.
  - کسی که روحیات، علایق، رفتارهای فردی و اجتماعی شما را به خوبی می‌داند و با تجربه، رازدار و آگاه به مسائل و مشکلات ازدواج است، بهترین شخص برای مشاوره است که می‌تواند فامیل، دوست، استاد و معلم با تجربه هم باشد.
  - مشاوران متخصص به راحتی می‌توانند نقاط ابهام ذهن شما در مورد میزان سازگاریتان با هم را برطرف کنند.
  - دوستان و همسالان دانا و آگاه، در مشورت دادن با شما در مورد مسائل و دغدغه‌های فکری هم‌تراز شما صحبت می‌کنند؛ پس از لحاظی مفید و از لحاظی کافی نیست.

- تجربه نشان داده است که مشورت باعث تصمیم‌گیری درست و به موقع می‌شود. به فرمایش پیامبر ﷺ: «هیچ کس به مشورت با دیگری نپرداخت، مگر اینکه به راه درست راهنمایی شد» و به گفته‌ی امام علی علیه السلام: «هیچ پشتیبانی همچون مشاوره و مشورت کردن نیست» و «اگر کسی مشورت نکند پشیمان می‌شود».

- البته هر چه قدر هم که نظرات دیگران خوب و تخصصی باشد، اما باید بدانید تصمیم‌گیری نهایی با خود شماست؛ پس این اجازه را به کس دیگری ندهید. نمودار مشاوره به شرح ذیل می‌باشد:



## ۶-۵ مشورت و مشاوره از نگاه اهل بیت علیهم السلام

۱. مشورت کردن، مایه ی پشت گرمی و آرامش است.<sup>۱</sup>
۲. حمران و صفوان می گویند: ار امام صادق شنیدیم که می فرمود: روشننگری مشورت کردن در کاری بیش تر از چیزهای دیگر است.<sup>۲</sup>
۳. پیش از تصمیم گیری بیندیش و پیش از اقدام و انجام کاری مشورت کن.<sup>۳</sup>
۴. مشورت خوب معونت و همیاری است.<sup>۴</sup>
۵. در کارت با افراد ناآگاه و غیر مطلع مشورت مکن.<sup>۵</sup>
۶. هر کس با خردمندان مشورت کند بر تصمیم و کار درست راهنمایی شود.<sup>۶</sup>
۷. هر کس از نظرات گوناگون استقبال کند هنگامه های خطا و اشتباه را شناسد.<sup>۷</sup>
۸. آگاه باشید خردمند ژرف نگر کسی است که با فکر درست و رسا و نگاه به فرجام ها از نظرات و دیدگاههای مختلف استقبال کند.<sup>۸</sup>
۹. با کسی که عقلت او را نمی پذیرد مشورت مکن گرچه آن شخص به خردمندی و پرهیزکاری مشهور باشد و هر گاه با کسی که قلبت او را می پذیرد مشورت کردی نباید با آنچه او می گوید مخالفت کنی گرچه آنچه او می گوید برخلاف میل و مراد تو باشند. زیرا نفس انسان از قبول حق سر

۱. قال علی علیه السلام: «المشاورة إستظهار.» (تصنیف غرر الحکم، ص ۴۴۱)

۲. عن حمران و صفوان بن مهران الجمال قالوا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: «لَا اسْتَظْهَارَ فِي

أَمْرٍ بِأَكْثَرِ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ فِيهِ» (كافي، ج ۱، ص ۲۹)

۳. قال علی علیه السلام: تَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تُعْرِمَ وَ شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تُقْلِمَ وَ تَدَبَّرْ قَبْلَ أَنْ تُهْجِمَ. (تصنیف غرر الحکم و

درر الکلم ص: ۵۶)

۴. قال علی علیه السلام: نَعَمْ الْمُظَاهَرَةُ الْمَشَاوِرَةُ. (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۴۴۱)

۵. قال علی علیه السلام: لَا تُشَاوِرَنَّ فِي أَمْرِكَ مِنْ يَجْهَلُ (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۴۴۲)

۶. قال علی علیه السلام: مَنْ شَاوَرَ دَوَى الْأَلْبَابِ دَلَّ عَلَى الصَّوَابِ. (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد

ج ۱ ص: ۲۹۵)

۷. قال علی علیه السلام: «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء» (تحف العقول، ص ۸۹)

۸. قال علی علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ اللَّيِّبَ مِنَ اسْتَقْبَلِ وُجُوهَ الْأَرَءِ بِفِكْرِ صَائِبٍ وَ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ (تصنیف غرر

الحکم و درر الکلم ص: ۵۵)

باز می زند ، چون می داند که با پذیرفتن حق خلافکاری ها و اغواهای آن برای صاحب نفس روشن می شود .<sup>۱</sup>

۱۰. هر که با خردمندان مشورت کند بر پیروزی رهنمون گردد و آنکس که نظر مشورتی را بپذیرد به اندیشه های صاف و خالص دست یابد .<sup>۲</sup>

۱۱. هر که مشورت کند چنانچه به هدف برسد و راه راست را بیابد ستایش شده و چنانچه خطا کند و مشورت او را به هدف نرساند عذر موجهی دارد .<sup>۳</sup>

۱۲. تمام نیکی در مشورت کردن و عمل کردن به سخن خیر خواه است .<sup>۴</sup>

۱۳. هیچ یک از شما کاری را انجام ندهد جز آنکه درباره ی آن مشورت کند .<sup>۵</sup>

۱۴. کسی که مشورت کند از خطا ایمن شود .<sup>۶</sup>

۱۵. چه می شود که اگر اتفاق جدید برایتان افتاد با مرد خردمند ، دیندار و خود نگهداری مشورت کنید ، سپس افزود : آگاه باش اگر کسی از شما مشورت کند نه تنها خداوند او را خوار و زبون نمی کند بلکه او را بالا می برد و به بهترین کارها و نزدیکترین آنها نسبت به خودش راهنمایی می فرماید .<sup>۷</sup>

۱۶. هر که با خردمند مشورت کند بر امور خود مسلط شود .<sup>۸</sup>

۱. قال صادق علیه السلام : « لا تشاور من لا یصدق عقلک ، و ان کان مشهوراً بالعقل و الورع ، و اذا شاورت من یتصدق قلبک فلا تخالفه فیما یشیر به علیک ، و ان کان بخلاف مرادک ، فان النفس تجمع من قبول الحق ، و خلافها عند الحقائق ایمن . ( مصباح الشریعة - ترجمه عبد الرزاق گیلانی ۳۴۹ )

۲. قال علی علیه السلام : « من شاور ذوی الالباب ذل علی الرشد - و نال النصح ممن قبله ( بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۷۲ ص : ۹۷ )

۳. قال الامام کاظم علیه السلام : « من استشار لم یعدم عند الصواب مادحاً و عند الخطاء عاذراً » . ( بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۱۰۴ )

۴. قال علی علیه السلام : « جماع الخبر فی المشاورة و الأخذ بقول النصح ( تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص : ۴۴۱ )

۵. قال النبوی صلی الله علیه و آله : « لا یفعلن أحدکم أمراً حتی یتشیر ( مکارم الأخلاق ، ۲۳۸ ، ص : ۲۳۳ )

۶. قال علی علیه السلام : « المتشیر متحصن من السقط ( تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ، ص : ۴۴۱ )

۷. قال أبو عبد الله علیه السلام : « ما یمنع أحدکم إذا ورد علیه ما لا قبل له به أن یتشیر رجلاً عاقلاً له دین و ورع ثم قال أبو عبد الله علیه السلام : « أما إنه إذا فعل ذلك لم یخذله الله بل یرفعه الله و رماء بخیر الأمور و أقربها إلى الله ( تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة ، ج ۱۲ ، ص : ۴۱ )

۸. قال علی علیه السلام : « من استشار العاقل ملک ( تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ، ص : ۴۴۲ )

۱۷. هر کس نظر خود را بزرگ انگارد ، گمراه شود و هر کس تنها به عقل خود از نظر دیگران بی نیازی جوید ، بلغزد .<sup>۱</sup>  
 ۱۸. فقط نادان ، اندیشه ی خود را بزرگ می انگارد.<sup>۲</sup>  
 ۱۹. کسی که تجربه اش اندک باشد ، نیرنگ می خورد.<sup>۳</sup>  
 ۲۰. در کارهایت با انسانهایی که از خدا می ترسند مشورت کن تا رشد یابی و کامیاب شوی.<sup>۴</sup>

۲۱. انسان با ایمان بر پند و اندرزی آگاه نمی شود که آن را فرو گذارد.<sup>۵</sup>  
 ۲۲. مشورت کردن با انسان خردمند خیرخواه ، مایه رشد ، برکت و توفیق از سوی خداوند است.<sup>۶</sup>

۲۳. پیش از آنکه اقدام به کاری کنی توقف کن و درباره ی آن بیندیش تا راه ورود و خروج از آن را بشناسی ، پیش از آن که در دام کاری گرفتار شوی و پشیمان گردی.<sup>۷</sup>

۲۴. و اما حق کسی که به مشورت می دهد این است که او را در رأی ناموافقی که به تو دهد متهم نسازی ، زیرا مردم در نظرات گوناگونند و اختلاف دارند و اگر در رأی او بدبینی داری ، مختار و آزاد هستی ولی نباید او را متهم سازی در صورتی که اهل مشورت است .<sup>۸</sup>

۱. قال علی علیه السلام: مَنْ أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ وَ مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ زَلَّ (تحف العقول عن آل الرسول ص ص : ۸۸)

۲. قال علی علیه السلام: مَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ إِلَّا جَاهِلٌ (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص : ۳۰۸)

۳. قال علی علیه السلام: مَنْ قَلَّتْ تَجَرِبَتُهُ خُدِعَ (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص : ۴۴۴)

۴. قال علی علیه السلام: شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرشُدْ (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص : ۴۴۲)

۵. قال علی علیه السلام: لَا يَطْلُعُ عَلَيَّ نَضْحِ قَيْدَرَةٍ (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶، ص : ۲۶۱)

۶. قال النبي صلى الله عليه وآله: مُشَاوِرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ يُمْنٌ وَ بَرَكَةٌ وَ رُشْدٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱، ص : ۱۰۶)

۷. قال صادق علیه السلام: وَقِفْ عِنْدَ كُلِّ أَمْرٍ حَتَّى تَعْرِفَ مَدْخَلَهُ مِنْ مَخْرَجِهِ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِيهِ فَتَنْدَمَ (تحف العقول عن آل الرسول ص ص : ۳۰۱)

۸. قال السجّاد علیه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسِيرِ عَلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمُهُ فِيمَا لَا يُؤَافِقُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا

۲۵. هر کس با نظر مشاور مخالفت کند شکست می خورد.<sup>۱</sup>
۲۶. بر خردمند شایسته است که همواره در کارهایش مشورت خواهد و استبداد به رأی را ترک کند.<sup>۲</sup>
۲۷. خیرخواهی را از کسی که آن را به شما هدیه کرده بپذیرید و آن را در وجودتان نگهدارید.<sup>۳</sup>
۲۸. هیچ تلاشی بمانند مشورت، راستی را آشکار نمی کند.<sup>۴</sup>
۲۹. از کسی پیروی کن که ترا به دین فرمان می دهد چرا که او ترا به راستی و حقیقت هدایت می کند و از هواهای نفس رهایی می بخشد.<sup>۵</sup>
۳۰. نصیحت و خیرخواهی را از کسی که آن را به شما هدیه کرده بپذیرید و آن را در جانتان نگهدارید.<sup>۶</sup>
۳۱. عبدالرحمان نزد امام موسی کاظم (ع) آمد و دربارهی ازدواج دخترش با پسر برادرش از ایشان مشورت خواست. حضرت فرمود: دخترت را به ازدواج پسر برادرت درآور. اما با رضایت دختر باشد چرا که او حق انتخاب دارد.<sup>۷</sup>
- همان راوی می گوید: خالد بن داود نیز از آن حضرت مشورت خواست که

هِيَ الْأَرْأُ وَ تَصْرَفُ النَّاسَ فِيهَا وَ اخْتَلَفُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ فَأَمَّا تَهْمُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمَشَاوِرَةَ (تحف العقول عن آل الرسول ص ص : ۲۶۳)

۱. قال علي عليه السلام: مَنْ خَالَفَ الْمَشُورَةَ ارْتَبَكَ (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم ص : ۴۴۳)

۲. قال علي عليه السلام: حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ يَضُمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ

(تصنيف غرر الحکم و درر الکلم ص : ۵۵)

۳. قال علي عليه السلام: اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أهدَاها إِلَيْكُمْ وَ اعْقُلُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ (نهج البلاغة، ص : ۱۷۷)

۴. قال علي عليه السلام: مَا اسْتَنْبَطَ الصَّوَابَ بِمِثْلِ الْمَشَاوِرَةِ (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص : ۴۴۱)

۵. قال علي عليه السلام: عَلَيْكَ بِطَاعَةِ مَنْ يَأْمُرُكَ بِالْإِدْنِ فَإِنَّهُ يَهْدِيكَ وَ يُنَجِّيكَ (تصنيف غرر الحکم و درر

الکلم، ص : ۲۲۵)

۶. قال علي عليه السلام: اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أهدَاها إِلَيْكُمْ وَ اعْقُلُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ (نهج البلاغة ۱۷۸

ص : ۱۷۷)

۷. عن صفوان قال: استشار عبدالرحمن، موسی بن جعفر ع فی تزویج ابنته لابن أخیه فقال افعل و يكون ذلك برضاها فإن لها فی نفسها نصيبا، قال فاستشار خالد بن داود، موسی بن جعفر ع فی تزویج ابنته علی بن جعفر فقال افعل و يكون ذلك برضاها فإن لها فی نفسها حظا (وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۸۴)

دخترش را به ازدواج برادر آن حضرت درآورد. حضرت فرمود: این کار را انجام بده، اما به رضایت دختر، چرا که دربارهی خود بهره ای دارد. (و می تواند تصمیم بگیرد).

## ۶-۶ شیوهی ارزیابی ملاکها

اگر می خواهید تصمیم گیری منطقی داشته باشید، باید ملاکهای خود را ارزیابی کنید. بهترین راه آن در صدگذاری ملاکها یا رتبه بندی آنها و انطباق آنها با طرف مقابل است.

در صد بندی ملاکها یعنی مثلاً اگر یکی از ملاکهای اصلی شما ظاهر طرف مقابل است. از صد درصد چند درصد به آن اختصاص می دهید؟ رتبه بندی ملاکها یعنی از بین ملاک هایتان کدام یک برای شما ارجح است و به ترتیب اولویت بندی می کنید.

در این زمینه توجه شما را به چند نکته جلب می نمایم:

- قبل از شروع جلسات گفتگو بهتر است ملاکهای اصلی تان را در صدگذاری و اولویت بندی کنید تا بعد از هر جلسه به راحتی بتوانید ارزیابی و نتیجه گیری کنید. - گاهی اوقات یکی از ملاکهای فرعی غیر ضروری ما در شخص در حد متعادل و شاید هم کمی کمتر وجود دارد، اما برای ما قابل قبول است؛ پس بهتر است این ملاک را در جمع بندی درصدها دخالت ندهیم.

- از نظر ائمه علیهمالسلام هنگام تصمیم گیری ملاکهایی چون: عفت، هم فکری، مؤمن بودن و همچنین توانایی ادارهی زندگی را داشتن برای پسر بسیار مهم و بالاترین درصد و جمال و ثروت کمترین درصد را دارند.

- هرگز نباید ملاکهای اصلی را حذف یا کم کرد، اما می توان از ملاکهای فرعی گذشت.



- با دیدن یکی از ملاک‌هایتان در شخص، تخیلاتان شما را به قضاوت سطحی و شتاب زده نکشانند و از واقعیت دور نسازد که این شما را ناخودآگاه به خود فریبی می‌کشاند.

- در هنگام انطباق ملاک‌هایتان با طرف مقابل به میزان هم‌ترازی درصد هوشی نیز اهمیت دهید؛ زیرا همنشینی با او ملالت می‌آورد و باعث تباهی می‌شود و ضریب سازگاری را کم می‌کند.

- قرار نیست فرد از همه‌ی ملاک‌ها امتیاز کاملی بیاورد، بلکه سرجمع و معدل خوبی باید کسب کند و حد این معدل خوب به شرایط شما بستگی دارد.

## ۶-۷ نکات پزشکی

در صورتی که در بین اقوام نزدیک فردی با شرایط خوب و مورد علاقه‌ی شدید شماست، با مشاوره‌ی ژنتیکی می‌توانید ازدواج کنید و در دل خود ترس و واهمه قرار ندهید. بدانید با آنکه اکثر افراد معلول در بین خانواده‌هایی است که نسبت خویشی نزدیک بین مادر و پدر هست، اما این نسبت به فرزندان سالمی که از این ازدواج‌ها به ثمر رسیده است، به مراتب کمتر است. مثلاً اگر در ازدواج‌های معمولی از هر ۱۰۰ فرزند درصدی احتمال معلولیت دارند، برای ازدواج‌های خویشاوندی این درصد کمی بیشتر است که در کل جمعیت این درصد کم چشمگیر خواهد شد.

پس در کل سیاست دولت باید تشویق به ازدواج‌های غیر فامیلی باشد. اما به صورت موردی تفاوت ضریب خطا آنقدر نیست که بخواهیم دلهره‌ی شدید در ازدواجی که می‌خواهد صورت بگیرد، ایجاد کنیم که خود آن اضطراب و دلهره اثر تخریبی از اصل ازدواج فامیلی بیشتر است.

در این قسمت به چند نکته اشاره می‌کنیم:

- رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: با بستگان نزدیک ازدواج نکنید که فرزند ضعیف به

وجود می‌آید.<sup>۱</sup>

- اگر ناهنجاری ژنتیکی، ارثی در فامیل شما یا طرف مقابلتان باشد، حتی اگر نسبت خویشاوندی با هم ندارید باید آزمایش ژنتیک را انجام دهید.

- به تشخیص پزشک اگر مشکلی در یکی یا هر دوی شما باشد که با وجود آن ازدواج تان صلاح نیست، تصمیم عاقلانه آن است که تن به این ازدواج ندهید.

- هرگز به خود نگوئید که نمی‌خواهیم بچه‌دار شویم یا سختی‌ها را تحمل می‌کنیم؛ زیرا یکی از اهداف ازدواج، ادامه‌ی نسل است و شیرینی زندگی در داشتن فرزندان سالم است.

- پیشنهاد می‌شود در صورتی که خودتان یا طرف مقابلتان دارای شغل پرخطر یا سابقه‌ی تزریق خون یا تصادف است، آزمایشات هپاتیت و ایدز را جدی بگیرید.

## ۶-۸ دوری از شتابزدگی

تصمیم‌گیری باید با آرامش و بدون هیچگونه شتابزدگی انجام گیرد. از اینکه طرف مقابل شما را به بهانه‌های مختلف در تنگنا و شتابزدگی قرار دهد، تحت تأثیر قرار نگیرید و از عجله و شتاب اجتناب کنید.

مثلاً وقتی می‌گویند: آقای داماد برای اخذ مدرک دکترای خود قرار است ماه آینده در فلان کشور اروپایی باشند و ما می‌خواهیم ایشان با خیال آسوده پایان‌نامه‌ی خود را دفاع کنند و به کشور برگردند. اگر تا دو هفته‌ی آینده این ازدواج صورت نگیرد، مجبور هستند، از این ازدواج صرف نظر کنند. مسلماً در چنین شرایطی بهتر است پاسخ منفی بدهید و آب صاف و پاک را بر دستان خانواده‌ی آقای دکتر بریزید! هیچگاه شتاب‌زده عمل نکنید. نباید یک عمر زندگی فدای یک انتخاب شتاب‌زده شود.

گاه به بهانه‌ی اینکه ما قصد داریم در فلان مناسبت عقد کنیم، می‌گویند: زودتر پاسخ ما را بدهید؛ تکلیف ما را زودتر مشخص کنید. بدیهی است عجله در امر ازدواج

۱. لَا تَنْكِحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِيًا (المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۹۴)

عواقب خوبی ندارد. در چنین مواردی باید به طرف مقابل پاسخ داده شود: ما هیچ عجله‌ای در این کار نداریم؛ هر چند مناسبت‌ها در نظر ما مبارک است، اما مبارک‌تر آن است که طرفین با هم تناسب و سنخیت داشته باشند. تا زمانی که برای ما اطمینان حاصل نشود، پاسخ شما را نمی‌دهیم.

بنابر این اصرار و عجله زیاد طرف مقابل یا خانواده‌اش نباید مانع از تحقیق، تفکر و ارزیابی ملاک‌ها شود. بهترین تصمیم هنگامی صورت می‌گیرد که شما به دور از احساسات و اضطراب، در کنار تفکر، مشورت و آرامش در مدت زمانی کافی تصمیم‌گیری کنید.

### ۹-۶ نکات اساسی در تصمیم‌گیری

- تصمیم‌گیری مرحله‌ی به ظاهر آسان ولی در واقع سخت است. آن را جدی بگیرید، احساسی عمل نکنید، اما بیش از اندازه هم وسواس به خرج ندهید، نترسید و توکل کنید. - اگر ابتدا احساسی تصمیم‌گیری کنید، چشمانتان به روی حقایق بسته می‌شود و نظرتان به عقل تحمیل می‌گردد، آنگاه مطمئن باشید که تصمیم عاقلانه و درستی نگرفته‌اید؛ پس به زودی منتظر عواقب آن باشید!

- اگر شخصی عقیف، هم فکر و مؤمن باشد و همچنین توانایی اداره زندگی را داشته باشد و شما نسبت به او احساس خوشایندی دارید او را انتخاب کنید.

- این را بدانید که شاید او بتواند حساسیت‌ها و سلیقه‌های اکتسابی‌اش را اصلاح کند، اما هرگز نمی‌تواند رفتار فردی و شخصیت درونی و ذات خود را به زودی تغییر دهد.

- شما باید انس و الفت ایجاد شده میان خود و فرد مقابلتان را ریشه‌یابی کنید تا یقین پیدا کنید که این انس و الفت حاصل سه چیز نباشد: حس ترحم تحریک شده، شباهت ظاهری به یکی از افراد مورد علاقه‌تان، صرف زیبایی ظاهری.

- شرایط و خواسته‌های غیرمنطقی پذیرفته نشود؛ اگر پذیرفته شود، باید به آن عمل گردد.

- بر طبق احکام اسلام، دختر باید نظر پدرش را در انتخابش دخیل کند.  
 - در دوران خواستگاری و مخصوصاً در تصمیم‌گیری باید بین شما و شخص مقابل تفاهم باشد و بعد از تصمیم‌گیری توافق.  
 - هیچ‌گاه نباید به دنبال تفاهم صد درصد باشیم، تفاهم ۶۰-۷۰ درصد برای ازدواج خوب است.

- هرگز نباید تا قبل از تصمیم‌نهایی به گونه‌ای رفتار کنید که طرف مقابل گمان کند که او را انتخاب کرده‌اید. شاید در یک تحقیق یا گفتگوی جدید از مسأله‌ای اطلاع پیدا کنید که مورد قبول شما نباشد.

- این را بدانید که وقتی قویاً معتقد باشید که تصمیم درستی گرفته‌اید، به همسرتان بیشتر اطمینان می‌کنید و برداشت مثبت‌تری از زندگی خواهید داشت. پس تصمیم را دیر بگیرید ولی در آن تردید نکنید.

- عاقلانه تصمیم‌بگیر تا عاشقانه زندگی کنی.

- علائم تصمیم‌احساسی: بدانید از زمانی که ایرادهای طرف مقابلتان را در هر صورت برای دیگران توجیه می‌کنید، پس از روی احساس تصمیم گرفته‌اید.

- اگر ملاک‌های اصلی‌تان در شخص مقابل و خانواده‌اش وجود ندارد و با این حال شما آنها را انتخاب کرده‌اید، بدانید که قطعاً از روی احساس تصمیم گرفته‌اید.

- اگر شخص مقابل مورد تأیید شماست، اما به دل شما ننشسته (یا نسبت به او

احساس ناخوشایندی دارید) پیشنهاد می‌شود از انتخاب او صرف نظر کنید.

- لجبازی و واگذاری ممنوع: هرگز از روی لجبازی با والدین و اطرافیان و یا بر

عکس به خاطر سپردن به والدین (اطاعت محض از آنها) تصمیم‌گیری نکنید که پشیمانیش برای شماست.

- به یاد داشته باشید به خاطر راضی کردن والدین و دیگران، چشم و هم‌چشمی،

ثروت و بالاتر بودن از دوستان و اقوام تصمیم‌گیری سطحی نکنید. به این فکر کنید

که شما می‌خواهید با او زیر یک سقف برای همیشه، بدون تمامی این عوامل بیرونی

زندگی کنید.

- تصمیم‌گیری عجولانه: به خاطر معطل نماندن خواهان بعدی و یا تصور از دست دادن موقعیت ازدواج (مخصوصاً برای دختران با سن بالا) نباید تصمیم‌گیری اجباری و عجولانه کرد.

- هرگز فکر نکنید که با انتخاب هر کس، می‌توانید از شرایط نامناسب موجود فرار کنید؛ در این صورت مطمئن باشید که این بار با دست خود، خود را به دام انداخته‌اید.

- ازدواج از روی رحمت آری ولی از روی ترحم هرگز. ترحم بعد از ازدواج برای دو طرف توقع ایجاد می‌کند و نمی‌تواند منشاء استحکام و علاقه بشود. - شرایط انتخاب:

الف) ملاک‌های اصلی اولویت‌بندی شده‌تان در او و خانواده‌اش وجود داشته باشد. ب) به باورهایتان احترام بگذارد.

ج) تا حدی بدانید که هنگام مواجه شدن با مشکلات، در کنارتان می‌ماند و برای حل آن‌ها تلاش می‌کند؛ تمامی اینها باعث آرامش و خوشبختی و کمال شما و طرف مقابلتان خواهد شد.

- همراهی دیگران: بدانید که شما با تصمیم‌گیریتان عهده‌دار مسئولیت بزرگی خواهید شد که با انتخاب درستتان در این مسئولیت تنها نخواهید ماند.

- دقت: در کار خیر باید شتاب داشت به این معنی که نباید اصل ازدواج را به تأخیر انداخت؛ اما درباره‌ی مراحل تصمیم‌گیری و انتخاب، نهایت دقت باید به کار گرفته شود.

- با در نظر گرفتن خانواده‌تان ضمن اطمینان بیشتر، از حمایت آنها نیز برخوردار خواهید شد.

- اگر تأکید بر ازدواج با شخصی را دارید که دارای مشکلات و بیماری‌های روحی از جمله وسواس، شکاک بودن، بدبینی، اعتیاد و... است، حتماً بعد از رفع و

درمان، او را برای زندگی مشترک انتخاب کنید؛ در غیر این صورت پیامدهای این مشکلات را باید تحمل کنید.

- اگر برخی از ملاک‌های شما در شخص وجود دارد، به آن‌ها اکتفا نکنید؛ این نباید باعث شود که شما به دنبال بقیه‌ی ملاک‌ها نباشید.

- ممکن است در ارزیابی گفته‌ها، شنیده‌ها و ملاک‌ها (یافته‌ها) به موارد ضد و نقیضی برسید؛ حتماً سعی کنید بعد از رفع این موارد از طریق تحقیق و گفتگو تصمیم‌گیری کنید.

- اگر مطمئن هستید که تصمیم درستی گرفته‌اید، اما باز هم نظرات مخالفی وجود دارد، نظر آن‌ها را رد نکنید، بهتر است دلایل آن‌ها را هم بشنوید و در این زمینه تحقیق کنید. - در ازدواج نیاز نیست سلیقه‌ی ما یکسان باشد؛ بلکه نگاهمان به زندگی باید یکسان باشد.

- اختلاف نظر با والدین: از شخص دانا و مورد قبول خانواده بخواهید که آن‌ها را راضی و قانع کند و اگر هنوز بر مخالفت خود اصرار دارند، احترام به والدین مهم‌تر از انتخاب شماست. اما اگر امر دایر شد بین دو انتخاب که یکی نظر شما بود و دیگری نظر خانواده، طبق روایات به نظر خود عمل کنید.<sup>۱</sup>

- شیوه‌ی پاسخ رد دادن: هر زمان اگر طرف مقابلتان مورد پسند شما واقع نشد، بهتر است آن‌ها را در انتظار جوابتان نگذارید، از طریق واسطه یا تلفنی نظر خود را با ظرافت اعلام کنید و با عیب‌گذاری بر یکدیگر خاطره‌ی بدی از خود به‌جای نگذارید. - در صورتی که طرف مقابلتان را نپسندیدید، بهتر است شما و خانواده‌تان به خوبی و با احترام جلسه را به پایان برسانید.

- ممکن است مواردی باعث تردید شما در تصمیم‌گیری شود که تحقیقات بیشتر و تأمل و مشورت می‌تواند راه‌گشا باشد، پس حتماً نتیجه‌گیری را به بعد از کامل کردن تحقیق موکول کنید.

۱. به آخرین حدیث بخش بعدی (۷-۹) مراجعه فرمایید.

- به یاد داشته باشید انتخاب یک فرد، انتخاب تربیت خانوادگی، فرهنگ و آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای او برای همیشه نیز هست.

- نیاز نیست سلیقه‌هایتان یکسان باشد، بلکه باید عقیده‌ها و باورهایتان یکسان باشد. هر چه تحقیقات کامل‌تر، مشورت نتیجه بخش‌تر و ارزیابی ملاک‌های دو طرف دقیق‌تر و مهم‌تر از همه صداقت بیشتر باشد، اضطراب در زمان تصمیم‌گیری کمتر می‌شود.

- یکی از معیارهایی که در انتخاب همسر محل بحث است، میزان تحصیلات فرد می‌باشد. در این زمینه باید در نظر داشته باشید که میزان تحصیلات دختر و پسر نمی‌تواند معرف خوبی برای ازدواج باشد، بلکه مهم این است که هوشمندی، کفایت عقلانی و بینش اجتماعی طرفین مورد ارزیابی قرار گیرد. دقت کنید تفاوت در تحصیلات در مواقعی مهم تلقی می‌شود که ظرفیت سنجی لازم صورت پذیرد و مشخص شود که طرفین اهل فخر فروشی هستند یا خیر؟!

- افرادی هستند که اصرار بر ازدواجی دارند، ولی سن دختر بیشتر از پسر است؛ در این موارد دختر باید ببیند آیا آن پسر را می‌تواند به عنوان تکیه‌گاه خود محسوب کند و فرمانبرداری نسبت به او داشته باشد، پسر هم با توجه به محدودیت دوران بارداری و نشاط‌ظاهری آن دختر وارد این ازدواج شود. البته چنانچه ازدواج صورت گرفت، دختر باید با ورزش مرتب، شادابی و نشاط خود را حفظ کند

- عیب‌های ظاهری مشترک و یا دردهای مشترک باعث تشابه است و نه لزوماً تفاهم. مثلاً اگر هر دو بچه طلاق هستند و یا هر دو مشکل تکلم دارید، دلیل نمی‌شود که برای ازدواج هم تفاهم کامل داشته باشید.

- اگر هر دو در یک کلاس درس می‌خوانید و نظراتتان در مورد موضوعات درسی کاملاً مشترک است، به تنهایی دلیل بر تفاهم در زندگی نمی‌شود؛ زیرا معیار و ملاک برای زندگی تفاهم کاری و تحصیلی نیست.

- وجود یک تشابه یا سلیقه و علاقه‌ی مشترک در طرفین به تنهایی دلیل بر وجود

تفاهم در زندگی مشترک نیست.

- قرار نیست همه چیزها در فرد جمع باشد، بلکه بخشی از آن‌ها بعد از ازدواج باید به دست آید که اتفاقاً شیرین‌تر خواهد بود.

## ۶-۱- دوری از ازدواج تحمیلی از نگاه روایات

۱- احساس دختر؛ بعضی از شما، دخترانشان را [به زور] به ازدواج فردی زشت و بدقیافه درمی‌آورند! آنها هم مانند شما دل دارند.<sup>۱</sup>

۲- خواست دختر؛ به نقل از عبدالرحمان بن یزید ودیعه، دخترش را شوهر داد؛ اما دختر او نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! پدرم، مرا به ازدواج مردی درآورده است که رضایت ندارم.

پیامبر ﷺ در پی پدرش فرستاد و موضوع را به او گفت. ودیعه گفت: من او را به پسر عمویش داده‌ام که هم همسنگ اوست و هم مرد درستکاری است. پیامبر ﷺ فرمود: «آیا نظر خود او (دختر) را پرسیده‌ای؟ گفت: نه!

پس، پیامبر خدا ﷺ آن ازدواج را مردود شمرد و اجازه آن را نداد.<sup>۲</sup>

۳- رضایت دختر؛ امام علی علیه السلام: کسی از شما، نباید دخترش را شوهر بدهد تا این که نظر او را درباره خودش جویا شود؛ چرا که او، خواسته خودش را بهتر می‌داند. پس اگر سکوت کرد یا گریست یا خندید، در واقع، رضایت داده است، و اگر رضایت نداد، نباید او را به ازدواج [آن فرد] درآورد.<sup>۳</sup>

۱. رسول الله: يَعْمَدُ أَحَدَكُمْ إِلَى ابْنَتِهِ فَيُزَوِّجُهَا الْقَبِيحَ الذَّمِيمَ!! إِنَّهُمْ يُرِدُونَ مَا تُرِيدُونَ. (حلیه الأولیاء، ج ۷، ص ۱۴۰)

۲. عن عبدالرحمن بن یزید: إنَّ وَدِيعَةَ أُنْكَحَ ابْنَتَهُ، فَجَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ أَبِي أَنْكَحَنِي رَجُلًا لَمْ يُؤَافِقْنِي، فَأَرْسَلَ إِلَيَّ بِهَا فَذَكَرَ ذَلِكَ لِي: أَنْكَحْتُهَا بِابْنِ عَمِّ لَهَا كُفُوًا وَرَجُلٍ صَدَقَ فَقَالَ: اسْتَأْمَرْتَهَا؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَرَدَّ رَسُولُ اللَّهِ ذَلِكَ النِّكَاحَ وَ لَمْ يُجْزِئْهُ. (اسد الغابہ، ج ۵، ص ۲۱۸)

۳. الإمام علی: لَا يُنْكَحُ أَحَدَكُمْ ابْنَتَهُ حَتَّى يَسْتَأْمَرَهَا فِي نَفْسِهَا، فَهِيَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهَا، فَإِنْ سَكَتَتْ أَوْ بَكَتْ أَوْ ضَحِكَتْ فَقَدْ أَذْنَتْ، وَإِنْ أَبَتْ لَمْ يُزَوِّجْهَا. (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۸)



۴- طلاق خلع؛ به نقل از سهل بن ابی حثمه:- حبیبه دختر سهل-، همسر ثابت بن قیس بن شماس انصاری بود، ولی از او خوشش نمی‌آمد؛ چون ثابت، مردی بدچهره بود. او نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وقتی چشمم به او می-افتد، اگر ترس از خداوند نبود، در صورتش تف می‌انداختم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «آیا باغی را که مهر تو کرده است، به او برمیگردانی؟». حبیبه گفت: آری.

پس، پیامبر ﷺ در پی شوهرش فرستاد و حبیبه، باغش را به او برگرداند، و پیامبر ﷺ آن دو را از هم جدا کرد.

این، نخستین طلاق خلعی بود که در اسلام، رخ داد.<sup>۱</sup>

۵- خواست پسر: ابن ابی یعفور گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: برای ازدواج، زنی را پسندیده‌ام ولی پدر و مادرم با انتخاب من مخالفند؛ حضرت فرمودند: «با آن که خود پسندیده‌های ازدواج کن و خواسته والدینت را نادیده بگیر.»<sup>۲</sup>

۱۴ . سهل بن ابی حثمه: كَانَتْ حَبِيبَةُ ابْنَةَ سَهْلِ تَحْتَ ثَابِتِ بْنِ قَيْسِ بْنِ شِمَاسِ الْأَنْصَارِيِّ فَكَرِهَتْهُ، وَ كَانَ رَجُلًا دَمِيمًا، فَجَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي لَأَرَاهُ، فَلَوْلَا مَخَافَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَبَرَقْتُ فِي وَجْهِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَتُرِيدِينَ عَلَيْهِ حَدِيثَهُ الَّذِي أَصَدَقَكَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَرَدَّتْ عَلَيْهِ حَدِيثَهُ وَ فَرَّقَ بَيْنَهُمَا. قَالَ: فَكَانَ ذَلِكَ أَوَّلَ خُلْعٍ كَانَ فِي الْإِسْلَامِ. (مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۴۶)

۲ . عن ابن ابی یعفور عن الصادق علیه السلام قال: قلت لئن أردت أن أتزوج و إن أبواي أرا غيرها، قال: تزوج الذي هويت، ودع التي هوى أبواك. (فروع، ج ۵، ص ۴۰۱)





# گفتار هفتم /

نقش مهریه در ازدواج



یکی از لوازم ازدواج در شرع مقدس اسلام، مسأله‌ی «مهریه» است. اما به نظر می‌رسد برای تفهیم بهتر نقش مهریه در ازدواج بهتر است ابتدا فلسفه‌ی مهریه بررسی شود و براساس آن میزان مهریه از نگاه اسلام و عوامل بالا رفتن آن در جامعه‌ی کنونی که مانعی برای ازدواج شده است بررسی شود و در ادامه به احکام مهریه، مجلس مهربرون، پرداخت و بخشش مهریه بپردازیم.

## ۷-۱ فلسفه مهریه

یکی از نکاتی که خداوند متعال در تعیین مهریه برای ازدواج در پی آن است، مشخص شدن جایگاه طالب و مطلوب است. مقصود از قرار دادن مهریه، تبیین مطلوب بودن زن و طالب بودن مرد است که متأسفانه در این دوران آخرالزمان دستخوش تغییری نابهنجار شده است.

در فلسفه قرآنی و دینی ما، مرد مظهر نیاز است و زن مظهر ناز. بنابراین وقتی خواستگاری به خانه‌ی دخترخانم پا می‌گذارد و بنا را بر این نهاده‌اند که همان اوّل پاسخ مثبت ندهد، زن باید هر چند از آن جوان هم خوشش آمده است، مظهر ناز بودن خویش را حفظ کند و بر همین اساس و با توجه به طبیعت زن، او به خواستگاری نمی‌رود و مرد به خواستگاری او بیاید.

خداوند برای اینکه این جایگاه برای زن و مرد حفظ شود، مسأله‌ی مهریه را تعیین فرمود که مرد بدانند از اوّل او طالب بوده است و زن مطلوب و هر مطلوبی مهری دارد و مرد باید صداقت خود را در ابراز علاقمندی نشان دهد. بنابراین می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»<sup>۱</sup>.

شما برای ابراز مهر و محبت به مادرتان در روز تولّدش و یا در مناسبت روز مادر هدیه‌ای همراه با شاخه‌ی گلی به ایشان هدیه می‌دهید، مبلغ گل و هدیه آنچنان مهم نیست؛ مهم اصل هدیه دادن است. در فرهنگ دینی ما مهریه به منزله‌ی هدیه‌ای از جانب مرد به زن است تا اثبات کند من طالب تو هستم و تو مطلوب منی و این هدیه لازم نیست حتماً جنبه‌ی مادی داشته باشد؛ می‌تواند علم باشد کما اینکه مهریه حضرت حوا از جانب حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام علومی بود که خداوند به او داده بود.

پس بطور خلاصه باید بدانیم:

- مهریه باعث ایجاد مهر و محبت بین زن و شوهر می‌شود.

- نفس مهریه به زن مقام می‌دهد؛ یعنی ای مرد! اگر طالب زن هستی، باید برایش

۱. نساء(۴): ۴. و مهریه‌ی زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید.

متاعی بپردازد نه اینکه مفت آن را به دست آوری.

- حضرت رضا علیه السلام در پاسخ به این سؤال که چرا برای زن مهریه تعیین می‌شود فرمودند: «زیرا زن به علت اشتغال به خانه‌داری و تربیت فرزند از کسب و تجارت محروم است و درآمدی ندارد.»

## ۲-۷ میزان مهریه

پس فلسفه‌ی شرع مقدّس برای مهریه یک نوع هدیه دادن است که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه در مورد حضرت زهرا علیها السلام و بقیه‌ی زنانشان مهرالسّه بود و زیاد نبود مبلغ مهریه به عنوان یک امر پسندیده تلقی می‌شد.

حتّی در گذشته بین سلاطین هم این ارزش رعایت می‌شد؛ چنانکه فرح همسر محمدرضا شاه ملعون مهریه‌اش یک جلد کلام‌الله مجید و یک شاخه نبات بود! با اینکه آنان هر چه می‌خواستند از بیت‌المال و خزانه‌ی مملکت غارت می‌کردند و بهترین املاک و دارایی‌های مردم در اختیارشان بود و غضب می‌کردند، ولی در فرهنگ آن زمان، این یک ارزش بود که قباله کم باشد؛ هر چند این کار آن‌ها یک عوام‌فریبی بیش‌تر نبود و بسیار از اموال و خزانه‌ی مملکت به غارت بردند.

امروز متأسفانه از مهریه تلقی دیگری داریم و می‌بینیم از مهریه برای کاربردها و فواید دیگر سوء استفاده می‌کنند و می‌بینیم هنگام تعیین مهریه معیارهای اسلامی فراموش شده است و به دید یک معیار اسلامی به آن نگاه نمی‌شود.

وقتی می‌گوییم در صدر اسلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهریه‌ی بانویی را آموختن قرآن قرار داد، مقصودمان این نیست که امروز هم بگوییم که آموزش قرآن به عنوان یک هدیه کافی است یا علم‌آموزی کافی است. این در حدّ اضطرار است. پیامبر چون آن شخص هیچ چیزی برای هدیه و مهریه نداشت، آن مهریه را تعیین فرمودند.

البته باید توجه داشت اگر مهریه در شرع مقدّس یک ملاک شرعی داشت، جهیزیه هیچ ملاک شرعی ندارد. یعنی توقّع اینکه خانواده‌ی دختر باید حتماً چه چیزهایی

تهیه کنند، ملاک شرعی ندارد. اگر بحث مهریه را مطرح کردیم، باید جهیزیه را هم مطرح کنیم. اگر می‌خواهیم فرهنگ‌سازی کنیم، حق نداریم مهریه را خیلی غلیظ مطرح کنیم و به جهیزیه که می‌رسیم، سکوت کنیم. وقتی فرهنگ یک جامعه اصلاح می‌شود که ایرادهای ایجاد شده را هماهنگ برطرف کرد.

در این زمینه نکاتی را خاطرنشان می‌کنیم:

- مهریه هدیه‌ای است صادقانه پس بهتر است صادقانه نوشته شود.

- مهریه سنگین باطل نیست؛ اما نکوهش شده و عامل بی‌برکتی زندگی است.

- مهریه‌ی سنگین مربوط به دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم 6 آن را منسوخ کرد.

پیامبر از یک خانواده‌ی اعیانی است. خانواده‌ی پیغمبر تقریباً اعیانی‌ترین خانواده‌ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است، چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان علیهم‌السلام است می‌خواهند ازدواج کنند مهرایشان زیاد باشد؟!<sup>۱</sup>

- بالا بردن میزان مهریه احترام نیست، بی‌احترامی است؛ چون مقام دختر مسلمان

را با پول نمی‌توان سنجید بلکه با بالا بردن مهریه جنس این معامله‌ی انسانی را تنزل می‌دهید، به قدر یک کالا و یک متاع، هیچ ثروتی نمی‌تواند معادل سر انگشت یک زن مسلمان باشد.<sup>۲</sup>

- اینکه می‌بینید ما گفتیم ۱۴ سکه بیش‌تر را عقد نمی‌کنیم. برای این است که آن

جنبه معنوی ازدواج غلبه پیدا کند به جنبه مادی؛ مثل یک تجارت و معامله نباشد.<sup>۳</sup>

- مهریه‌ی سنگین نه تنها مهر و محبت را می‌برد؛ بلکه باعث ایجاد کینه و

بی‌اعتمادی می‌شود.

- اگر بخواهیم معدل مهرالسنة را با قدرت خرید مقایسه کنیم، مهر السنة در

۱. مقام معظم رهبری، مطلع عشق

۲. همان

۳. همان



جامعه‌ی امروزی ما شاید میزان پولی است که بتوان با آن یک زندگی مشترک را در حد ساده شروع کرد.

- ۱۴ سکه‌ی پیشنهادی مقام معظم رهبری مصداق خوبی است برای مهرالسنه. سفرهای زیارتی و یا آموزش قرآن و ... می‌تواند مهریه را با برکت کند.  
- مرد با بالا بردن میزان مهریه، مقام زن را بالا نمی‌برد؛ بلکه این تنزل مقام و یک نوع فریب است.

- اگر مهریه بالا نشان‌دهنده‌ی مقام زن بود، باید مهریه حضرت زهرا & گران‌ترین مهریه‌ها باشد.

- آیا چشم و هم‌چشمی هم اکنون شما در میزان مهریه، می‌تواند ضامن خوبی برای آینده‌ی فرزند شما باشد؟!

- مراقب باشید چشم و هم‌چشمی‌ها باعث نشود طبیعت زیبای پیوند تبدیل شود به بازار خرید و فروش.

- اگر قرار باشد چشم و هم‌چشمی معیار تعیین مهریه باشد، پس جایگاه اعتماد و محبت بین زن و شوهر کجاست؟

- آیا بالا بودن میزان مهریه، نقص عدم شناخت داماد و خانواده او را جبران می‌کند؟!  
- با داشتن شناخت نسبت به داماد مهریه را کم بنویسیم بهتر است، یا با عدم شناخت مهریه را سنگین بگیریم؟

- پدر و مادری که مهریه‌ی سنگین را عامل خوشبختی فرزند خود می‌دانند، مطمئن باشند این خوشبختی دوامی ندارد.

### ۷-۳ مهر السنه<sup>۱</sup>

پیشوایان دین، سفارشهای مکرری نموده‌اند که مردان و زنان، به همان مهری رضایت دهند که پیامبر خدا ﷺ به عنوان اسوه قابل پیروی، آن را برای همسران و دختران خود، قرار می‌داده است. نقلهای متواتر، مهریه‌ی زنان و دختران پیامبر ﷺ و نیز دختران اهل بیت او را «دوازده و نیم اوقیه‌ی نقره» برابر با «پانصددرهم» دانسته است. مهرالسنه حدود هزار و پانصد گرم نقره‌ی خالص می‌شود که ارزش ریالی آن، در زمان نگارش این نوشته (مهرماه ۱۳۷۸) حدود ششصد هزار تومان است و همان گونه که ملاحظه می‌شود، مهر بسیار سبکی است؛ طبعاً پرداخت آن نیز آسان است. برخی معتقدند که «قدرت خرید» پانصد درهم نقره در صدر اسلام، بسی بیشتر از اکنون بوده است و از این رو، باید آن را با چند کالای باارزش دیگر سنجید و سپس آن قدرت خرید را به بهای پول رایج امروز، محاسبه کرد. برخی فقیهان متقدم نیز بر همین اساس، مهر السنه را پانصد درهم یا پنجاه دینار (یعنی پنجاه مثقال طلای خالص) دانسته‌اند. مبلغ آن در روزگار کنونی به پنج میلیون تومان هم نمی‌رسد؛ طبق برخی گزارش‌ها، در روزگار پیامبر ﷺ ارزش نقره در برابر طلا، افزایش داشته هر هفت یا هشت درهم (نقره) با یک دینار (طلا) معاوضه می‌شده است و براین اساس نیز پانصد درهم، برابر هفتاد دینار یعنی هفتاد مثقال شرعی طلا و معادل حدود هفت میلیون تومان [در زمان حاضر] می‌گردد.

### ۷-۴ عوامل بالا رفتن مبلغ مهریه

امروزه در جامعه‌ی اسلامی ما مهریه جنبه‌ی چشم و هم چشمی و فخر و پز دادن پیدا کرده است. گاهی شنیده می‌شود می‌گویند: ما دخترمان فلان هنر و یا فلان مدرک را دارد، پس مهریه‌اش را فلان تعداد سکه بگیرد یا شنیده می‌شود می‌گویند:

۱. ابن قسمت خلاصه تحقیق آقای عبدالهادی مسعودی که در کتاب تحکیم خانواده آقای ری شهری صفحات ۱۱۲ تا ۱۱۵ آمده است.

خانواده‌ی فلانی که وضع مالی آن‌ها از وضعیت مالی ما کم‌تر بود و پایین‌تر از ما بودند، آنقدر مهریه گرفتند، ما که کم‌تر از آن‌ها نیستیم، پس مبلغ مهریه باید بیش‌تر باشد. در این تفکر، مهریه همچون نرخ دختر تلقی می‌شود. می‌گویند چون این دختر لیسانسه است، باید مهریه‌اش بیش‌تر باشد! کدام دختری راضی است که با این عنوان قباله‌اش را امضا کند؟ آیا می‌شود قیمت برای دختر تعیین کرد؟ آیا می‌شود گفت یک دختر صد میلیون قیمت دارد؟ یک چشم دختر بیش از این مبالغ ارزش دارد؛ چه برسد به قیمت وجود آدمی. چنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...». فقط خداوند توان خریداری بنده‌اش را دارد. دختر خانم باید بگوید: من خودم را به هیچ چیز نمی‌فروشم حتی به عنوان مهر.

یکی دیگر از علل افزایش مهریه‌ها، سهل‌انگاری و تنبلی در تحقیق است. یعنی وقتی خانواده‌ی دختر شناختی از پسر ندارند، مهریه را سنگین می‌گیرند که جبران ضعف خود را در تحقیق و عدم اعتماد به داماد جبران کنند! تا اگر داماد فرد شایسته‌ای از آب در نیامد و مشکلی پیش آمد که کار به طلاق رسید، با اهرم مهریه مانع از طلاق او شوند.

باید بدانیم مهریه‌ی سنگین نمی‌تواند اعتمادآور باشد؛ زیرا متأسفانه وقتی پسر غیرقابل اعتماد باشد، چنان همسرش را خسته و کلافه می‌کند که دختر ناگزیر به طلاق شود. چنانکه آمار طلاق‌هایی که انجام می‌شود، بیش‌تر از جانب دختران تقاضا می‌شود. چون اگر پسر خواست طلاق بدهد، ناگزیر است تمام مهریه را بپردازد ولی دختر اگر خواست طلاق بگیرد، ناگزیر است مهریه‌اش را ببخشد و مرد آنچنان عرصه را بر دختر تنگ می‌کند که او مجبور به درخواست طلاق شود.

بنابراین فراموش نکنیم مهریه جای اعتماد را نمی‌گیرد. از طرف دیگر مردی که به خاطر ترس از مهریه و پدرزن و یا قانون و یا مجازات با زنش زندگی کند، این فرد

شوهر حساب نمی‌شود. این فرد برای زن بلا‌ی جان است، هر وقت در خانه نباشد، زن راحت‌تر است. هر گاه به منزل وارد می‌شود، زن عزا می‌گیرد!

زن، مردی را می‌خواهد که بر اساس عشق و علاقه با او زندگی کند. حال اگر پدر دختر بگوید: دختر من برای تو مهریه‌ای تعیین کردم که این مرد جرأت نکند به تو پرخاشگری کند و دختر بجای اینکه از وسیله‌ی عاطفه و عشق در زندگی بهره‌گیرد، از تهدید اجرای مهریه استفاده کند، به همین مقدار زندگی ضربه می‌بیند.

در پایان توجه شما را به نکاتی جلب می‌نمایم:

- مهریه نمی‌تواند پشتوانه‌ی خوبی باشد در برابر بیماری مرد، متارکه، طلاق، تعدد زوجات و ... آمار دادگاه‌های خانواده این‌گونه نشان می‌دهد.

- شاید مهریه بتواند طلاق را به تأخیر بیندازد، اما جلوی طلاق را نمی‌تواند بگیرد.

- تعهدات اخلاقی مرد پشتوانه‌ی خوبی است برای بقای زندگی؛ نه مهریه‌ی بالا.

- البته مهریه مانند قفل فرمان ماشین است، شاید دزد می‌تواند قفل ماشین را باز

کند ولی همین قفل باعث تاخیر دزدی می‌شود.

- آیا واقعاً به خاطر عدم شناخت پسر (با بالا گرفتن مهریه) باید مهر بی‌اعتمادی

به روی داماد و خانواده‌ی او بزنید؟

- هیچ مهریه‌ی سنگینی مانع طلاق نمی‌شود و نشده است. آن چیزی که مانع

طلاق می‌شود، اخلاق و رفتار است و رعایت موازین اسلامی!

## ۷-۵ احکام مهریه

آقایان در تعیین مهریه‌ی همسرشان باید دقت کنند مهریه را در حدی که می‌توانند

بپردازند، تعیین کنند. چنانکه مرد توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد و دختر را

تحت فشار قرار دهد که مهریه‌اش را ببخشد، گناهکار است. شما می‌گویید آن‌ها

به من فشار آوردند که مهریه‌ی زیاد را امضا کنم ولی اکنون که امضا کرده‌ای اگر

نپردازی، طبق روایات دزد محسوب میشود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مهر زنان را بطور کامل به عنوان یک بدهی (عطیه) به آنها بپردازید و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید.»

اسلام با آنکه به مرد تأکید می‌کند که مهریه را پرداخت نماید، از آن طرف زن را تشویق می‌کند که مهر را ببخشد. بخشش مهریه نوعی معامله با خداوند بخشاینده است.

اما بعضی احکام مهریه:

- شرط صحّت عقد تعیین مهریه است؛ حتی اگر یک شاخه‌ی گل باشد.  
- مهریه قبل از عقد و بنا بر توافق دختر و پسر نوشته می‌شود و به این نوع مهریه مهرالمسمّی می‌گویند.

- اگر قبل از عقد، مهریه نوشته نشد و یا زن بعد از عروسی فهمید مهریه‌اش ارزش مالی ندارد و یا مهریه مال شخص دیگری است و یا شخص ضامن پرداخت مهریه قبل از تعیین مهریه و بعد از عروسی بمیرد، مهرالمثل توسط دادگاه‌های خانواده تعیین می‌شود.

- مهرالسّنه: مهریه‌ای که پیامبر ﷺ از طرف حضرت علی رضی الله عنه جهت ازدواج با حضرت زهرا رضی الله عنها قبول نمودند، مهرالسّنه نامیده می‌شود.

- مهر المثل یعنی مهری که متناسب با شأن زن و عرف و شرایط زمان و مکان است.

- پرداخت مهریه توسط مرد مستلزم توانایی اوست.

- مهریه‌ی زنان باید معین و معلوم باشد؛ «هر چه دارم مال تو» باطل است!

- مهریه‌ی زنان باید ارزش مالی داشته باشد؛ «یک کیلو بال مگس» باطل است.

- مهریه‌ی زنان باید قابل انتقال از مالکیت یک نفر به نفر دیگر باشد.

- برای مهریه نمی‌توان مرد را برای انجام کاری اجیر کرد؛ چون ما از زمان مرگ

او خبر نداریم.

- مالکیت مهریه اینگونه است که بعد از جاری شدن صیغه‌ی عقد، زن مالک تمام مهر است؛ مگر اینکه قبل از زفاف قصد جدایی داشته باشد که در این صورت نصف مهریه به او تعلق خواهد گرفت.

- پسر می‌تواند شرط کند که تا چه زمانی مهریه را پرداخت کند.

## ۶-۷ مجلس مهریه برون

مجلس مهریه برون یعنی توافق بر سر صدیقی که قرار است صادقانه پرداخت شود؛ نه جدالی بزرگ بر سر مهریه‌ای دروغین.

در این زمینه توجهتان را به نکاتی جلب می‌نمایم:

- پدر و مادر دختر و پسر برای چنین توافقی کافی است.
- افراد بانصاف و باتجربه را برای تعیین مهریه دعوت کنید.
- عروس و داماد پس از آشنایی، کمی به هم دلبسته شده‌اند؛ ملاحظه‌ی حال آن‌ها را بکنید و به راحتی این ازدواج را به خاطر مهریه به هم نزنید.
- با جدال‌های خودخواهانه‌ی خود، یکی از زیباترین خاطره‌ها را زشت نکنید.
- دامادی که بدون ترس، پای مهریه‌ی سنگین را امضاء می‌کند، متعهد به پرداخت آن نیست. بلکه جوانی قصد پرداخت دارد که با عشق پای برگه‌ی مهریه‌ی سبک را امضاء کند و با محبت آن را پرداخت نماید.
- مهریه با تفاهم باید از طرف داماد تعیین شود و از طرف عروس قبول شود.
- مدعوین در تعیین مهریه نقش بسزایی دارند، پس مراقب دعوت شدگان از طرف خودتان باشید.
- بهتر است مهریه با نظر دختر و پسر نوشته شود و با نظارت خانواده تعیین شود.
- والدین گرامی! به فرزندانان در تعیین مهریه اعتماد کنید، ولی در تمام مراحل بر کار آن‌ها نظارت عاقلانه داشته باشید. مهر و محبت بین عروس و داماد همراه با فکر و تعقل شما، مهریه‌ی بسیار معقولی را می‌تواند تعیین کند.

## ۷-۷ مهریه از نظر اهل بیت علیهم السلام

۱- تعریف مهر؛ ابن صباح از امام صادق علیه السلام پرسید که مهر چیست؟ حضرت فرمودند: «هر چیزی که مردم به پرداخت آن توافق کنند.»<sup>۱</sup>

۲- فلسفه مهرالسنه؛ حسین بن خالد گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: چرا «مهر السنه» پانصد درهم است؟ حضرت فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی بر خویشتن واجب فرمود که هر مؤمنی اگر هر کدام از این ذکرها را صد مرتبه تکرار کند: الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله؛ لا اله الا الله و صد مرتبه بر محمد و آل او صلوات بفرستد و بگوید: خداوندا! حورای بهشتی را همسر من قرار بده؛ خداوند چنین کند و این اذکار را مهر او قرار دهد. و بدین جهت خداوند عزوجل به پیامبرش صلی الله علیه و آله وحی فرمود که: مهر زنان مؤمن پانصد درهم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همسران خود را به پانصد درهم مهر فرمودند.»<sup>۲</sup>

۳- بهترین مهریه؛ بهترین مهریه‌ها، سبک ترین آنهاست.<sup>۳</sup>

۴- با فضیلت ترین زنان؛ با فضیلت ترین زنان امت من، مهر رویان کم مهرند.<sup>۴</sup>

۵- خوش یمنی زن؛ از میمنت و خجستگی زن این است که راحت خواستگاری شود، کابینش سبک باشد و راحت زایمان کند.<sup>۵</sup>

۱. عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَهْرِ مَا هُوَ قَالَ مَا تَرَاوَى عَلَيْهِ النَّاسُ (وسائل، ج ۱۵، ص ۱)

۲. عن الحسين بن خالد سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنْ مَهْرِ السَّنَةِ كَيْفَ صَارَ حَمْسِمِائَةَ دَرَاهِمَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيَّ نَفْسِي أَنْ لَا يُكَبَّرَ مُؤْمِنٌ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ وَ يُحْمَدُهُ مِائَةَ تَحْمِيدَةٍ وَ يُسَبِّحُهُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ وَ يُهَلِّلُهُ مِائَةَ تَهْلِيلَةٍ وَ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ إِلَّا زَوْجَهُ اللَّهُ حُورَاءَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ ذَلِكَ مَهْرَهَا فَمِنْ ثُمَّ أَوْحَى إِلَيَّ نَبِيٌّ ص أَنْ يَسَنَّ مَهْرَ الْمُؤْمِنَاتِ حَمْسِمِائَةَ دَرَاهِمَ فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص (علل، ج ۲، ص ۲۱۳)

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ. (المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۸۲)

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلُنَّ مَهْرًا. (تهذيب، ج ۷، ص ۴۰۴).

۵. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنْ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةِ تَبَسَّيرَ خِطْبَتِهَا، وَ تَبَسَّيرَ صَدَاقِهَا، وَ تَبَسَّيرَ رَحِمِهَا. (مسند ابن حنبل: ج ۹، ص ۳۵۵ ح ۲۴۵۳۲).

- ۶- برکت؛ بابرکت‌ترین زنان آنهایی هستند که مهر آسانتری داشته باشند.<sup>۱</sup>
- ۷- شومی زن؛ شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن کابین او و نافرمانی از شوهرش می‌باشد.<sup>۲</sup>
- ۸- زنجیر آتش؛ در خبر حولاء سوگند به آن که مرا به راستی، پیامبر و رسول فرستاد، هیچ زنی مهریه‌اش را بر شوهرش سنگین نسازد مگر آن که خداوند، زنجیرهایی گران از آتش دوزخ بر او بنهد.<sup>۳</sup>
- ۹- کینه‌ورزی؛ در مهریه آسان بگیرید؛ زیرا مرد کابین (سنگین) زن را می‌دهد، اما در دلش نسبت به او کینه و دشمنی به وجود می‌آید.<sup>۴</sup>
- ۱۰- دشمن‌زدایی؛ در مهریه‌های زنان، زیاده‌روی نکنید که عامل دشمنی است.<sup>۵</sup>
- ۱۱- مهر الهی: مهرها را سنگین نگیرید، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم آورد؛ پول و مال، عشق و محبت نمی‌آورد.<sup>۶</sup>
- ۱۲- هدیه با ارزش؛ سیره‌ی اهل بیت گاهی چنین بوده است که مهرالسنه را تعیین می‌کردند و بعد به زنان خود از مال خویش هدیه با ارزشی می‌دادند؛ چنانکه حضرت جواد علیه السلام علاوه بر مهرالسنه که مهریه بود، صد هزار درهم از مال شخصی خود به همسرشان هدیه دادند. (البته این بخشش مربوط به بعد از عقد ازدواج است).<sup>۷</sup>
- ۱۳- عدم شباهت به اجرت؛ خوش ندارم مهر زن کمتر از ده درهم باشد؛ چرا که به
- 
۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ صِدَاقًا. (مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۹۵).
۲. الإمام الصادق عليه السلام: أَمَا شُؤْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا. (فقیه، ج ۳، ص ۳۶۲)
۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا حَوْلَاءَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَ رَسُولًا مَا مِنْ أَمْرَةٍ تُنْقَلُ عَلَيَّ زَوْجِهَا الْمَهْرَ إِلَّا تُقَلَّ اللَّهُ عَلَيْهَا سَلَسِلٌ مِنْ نَارٍ حَبَّتُمْ (مستدرک الوسائل، ۱۴، ص ۲۴۱).
۴. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تَبَايَسَرُوا فِي الصِّدَاقِ، فَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً. حَسِيكَةٌ: أَى عِدَاوَةٌ وَ حِقْدًا. (المصنّف، ... الرزاق، ج ۶، ص ۱۷۴، ح ۱۰۳۹۸)
۵. قال علی عليه السلام: لَا تُعَالُوا فِي مَهْرِ النِّسَاءِ فَيَكُونُ عِدَاوَةً. (مکارم الاخلاق، ۲۳۷)
۶. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲
۷. فقیه، ج ۳، ص ۳۹۸.



اجرت زنا شبیه نگردد.<sup>۱</sup>

۱۴- پرداخت مهریه حضرت زهرا علیها السلام؛ امام علی علیه السلام زمانی که با فاطمه علیها السلام ازدواج نمودم، گفتم: ای پیامبر خدا! اسبم را بفروشم یا زرهام را؟ فرمود: «زرهات را بفروش.» من هم آن را به دوازده اوقیه فروختم. این، مهر فاطمه علیها السلام بود.<sup>۲</sup>

۱۵- سیره عملی ائمه اطهار؛ یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام می گوید: بر حضرت علیه السلام وارد شدم. ایشان را در خانه‌ای دیدم آراسته. با بالش‌ها و نمدها و وسایل خانه و فرش‌ها. بعد از مدتی دوباره بر ایشان وارد شدم، ایشان را در خانه‌ای که فرش آن حصیر بود یافتم. عرض کردم: فدایت شوم، این خانه چیست؟ فرمود: این خانه‌ی من است و آن را که قبلاً دیدی، خانه‌ی همسرم می‌باشد. هم‌اکنون حدیثی را که پدرم آن را نقل فرموده، برایت می‌گویم:<sup>۳</sup>

عده‌ای بر حسین بن علی علیه السلام وارد شدند و در خانه‌ی او قالیچه و بالش و فرش‌های دیگر دیدند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل شما چیزهایی می‌بینیم که در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است. حضرت فرمود: ما با زنان خود ازدواج می‌کنیم و مهریه‌ی آنان را می‌پردازیم. آنان هر چه می‌خواهند با مهر خود می‌خرند. ما در آن نصیبی نداریم.

۱۶- مهمترین شرط؛ سزاوارترین شرطی که وفای بر آن لازم است، پرداخت چیزی است که به واسطه‌ی آن زنان را بر خود حلال کرده‌اید.<sup>۴</sup>

۱۷- بدترین گناه؛ پلیدترین گناهان را سه چیز می‌دانستند؛ کشتن چهارپا، خودداری

۱. قال علی علیه السلام: إِنِّي لِأَكْرَهُ أَنْ يَكُونَ الْمَهْرُ أَقْلَ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ لِنَلَّا يُشْبِهَ مَهْرَ الْبُعْيِ (علل، ج ۲، ص ۲۱۵)

۲. امام علی علیه السلام: لَمَّا تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أُبِيعَ فَرَسِي أَوْ دَرْعِي؟ قَالَ: بَعِ دِرْعَكَ. فَبِعْتُهَا بِبِئْتِي عَشْرَةَ أَوْقِيَّةٍ، فَكَانَ ذَلِكَ مَهْرَ فَاطِمَةَ. (مسند ابی یعلی: ج ۱، ص ۲۴۶)

۳. قال الحسين علیه السلام: أَنَا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَتُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَسْتَرِينَ مَائِسِينَ، لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ (فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۷۰۵)

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِنَّ أَحَقَّ الشُّرُوطِ أَنْ يُوفَى بِهَا مَا اسْتَحْلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ (فقيه، ج ۳، ص ۲۵۲)

از پرداخت مهر زنان، خودداری از پرداخت اجرت کارگر.<sup>۱</sup>  
**۱۸- دزدی؛** «زدان سه دسته‌اند...یک دسته از زدان کسانی هستند که مهرزنانشان را نمی‌پردازند.»<sup>۲</sup>

**۱۹- زناکار؛** هر کس با زنی ازدواج نماید و قصد نپرداختن مهریه‌ی او را داشته باشد، نزد خداوند زناکار محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

**۲۰- مجازات اخروی؛** کسی که ستمگرانه مهر زن را نپردازد، در پیشگاه خداوند زناکار است. روز قیامت به او خطاب می‌شود بنده‌ی من! کنیزم را بر حسب پیمانی که با تو بستم به تو تزویج کردم، به عهد من وفا نکردی. به او ستم کردی؛ آنگاه به اندازه حق زن از ثواب‌های مرد برداشته به او دهند؛ اگر پاداشی دیگر برای مرد نماند، او را به جزای پیمان‌شکنی به جهنم وارد کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: به پیمان خویش وفا کنید که از پیمان سؤال خواهد شد.<sup>۴</sup>

**۲۱- خشم خدا؛** هر کس به زنی آزار برساند تا آن زن [با بخشیدن مهریه‌اش]، جان خود را از او بخرد، خدای تعالی برای آن مرد، به کیفری کمتر از آتش، رضایت نداده است؛ چرا که خداوند متعال برای زن، همان گونه به خشم می‌آید که به خاطر یتیم.<sup>۵</sup>

**۲۲- بخشش و رفع عذاب؛** عذاب قبر از سه طایفه‌ی زنان برداشته می‌شود و با حضرت فاطمه علیها السلام محشور خواهند شد؛ ... زنی که بر غیرتمندی شوهر صبر کند،  
 ۱. عَنِ الصَّادِقِ قَالَ أَقْذَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ الْبَيْهَمَةِ وَ حَسُّ الْمَرْأَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ (مکارم، ص ۲۳۷).

۲. عن ابی‌عبدالله علیه السلام: السَّرَاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَحِلُّ مِهْرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مِنَ اسْتِدَانِ دَيْنًا وَ لَمْ يَتَوَّعِضْهُ (روضه‌الواعظین، ج ۲، ص ۳۵۶)

۳. مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ لَمْ يَتَوَّعِضْهَا صَدَقَاتِهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زَانٌ (فقیه، ج ۳، ص ۲۵۲)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدِي زَوَّجْتِكَ أَمْتِي عَلَيَّ عَهْدِي فَلَمْ تُوفِ بَعْهْدِي وَ ظَلَمْتِ أَمْتِي فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدَرِ حَقِّهَا فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَةٌ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنِكَتِهِ لِلْعَهْدِ- إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء/۳۴- وسائل ج ۵، ص ۲۲)

۵. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَضْرَبَ بِامْرَأَةٍ حَتَّى تَفْتَدِيَ مِنْهُ نَفْسَهَا لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ بِعُقُوبَةٍ دُونَ النَّارِ لِأَنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِلْمَرْأَةِ كَمَا يَغْضَبُ لِلْيَتِيمِ. (ثواب الاعمال، ص ۳۳۶)

آن که بر بدخلقی همسرش شکبیا باشد و زنی که مهر خود را به همسرش ببخشد؛ خداوند به هر یک از آن‌ها ثواب هزار شهید عطا می‌کند و برای هر یک، ثواب یک سال عبادت منظور می‌فرماید.<sup>۱</sup>

۲۳- **بخشش و محبت**؛ بخشش مهریه بعد از عروسی نتیجه‌ی محبت و انسی است که بین زن و شوهر ایجاد شده است. و ثواب هر دینار آن معادل آزادی یک بنده است.<sup>۲</sup>

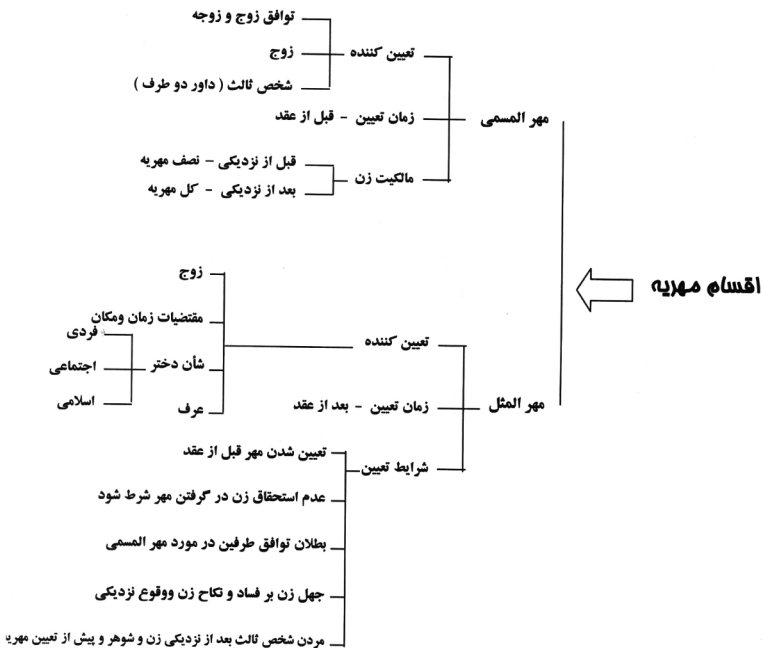
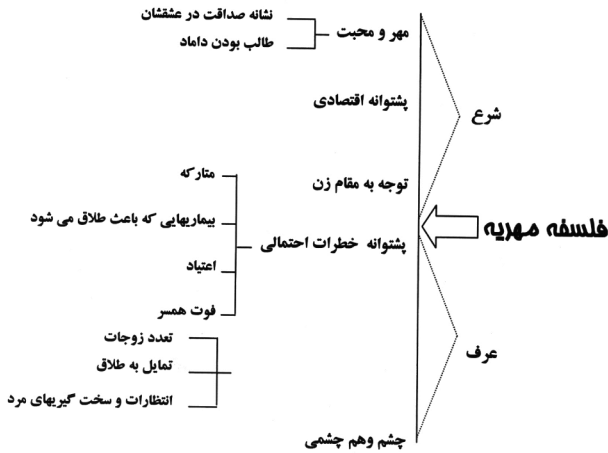
---

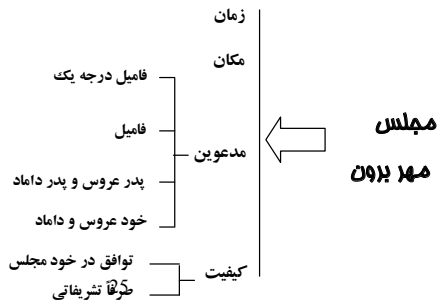
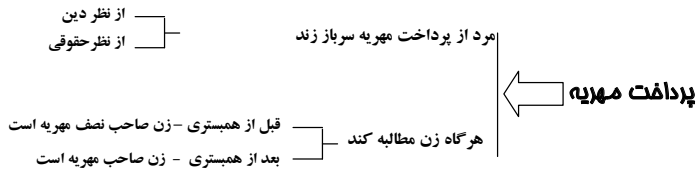
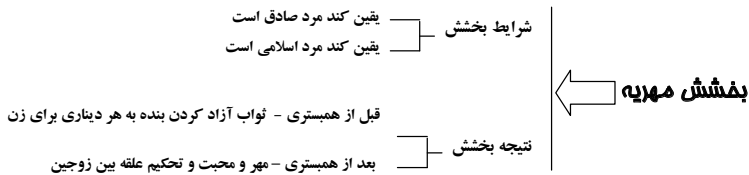
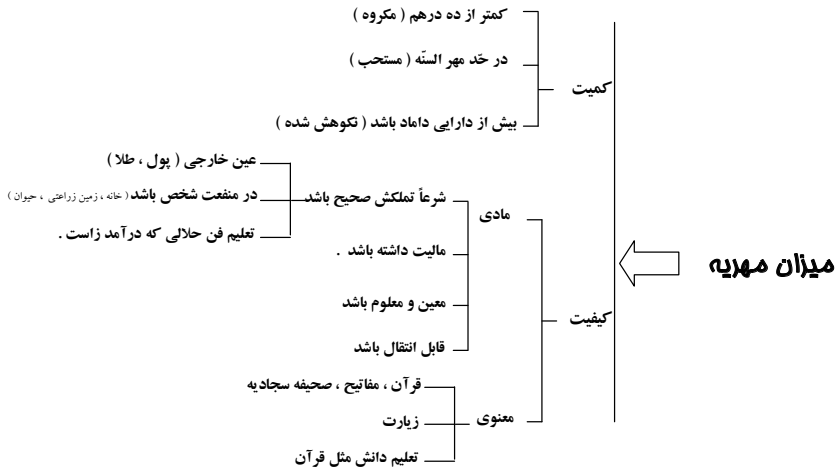
۱. امام صادق علیه السلام ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صِ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لَزَوْجِهَا يُعْطَى اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتَبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةٌ سَنَةً (وسائل، ج ۱۵، ص ۳۷)

۲. ما مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَهْرٍ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ دِينَارٍ عَمَّتَى رَقَبَةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بِالْهَبَةِ بَعْدَ الدُّخُولِ قَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَ الْأُلْفَةِ (وسائل، ج ۱۵، ص ۳۶)

## ۷-۱- جدول مهریه

نمودار جامع از مباحث مهریه به شرح ذیل می باشد:









# گفتار هشتم /

بهترین انتخاب





آنچه زندگی ما را از ملائکه و دیگر موجودات خاکی جدا کرده ، انتخاب ماست. ما می‌توانیم چنان انتخاب کنیم که از ملائکه هم بالاتر رویم و بالعکس با انتخاب ناشایست خود از خاک هم پست‌تر شویم.

انسان در هر لحظه با انتخابی روبرو است. بعضی از این انتخاب‌ها در نحوه‌ی زندگی‌مان در دنیا مؤثر است، و بعضی در آخرت؛ بعضی نقش سرنوشت‌سازی دارد، بعضی کم‌تر؛ بعضی قابل جبران است و بعضی غیرقابل جبران. در بین این انتخاب‌ها انتخاب همسر تأثیر سرنوشت‌سازی در دنیا و آخرت ما دارد و تصمیم غلط در این عرصه گاهی با خسارتی بس بزرگ همراه است و به راحتی قابل جبران نیست.

انسان حق انتخاب پدر، مادر، برادر، خواهر و حتی فرزند خود را ندارد؛ تنها انتخابی که در خلقت در این زمینه به ما داده‌اند، حق انتخاب همسر است. البته نزدیک‌ترین فرد هم به انسان همسر است و نه تنها عمیق‌ترین، بلکه طولانی‌ترین ارتباط را با همسر خود دارد. بطور متوسط ما با بقیه‌ی خویشان در ثلث عمر خود ارتباط مستمر داریم، ولی با همسر خود در دو ثلث عمر مستمراً ارتباط داریم. آیا نباید در مورد تنها خویشی که می‌توانیم انتخاب کنیم و بیش‌ترین و موثرترین ارتباط را با او داریم و بطور متوسط ۵۰ سال از عمر دنیایمان را با او هستیم، لااقل ۵۰ ساعت مطالعه کنیم تا ان‌شاءالله با عنایت الهی بتوانیم بهترین انتخاب را برای خود رقم بزنیم؟! بهترین انتخاب، انتخابی است به تنها، با وجود شرایط و رفع موانع، با معیارهای حساب شده و شیوه‌ی شناسایی صحیح، با آگاهی کامل، با همراهی عقل و دل، با تأیید خانواده، با تحقیق صحیح و دقیق و با توکل به خداوند و استعانت از او.

بهترین انتخاب، انتخابی است که صرفاً بر اساس احساسات و علاقه‌ی زودگذر نباشد، همه‌جانبه باشد، همراهی و پشتیبانی خانواده را با خود داشته باشد. در حال اضطراب و توأم با عجله نباشد، هیچ جبر بیرونی و درونی در آن نباشد، بی‌اختیار نباشد، سطحی نباشد، با نگاه به آینده باشد، با طیب خاطر باشد، با مشورت همراه باشد، مینا داشته باشد، به وسواس نیفتد و بی‌گدار به آب نزند، و در آن عقل حرف اول را بزند و دل حرف آخر را تا آرامش‌بخش انسان باشد.

بهترین انتخاب وقتی است که انسان هم خوب انتخاب کند، هم خوب انتخاب شود؛ لذا صادقانه بگوید و نشان دهد و عاقلانه بشنود و ببیند. هم فرد را در نظر بگیرد و هم خانواده و فرهنگ او را. به دیدگاه خود اکتفا نکند و از دیگران کمک بگیرد، ولی نهایتاً خود تصمیم بگیرد.

بهترین انتخاب وقتی است که عوامل تحریک‌زای عاطفه میدان‌دار نباشند. عاقلانه انتخاب نماید و عاشقانه زندگی کند.

بهترین انتخاب در سنّی است که انسان شور و شوق ازدواجش قوی و در عین

حال به پختگی اولیه عقلانی یعنی رشد اجتماعی لازم رسیده باشد. در عین حال هنوز کاملاً شخصیتش شکل نگرفته باشد تا با سازگاری و انعطاف پذیری دو طرف با هم شکل بگیرند.

بهترین انتخاب در شرایطی است که انسان اطلاعات لازم را در مورد ازدواج داشته باشد. با مطالعه کتاب‌های خوب، شنیدن سی‌دی‌ها و نوارهای مربوط و مشورت با افراد مطلع، با شناخت صحیحی از تفاوت‌های زن و مرد، وظایف و تکالیفشان نسبت به هم و آداب و رسوم ازدواج پا به این عرصه بگذارد.

بهترین انتخاب، با انتخاب بهترین فرق دارد. بهترین انتخاب متناسب‌ترین انتخاب است. انتخاب کسی است که با انسان هم‌جهت و در عین حال مکمل باشد و این، وقتی شدنی است که انسان به یک خودشناسی دقیق از خود بپردازد، خود واقعی و ایده‌آل خود را بشناسد و بین آنچه که هست و آنچه که دوست دارد تشخیص دهد و تفاوت بگذارد. خود را از لحاظ اعتقادی، اخلاقی، ظاهری، سلیقه‌ای، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، تحصیلی، هوشی و خصلت‌های شخصیتی اعم از درون‌گرا و برون‌گرا بودن شناسایی کند و بر اساس محدودیت‌هایی که دارد و نقاط ضعف و قوتاش به دنبال کسی باشد که او این محدودیت‌ها را بپذیرد و لاقبل در بخش‌هایی که برای او خیلی مهم است، هم‌جهت و در قسمت‌هایی که در خود ضعفی احساس می‌کند مکمل باشد.

بهترین انتخاب وقتی است که توافق والدین نیز به دست آید. این، هم ضریب خطا را کم می‌کند، هم ناسازگاری‌های بعد را کاهش می‌دهد و هم پشتوانه‌ی خانواده‌ها را در همه‌ی مراحل به دنبال دارد. خانواده‌ها می‌توانند باعث دلگرمی و آمادگی و آرامش فرد باشند و با حمایت، مشورت و همکاری و همدلی آن‌ها فرد با گام‌هایی استوار وارد می‌شود؛ هر چند والدین نباید نظرات خود را به فرزند تحمیل کنند بلکه باید چراغی باشند که با روشنی دادن به فرد، او را در تشخیص صحیح کمک کنند.

بهترین انتخاب وقتی است که انسان به بلوغ عقلی، اجتماعی و عاطفی لازم رسیده

باشد که نشانه‌ی آن احساس مسئولیت، کنترل عواطف، قدرت محبت ورزیدن، توجه به عرف اجتماعی در برخوردها و بطور کلی عاقلانه و پخته رفتار کردن است. برخوردهای عجولانه، احساساتی و اصرار بر مورد خاص نشانه‌ی ضعف در این مقوله می‌باشد.

بهترین انتخاب در شرایطی است که دایره‌ی انتخاب نیز وسیع باشد. (منظور اشخاصی است که طالب ازدواج با فرد می‌باشند). آنچه دایره‌ی انتخاب را محدود می‌کند، بالا بردن سطح توقعات، حاضر نشدن در اجتماع، عدم توجه به وقار و آراستگی ظاهری، وجود رفتارها و اخلاقیات نامناسب، پایین بودن سطح مهارت‌ها و امتیازات و عدم مسئولیت‌پذیری اطرافیان می‌باشد که همگی قابل اصلاح هستند. بهترین انتخاب، انتخابی است به دور از هرگونه نگرانی، اضطراب، خودکم‌بینی، ترس و توهمات از قبیل ترس از عدم موفقیت بخاطر داشتن تجربه‌ی شکست در مورد خود یا اطرافیان، بدبینی و عدم اعتماد نسبت به جنس مخالف، ترس از دست دادن آزادی‌های دوره‌ی مجردی، ترس از مشکلات و سختی‌ها. البته تا وقتی فرد با مشاوره و بازبینی از این توهمات خارج نشود، نمی‌تواند انتخابی درست داشته باشد. بهترین انتخاب در نبود شروط دست و پاگیر و تحمیل شدن آداب و رسوم غلط تحقق می‌یابد. سخت‌گیری در انتخاب ما را به بهترین انتخاب نمی‌رساند. هرچند نداشتن معیار دقیق در انتخاب و عدم تشخیص بین ضریب اهمیت معیارها نیز ما را به بهترین انتخاب نمی‌رساند.

بهترین انتخاب شانس‌ی یا تصادفی نیست، بلکه تعقلی و توکلی است.

بهترین انتخاب، انتخاب فردی است که هم‌دل، هم‌فکر، هم‌عقیده و همراه انسان باشد و این از طریق تقلب یا تحمیل بدست نمی‌آید.

بهترین انتخاب پایدارترین انتخاب است نه گذرترین انتخاب.

بهترین انتخاب، انتخاب کسی است که ما را به آرامش برساند، لباسی باشد برای

محافظت از بدی‌ها، نسیمی باشد برای خنکی و پوششی متناسب و هم اندازه.

بهترین انتخاب، انتخابی است از روی اراده، تفکر، مشورت، توکل و قلب. بهترین انتخاب، انتخاب فردی است راستگو، با وفا، امانتدار، محترم، اهل نماز، دور از گناه، و در یک کلمه دیندار و باتقوا و با ایمان؛ کسی که در دین خود پایدار و راضی به رضای خداوند باشد، تسلط بر خود داشته باشد، از گناه ناخشنود و مطیع خداوند باشد، کسب حلال داشته، خوش اخلاق و مخلص باشد، نماز اول وقت، توسل و محبت به اهل بیت) و التزام به احکام دین و واجبات داشته باشد. بهترین انتخاب، انتخاب فردی عاقل است؛ فردی که زیرک باشد، کم حرف و سنجیده گو باشد، به علم خود عمل کند، کمال خواه باشد، زبان خود را کنترل کند، قدرت غلبه بر احساسات و هیجانات خود داشته باشد، هنگام غضب بردباری پیشه کند، هنگام ناملایمات و مشکلات شکیبایی داشته باشد، در امیال خود میانه روی کند، با مردم نرمخو باشد، اهل جدال نباشد، در عاقبت امور بیندیشد، صاحب نظر باشد، قدرت تشخیص بالا و فهم و درک و تجزیه و تحلیل صحیح مفاهیم را داشته باشد، بتواند تصمیمات مناسب اتخاذ کند، دارای استقلال فکری باشد، معقول باشد، انتظار واقع بینانه از خود و دیگران داشته باشد، تعهدات فردی و مسئولیت های اجتماعی خود را بپذیرد، رفتار عادلانه و شجاعانه داشته باشد، مفید باشد، در راه خیر و صلاح پایدار و از مسیرهای غلط رویگردان باشد، به باورهای خود عمل کند، به سخنان دیگران گوش دهد بهترین را عمل کند و نسبت به افکار نادرست و وسوسه ها تأثیرناپذیر باشد. البته این موارد را باید تحصیل کرد و متناسب با خود در دیگران انتظار داشت.

بهترین انتخاب، انتخاب پاکان است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»<sup>۱</sup> کسانی که پاکی، حیا، عفت و نجابت وجود آنها را مانند هاله ای نورانی در بر گرفته است. کسانی که چشمان پاکی دارند و دوران مجردی خود را به پاکی به سر برده باشند و چنانچه لغزشی هم پیش آمده، سریعاً توبه و جبران کرده باشند. اینان با غیرتند و باحیا،

پاکیزه‌اند و پارسا و از هرگونه انحراف جنسی و هوس بازی دور هستند. انتخاب اینان توأم با اطمینان و وفاداری است.

بهترین انتخاب، انتخاب انسان‌های خوش اخلاق است؛ افرادی که چهره‌ی گشاده و متبسمی دارند، با رعایت ادب و ملایمت سخن می‌گویند، به نرمی رفتار می‌کنند، احساس محبت و رضایت در برخوردشان دیده می‌شود، متواضعاند و متین، بزرگوار و حق‌پذیرند، بردبارند و باحوصله، وفادارند و اهل گذشت، مهربانند و صمیمی، حسن ظن دارند، منضبطاند، اهل تفاهم و دوستی اند، انعطاف‌پذیرند و دارای احساس مسؤولیت، سخاوتمند، بخشنده و در کل به راحتی سازگار می‌شوند. هرچه به این صفات مزین شوی و در همسرت این صفات بیش‌تر جمع باشد، انتخابی شیرین‌تر انجام داده‌ای.

بهترین انتخاب، انتخاب افرادی است که از صفات زشت رهایی یافته‌اند علی‌الخصوص از صفاتی که در ازدواج باعث ناهنجاری‌هایی می‌شود؛ مثل حسادت و کج خلقی، لجباجت و هرزگی، تکبر و غرور احمقانه، دروغ‌گویی و کینه‌توزی، کم‌ظرفیتی و بی‌تابی، نیش و کنایه زدن، بدزبانی و فحاشی، بی‌ادبانه و بی‌پروا سخن گفتن، عصبانیت و دورویی، پنهان کاری و بی‌انضباطی و خساست. هر کدام از این صفات در وجودت هست از خود بیرون کن و تا آنجا که شده است دقت کن در همسرت نباشد.

بهترین انتخاب در رعایت تناسب سنّی است. البته در مردان سنّ عقلی ملاک است و در زنان سنّ فیزیولوژیکی نه سنّ شناسنامه‌ای. یعنی این مرد چقدر از لحاظ پختگی به این زن می‌خورد و قابل اتکاء است؛ حتی اگر سنّ شناسنامه‌ای او کم‌تر از دختر باشد، بشرط آنکه دختر تواضع لازم را نسبت به او داشته باشد و این زن چقدر نشاط خود را حفظ کرده است؛ حتی اگر سنّ شناسنامه‌ای او بالاتر باشد.

بهترین انتخاب، انتخابی از خانواده‌ی اصیل و متدین است. خانواده‌ای با ریشه و با فرهنگ، شناخته شده و آبرومند، به دور از تنش‌ها و تزلزل‌های داخلی، به دور از

سختگیری‌های نابجا و آداب و رسوم غلط، سابقه‌ی اعتیاد، انحرافات و بزهکاری. البته وجود بعضی از این ضعف‌ها را می‌توان با قوت‌های خود فرد جبران کرد. بهترین انتخاب، انتخاب مردی است سخاوتمند و دست و دلباز، نیکوکار و خوش رفتار با خانواده، دارای قدرت و شجاعت؛ به دور از هوس بازی و لاف‌زنی، بیکاری و تنبلی، حساست و گوشه‌گیری، دمدمی مزاج و بی‌اراده، سلطه‌جو و شکاک و وسواسی.

بهترین انتخاب از سوی مرد، انتخاب زنی است زیبا و پاکدامن، دلنشین و با ایمان، خدانشناس و مهربان، عزیز نسبت به فامیل خود و متواضع نسبت به شوهر خود، آراسته در بین محرمان و با وقار در برخورد با نامحرمان، مطیع همسر و عاشق او، سهل‌گیر و نرم‌خو و حافظ حیثیت شوهر در غیاب او؛ به دور از فخر فروشی به مال پدر و اتکاء به زیبایی خود، مُدپرستی و جاه‌طلبی، نامرتب و بی‌انضباط، لجباز و نافرمان، حقیر در فامیل و عزیز در نظر خود و سرکش نسبت به شوهر.

بهترین انتخاب، انتخابی است از طریق منابع مطمئن، معرف‌های امین، مشاوران دلسوز، دور از روش‌هایی که علاقه‌ی کاذب ایجاد کند و احساسی عمل شود. عمدتاً ارتباطات قبل از ازدواج بیش‌تر از آنکه بخواهد باعث شناسایی بیش‌تر شود، تعلق خاطر ایجاد می‌کند، علاقه‌ی اولیه آدم را کر و کور می‌کند و نمی‌گذارد شناخت درستی ایجاد شود. در اغلب موارد ارتباطات اینترنتی و تلفنی، حتی کاری و علمی و فرهنگی به جای افزایش شناخت، وابستگی‌ها را زیادتر و اعتماد خانواده‌ها را کم‌تر، ضریب خطا را بیش‌تر و میزان شکست خوردگی و فریب را افزایش می‌دهد.

بهترین انتخاب، انتخابی است منطبق با طبیعت و فطرت. مرد طبیعتاً طالب است و زن مطلوب. زن اهل ناز است و مرد اهل نیاز. پس مطرح‌کننده باید مرد باشد و پاسخ‌دهنده زن و الاً خلاف مسیر طبیعت حرکتی صورت گرفته است و حرکت‌های غیرطبیعی موقتی خواهد بود و لاجرم نافرجام.

بهترین انتخاب، انتخابی است در خانه‌ها و حضوری با دیدن اعضای خانواده و

محیط زندگی، تا شناسایی همه‌جانبه باشد و عزت دختر و اعتماد پسر محفوظ بماند. محیط انتخاب باید آرام و دارای نور کافی، با رعایت زمان مناسب و بدور از فریب و ظاهرسازی و تجمل‌گرایی و پراکنده‌گویی باشد.

بهترین انتخاب، انتخابی است با کمال آگاهی، از راه گفتگوی صادقانه با تعریف دقیق از مفاهیم و استفاده از انواع سؤالات مستقیم و غیرمستقیم، اکتشافی و چالشی با دسته‌بندی مناسب سؤالات و اولویت دهی ملاک‌ها و وزن دهی به معیارها و ملاک‌ها و توجه دقیق به سؤالات فرد برای شناسایی شخصیت او؛ گفتگو نسبت به اهداف ازدواج و خوشبختی، شیوه‌ی زندگی، نگرش‌های مذهبی، پایبندی‌ها و تلقی دیگران نسبت به فرد، اخلاق اجتماعی، روحیات، علایق و سلیقه‌ها، نگرش‌های اقتصادی، نحوه‌ی اختصاص هزینه‌های زندگی، توانایی اقتصادی، استقلال مالی، نگرش‌های سیاسی، گرایش‌ها و فعالیت‌ها، آداب و رسوم خانوادگی، تفاوت‌های فرد با خانواده‌اش و شیوه‌ی استفاده از اوقات فراغت، بیماری‌ها و ناراحتی‌های فرد. بهترین انتخاب، انتخابی است واقع‌بینانه، نه خوش‌بینانه یا بدبینانه، انتخابی است تدریجی نه دفعی یا خاطره‌ای. انتخابی است عقلانی - عاطفی نه احساسی محض یا عقلی محض.

بهترین انتخاب، انتخابی است با شناخت متقابل، با معرفی دقیق خود؛ چه قوت‌ها چه ضعف‌ها، چه پیروزی‌ها چه شکست‌ها، چه فرصت‌ها چه تهدیدها، حتی بیان اسراری که بعد از ازدواج فرد مطلع می‌گردد و بعد از اطلاع نظرش نسبت به همسرش متفاوت می‌شود. باید همه‌ی آن‌ها را به میزان اعتمادی که در جلسات اول پیدا شده است به ترتیب به فرد مقابل گفته شود؛ مگر چیزهایی که تمام شده و بعد از ازدواج کسی مطلع نمی‌گردد. بهترین انتخاب، انتخابی است همراه با تحقیق همه‌جانبه؛ چه مستقیم با تحت نظر گرفتن خود فرد یا خانواده‌اش، چه غیرمستقیم از طریق محل کار، محل سکونت، محل تحصیل، دوستان و فامیل یا مراجع ذی صلاح مثل نیروی انتظامی یا حراست دانشگاه؛ در زمینه‌ی دوستان فرد، عقاید او، اخلاقیاتش، سوابقش، خصوصیات



شخصی، سلامت جسمانی و روحی و تعلقات سیاسی فرد. تمام این موارد بتدریج در مراحل مختلف خواستگاری انجام گیرد؛ البته توسط کسانی که زیرک باشند و باتجربه، رازدار باشند و مطلع، خیرخواه باشند و راستگو، امین باشند و عمیق؛ اعم از دوستان، همکاران و مشاورین یا خویشاوندان.

بهترین انتخاب، انتخابی است همراه با مشورت در همه‌ی موارد اعم از شیوه‌ی سؤال کردن، وزن دهی به ملاک‌ها و اولویت آن‌ها، موارد و اختلافی با والدین، شیوه و منابع تحقیق، تردید در تصمیم‌گیری قطعی؛ با کسانی که عاقلند و آگاه، با تجربه‌اند و دلسوز؛ از بین بزرگان فامیل، معلّمان، اساتید، روحانیون و مراکز مشاوره، اما با این نگاه که نهایتاً تصمیم‌گیرنده خود فرد باشد.

بهترین انتخاب، انتخابی است که درست تصمیم‌گیری شده باشد. بصورتی که ابتدا با ابزار عقلانی گفتگوها، تحقیق، مشورت و تجربه‌ی دیگران ارزیابی شود، بعد با بررسی یافته‌ها و نواقص و موارد ضد و نقیض نتیجه‌گیری کند که آیا نیاز به تحقیق بیش‌تر هست یا خیر و بعد با مراجعه به قلب ببیند در کل احساس خوشایند و رضایتمندی از این ازدواج دارد یا نه؟ باید از هر نوع تصمیم عجولانه که به خاطر لجبازی، چشم و هم‌چشمی، به خاطر دیگران، ترحم، فرار از شرایط موجود، تصوّر از دست دادن موقعیت ازدواج، ثروت، زیبایی، موقعیت و قسمت خود فرض کردن باشد اجتناب کرد.

بهترین انتخاب نه فقط انتخاب همسری است با ترکیبی از ویژگی‌ها برای تکامل و ارضای نیازهای روحی، عاطفی، غریزی و ... بلکه انتخاب ما دری است که کمالات فکری و روحی و معنوی او دانشگاه بزرگ رشد و تعلیم و تربیت عزیزترین عزیزان ما یعنی فرزندان دل‌بند ماست.

بهترین انتخاب همسری است که آرامش ما در کنار او هرگز به سکون و خو کردن به آرامش طلبی و رنگ عوض کردن‌های رایج منجر نگردد بلکه وجود او باراندازی باصفا برای تداوم راه باشد.

بهترین انتخاب، گزینش همراهی است که تداوم وجود ما را در قالب وجود فرزندان ما به بهترین و خدایی‌ترین شکل ممکن تحقق ببخشد و ذریه‌ای موحد و شکرگزار نعمت‌های خداوندی و قدردان وجود و زحمات والدین از ما به‌جا گذارد. حال برای تحقق این چشم‌انداز از زندگی که شاید از بزرگترین رسالت‌های دینی و انسانی ما در قبال خداوند و بشریت است درجه‌بندی و جایگاه معیارهای انتخاب چه شکل جدیدی را بخود می‌گیرد و ما برای چنین انتخابی از چه میزان آگاهی، ظرفیت و توکل باید برخوردار باشیم.

و در آخر بهترین انتخاب، انتخابی است که با اعتماد به خداوند و توکل به او و سپردن ازدواج به او و تسلیم او شدن و اطمینان و رضایت نسبت به او صورت گیرد. (و انجام دادن تمام وظایفی که در این زمینه او به ما سپرده است اعم از تعقل، تلاش، مطالعه و مشورت)

«أَفَوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ».

کار خود را به خدا سپردم؛ چراکه خداوند به حال بندگان بیناست.<sup>۱</sup>

۱. مطالب این گفتار جان‌کلام بود و تفصیل هر یک از عبارات بالا در فصل‌های کتاب بطور مشروح آمده است. توصیه می‌شود بعد از خواندن کل کتاب، مطالب این گفتار مجدداً با دقت خوانده و به خاطر سپرده شود.

- ١- قرآن كريم
- ٢- نهج البلاغة، تحقيق شيخ محمد عبده (بيروت، دار المعرفة، [بى تا])
- ٣- (منسوب به) امام جعفر صادق، مصباح الشريعة (بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، چاپ اول، ١٤٠٠ق)
- ٤- الآبى، منصور بن حسين، نثر الدر (مصر:الهيئه المصريه العامه، چاپ اول، ١٩١٨م)
- ٥- ابن بابويه قمى، محمد بن على، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (تهران: مكتبه الصدوق)
- ٦- احسائى، محمد بن على، عوالى اللآلى العزيزيه فى الاحاديث الدينيه (بيروت: مؤسسسه الكتب الثقافيه، چاپ اول، ١٤٠٣ ق)

- ۷- الامدی التمیمی، عبدالواحد، **غررالحکم و درر الکلم** (دانشگاه تهران: چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش)
- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، تحقیق: مصطفی ديب البغا (بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۰ق)
- ۹- بیهقی، احمد بن الحسين، **السنن الكبرى** (بيروت: دارالکتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق)
- ۱۰- ترمذی، محمد بن عيسى، **سنن الترمذی**، تحقیق: أحمد محمد شاکر (بيروت: دار إحياء التراث)
- ۱۱- التميمی الموصلي، أحمد بن علي، **مسند ابی يعلى الموصلي** (جده: دار القبلة، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق)
- ۱۲- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، **دعائم الاسلام** (مصر: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق)
- ۱۳- حر عاملی، **وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة**، (قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ق)
- ۱۴- الحسنی الراوندي، فضل الله بن علي، النوادر، تحقیق سيد رضا علي عسكري (قم: دارالحديث، ۱۳۷۷)
- ۱۵- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، **قرب الاسناد** (تهران: انتشارات کتابخانه نینوا، [بی تا])
- ۱۶- الدمشقی، علی بن الحسين بن هبه الله، **تاریخ مدینه دمشق** (بيروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق)
- ۱۷- دیلمی الهمدانی، شیرویه بن شهردار، **الفردوس بمأثور الخطاب** (بيروت: دارالکتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق)
- ۱۸- زمخشری، محمد بن عمر، **ربیع الابرار و نصوص الاخبار** (قم: منشورات الشريف الرضي، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق)

- ۱۹- سجستانی الازدی، سلیمان بن أشعث، سنن ابی داوود (بیروت: دار إحياء السنه النبويه)
- ۲۰- الشعیری السبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار او معارج اليقين فی اصول دین (قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق)
- ۲۱- الشیبانی، أحمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل (بیروت: دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق)
- ۲۲- صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لا يحضره الفقيه (قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۱۳ ق)
- ۲۳- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف (قم: مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق)
- ۲۴- طبرسی، أحمد بن علی، احياء علوم الدين (تهران: دارالاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۳، ق)
- ۲۵- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق (قم: انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق)
- ۲۶- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش)
- ۲۷- عبد بن حمید، المنتخب من مسند عبد بن حمید (قاهره: مکتبه السنه، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق)
- ۲۸- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (قم: انتشارات رضی)
- ۲۹- قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی (بیروت: دار إحياء التراث، ۱۳۹۵ ق)
- ۳۰- قمی، محمد بن علی ابن بابویه، معانی الاخبار (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش)
- ۳۱- قمی، محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرائع (بیروت: دار إحياء التراث، چاپ اول،

(١٤٠٨ ق)

٣٢- كليني رازي، محمد بن يعقوب، الفروع من الكافي (دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٢)  
 ٣٣- كليني، الكافي، تصحيح: علي اكبر غفاري صفت (تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ١٣٦٥ش)

٣٤- الكوفي، محمد بن محمد بن الأشعث، الجعفریات (الأشعثيات)، (تهران: مكتبه نينوى، ق ٤ ق)

٣٥- اللخمي الطبراني، سليمان بن أحمد، المعجم الاوسط (دارالحرمين، چاپ اول، ١٤١٥ ق)

٣٦- متقى هندی، علي بن حسام، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تصحيح: صفوة السقا (بيروت: مكتبة التراث الإسلامي، چاپ اول، ١٣٩٧ ق)

٣٧- مجلسي، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار (عليهم السلام)، (بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق)

٣٨- مجلسي، محمد باقر، مرآه العقول في شرح اخبار آل الرسول (ص) (تصحيح سيد هاشم رسولي، (ايران: طبع دارالكتب الاسلاميه)، ١٣٧٠)

٣٩- محمد محسن بن شاه مرتضى، المحججه البيضاء في تهذيب الاحياء (قم: مؤسسه النشر الاسلامي، ١٣٨٣ ق)

٤٠- موسوي، محمد بن حسين، المجازات النبويه (قم: مكتبه بصيرتي)

٤١- النسائي، أحمد بن شعيب، السنن الكبرى (بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١١ ق)

٤٢- نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤٠٨ ق)

٤٣- نيشابوري، محمد بن عبدالله الحاكم، مستدرک على الصحيحين (بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١١ ق)

٤٤- يزدي، سيد محمد كاظم، عروة الوثقى (بيروت: مؤسسة الاعلمي، چاپ دوم، ١٤٠٩ ق)

## کتب فارسی

- ۴۵- اثنی عشری، محمد، هرگز ازدواج نکنید! (اصفهان: نقش نگین، چاپ اول، ۱۳۸۶)
- ۴۶- افروز، غلامعلی، مبانی روان‌شناختی احساس آرامش و تجربه‌ی خوشبختی (تهران: یسپرون، ۱۳۸۶)
- ۴۷- افروز، غلامعلی، مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی (تهران: مؤسسه انتشارات، چاپ سوم، ۱۳۸۳)
- ۴۸- امینی، ابراهیم، آیین همسرمداری یا اخلاق خانواده (تهران: اسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳)
- ۴۹- انصاری، محمدرضا، گزارش لحظه به لحظه از ازدواج حضرت زهرا علیها السلام (قم: دلیل ما، چاپ دوم، ۱۳۸۵)
- ۵۰- بانکی پورفرد، امیرحسین، حیا (اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ چهارم، ۱۳۸۶)
- ۵۱- بانکی پورفرد، امیرحسین، نکات کلیدی در ازدواج دانشجویی (اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ اول، ۱۳۸۴)
- ۵۲- پاک‌نژاد، رضا، ازدواج مکتب انسان‌سازی (قم: اخلاق، ۱۳۷۴)
- ۵۳- حاج علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق: گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به زوج‌های جوان (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴)
- ۵۴- حسین زاده، اکرم، محمداحسان تقی‌زاده، وصال مهرورزان (اصفهان، حدیث راه عشق، چاپ دوم، ۱۳۸۵)
- ۵۵- حسینی، مجتبی، احکام ازدواج مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، رحیم کارگر (قم: معارف، ۱۳۸۵)
- ۵۶- دانش پژوه، وهاب، رابطه‌ی دختر و پسر (تهران: شبیر، چاپ اول، ۱۳۸۱)

- ۵۷- دانشمند، مهدی، کلبه عشق (قم: خادم الرضا(ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۳)
- ۵۸- رفیعی موحد، مهدی، طلوع آشنایی: اهمیت و مراحل آشنایی پیش از ازدواج، (قم: بوستان قم و انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۰)
- ۵۹- ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث
- ۶۰- روضاتی، احمد، انتخاب همسر: تست ازدواج (اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۷۲)
- ۶۱- شمس‌الدین، سید مهدی، انتخاب همسر و ازدواج (قم: شفق، چاپ سوم، ۱۳۸۳)
- ۶۲- شهید اول، کتاب النکاح، مترجم: حجت الاسلام والمسلمین الهیان (قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر، چاپ اول، ۱۳۷۵)
- ۶۳- صفایی حسین و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده (تهران: میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶)
- ۶۴- غفرانی، محمدجعفر، ازدواج چرا و چگونه؟ (تهران: زمین، چاپ اول، ۱۳۸۰)
- ۶۵- قائمی امیری، علی، نظام حیات خانواده در اسلام (تهران: انجمن اولیاء و مربیان، چاپ هشتم، ۱۳۸۲)
- ۶۶- قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان
- ۶۷- کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان، خلاصه مقالات همایش ازدواج دانشجویی راهکارها و چالش‌ها (اصفهان: کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۸۱)
- ۶۸- کریمی‌نیا، محمدعلی، ازدواج خاطره‌ها و تجربه‌ها (قم: کوثر ادب، چاپ اول، ۱۳۸۴)
- ۶۹- گرجی، مهدی، ازدواج آسمانی (اصفهان: پیام عترت، چاپ اول، ۱۳۸۰)
- ۷۰- مجموعه مقالات، دومین همایش ازدواج دانشجویی راهکارها و چالش‌ها (اصفهان: مرسل، اول، ۱۳۸۳)
- ۷۱- محقق، محمدرضا، آزمون انتخاب همسر (تهران: پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۸۴)
- ۷۲- مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه، سخن آشنایی (اصفهان: حدیث راه عشق،



- چاپ اول، ۱۳۸۴)
- ۷۳- مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، احمد حجتی (قم: الهادی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳)
- ۷۴- مظاهری، حسین، اخلاق در خانه ۱ (قم، بی نا، ۱۳۷۰)
- ۷۵- مظاهری، حسین، اخلاق در خانه ۲ (قم: نشر اخلاق، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴)
- ۷۶- مظاهری، حسین، خانواده در اسلام (اصفهان: بنیاد خیریه المهدی، چاپ اول، ۱۳۸۴)
- ۷۷- مظاهری، حسین، عوامل کنترل گرایز در زندگی انسان (تهران: ذکر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۰)
- ۷۸- مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر (قم: انتشارات پارسیان، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۶)
- ۷۹- ملک محمودی الیگودرزی، امیر، راهنمای ازدواج (قم: میراث ماندگار، چاپ اول، ۱۳۸۵)
- ۸۰- موگهی، عبدالرحیم، احکام خانواده (قم: بوستان کتاب، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۴)
- ۸۱- مؤیدی، علی، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، نشر مشرقین، ۱۳۷۹
- ۸۲- نیلی پور، مهدی، مدیریت خانواده (۱)، (قم: سلسبیل، ۱۳۸۵)
- ۸۳- یزدانی، محمود، یک انتخاب مناسب «همسر گزینی در بیست گام» (مشهد: آهنگ قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۵)



## نوارها و سی‌دی‌ها:

- دکتر احمد لقمانی؛ پیش از ازدواج  
استاد گرجی؛ نگاه به ازدواج  
آیت الله مظاهری؛ آماده سازی جوانان برای ازدواج  
هدایت‌خواه؛ تسهیل ازدواج جوانان  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ اصول کلی در ازدواج  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ شرایط لازم برای ازدواج  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ ملاک و معیار  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ تطابق فرهنگی  
دکتر احمد احمدی؛ ملاک و معیار  
استاد نقویان؛ شناسائی قبل از ازدواج  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ ارتباط دختر و پسر  
دکتر غلامعلی افروز؛ انتخاب دقیق  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ ادامه تحصیل  
دکتر کجباف؛ غرایز جنسی و کنترل آن  
آقای نشاط دوست؛ خودشناسی  
امیرحسین بانکی پورفرد؛ روش‌های شناسائی  
دکتر کجباف؛ روش‌های تحقیقی  
دکتر امیرحسین بانکی پورفرد؛ جایگاه استخاره  
استاد قنبری؛ مهریه و جهیزیه  
آقای آقائی؛ ازدواج‌های آسیب‌زا  
آقای انصاری؛ عقل و عشق در ازدواج

۱. برخی از نوارها و سی‌دی‌هایی که به عنوان مرجع از نکات آن در کتاب بهره گرفته شده است. مجموعه‌ی این سخنرانی‌ها به همراه ۳۰ سخنرانی دیگر در سی‌دی‌های مطلع عشق عرضه گردیده است.

سرکار خانم آیت‌الهی؛ وظایف اخلاقی و حقوقی  
استاد بهادرخان؛ زندگی و جایگاه عشق  
دکتر احمد احمدی؛ هنگامه ازدواج  
خانم دکتر نوایی نژاد؛ تعریف معیارهای ازدواج  
دکتر حبشی؛ همسرگزینی و انتخاب  
دکتر حبشی؛ بهتر بشناسیم (خصوصیات فردی و تفاوت‌های زن و مرد)  
حجت الاسلام نطافت؛ نقش والدین در ازدواج فرزندان  
امیرحسین بانکی؛ خواستگاری (مشاوره، مصاحبه، تحقیق، مشورت، قرارداد)  
حجت الاسلام راشد یزدی؛ نکاتی پیرامون ازدواج موقت  
دکتر محمد جعفر غفرانی؛ ازدواج چرا و چگونه؟  
حجت الاسلام مرویان؛ خواستگاری (۱)  
حجت الاسلام مرویان؛ خواستگاری (۲)  
دکتر محسن ایمانی؛ شیوه شناخت و گزینش همسر (۱)  
دکتر محسن ایمانی؛ شیوه شناخت و گزینش همسر (۲)  
حجت الاسلام راشد یزدی؛ ضرورت‌های ازدواج از نظر اسلام